

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه تقرب

سال ششم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۸۹



صاحب امتیاز: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
زیر نظر: آیت الله محمدعلی تسخیری
مدیر مسئول: علی اصغر اوحدی

شورای سردبیری
سید حسین هاشمی، عزالدین رضائزاد، مرتضی محمدی

مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

علیرضا اعرافی، عباس برومند اعلم، سید احمدرضا حسینی، سید منذر حکیم، سید هادی خسروشاهی،
محمدحسن زمانی، محمدرضا غفوریان، ناصر قربان نیا، نجف لکزایی، محمدهادی یوسفی غروی

مدیر اجرایی: محمدعلی ملاحاشم

ویراستار: احمد اکرمی

حروف چینی و صفحه آرایی: سید محمود حسینی



✓ فصلنامه «اندیشه تقرب» با هدف استحکام بخشیدن به وحدت میان مسلمانان و نیز طرح مباحث اندیشه‌ای در زمینه مشکلات و چالش‌های فراروی جهان اسلام، در حوزه‌های گوناگون فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، تاریخی و... انتشار می‌یابد.

✓ فصلنامه در جهت اهداف یادشده، از مقالاتی که دارای موازین علمی باشند، استقبال می‌کند.

✓ فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.

✓ نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



نشانی: تهران، خ آیت‌الله طالقانی، نرسیده به چهارراه شهیدمفتح، شماره ۳۵۷، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی و پژوهشی

تلفن: ۰۲۱-۸۳۲۱۴۱۱ / ۸۳۲۲۳۲۳ / ۸۳۲۱۴۱۴ / ۸۳۲۱۶۱۶ - ۲۱ - ۰۹۸

قلم: خیابان ساحلی، نیش لواسانی ۱۷، پلاک ۱۶۱ / کد پستی: ۳۷۱۳۶۳۶۵۷ / تلفن فاکس: ۷۷۵۵۴۶۴ / تلفن: ۷۷۵۵۴۴۵ - ۲۵۱ - ۰۹۸

پست الکترونیک: andisheh@taghrib.org

سرمقاله..... ۵

◆ مقالات اندیشه‌ای

- ◆ توازن میان ویژگی‌های فردی، محلی و مصالح عام امت در «گفتمان اسلامی» / آیت الله محمدعلی تسخیری... ۱۱
- ◆ حضرت مهدی (عج) در روایات معتبر فریقین (حدیث اثنا عشر و نسب‌شناسی مهدوی) / غلام محمدفخرالدین... ۱۷
- ◆ بررسی جواز فروش مسجد و متعلقات آن در فقه مقارن / عمر سلطانی آذر ۴۱
- ◆ جهانی‌شدن، اسلام و فضای سایبر / ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میرزایی..... ۵۹
- ◆ علامه شهید سید اسماعیل بلخی ❁ و راهبرد وحدت اسلامی / محمدطاهر اقبالی ۷۹

◆ پیشگامان تقریب

- ◆ نقش مجاهد شهید، ماموستا شیخ الاسلام در تقریب مذاهب اسلامی / رحمان غریبی ۱۰۵

◆ سرزمین‌های جهان اسلام

- ◆ یمن (۳) از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران / ع.ر امیردمی..... ۱۱۹

◆ گزارشی از یک کتاب

- ◆ گزارشی از کتاب «هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی در کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة» / حسین سرمد محمدی... ۱۳۳

◆ اخبار فرهنگی ۱۵۷

◆ مأخذشناسی اندیشه تقریب / سلمان حبیبی

- ◆ ا. آثار منتشر شده به وسیله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ۱۷۷
- ◆ ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب ۱۸۱

◆ چکیده مقالات به زبان عربی / انور رصافی ۱۹۱

◆ چکیده مقالات به زبان انگلیسی / محمد اخوی پور ۲۰۵

سرمقاله

قرآن، کلام الهی و کتاب روشنایی

حکمت و لطف الهی شامل همه مکلفان در طول تاریخ بشر بوده که از نعمت «هدایت آسمانی» برخوردار گردند و خود را از «ظلمات» زمینی برهانند. بعثت پیامبران از ابتدای آغاز زندگی بشر در این کره خاکی تا زمان خاتم وحی آوران، با هدف دعوت بنی آدم به اطاعت حضرت حق و دوری از هر گونه پلیدی و شرک بوده است.

کتاب هدایتی که آخرین فرستاده حق آورده، به زمان و زمین خاصی تعلق ندارد بلکه «هدی للناس» و «رحمة للعالمین» است. معجزه جاودانه پیامبر اسلام ﷺ از زمان نزول، سرچشمه زلال حکمت و هدایت و سیراب‌کننده جان تشنگان حق و حقیقت قرار گرفت و هم‌چنان تالو و نورافشانی می‌کند، گرچه خفاش صفتان تاریخ، که از دیدن نور آن عاجزند در برابر آن موضع‌گیری کرده، آن را «سحر»، «اساطیر اولین» و ... خواندند و همواره در صدد مقابله با آن برخاسته، به انواع حيله‌ها و دسیسه‌ها دست می‌زنند و از عصر ظهور اسلام با روش‌های متفاوت به رویارویی با قرآن پرداخته‌اند، اما هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به مرادشان دست یابند.

آن‌چه که امروزه برخی از دشمنان قرآن و اسلام را واداشته که به اعمال شنیع و وقیح دست زنند و در برابر خورشید هدایت، به سیاهچال مخوف تنگ‌نظری و توطئه رو آورند، گسترش ویژه اسلام در عصر حاضر است که عرصه را بر ددمنشان مستکبر و جاهلان پرمدا تنگ کرده است. در صحنه رقابت فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی، کشور و ملتی که در برابر استکبار قد علم کند، با تمام قوا با وی به مبارزه برمی‌خیزند و اینک در صحنه‌های بین‌المللی، چنین رفتارهایی را با شکل‌های متنوع و متکثر شاهد هستیم، که اگر برخی از آنها از روی جهل و نادانی است، به طور قطع برخی دیگر از روی کینه و دشمنی است که رویارویی ظریف و موضع‌گیری حکیمانه مسلمانان را می‌طلبد.

پیروان هر یک از ادیان الهی هم باید بدانند که اهانت به هر یک از پیامبران الهی و تعالیم و حیانی، اهانت به همه ادیان آسمانی خواهد بود. به کسی نباید اجازه داد به مقدّسات دیگران اهانت کند. چنین کاری نه تنها به سود کسی نیست، بلکه مورد سوءاستفاده مخالفان دین قرار گرفته، تقابل دینی و بیدینی را رقم خواهد زد. از همین روست که در جنگ ادیان همانند بسیاری از جنگ‌های دیگر، ارزش‌های دینی طرفین از بین رفته، فرصتی برای بازیابی آنها باقی نمی‌ماند، چنان‌که مادی‌گرایان و منکران خدا و وحی، بیشترین سودشان را در این درگیری‌ها به دست می‌آورند.

جریان اهانت به قرآن و طرح قرآن‌سوزی از سوی یک کشیش افراطی در آمریکا، نشان‌دهنده درمادگی دشمنان در عصر پیشرفت و تمدن است؛ آنان که در «جاهلیت مدرن» بی‌خردانه‌تر از جاهلیت قدیم به مقابله برخاسته و قدرت جلوگیری از گسترش و نفوذ قرآن در جوامع بشری معاصر را از دست داده و به جای آن که خود بیندیشند و از معارف بلند قرآن بهره گیرند، با انجام حرکت‌های کور و متعصبانه و رفتار جنون‌آمیز در پی احیای مجدد جنگ‌های صلیبی‌اند. اهداف تهاجم اخیر به قرآن کریم، همان‌گونه که در پیام عالمانه، هوشمندانه و حکیمانه مقام معظم رهبری (در پیام ۲۲ شهریور ۱۳۸۹ که در سازمان ملل هم به ثبت رسیده) به خوبی ترسیم شده است، در محورهای زیر خلاصه می‌شود:

۱. اسلام‌ستیزی و ایجاد هراس در میان مردم دنیا نسبت به قرآن کریم به منظور جلوگیری از گسترش اسلام؛
 ۲. انتقام از اسلام و قرآن به خاطر پاره کردن زنجیرهای استعمار و استثمار انسان‌ها و ایجاد هوشیاری سیاسی و معرفت دینی برای نسل حاضر در جهان معاصر؛
 ۳. شکستن قداست و جایگاه دینی، علمی و معنوی قرآن کریم در نگاه جامعه بشری معاصر و به انزوا کشاندن تفکر دینی به ویژه تعالیم رهایی‌بخش اسلامی؛
 ۴. ایجاد تفرقه و درگیری فرقه‌ای میان مسلمانان و مسیحیان و در نهایت، اجرایی نمودن پروژه جنگ تمدن‌ها با بهره‌گیری از سلاح‌ها و ابزار آلات پیشرفته نظامی - فرهنگی؛
 ۵. ایجاد جنجال و تبلیغات برای انحراف اذهان مسلمانان و جامعه جهانی از مسائل مهم جهان اسلام مانند فلسطین، عراق و افغانستان در شرایط کنونی.
- به تعبیر معظم‌له: «هدف از اقدام نفرت‌انگیز اخیر آن است که از سویی مقابله با اسلام و مسلمانان در جامعه مسیحی به سطوح همگانی مردم کشیده شود و با دخالت کلیسا و کشیش، رنگ

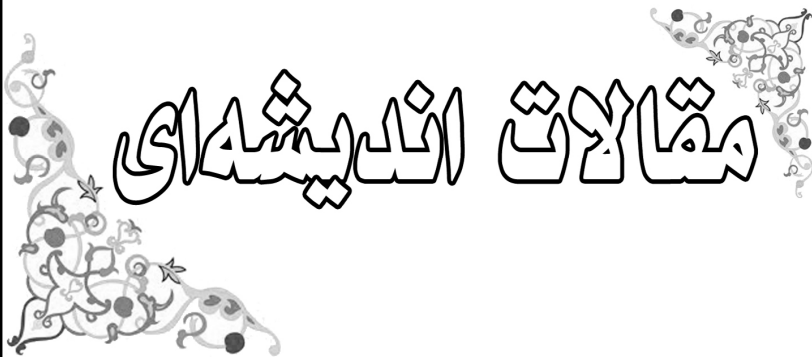
مذهبی گرفته و پشتوانه‌ای از تعصبات و تعلقات دینی بیابد، و از سوی دیگر ملت‌های مسلمان را که از این جسارت بزرگ به خشم آمده و جریحه‌دار می‌شوند از مسائل و تحولات دنیای اسلام و خاورمیانه غافل سازد. این اقدام کینه‌توزانه، نه آغاز یک جریان، بلکه یک مرحله از روند طولانی مدت اسلام‌ستیزی به سرکردگی صهیونیسم و رژیم آمریکا است. اینک همه سران استکبار و ائمه‌الکفر در برابر اسلام قرار گرفته‌اند. اسلام، دین آزادی و معنویت انسان، و قرآن کتاب رحمت و حکمت و عدالت است؛ وظیفه همه آزادی‌خواهان جهان و همه ادیان ابراهیمی است که در کنار مسلمانان با سیاست پلید اسلام‌ستیزی با این شیوه‌های نفرت‌بار مقابله کنند. سران رژیم آمریکا نمی‌توانند با سخنان فریبنده و میان‌تهی، خود را از اتهام همراهی با این پدیده زشت تبرئه کنند. سال‌هاست که مقدسات و همه حقوق و حرمت میلیون‌ها مسلمان مظلوم در افغانستان و پاکستان، در عراق و لبنان و فلسطین زیر پا گذاشته شده است. صدها هزار کشته، ده‌ها هزار زن و مرد اسیر و زیر شکنجه، هزاران کودک و زن ربوده شده و میلیون‌ها معلول و آواره و بی‌خانمان، قربانی چه چیزی شده‌اند؟ و با همه این مظلومیت‌ها، چرا در رسانه‌های جهانی غرب، مسلمانان را مظهر خشونت و قرآن و اسلام را خطری برای بشریت وانمود می‌کنند؟ چه کسی باور می‌کند که این توطئه گسترده بدون کمک و دخالت حلقه‌های صهیونیستی درون دولت آمریکا ممکن و عملی است؟!»

بدیهی است در برابر این خباثت و سایر جنایات باید موضع‌گیری حکیمانه و هوشمندانه داشت و سرسلسله جرم را شناخت و در پی افشا و از بین بردن آن بود. چنین تحرکاتی در جهان مسیحیت را نباید به عهده کلیسا و مسیحیت گذاشت و «حرکات عروسکی چند کشیش ابله و مزدور را نباید به پای مسیحیان و مردان دینی آنان نوشت. ما مسلمانان هرگز به عمل مشابهی در مورد مقدسات ادیان دیگر دست نخواهیم زد. نزاع میان مسلمان و مسیحی در سطح عمومی، خواسته دشمنان و طراحان این نمایش دیوانه‌وار است و درس قرآن به ما، در نقطه مقابل آن قرار دارد.»

به نظر می‌رسد ما در مقابل تجاوز به حریم قرآن کریم باید بیش از گذشته، ابزارها و روش‌های گرداندگان پروژه‌های تبلیغاتی علیه قرآن و اسلام را بشناسیم و همه افشار به‌ویژه نویسندگان، هنرمندان، مبلغان، استادان و اصحاب فرهنگ در سطح جهان اسلام با آگاهی و شناخت دقیق از شگردهای دشمنان، به مقابله هوشمندانه و روشن‌گرایانه با ترفندهای آنان پردازند. از سوی دیگر، نباید غافل بود که اطلاع‌رسانی علمی - فرهنگی به غیر مسلمانان در سراسر جهان نسبت به عواقب چنین تحرکات جنون‌آمیزی در اهانت به مقدّسات یک میلیارد و نیم مسلمان در جهان می‌تواند گام

مؤثر دیگری باشد تا بدخواهان به تکرار چنین جسارتی نپردازند. آگاهی بخشی و هدایت افرادی که از سر چهل و نادانی به تهاجم علیه اسلام مشغول اند، از طریق برهان و استدلال، موعظه و نصیحت و نیز یادآوری تاریخ و عبرت‌های گذشتگان مؤثر خواهد بود، چنان‌که ایستادگی و صلابت در برابر کسانی که از سر عناد و از روی علم و آگاهی با نقشه و هدف‌مند به تهاجم و مقابله با قرآن برخاستند، کارساز خواهد بود تا آنان انگاره ضعف و زبونی مسلمانان را از ذهنشان پاک کنند و رویایی آگاهانه و پرصلابت را ملاحظه کرده، دست از کارهای زشتشان بردارند.

با امید به لطف و رحمت الهی، آرزو داریم جهانی پر از صفا و صمیمیت را در پیش داشته باشیم و از انجام هر حرکتی که مایه تفرقه و کینه می‌گردد، پرهیز کرده، قرآن کریم این کلام الهی و کتاب روشنایی را در صدر سخنان جهانیان و روشن‌گر زندگی همگان قرار دهیم. ان شاءالله



توازن میان ویژگی‌های فردی، محلی و مصالح عام امت در «گفتمان اسلامی»

آیت الله محمدعلی تسخیری^۱

چکیده:

اسلام شیوه‌های بسیار جالبی در باب گفت‌وگوی منطقی و سازنده در تاریخ اندیشه بشر دارد. در این نوشتار، از گفتمان اسلامی به معنای گفتمان تبلیغی و رسانه‌ای اندیشمندان اسلامی که فرهنگ و خرد امت اسلامی را مورد خطاب قرار می‌دهد و جایگاه تمدنی امت را در میان بشریت مشخص می‌کند، بحث شده و حرکت رسانه‌ای اندیشمندان دست‌اندرکار را جهت دستیابی به گفتمان دینی دارای توازن، واقع‌گرایی، خردورزی و نرمش و انعطاف، نقد می‌نماید.

واژگان کلیدی: گفتمان اسلامی، امت اسلامی، گفتمان رسانه‌ای و تبلیغی، گفتمان دینی.

مراد از «گفتمان اسلامی» در این‌جا، گفتمان آموزشی سطحی یا عمیق و نیز گفتمان شیوه‌ای ادبی نیست بلکه منظور گفتمان تبلیغی - رسانه‌ای است که با توده‌های گسترده مردم سر و کار دارد و افکار عمومی را سمت و سو می‌دهد. ما بر این باوریم که نیازی نیست وارد فلسفه‌بافی گفتمان و بیان تعریف و اقسام و عناصر و ضوابط و معیارهای آن شویم، زیرا نزد اهل اندیشه روشن است. اهداف شریعت نیز در این میان کاملاً روشن است و در این خلاصه می‌شود که این گفتمان باید حقیقت را به دیگران برساند؛ به عبارت دیگر، می‌توان این گفتمان را «روند رساندن حقیقت از سوی حاضران به غائبان» تلقی کرد، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز [در پایان یکی از خطبه‌های معروف خود] فرموده است: «حاضران به سمع غائبان برسانند»^۲

اسلام شیوه‌های بسیار جالب و روش‌های بدیعی در سوق دادن دیگران به سوی گفت‌وگوی

۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۲- «البخاری» در صحیح، ج ۲، ص ۱۹۱ و ج ۸، ص ۹۱، «مسلم» در صحیح، ج ۵، ص ۱۰۸، بیهقی در سنن کبری، ج ۵، ص ۱۵۲ و ج ۷، ص ۶۰ و «احمد» در مسند، ج ۱، ص ۲۳۰ و ج ۴، ص ۳۲ و ج ۵، ص ۴ و ج ۶، ص ۳۸۵ آنرا روایت کرده‌اند.

منطقی و سازنده دارد که می‌توان آن را نظریه همه جانبه و جامع و پیشاهنگی در تاریخ اندیشه بشر قلمداد کرد.

ولی احساس می‌شود که در حال حاضر، گفتمان رسانه‌ای اسلامی گرفتار آفات و بیماری‌های چندی است که آن را از تحقق اهداف خود باز می‌دارد. این آفات را در «افراط‌گرایی غیر قابل قبول» و دور شدن از «خردورزی»، «اعتدال» و «توازن» می‌توان خلاصه کرد.

نیازی نیست که از میزان پای‌بندی اسلام به این موارد، سخن گفت، زیرا به اندازه‌ای که حضور آنها در مفاهیم و ارزش‌ها و اخلاقیات آن روشن است در احکام شرعی آن نیز روشن بوده و مسلم به شمار می‌رود.

شایان یادآوری است که منظور ما از گفتمان رسانه‌ای، آن گفتمان رایج و سطح پایین در حد توجه به مسایل جزئی و عادی و عوامانه نیست بلکه گفتمان رسانه‌ای اندیشمندان اسلامی است که فرهنگ و خرد امت اسلامی و شیوه زندگی آن را مورد خطاب قرار می‌دهد و جایگاه تمدنی این امت در میان بشریت را مشخص می‌سازد.

بنابراین تلاش کنونی ما خودانتقادی از حرکت اندیشمندان دست‌اندرکار این گفتمان رسانه‌ای و فراخوانی به تحقق اعتدال و میانه‌روی در فاصله‌های زیر است:

- از سطحی‌نگری تا تعمق‌های پیچیده؛
 - از گرایش‌های شتابزده زودگذر تا تأمل‌های ریشه‌ای و بلندمدت؛
 - از تخصص تا عدم انحصار؛
 - از عزلت‌گزینی تا تأثیرپذیری مفرط؛
 - از تعصب تا عقب‌نشینی از اصول؛
 - از گرایش ارتجاعی تا گرایش‌های پیشروانه دروغین؛
 - از پای‌بندی‌های افراطی به ارزش‌ها تا لابلالی‌گری نسبت به آنها.
- که همگی نمونه‌هایی از آفات گریبان‌گیر گفتمان‌های کنونی است.

- خودانتقادی از حرکت اندیشمندان اسلامی معاصر

آدم‌ها به لحاظ گرایش‌های منطقی و ظرفیت انتقادپذیری، با یک‌دیگر متفاوت‌اند؛ برخی کمترین رنجشی از انتقادهای شخصی، هرچند تند و خشن هم باشد، به دل نمی‌گیرند، حال آن‌که گروهی دیگر، از هر انتقادی هر چند منطقی و سازنده باشد، به شدت رنجیده‌خاطر می‌شوند. ولی باید دانست که انتقاد از یک جنبش و گرایش فکری، امری کاملاً طبیعی است و افراد را به تأمل و تجدیدنظر فرا می‌خواند بی‌آن‌که سر و صداهای کوتاه‌فکرانه یا احساسات جریحه‌دار شده‌ای را در پی داشته باشد که راه اندیشه آرام را سد می‌کند؛ خشم شدید و فراتر از حد، همواره چنین پیامدهایی دارد.

آن‌چه در پی آیینیم، تحریک حس خودانتقادی نسبت به روند اندیشه متداول در جهان معاصر اسلامی است که به صورت کتاب، مقاله یا سخنرانی‌های فردی یا جمعی با عنوان میزگرد یا کنفرانس فکری مطرح می‌گردد.

ولی شیوه ما مبتنی بر ایراد اتهام‌های صریح به بزرگان فکری که نامشان در این یا آن اثر یا نشریه اسلامی تکرار می‌شود، نیست بلکه برخی بیماری‌ها، آفات و نواقصی را مطرح می‌سازد که هیچ‌کس در جنبه بیمارگونگی و آفت بودن آنها تردید ندارد. آن‌گاه به اندیشمند فرصت داده می‌شود که خود و برکنار از انگیزه‌های درونی و شخصی و با فرض این‌که خالصانه در راه اعتلای کلمه حق و برای رضای خدا کار و تلاش می‌کند، ببیند آیا انتقاد مطرح شده خود او و کارهایش را نیز در بر می‌گیرد یا خیر.

پیش از طرح برخی از این آفات بیمارگونه، شایسته است بر دو حقیقت عینی زیر تأکید گردد:

۱- وجود برخی اندیشمندان روشن‌بینی که خداوند متعال به آنان توان پرواز فکری مجرد و اخلاص برای او - جل شأنه - را عطا کرده است؛ توانی که آنان را از افتادن در لغزش‌گاه‌ها برکنار داشته و به محملی برای هدایت الهی تبدیلشان ساخته است؛

۲- انتظار تغییرات اساسی در جنبش فکری اسلامی و همسویی آن با دگرگونی‌های همه جانبه‌ای که چون موهبتی الهی بخش‌های جهان اسلامی ما را به یک‌دیگر نزدیک‌تر می‌سازد. بنابراین، آن‌چه فرا روی ماست پیش از بدبینی، خوشبینی است؛ ما خود را در برابر امید بسیار نزدیکی در شکوفایی اندیشه درخشان اسلامی می‌یابیم که به یاری خداوند متعال سرتاسر جهان اسلام را در پرتو نور خود قرار خواهد داد.

حال به برخی نقاط ضعف و حالت‌های بیمارگونه‌ای که اندیشه، یا به عبارت دقیق‌تر اندیشمندان، بدان گرفتار می‌شوند، اشاره می‌شود:

نخستین نقطه ضعف، وابستگی و دنباله‌روی است که دهان‌ها را می‌بندد و غالباً به صورت تبعیت از افراد با نفوذ صورت می‌گیرد. این وابستگی مرگبار نیز برخاسته از شرایطی است که طرف مسلط، آنها را تحمیل می‌کند هم‌چنان که می‌تواند ناشی از ضعف نفس خود اندیشمند و نیازهای اقتصادی یا درونی وی به این وابستگی باشد.

می‌توان برای این وابستگی پیامدهای منفی بسیاری را برشمرد که با عنصر تعارف و عدم اشاره به موارد ناراحت‌کننده، آغاز می‌شود و در پی پرشدن شکم از حرام و برآمده شدن رگ‌ها از خون ستم‌دیدگان، به تحریف عمدی حقایق، منتهی می‌گردد.

و در فاصله این انجام و فرجام، می‌توان افراد بسیاری را که در جهان اسلامی ما به نام اسلام و تربیت و روشنگری دینی می‌نویسند یا سخنرانی می‌کنند برشمرد! آیا آنانی که گران‌بهارترین گوهر

زندگی، یعنی «زندگی خردمندانه» خود را به خردان بی‌مایه فروخته و به مدح و ستایش نادانانی می‌پردازند که از درک گفته‌های خویش عاجزند، به این موضوع اندیشیده‌اند؟! آری، پیامدهای این وابستگی مراتب گوناگونی دارد، گاه خودداری از بیان چیزهایی است که ارباب قدرت را به خشم می‌آورد و بسنده کردن به روشنگری‌هایی به دور از تحریک امت علیه ستم‌گری و ستم‌کاری است و گاهی نیز توجیه کارها و اقدامات این اربابان تا حد شرکت در جنایات آنهاست. نمونه بیمارگونه دیگر - در بعد فکری - تکرار خسته کننده و ملال‌آور اندیشه بی‌هیچ ابتکار و خلاقیتی در گستره موضوعات مورد بررسی یا راه‌حل‌ها و برداشت‌هاست و دردآورتر این‌که هنوز کسی را نیافته‌ایم که گام برداشته شده از سوی اندیشمند بزرگ اسلامی «مرحوم آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر^۱» در عرصه اقتصادی را آن هم به رغم گذشت نیم قرن از این تجربه پرشکوه از یک سو و نیاز مبرم به چنین گام‌های فکری بزرگی از سوی دیگر، دنبال کند.

اینک عرصه‌های فکری فراروی ماست که باید در این عرصه‌ها حرکت کرده و به چنین پدیده‌هایی توجه کنیم و به هر صورتی که مناسب می‌دانیم آنها را محکوم نماییم.

نقطه ضعف دیگر که به نظر خیلی هم روشن می‌رسد، مسئله عدم تعامل با واقعیت‌های موجود و دوری گزیدن - جز در موارد بسیار اندک - از مشکلات واقعی امت بنا به دلایل بسیاری از جمله آن چه به عنوان نرنجاندن صاحبان نفوذ از آن یاد شد، و نیز عدم احساس درد توده‌های مردم و فاصله گرفتن از آنان و... است. به همین دلیل چه اندک است نوشته‌ها و آثاری که در مورد زمینه‌های مناسب اجرای تمامی احکام اسلام در چارچوب وحدت همه جانبه اسلامی و با عدم توجه به مرزها و منافع تنگ‌نظرانه، به رشته تحریر در می‌آید! آیا مطالعات و پژوهش‌های کافی در مورد مکتب‌ها و اندیشه‌های منحرفی که سرتاسر جهان اسلامی ما را درنوردیده است، از جمله ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه، مارکسیسم، اندیشه‌های سرمایه‌داری و لائیک، هرمنوتیک و جهانی شدن و... صورت گرفته است؟ در همین زمینه، شاهد جای خالی مطالعات دانشگاهی اسلامی هستیم؛ کتاب‌های درسی که در پی پر کردن این خلأ باشد، کجاست و آیا ما توانسته‌ایم این شور و شوق دانشگاهی را که چشم امید به اسلام دوخته و واقعیت غیر قابل تردیدی هم هست، برآورده سازیم؟ ما در برابر این امر چه کرده‌ایم؟ تجربه‌های مربوط به اسلامی کردن دانشگاه‌ها نیز ناقص و گرفتار اندیشه‌های وارداتی و بدون توجه به عدم انسجام آنها با واقعیت اسلامی ما بوده است. اگر خواسته باشیم نقاط ضعف

۱- «امام بزرگوار شهید سید محمد باقر صدر^{علیه السلام}» در سال ۱۹۸۰ میلادی به دست دژخیمان رژیم صدام به شهادت رسید. اندیشه‌های خلاق این بزرگ‌مرد در عرصه‌های فقه و اندیشه و سیاست و اقتصاد بر هیچ کس پوشیده نیست؛ آثاری چون: «اقتصادنا»، «فلسفتنا»، «دروس فی اصول الفقه»، «الاسس المنطقیه للأستقراء» و غیره... از اوست.

مربوط به این جنبه را برشماریم با لیست بلندی روبه‌رو خواهیم شد که از هیچ‌کدام از عناصر آن نمی‌توان گذشت.

توازن میان ویژگی‌های فرد، کشور و جنبه‌های عام امت

مشاهده می‌شود که برخی نمونه‌های گفتمان دینی، به معنای وسیع آن، چنان در خصوصیات فردی خلاصه می‌شود که گویی دین تنها برای پرورش جنبه‌های فردی انسان آمده و جنبه‌های اجتماعی او را کاملاً نادیده گرفته است؛ می‌توان این ویژگی را یا ناشی از غرق شدن در خصوصیات فردی و به فراموشی سپردن جنبه‌های اجتماعی از سوی پژوهشگر و اندیشمند دانست و یا به تأثیرپذیری از اندیشه دینی غربی که دین را موضوعی فردی و بدون پیوند با زندگی عمومی [فرد - جامعه] تلقی می‌کند، نسبت داد.

از این نمونه می‌توان به فتوا دادن به صرف زکات در محل خاص خود اشاره کرد، حال آن‌که برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی تنها با مرکزیت عام [و سازماندهی متمرکز] امکان‌پذیر است. گاهی نیز مشاهده می‌شود که چنان بر منافع محلی یا ملی یا حتی مذهبی تأکید می‌شود که منافع عالیه امت یا حتی همه جانبه و جهان‌شمولی اسلام به فراموشی سپرده می‌شود.

این‌که پیروان مذاهب مختلف، چنان با اندیشه‌های مذهبی ویژه خود پر شوند که اگر مضمون آیه‌ای از قرآن مجید برخلاف مذهبشان باشد، شگفت‌زده شوند نیز در همین راستا قرار دارد.

امام فخر رازی از برجسته‌ترین استاد خود نقل کرده که می‌گوید: «به جماعتی از مقلدان فقها برخورد کردم و برایشان آیه‌ای از قرآن مجید در خصوص برخی مسایل را تلاوت نمودم، احکام مذهب ایشان برخلاف محتوای آیات قرائت شده بود، به همین دلیل، آیات یاد شده را نپذیرفتند و توجهی به آنها نکردند و شگفت‌زده به من خیره شدند؛ یعنی این‌که چگونه می‌توان به ظاهر این آیات عمل کرد حال آن‌که از نیاکان ما روایاتی در خلاف آنها وارد شده است. و می‌افزاید: اگر به درستی تأمل کنی خواهی دید که این آفت در میان بیشتر اهل دنیا وجود دارد.» (فخررازی، ج ۱۶، ص ۳۷).

گاه می‌بینیم که گفتمان دینی بر رشد و توسعه درآمدهای ملی در چارچوب منافع ملی و بی‌توجه به اوضاع عام اسلامی و ضرورت هماهنگی با آن در راستای تحقق مصالح عالیه اسلام، تأکید کرده است.

و چه بسا خطرات سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی محلی نیز به دور از روند کلی اوضاع جهان اسلام و مقتضیات آن مورد توجه قرار گرفته است.

و سرانجام این‌که می‌بینیم این گفتمان، برنامه‌ریزی‌های خود را تنها به اصلاحات جزئی فردی و به دور از دغدغه‌های عام امت، اختصاص می‌دهد.

و در مقابل، شاهد آنیم که برخی انواع گفتمان‌ها، در تعمیم مسایل و کلی‌نگری و خاطر نشان ساختن منافع امت چنان راه افراط در پیش می‌گیرند که ویژگی‌های محلی، ملی، سرزمینی و طبیعت خاص ملت‌ها را به فراموشی می‌سپارند و به همین دلیل کمترین تأثیری به جای نمی‌گذارند و از سوی شنوندگانی که با چنین لحن و زبانی بیگانه‌اند و گرفتار مشکلات و دردهای خویش‌اند، با عدم اقبال کامل روبه‌رو می‌شوند.

به همین دلیل است که گفتمان دینی باید به «توازن»، «واقع‌گرایی»، «خردورزی» و «نرمش و انعطاف» که همگی از پدیده‌های عام اسلامی‌اند، بازگردد و بر نکاتی تأکید کند که مهم‌ترینشان عبارت است از:

- ۱- توجه به منافع و مصالح عام و خاص با اولویت بخشیدن به مصلحت عام در صورت تعارض؛
- ۲- تکیه بر دید اجتماعی و مقاصد عام شریعت با توجه به مقاصد (اهداف) خاص هر مجموعه؛
- ۳- اصالت بخشیدن به ویژگی‌های فرهنگ ملت‌ها و خلق‌ها و برقراری هماهنگی و هم‌سویی میان آنها؛
- ۴- در نظر گرفتن اصل وحدت اسلامی در مواضع عملی و تحمّل پلورالیسم فکری با گرایش کشف عرصه‌های مشترک و توسعه این عرصه‌ها و همکاری در پیاده کردن آنها و تسامح با یک‌دیگر در موارد اختلاف؛
- ۵- در نظر گرفتن جنبه‌های عام پدیده‌های کلی اسلام - که به آنها اشاره شد - در روند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای طبیعی و انسانی - معنوی.

منابع و مآخذ

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد*، چاپ دار صادر، بیروت.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، چاپ دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۳. بیهقی، احمد بن حسین، *سنن کبری*، چاپ دار الفکر، بیروت.
۴. تسخیری، محمدعلی، *الظواهر العامه فی الاسلام*، چاپ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۵. فخر رازی، محمد بن عمر، *تفسیر کبیر*، چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۶. مسلم، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، چاپ دار الفکر، بیروت.



حضرت مهدی (عج) در روایات معتبر فریقین (حدیث اثناعشر و نسب‌شناسی مهدوی)

غلام محمد فخرالدین^۱

چکیده

عقیده مهدویت جزء مسلمات مذاهب اسلامی است و اختلاف فقط در مصداق آن می‌باشد. اهل سنت در مورد روایات خلفای اثناعشر اقوال متعددی دارند، اما با بررسی روایات فریقین و اقوال آنها به این واقعیت می‌رسیم که مراد روایات از خلفای اثناعشر، ائمه اثناعشر شیعه می‌باشد. در بعضی روایات اهل سنت آمده که اسم پدر حضرت مهدی (عج) همان اسم پدر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، اما بعد از بررسی روایات فریقین به این نتیجه می‌رسیم که اسم حضرت مهدی (عج) همان اسم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و پدر ایشان امام حسن العسکری علیه السلام و او از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام و از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌باشد.

واژگان کلیدی: امام مهدی، صحاح سته، منابع شیعه، خلفای اثناعشر، حسن العسکری، شیعه، اهل سنت، فریقین، روایت.

عقیده مهدویت نزد فریقین

عقیده به مهدی موعود یکی از مسلمات مذاهب اسلامی است. علمای فرقه‌های مختلف اهل سنت، احادیث مهدویت را متواتر دانسته‌اند. ابن حجر هیثمی مکی، احمد ابوالسرود الصباح الحنفی، شیخ محمد الخطابی المالکی، و شیخ یحیی بن محمد الحنفی، از علمای مذاهب اربعه اهل سنت، احادیث مهدویت را مسلم دانسته‌اند. (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۲۰، به نقل از هندی، ص ۱۷۸). اما نزد شیعه عقیده مهدویت جزء اصول مذهب است. علامه حسن‌زاده آملی می‌گوید: «اگر کسی در خصوص شخص حضرت مهدی (عج) موعود اندک تتبعی در جوامع روایی فریقین و کتب سیره و تاریخ آنها بنماید، حقیقت به وی مسلم خواهد شد که ایمان به مهدی موعود و ایقان به ظهور از بدو اسلام مرکز اذهان بوده است.» (حسن‌زاده آملی، ص ۱۸).

۱- دکتری تفسیر تطبیقی.

با بررسی مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی و تفسیری اهل سنت و شیعه، این حقیقت آشکار می‌شود که نخستین کسی که درباره عقیده مهدویت و اوصاف آن سخن گفت خود رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. (فقیه ایمانی، پیشین، ص ۷). اگر چه در مصداق مهدی موعود اختلاف وجود دارد، اما اصل قضیه مهدویت یکی از مسلمات فریقین است و از صدر اسلام تا امروز احدی از مسلمین منکر اصل عقیده مهدویت نشده است. (سبحانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۲۳).

در آثار طرفداران مکتب خلافت، ظهور مهدی موعود یکی از نخستین و نامدارترین علامات رستاخیز بزرگ به شمار می‌رود. از این رو در مصنفات دانشمندان اهل سنت، روایات و مباحث مهدویت بیشتر به دنبال گفت‌وگو از «اشراط الساعه» نقل و مطرح می‌شود. (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۴۹؛ ابن اثیر جذری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲۷؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ حوی، ۲، ص ۹۶۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۰۳).

شهید مطهری می‌گوید: «اگر می‌خواهید بفهمید که مسئله مهدویت منحصر به شیعه نیست، ببینید آیا مدعیان مهدویت در میان شیعه زیاد بودند یا در میان اهل سنت. می‌بینید مدعیان مهدویت در میان اهل تسنن زیاد بودند». (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۱ش، ج ۱۸، ص ۱۴۸).

طبق تحقیقات بعضی از دانشمندان، ذکر حضرت مهدی در بیش از هفتاد کتاب معتبر اهل سنت آمده است. (خلخالی، ص ۲۰۷). خلاصه مطلب این است که عقیده مهدویت در میان اهل سنت یک حقیقت غیرقابل انکار و تردید است. علامه حسن‌زاده آملی در این باره گفته است: «امامیه را در این سرّ الهی (حضرت مهدی) همان صحاح و سنن اهل سنت حجت بالغه است». (حسن‌زاده آملی، پیشین، ص ۸).

واژه‌شناسی

۱- کلمه مهدی در لغت قدیم

کلمه «مهدی» از جهت صرفی اسم مفعول ثلاثی مجرد از ریشه ناقص (معتل اللام) «هدی» یهدی و هدایه» می‌باشد. از آن‌جا که در لغت‌نامه‌های زبان عربی در سده‌های نخستین اسلامی، واژه مهدی به طور ممتاز و مستقل یادآوری نشده، بلکه همان ریشه اصلی معنا شده است، درباره این واژه سخن بسیار زیاد است، اما قول احمد بن فارس جامع عام اقوال است. وی می‌گوید:

«هدی... اصلاّن احدهما التقدّم للارشاد و لآخر بعثه لطف فالاول قولهم هدیته الطريق هدایه لتقدمه لارشد و لاصل لآخر ما اهدیت فی لطف الی ذی صوره.» (احمد بن فارس، ۱۳۸۹ق، ج ۶، ص ۴۲).

طبق این سخن، معنای این واژه در دو مطلب خلاصه می‌شود: الف - پیش افتادن برای نشان دادن راه درست و روشن ساختن مسیر صحیح؛ ب - دادن و بخشیدن هر نوع تحفه، پیش‌کش، قربانی یا تقدیمی.

۲- واژه مهدی در لغت جدید

در لغت‌نامه‌های که در قرون میانه یا اخیر، ویژه کلمات مشکله آثار و اخبار فراهم گردیده، کلمه مهدی را به عنوان یک اشتقاقی در شکل مستقل مطرح نموده و معنای عام لغوی آن را از شاخه نخستین دانسته‌اند و برای این واژه در متون دینی معنای خاص اصطلاحی برشمرده‌اند. در این مورد نمونه‌ای از دو کتاب لغوی فریقین آورده می‌شود:

ابن اثیر گفته است:

«المهدی الذی قد هداه الله الی الحق و قد استعمل فی الاسماء حیت صارت کالاسماء العامه و به سمی المهدی الذی بشر به النبی انه یجیی فی آخر الزمان». (ابن اثیر جذری، ۱۳۱۱ق، ج ۴، ص ۲۴۴).
فخر الدین طریحی گفته است:

«المهدی من هداه الله الی الحق و المهدی اسم للقائم من آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الذی بشر بمجیئه فی آخر الزمان» (طریحی، ۱۴۶۵ش، ج ۱، ص ۴۸۵).

طبق این دو منبع، معنای مهدی در دو نکته خلاصه می‌شود: الف - به معنای خاص لغوی، یعنی هدایت شده الهی به سوی حق؛ ب - در شکل اسم علم با مصداق معنای اصطلاحی به عنوان موعود منتظر اسلام.

۳- واژه مهدی در قرآن

اگر چه قریب هفتاد شکل از مشتقات و ریشه لغوی «هدی» در قرآن به کار رفته که در مجموع ۳۱۶ مورد می‌شود (روحانی، ج ۱، ص ۵۶۴)، اما واژه مهدی در میان آنها نیست. کلمه «مهدی» که معنای بسیار نزدیک با مهدی دارد، به شکل مفرد چهار بار و به صورت جمع هفت بار در قرآن آمده است. (عبدالباقی، ۱۴۶۶ق، ص ۴۱۵) در سه مورد از این آیات، به مفهوم هدایت شده الهی درباره واژه مهدی تصریح شده است: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ» (اعراف/۱۷۸)؛ «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ» (اسراء/۹۷)؛ «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ» (کهف/۱۷).

۴- واژه مهدی در روایات

درباره این واژه سه دسته روایات وجود دارد. برای نمونه، از هر سه دسته به نقل یک روایت اکتفا می‌شود.

دسته اول: این دسته بیشترین مورد را در بر می‌گیرد. این روایت کلمه مزبور را در مصداق خاص، یعنی موعود منتظر اسلام، استعمال کرده است. مثل این روایت که مورد قبول فریقین است: «ابشرکم با المهدي يبعث على اختلاف من الناس و زلزال يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (ابن حنبل، ۱۳۱۳ق، ج ۳، ص ۳۷؛ سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۸؛ طبرسی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۵).

دسته دوم: در این دسته روایت، مهدی به معنای هدایت شده الهی آمده است.

نمونه از روایت شیعه: «اوصیایی الی یوم القیامه کلهم هادون مهدیون و اول اوصیایی بعدی اخی علی بن ابی طالب ثم الحسن، ثم حسین ثم...» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۲۱). در این جا مهدی به معنای هدایت و هدایت‌گر آمده است.

نمونه از روایت اهل سنت: «فعلیکم بسنتی و سته الخفاء الراشدین المهدیین». (طبرانی، ۱۳۹۵ق، ج ۱۸، ص ۴۴۴؛ بیهقی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۱۱۴) در این جا هم مهدی به معنای هدایت‌شده آمده است. دسته سوم: در این دسته روایت، مهدی به معنای عام لغوی، یعنی راهنمایی‌شده و هدایت‌یافته، آمده است. این روایت از آن جمله است: «المهدی من اهتدیت» (دار القطنی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۶۸؛ نوری، ج ۶، ص ۱۴۱).

امامت حضرت مهدی (عج)

کتاب‌های معتبر اهل سنت به‌ویژه صحاح الستة و همچنین کتاب‌های معتبر حدیثی شیعه روایت خلفای اثناعشر را نقل کرده‌اند. این روایت بر امامت ائمه اثناعشر دلالت می‌کنند. از این جهت که حضرت مهدی (عج) یکی از ائمه اثناعشر است، این روایات ضمناً امامت حضرت مهدی (عج) را هم اثبات می‌کند. از این رو نمونه‌هایی از روایات فریقین ذکر می‌شود:

۱- روایات اهل سنت

نخست به نقل و بررسی روایات اهل سنت می‌پردازیم. در یکی از این روایات آمده: «حدثنی محمد بن المثنی، حدثنا غندر حدثنا شعبه، عن عبدالمکک سمعت جابر بن سمره قال: سمعت النبی ﷺ یقول: یكون بعدی اثناعشر امیراً فقال کلمة لم اسمعها، فقال ابی: انه یقول کلهم من قریش». (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۷۱، ح ۷۲۲۲).

دیگر ائمه صحاح هم همین روایت را با همین مضمون، با اندک تفاوت لفظی نقل نموده‌اند. (نیشابوری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۳، ح ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۴۰، ح ۲۳۲۳، ۲۳۲۴؛ سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۴۲۷۹، ۴۲۸۰، ۴۲۸۱).

اعتبار و جایگاه روایات مذکور

دانشمندان، محدثین و رجالین اهل سنت، روایات خلفای اثناعشر را مقطوع‌الصدور، مسلم، معتبر و عالی‌السند می‌دانند و دربارهٔ صحت آنها تردید ندارند. (ابن عربی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۶۷؛ عینی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۶، ص ۴۶۴).

آرا و اقوال دانشمندان اهل سنت در تعیین مصداق این روایت

آرا و نظرات دانشمندان اهل سنت درباره تعیین مصداق روایات خلفای اثناعشر و تفسیر احادیث مذکور، در نکات ذیل خلاصه می‌شود:

۱- روایات خلفای اثناعشر ناظر به فتنه‌هایی است که بعد از پیامبر اتفاق می‌افتد و به علت تعدد خلفاء امت اسلامی دچار اختلاف می‌شود و مردم به خلافت دوازده نفر متفرق می‌شوند. (عسقلانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ص ۲۶۱، ح ۷۲۲۲؛ ابن بطلال، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۷۸؛ صدیقی عظیم‌آبادی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۲۶۱؛ نووی شافعی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳، ص ۴۴۵).

۲- این خلفای دوازده‌گانه در یک زمان خواهند آمد و باعث اختلاف و تفرقه در امت هم نمی‌شوند. (عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۱، ح ۷۲۲۲؛ ابن بطلال، پیشین، ص ۲۷۸).

۳- الفاظ و تعبیرات روایات مختلف است؛ از این رو از روایات مذکور مراد معینی حاصل نمی‌شود. (عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۳، ح ۷۲۲۲، ۷۲۲۳).

۴- مراد رسول اکرم از این روایات، خبر دادن از خلافت بعد از خود و اصحاب خود است. (پیشین، ص ۲۶۴، ح ۷۲۲۲).

۵- احادیث مذکور بر خلافت خلفای بعد از حضرت مهدی موعود دلالت دارد. (پیشین؛ عینی، پیشین، ص ۴۶۶).

۶- روایات بر خلافت خلفای بنی‌امیه البته قبل از تزلزل حکومت آنها به دست عباسیان ناظر است. (پیشین؛ عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۳؛ نووی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۴۵).

۷- مراد از حدیث مذکور، تمام خلفای بر حق اسلامی است. (عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۴؛ عینی، پیشین).

۸- منظور و مراد روایات مذکور از خلفای اثناعشر خلفای عدول است. (صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۱۴؛ عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۳).

۹- مراد روایات خلفایی هستند که بعد از خلافت علویین ظاهر می‌شوند. (ابن بطلال، پیشین، ص ۳۷۸).

- ۱۰- مراد روایات از خلفای اثناعشر، ابوبکر صدیق تا عمر بن عبدالعزیز می‌باشند. (عسقلانی، پیشین، ص ۴۶۶؛ قسطلانی، ج ۱۵، ص ۲۱۳).
 - ۱۱- مراد روایات مذکور خلفای اربعه به شمول بعضی خلفای امویان غیر از یزید می‌باشد. (صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۱۶).
 - ۱۲- مراد روایات از خلفای اثناعشر خلفای اربعه و بعضی از خلفای امویان به شمول یزید می‌باشد. (پیشین، ص ۲۱۶؛ عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۵).
 - ۱۳- مراد روایات مذکور قطعاً خلفای اربعه است و حال بقیه نامشخص است. (صدیقی، عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۱۴).
 - ۱۴- اگر روایات به خلافت باطنی ناظر باشد خلفای اربعه و عمر بن عبدالعزیز را شامل می‌شود و اگر به خلافت ظاهری ناظر باشد، بعضی از خلفای امویان و عباسیان را هم شامل می‌شود. (ابن عربی، پیشین، ج ۹، ص ۶۹).
 - ۱۵- آن چه مسلم است این است که منظور روایات از خلفای اثناعشر ائمه اثناعشر شیعی نیست و بقیه احتمالات هر کدام باشد فرق نمی‌کند. (صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۱۶).
- تفصیل این اقوال و احتمالات در کتاب‌های مختلف اهل سنت وجود دارد. (مغذی، ۱۹۷۳م، ج ۱، ص ۱۳؛ ابی‌ضراء دمشقی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۷۳۴؛ ابن قیم جوزیه، ج ۱۱، ص ۲۶۳؛ سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۸۵).

نقد و بررسی اقوال الف) نقد عام

نقد عام متوجه تمام اقوال مذکور است و بر تمام اقوال و احتمالات مزبور وارد می‌باشد. نقد و اشکالاتی که به اقوال مذکور وارد می‌باشد در نکات زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- تعیین خلفای پیامبر ﷺ از طریق نص و من جانب الله است نه از طریق رأی و اجماع، چون در بعضی از روایات، خلفای اثناعشر را به نقبای بنی اسرائیلی تشبیه کرده‌اند و نقبای بنی اسرائیل از طریق نص تعیین شده‌اند، همان‌گونه که خداوند فرموده است:

۱- «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»؛ (مائده/۱۲) «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» * وَ قَطَعْنَا لَهُمْ أَسْبَاطًا * (اعراف/۱۵۹) پس معلوم می‌شود که مردم در انتخاب خلیفه الهی نقشی ندارند و احتمالات مذکور ارزشی ندارد. (مظفر، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بدری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۶؛ شبر، ج ۱، ص ۱۹۹).

- ۲- درباره مراد روایات خلفای اثناعشر و در تعیین مصداق آنها، دانشمندان اهل سنت احتمالات متفاوت و متناقض بیان نموده‌اند، حتی اقوال آنها چنان مضطرب است که هر کس چیزی به ذهنش رسیده به عنوان مصداق روایات بیان نموده و این بیش از پانزده احتمال است.
- این که اقوال مذکور نیز نتوانسته است مصداق مسلم و متفق علیه را تعیین کند، به علت بی‌توجهی آنها به بعضی از روایات است. اگر قائلین آنها به روایات دیگر هم توجه می‌کردند، این قدر حیرت و اضطراب در تعیین خلفای اثناعشر نداشتند، چون در بعضی روایات صحیح و عالی‌السند اهل سنت آمده که رسول اکرم خلفای اثناعشر را تعیین فرموده و حتی اسامی آنها را ذکر نموده است. (عسکری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۳۸).
- ۳- بعد از خلفای اربعه خلافت به پادشاهی تبدیل شده است و اطلاق خلیفه بر آنها صحیح نمی‌باشد. (مودودی، ۱۹۹۲م، ص ۱۰۵).
- ۴- دلیل اکثر دانشمندان اهل سنت در تعیین مصداق خلفای اثناعشر اجماع است، اما اجماع حقیقی و واقعی برای هیچ کس غیر از علی ع حاصل نشده است.
- ۵- اقوال دانشمندان اهل سنت در مورد روایات مذکور با یکدیگر توافق ندارد، از این رو قابل استناد نمی‌باشد، چون قبول بعضی بدون بعضی ترجیح بالمرجح است.
- ۶- تمام احتمالات مذکور درباره روایات مزبور مصداق اجتهاد در مقابل نص است، چون مسئله خلافت و تعیین و اثبات آن بر نص متوقف است. خداوند تعیین امامت را حق خود قرار داده است، همان‌طور که فرموده است: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...» (انبیاء/۷۳). «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/۱۲۴)؛ پس معلوم می‌شود خلافت و امامت انتصابی است نه انتخابی و از این رو احتمالات مذکور درباره تعیین خلافت، اجتهاد در مقابل نص است.
- ۷- این اقوال با بعضی از احادیث خود اهل سنت تعارض دارد، چون در بعضی روایات آنها آمده که رسول خدا فرموده است: خلافت بعد از من سی سال است. اما آنها در این اقوال خلافت بیش از سی سال را اثبات کرده‌اند. (شبر، پیشین، ص ۲۳۲).
- ۸- طبق این اقوال و احتمالات، بین این خلفا فاصله واقع می‌شود، اما این فاصله نباید واقع شود، چون فاصله واقع شدن بین حجت‌های الهی به معنای این است که در بعضی زمان‌ها حجت خدا نبوده و این سبب نابودی اهل زمین است: «لا تخلوا الارض من خلیفه». (پیشین).
- دانشمندان اهل سنت هم گفته‌اند که اهل بیت امان برای اهل زمین‌اند. آنان حدیث امان را نقل کرده و گفته‌اند امان اهل زمین بر وجود اهل بیت متوقف است و اگر زمین در یک زمان از وجود آنها خالی شود در امان نخواهد بود. (حاکم نیشابوری، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۹). احمد بن حنبل می‌گوید:

«همانا خداوند زمین را به خاطر پیامبر ﷺ خلق کرد و دوام آن را به دوام اهل بیت عترتش قرار داد.» (سلیمان قندوزی، ینایع الموده، ج ۱، ص ۷۲، ح ۲).

۹- بین اقوال مذکور قدر متیقنی وجود ندارد. وقتی اصحاب از رسول خدا درباره خلفا سؤال می کردند، تصور ایشان خلفای منصوب من الله بوده است نه هر حاکمی. رسول خدا نیز در جواب آنها می فرمود: خلفای من به تعداد نقبای بنی اسرائیل است. (ابن حنبل، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۸).

ب) نقد خاص

این نقد متوجه یکایک اقوال و احتمالات مذکور است که به ترتیب بررسی می شود.

۱- احتمال اول باطل است، چون روایات خلفای اثناعشر در مدح خلفای اثناعشر آمده است. طبق قول اول اگر این روایات به فتنه های آخرالزمان ناظر باشد برای مدح نخواهد بود، بلکه باید برای ذم باشد و این با محتوای حدیث سازگاری ندارد، هم چنین اگر خلفای اثناعشر باعث فتنه باشد حدیث «تجتمع علیه الامه» بی معنا می ماند. (عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۱، قسطلانی، پیشین، ج ۱۵، ص ۳۱۳).

۲- در احتمال دوم گفته شده که همه آنها در یک زمان هستند؛ این قول باطل است، چون در یک زمان بودن همه آنها سبب افتراق امت می شود. ضمن این که روایات، خلفای اثناعشر را به نقبای بنی اسرائیل تشبیه کرده اند و نقبا در یک زمان نبودند. (عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۳).

۳- در قول سوم گفته شده که از روایات خلفای اثناعشر هیچ معنایی فهمیده نمی شود. این قول نیز بی اساس است. آیا رسول اکرم ﷺ در این احادیث این قدر مجمل گویی کرده است که هیچ کس این احادیث را نفهمد؟ اگر اینان با چشم باز به نصوص فریقین نگاه کنند به نتیجه می رسند و معنای سخن پیامبر را درمی یابند.

۴- قول چهارم می گوید این احادیث به خلافت بعد از پیامبر و اصحاب ناظر می باشد. این سخن ناتمام است، چون پیامبر ﷺ در حدیثی فرموده است: «... یكون بعدی...» و فرموده: «يكون بعدی و بعد اصحابی». این قول معنای اضافی را به حدیث تحمیل می کند. اگر این قول صحیح باشد چگونه این روایت در مدح خلفا خواهد بود، در حالی که بعد از پیامبر و اصحاب، فساق و فجرة حکومت کردند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۹).

۵- قول پنجم هم نامعقول است، چون طبق این قول تا ظهور حضرت مهدی (عج) زمین از حجت الهی خالی خواهد ماند، در حالی که زمین نباید از حجت حق خالی باشد، چون اتصال خلفا ضروری است و اگر به فصل قایل شویم خالی بودن زمین از حجت لازم می آید. (پیشین، ص ۴ و ۵).

۶- احتمال ششم بسیار تعجب آور است. اینان چگونه این روایات را که برای مدح صادر شده است بر معاویه و امثال او حمل می کنند که ظلم آنها از کسی مخفی نیست و دانشمندان فریقین معاویه را عادل نمی شناسند. (شبر، پیشین، ص ۲۳۳؛ صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۹). هم چنین چگونه یزید مصداق این روایت قرار می گیرد که شرش بر هیچ کس پوشیده نیست. (شبر، پیشین، ص ۲۳۶). آیا این روایات در مدح امثال او آمده است که حرمت قرآن را زیر پا گذاشته اند؟ (پیشین؛ صافی گلپایگانی، ص ۵۶).

۷- طبق قول هفتم هم همان مشکل عدم اتصال خلفا و خلو زمین از حجت حق پیش می آید، چون طبق این قول بین خلفای عادل از طریق خلفای غیرعادل فاصله واقع شده است.

۸- طبق قول هشتم هم همان مشکل عدم اتصال خلفا پیش می آید، چون بعضی گفته اند ابن الزبیر صلاحیت خلافت نداشته است. دست کم طبق این قول در زمان ابن زبیر زمین بدون خلیفه مانده است. (الاستیعاب، ج ۹، ص ۳۶۳؛ ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۴۸۲؛ مودودی، پیشین، ص ۱۱۶).

۹- در قول نهم گفته شده: مراد روایات از خلفای اثناعشر خلافت بعد از علوین است. این قول نامفهوم است؛ اگر مراد ایشان از خلافت علوین حکومت آنها در مصر باشد باز هم مشکل عدم اتصال خلفا پیش می آید و اگر مراد ایشان از علوین حضرت مهدی باشد باز هم همین مشکل را دارد.

۱۰- قول دهم نیز مخدوش است، چون طبق این قول نیز همان مشکل عدم اتصال خلفا پیش می آید.

۱۱- طبق قول یازدهم هم همان مشکل خلو زمین از حجت خدا و عدم اتصال خلفا پیش می آید.

۱۲- احتمال دوازدهم بسیار موهون است، چون طبق این قول یزید هم جزء خلفای رسول اکرم ﷺ قرار گرفته است که هیچ کس از مسلمانان او را قبول ندارد. به علاوه اگر اجماع و انتخاب مردم شرط باشد علی عليه السلام نمی تواند خلیفه باشد چون اهل شام ایشان را قبول نداشتند در حالی که خلافت علی عليه السلام مورد اتفاق همه مسلمین است. (صافی گلپایگانی، ص ۴۶).

۱۳- در قول سیزدهم ادعای قدر متیقن شده، در حالی که قبلاً دانسته شد که بین اقوال قدر متیقن وجود ندارد. طبق این قول مراد روایات از خلفای اثناعشر خلافت حضرت مهدی و بعد از آن حضرت است، اما بعضی گفته اند مراد خلفای بعد از حضرت مهدی است، پس معلوم می شود که قدر متیقنی وجود ندارد.

۱۴- در قول چهاردهم، خلافت به ظاهر و باطن تقسیم شده است؛ این تقسیم اعتباری و بشری است و نظر درستی نیست، چون همان فردی که از طرف خداوند در باطن خلیفه است در ظاهر هم هو باید خلیفه باشد. علاوه بر این، طبق این قول همان مشکل عدم اتصال خلفا پیش می آید.

۱۵- در احتمال پانزدهم گفته شده بود شیعه از روایات خلفای اثناعشر، امامت ائمه اثناعشر را اثبات می‌کند، اما آنچه در این روایات عنوان شده خلافت است نه امامت. در این روایات تعبیر «خلفای اثناعشر» آمده است نه «ائمه اثناعشر». برای نقد و بررسی و پاسخ این قول، واژه خلافت و چگونگی تطبیق معنای خلافت بر امامت بررسی می‌شود.

خلافت در لغت

راغب گفته است: «الخلافه فی لغة العرب النیابه عن الغیر؛ خلافت در لغت نیابت از غیر است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق). ابن اثیر گفته است: «و الخلیفه من یخلف غیره و یقوم مقامه و یسد مسده؛ خلیفه کسی است که از غیر خود نیابت کند و جای او قرار بگیرد» (ابن اثیر جذری، ۱۴۰۸ق)؛ این واژه در قرآن کریم هم به همین معنا به کار رفته است: «وَ اذْکُرُوا اِذْ جَعَلْنَا مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ اَعْرَافًا (۶۹) وَ اذْکُرُوا اِذْ جَعَلْنَا مِنْ بَعْدِ عَادٍ اَعْرَافًا (۷۴) اِنَّ یَسْآءُ یَدْهِیْکُمْ وَ یَسْتَخْلِفُ مِنْ بَعْدِکُمْ مَا نِیْسًا» (انعام/۱۳۳) «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلَاةَ» (مریم/۵۹). در تمام این موارد خلیفه و خلافت همان معنای لغوی را ایفا می‌کند.

خلافت در اصطلاح

«خلیفه الله فی الارض» در اصطلاح اسلامی به این معنا است که خدا کسی را از میان مردم به عنوان حاکم و امام انتخاب می‌کند. خلافت به همین معنا در قرآن مجید هم آمده است: «وَ اِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلٰٓئِکَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً» (بقره/۳۰)؛ «یا داوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیْفَةً فِی الْاَرْضِ فَاحْکُم بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/۲۶) در جای دیگر قرآن، به جای خلیفه لفظ امام به کار رفته است: «وَ وَحَّیْنَا لَهٗ اِسْحٰقَ وَ یَعْقُوْبَ نَافِلَةً وَ کُلًّا جَعَلْنَا صٰلِحِیْنَ * وَ جَعَلْنٰهُمْ اٰثِمَةً یُهٰدُوْنَ بِاٰمِرِنَا» (انبیاء/۷۲).
از معنای لغوی فهمیده می‌شود که خلافت نیابت از غیر است و نایب باید کسی باشد که شایستگی متوب‌عنه را دارا باشد تا بتواند کار او را انجام بدهد. پیامبر معصوم است پس نایب او هم باید دارای عصمت باشد، غیر از امامان شیعه کسی ادعای عصمت را نکرده است. علاوه بر این، عصمت امامان شیعه از طریق آیه تطهیر، حدیث ثقلین و ... ثابت می‌باشد.
از معنای اصطلاحی خلیفه و خلافت فهمیده می‌شود که خلافت در واقع منصب الهی است و خلیفه باید از جانب خدا انتخاب شود. علاوه بر این، لفظ خلیفه منصرف به کسی است که رسول خدا او را برای خلافت تعیین کرده باشد. تمام اصحاب برجسته اتفاق دارند که پیامبر بدون تعیین خلیفه از دنیا نرفته است. (مظفر، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۸) پس خلیفه کسی است که از طریق نص پیامبر تعیین شده باشد.

مصدق حقیقی روایات مذکور

روایات خلفای اثناعشر فقط با عقیده شیعه سازگار است چون تمام روایات توالی و اتصال خلفا را می‌رساند. این روایات خلافت را در دوازده نفر حصر کرده‌اند و اوصاف و خصوصیات این خلفا در روایات دیگر بیان شده است. این خصوصیات هم در غیر ائمه اثناعشر یافت نمی‌شود. پس مقصود و مراد احادیث از خلفای اثناعشر ائمه اثناعشر می‌باشد. حدیث ثقلین و سفینه و احادیث بسیار دیگر هم این حقیقت را تأیید می‌کند. (صافی گلپایگانی، ص ۵۰؛ مظفر، پیشین، ص ۲۹۱).

این روایات را نمی‌توان بر ملوک اموی و عباسی حمل کرد، چون آنان ظالم بودند و تعدادشان هم از دوازده نفر بیشتر بود، فقط تعداد ائمه شیعه دوازده نفر بود و در علم، فضل، کرامت و تقوا از هم برتر بودند؛ از این رو ائمه شیعه مصداق حقیقی روایات خلفای اثناعشرند. (بنایع‌الموده، ص ۵۰۵).
علاوه بر این، در بعضی از روایات قید و شرط هاشمیت برای خلافت ذکر شده است و عبارت «کلهم من قریش» در آن روایات آمده است و هم‌چنین در بعضی روایات آمده: «یکون بعدی اثناعشر خلیفه کلهم من بنی هاشم» (پیشین، ص ۵۰۳). در بعضی روایات، پیامبر ﷺ خلافت و امامت ائمه اثناعشر شیعه را با صراحت ذکر فرموده است: «... ان اوصیایی بعدی اثناعشر اولهم علی و آخرهم مهدی» (پیشین، ص ۵۰۵؛ جوینی خراسانی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱۳؛ ابن صباغ مالکی، ص ۳۱۲).

۲- روایات شیعه

در منابع شیعه هشت دسته روایات به چشم می‌خورد که در آن خلفای اثناعشر معرفی شده‌اند و مصدق روایات خلفای اثناعشر بیان شده است.
۱- در روایات دسته اول آمده است: «یکون بعدی اثناعشر خلیفه کلهم من قریش» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲ش). این همان روایت است که در منابع اهل سنت هم آمده است.
۲- در روایات دسته دوم آمده است: ائمه و خلفای پیامبر ﷺ از اولاد فاطمه هستند. (نعمانی، ح ۱، ۲).
۳- در روایات دسته سوم آمده است: خلفای پیامبر و تعداد ائمه دوازده نفرند. (کلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴؛ همو، ۱۳۹۵ق، باب ۲۷، ح ۱ و باب ۲۸، ح ۱، ۲، ۳، ۴؛ نعمانی، باب ۴، ح ۶-۱۷).
۴- در روایات دسته چهارم آمده است: اول خلیفه رسول، علی علیه السلام و آخرین خلیفه مهدی است. (شیخ صدوق، پیشین، ج ۴، ح ۵۴۰۶؛ همو، ۱۳۹۵ق، باب ۲۴، ح ۱، ۱۰، ۱۳، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۵؛ مجلسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۱).
در این روایات نام اولین و آخرین خلیفه پیامبر ذکر شده است.

۵- در روایات دسته پنجم آمده است: خلفای پیامبر دوازده نفر بوده و نه نفرشان از اولاد امام حسین هستند. (کلینی، پیشین، ج ۱، باب ما جاء فی الائمه الاثنی عشر، ج ۲، باب آخر منه، ج ۱؛ پیشین، ج ۱، باب ما جاء فی الائمه الاثنی عشر، ج ۷؛ پیشین، ج ۱، ح ۱۵).
 ۶- در روایات دسته ششم آمده است: خلفای پیامبر و ائمه از اهل بیت هستند. (شیخ طوسی، ۳۶۳ش، ج ۳).

۷- در روایات دسته هفتم آمده است: خلفای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی، حسن و حسین و نه فرزند از نسل امام حسین اند: «علی اخی و وارثی و وصیی و ولی کل مؤمن بعدی ثم ابنی الحسن ثم الحسين ثم تسعه من ولد الحسين». (ینابیع الموده، ص ۵۳۳؛ جوینی خراسانی، پیشین، ص ۱۳۳).

۸- در روایات دسته هشتم نام یکایک خلفای اثناعشر ذکر شده است، همان طور که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «... اذا مضى الحسين فابنه علی فاذا مضى علی فابنه محمد هكذا ... ثم ابنه الحجه القائم» (ینابیع الموده، ص ۵۰۱؛ فراند السمطین، ج ۳، ص ۱۳۴؛ شعرانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ ابن طولون، پیشین، باب ۱۲؛ نورالابصار فی مراتب آل البیت، ص ۱۰۸؛ ابن جوزی، پیشین، ص ۲۶۰ و ۳۲۵)؛ دانشمندان اهل سنت و حتی محدثین آنان در اشعار خود نام ائمه اثناعشر را آورده و ایشان را به عنوان خلیفه رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمجید کرده اند. (تذکره الخواص، ص ۳۲۷؛ ینابیع الموده، جزء ۳، ص ۵۳۲).

نسب حضرت مهدی (عج)

۱- آیا مهدی (عج) همان عیسی بن مریم است؟

گروه اندکی از دانشمندان اهل سنت با تمسک به روایت ابن ماجه منکر عقیده مهدویت شده و گفته اند غیر از مسیح، مهدی دیگری وجود ندارد و مهدی همان عیسی بن مریم است. در این جا روایت ابن ماجه و دیگر اقوال نقد و بررسی می شود.

در روایت ابن ماجه آمده است: «حدثنا یونس بن عبدالاعلی ... عن انس بن مالک ان رسول الله قال ... و لا المهدي الا عیسی بن مریم» (قزوینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۴۱) به دلایل ذیل این روایت از اعتبار ساقط و غیر قابل اعتماد است:

الف) اشکال سندی

راوی این حدیث نزد عالمان و دانشمندان اهل سنت مجهول الحال است و ارباب جرح و تعدیل آنها حدیث مذکور را ضعیف و جعلی تلقی کرده و گفته اند: در سند این روایت کذاب وجود دارد. بعضی نیز گفته اند روات این حدیث متروک الحدیث هستند. (منصور علی ناصف، ص ۳۴۱؛ حلوانی، ۱۳۰۸ق، ج ۱، ص ۴۵؛ آلوسی، ۱۳۰۱ق، ج ۱، ص ۷۹؛ مصری، ۱۳۷۰ق؛ مذی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۱۴۶؛ عسقلانی،

۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۲۱؛ صدیقی عظیم آبادی، ج ۱۱، کتاب ۳۵، ص ۲۳؛ سندی، ج ۳، باب شده الزمان، ص ۲۹۵؛ کنجی شافعی، ۱۳۹۶ق، باب الحادی عشر، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

ب) تعارض با روایات صحیح و کثیره

از طریق صحیح و معتبر روایات فراوانی وجود دارد که دلالت می کند بر این که حضرت مهدی (عج) غیر از عیسی بن مریم است، بلکه در این روایات گفته شده که عیسی به حضرت مهدی اقتدا و از او تبعیت می کند. روایات مهدویت جزء مسلمات فریقین است و روایت ابن ماجه با این روایات صحیح و معتبر تعارض دارد و از اعتبار ساقط است. بلکه بعضی گفته اند روایت ابن ماجه حتی قدرت تعارض هم ندارد چون احادیث مهدویت فی الجمله متواترند. (سعد الزرعی، ۱۳۹۱ق، ص ۱۴۱؛ عون المعبود، پیشین، ص ۲۱۳؛ هیثمی، پیشین، ص ۹۹؛ حمد العباد، ۱۴۴۸ق، ص ۴۳۳؛ فاسی، پیشین، ص ۱۴۶؛ حلوانی، پیشین، ص ۴۵؛ کنجی شافعی، پیشین، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

ج) فقدان دقت علمی منکران احادیث مهدویت

دانشمندان اهل سنت اقرار می کنند که ابن خلدون و کسانی مانند او که به روایت ابن ماجه و امثال او تمسک کرده و وجود مهدی را منکر شده اند و بر احادیث مهدویت اشکال وارد کرده اند، در فن حدیث فاقد دقت علمی اند و توان تشخیص احادیث صحیح را از احادیث غیر صحیح ندارند، از این رو آرا و نظرات امثال آنان ارزش علمی نداشته و نزد محدثین فاقد اعتبار است. (سجستانی، پیشین، ص ۳۱۰؛ صدیقی عظیم آبادی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۲۴؛ فاسی، پیشین، ص ۱۳۶).

د) عدم دلالت حدیث بر مدعا

بر فرض صدور روایت ابن ماجه، این روایت بر مدعای منکران وجود مهدی دلالت نمی کند، چون ممکن است یکی از ویژگی های حضرت عیسی «مهدی» باشد یعنی او هدایت گر یا هدایت شده ای است که دیگران را هدایت می کند. و این بدان معنا نیست که «مهدی» نام یا صفت کسی دیگر غیر از عیسی نباشد. (ابن عربی، پیشین، ج ۹، ص ۷۹؛ سندی، پیشین، ص ۴۹۵).

۲- اسم حضرت مهدی (عج)

اهل سنت روایتی را از پیامبر نقل کرده اند که فرموده است: «لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي؛ کار دنیا تمام نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیت من بر عرب حکومت کند که اسم او مطابق اسم من است» (ترمذی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۴ و ص ۳۴۳) این روایت در کتب صحاح اهل سنت آمده است. (سجستانی، پیشین، ص ۳۰۹).

بررسی روایات

این دسته از روایات که دلالت می‌کند اسم حضرت مهدی (عج) همانند اسم رسول خدا است نزد دانشمندان اهل سنت صحیح، معتبر و از لحاظ سند عالی است. عالمان و دانشمندان اهل سنت این دسته از روایات را مسلم تلقی می‌کنند. (ترمذی، پیشین، ص ۳۴۳، کنجی شافعی، پیشین، ص ۹۲ و ۹۳؛ ابن عربی، پیشین، ص ۷۶؛ حرانی، ۱۳۳۳ق، ص ۹۱؛ قرشی عدوی صیبی، ج ۲، ص ۱۲۹). هم‌چنین محدثین اهل سنت در کتب معتبر خود تصریح کردند که اسم حضرت مهدی با اسم پیامبر مطابقت دارد. (قرشی عدوی صیبی، ص ۱۰۴؛ کنجی شافعی، پیشین، ص ۹۲ و ۹۳؛ ابن کثیر، ۱۳۸۸ق، ص ۲۵؛ هیشمی، پیشین، ص ۴۶۴؛ ابوعبدالله محمد بن علی (ابن عزل حاتمی طایی)، ص ۹۸؛ ابن قیّم جوزیه، پیشین، ص ۱۴۳؛ خطیب عمری تبریزی، ۱۲۸۳ق، ج ۳، ص ۲۸؛ تفتازانی هروی شافعی خراسانی، ۱۲۷۷ق، ص ۳۰۷؛ ابن اثیر جذری، پیشین، ج ۱۱، ص ۵۵؛ طبرانی، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۵؛ متقی هندی، ۱۳۹۵ق، ج ۱۴، ح ۳۸۶۵؛ سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۵؛ منصور علی ناصف، پیشین، ص ۳۴۲، صبحی، پیشین، ص ۴۵؛ آلوسی، پیشین، ص ۷۷؛ هروی قاری حنفی، پیشین، ص ۱۷۶؛ عدوی خرازی، ۱۲۶۲ق، ص ۱۱۵؛ مالکی، پیشین، ص ۹۶؛ بانی، ۱۳۲۲ق؛ محمد بن احمد بن اسماعیل، پیشین، ص ۳۳).

محدثان شیعه نیز نقل کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: «المهدی ولدی اسمہ اسمی...؛ مهدی از فرزندان من و اسم او اسم من است» (کلینی، پیشین، ج ۱، باب ۲۵). مثل همین روایت با کمی تفاوت لفظی در کتاب‌های معتبر و جوامع روایی دیگر شیعه آمده است و دلالت دارد بر این که اسم حضرت مهدی همان اسم پیامبر است. (پیشین، باب ۲۵، ح ۲۳؛ مجلسی، پیشین، ج ۲۱، باب ۲، ص ۲۴ و باب ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۲۰ و ج ۹، باب ۲).

۳- آیا اسم پدر حضرت مهدی (عج) همان اسم پدر پیامبر است؟

در بعضی از روایات اهل سنت آمده که اسم پدر حضرت مهدی همان اسم پدر رسول خدا است؛ از این رو این مطلب بررسی می‌شود. در روایت اهل سنت آمده است که پیامبر فرمود: «لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول الله ذالک الیوم ... حتی یبعث فیہ رجلاً من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی و اسم ابیه اسم ابی؛ اگر از عمر دنیا یک روز باقی بماند خدا آن روز را این قدر طولانی می‌کند تا این‌که فردی از اهل بیت من مبعوث شود که اسم او با اسم من و اسم پدر او با اسم پدر من مطابقت دارد» (سجستانی، پیشین، ص ۳۰۹).

بعضی از دانشمندان اهل سنت با تکیه بر این حدیث گفته‌اند که اسم پدر حضرت مهدی عبدالله است و بعضی از آنان گفته‌اند این حدیث در ردّ عقیده شیعه وارد شده است که می‌گویند اسم پدر حضرت مهدی حسن العسکری است. (صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۱۸؛ عسقلانی، پیشین، ص ۲۶۴).

بررسی روایت

الف) جمله «اسم ابیه اسم ابی» بر اصل روایت افزوده شده است.

این اضافه را فقط ابوداود نقل کرده است و دیگر ائمه حدیث آن را ذکر نکرده‌اند. بعضی از محدثین در منابع خودشان بیش از سی طریق را بیان کرده‌اند اما این اضافه را در روایت نیاروده‌اند. از این رو دانشمندان اهل سنت معتقدند در اصل روایت فقط جمله «اسمه اسمی» آمده و جمله «اسم ابیه اسم ابی» اضافه است و اعتبار ندارد. بعد از مقایسه این حدیث با احادیث فراوان قطع حاصل می‌شود که این جمله «اسم ابیه اسم ابی» اضافی است. (کنجی شافعی، پیشین، ص ۹۴ و ۹۶؛ ابن عربی، پیشین، ص ۷۸).

ب) سهل‌انگاری در ضبط حدیث

بعضی از دانشمندان گفته‌اند شاید حدیث چنین بوده است: «اسمه اسمی و اسم ابی». چون حضرت مهدی سه اسم دارد و یکی از آنها عبدالله است. راوی در ضبط اشتباه کرده و به جای «اسمه اسمی» جمله «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی» را ضبط کرده است. هم‌چنین احتمال دارد جمله حدیث این طور بوده: «اسم ابیه اسم ابنی»، چون اسم پدر حضرت مهدی حسن است و فرزند پیامبر ﷺ سبط اکبر هم حسن است اما راوی به جای این کلمه «ابی» را ضبط کرده است. به هر حال، راوی در این‌جا حدیث را غلط ضبط کرده است. (صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۲۹۴ و ۲۹۵؛ کنجی شافعی، پیشین، ص ۹۴).

ج) اگر روایت مذکور صحیح هم باشد قابل توجیه است.

با بررسی سندی معلوم می‌شود که حدیث مذکور اشکال سندی دارد و اصحاب جرح و تعدیل در سند این روایت اشکال کرده‌اند. (مزی، ج ۲۰، ص ۲۱۵؛ عسقلانی، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۱۱). اما اگر به فرض، روایت صحیح هم باشد قابل توجیه است. این توجیحات در نکات زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- دانشمندان شیعه و سنی اقرار کرده‌اند که یکی از نام‌های امام حسن عسکری «عبدالله» است، بنابراین جمله «اسم ابیه اسم ابی» با عقیده شیعه سازگار است. (صافی گلپایگانی، ص ۲۹۵ و ۲۹۶).
- ۲- کنیه امام حسن عسکری «ابومحمد» است و از این نظر که حضرت عبدالله پدر حضرت محمد است ابومحمد خواهد شد و جمله «اسم ابیه اسم ابی» به این حقیقت اشاره دارد. (پیشین، ص ۱۹۵).

۳- در زبان عرب شایع است که لفظ «أب» بر جدّ اعلی اطلاق می‌شود. قرآن هم در جاهای مختلف اب را به جد اعلی اطلاق نموده است: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ» (حج/۷۸) «وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ» (حج/۳۸)؛ در این موارد کلمه اب به معنای جد است.

هم‌چنین عرب کنیت را به جای اسم به کار برده‌اند، چنان‌چه در اشعار عرب آمده است: اجل قدرک ان تسمى صُونه و من کناک فقد سماک للعرب

در روایت آمده است که رسول خدا امام علی علیه السلام را ابوتراب نامید. فرزند رسول خدا امام حسین علیه السلام بود و کنیت آن حضرت هم ابو عبدالله بود و جمله «اسم ایبه اسم ابی» به این حقیقت اشاره دارد و کنیت را به جای اسم آورده است و اشاره دارد بر این‌که حضرت مهدی از فرزندان امام حسین است. (قرشی عدوی صیبی، پیشین، ص ۱۹۱؛ کنجی شافعی، ص ۹۵؛ اربلی، پیشین، ص ۱۴۰۱، ص ۲۳۲).

د) تصریح روایات به پدر حضرت مهدی (عج)

در بعضی روایات و کلمات دانشمندان اهل سنت با صراحت آمده که اسم پدر حضرت مهدی حسن العسکری علیه السلام است که یازدهمین امام شیعه است. (ینابیع الموده، پیشین، ص ۵۳؛ قرمانی دمشقی، ۱۳۸۲ق، ص ۲۱۲؛ مالکی، پیشین، ص ۳۱۲؛ شعرانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۱، حرازی، پیشین، ص ۱۱۳؛ ابن جوزی، پیشین، ص ۳۲۵).

روایات شیعه

این روایت در جوامع روایی شیعه آمده است: «... حدثنا حرمة بن موسی... قال الرضا علیه السلام الخلف الصالح من ولد ابی محمد بن علی و هو المهدی» (شیخ صدوق، پیشین، باب ۳۶، ح ۳، باب ۲۴، ح ۳، باب ۳۷، ح ۵، باب ۳۸، ح ۱) این روایت با همین مضمون در دیگر کتاب‌ها و جوامع روایی شیعه وجود دارد که دلالت می‌کند بر این‌که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است. (مجلسی، پیشین، ج ۲۱، باب ۴، ح ۳۲ و ما ورد عن العسکری، ح ۱۳ و باب ما ورد عن الحسنین، ح ۱۴ و ۱۵).

۴- حضرت مهدی (عج) از اولاد فاطمه است

در روایات اهل سنت آمده است: «حدثنا احمد بن ابراهیم... عن ام سلمه، قالت سمعت رسول الله يقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمه» (سجستانی، پیشین، ص ۳۳). همین روایت در سنن ابن ماجه آمده است. (قزوینی، پیشین، ص ۱۳۶۸) این روایت در مجموع دلالت می‌کند بر این‌که مهدی آخرالزمان که بر اساس روایات جهان را از ظلم و جور پاک و از عدل و داد پر می‌کند از اولاد فاطمه است.

بررسی روایات

اکثریت قاطع دانشمندان، عالمان و محدثین اهل سنت، این دسته از روایات را از نظر سند عالی ارزیابی و جزء مسلمات اهل سنت و نیز معتبرترین و صحیح‌ترین احادیث قرار می‌دهند. آنان این دسته از روایات را در منابع حدیثی خود نقل کرده و اذعان نموده‌اند که صدور این دسته از روایات قطعی است و این حقیقت از مسلمات و قطعیات است که حضرت مهدی از فرزندان فاطمه است. (کنجی شافعی، پیشین، ص ۹۹؛ حرانی، پیشین، ص ۲۱۲؛ ابن ابی الحدید، پیشین، ص ۱۲۷؛ قرشی عدوی صیبی، پیشین، ص ۲۱۰؛ ابن عربی، پیشین، ص ۷۶؛ دلمی، ج ۴، ص ۴۹۷؛ حاکم نیشابوری، پیشین، ص ۵۵۷، بغوی، ج ۱، ص ۱۹۳؛ صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۳۰؛ صبحی، پیشین، ص ۴۰۵؛ شبلنجی، پیشین، ص ۲۹۵؛ صبان، پیشین، ص ۱۵؛ ابن عدوی، پیشین، ص ۱۶۷؛ منصور علی ناصف، پیشین، ص ۳۴۲؛ تفتازانی، پیشین، ص ۳۰۷؛ اسماعیل بن کثیر، پیشین، ص ۳۷؛ مالکی، پیشین، ص ۲۶۰؛ محمد بن احمد بن اسماعیل، پیشین، ص ۲۹؛ عمری، پیشین، ج ۳، ص ۳۸؛ ابن اثیر جذری، پیشین، ص ۴۹؛ متقی هندی، پیشین، ج ۱۴، ح ۳۸۶۶۳؛ هروی، پیشین، ص ۱۸۰؛ هیشمی، پیشین، ص ۱۵؛ شعرانی، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۱، سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۰؛ مقدسی، پیشین، ص ۲۱؛ قرطبی، التذکره فی احوال الموتی و امور الاخره، قاهره، مطابع مذکوره و اولاده، ص ۱۱۹؛ ابن عربی، پیشین، ص ۳۶۰).

آیا حضرت مهدی (عج) می‌تواند از بنی‌العباس باشد؟

در بعضی از روایات اهل سنت این‌طور آمده است: «هرگاه پرچم سیاه را دیدید که از خراسان می‌آید به سوی آنها بشتابید... به یقین خلیفه خدا مهدی در آن گروه است.» (قزوینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۳۶) شبیه همین حدیث را ترمذی هم نقل کرده است. (ترمذی، پیشین، ج ۴، ص ۵۳۱). بعضی از دانشمندان اهل سنت از این قبیل روایات استنباط کرده‌اند که پرچم‌های سیاه همان پرچم‌هایی است که ابومسلم خراسانی برافراشته بود. آنان بر این اساس گفته‌اند حضرت مهدی از بنی‌العباس و همان مهدی عباسی است.

بررسی روایات مذکور

الف) ضعف روایات

عالمان اهل سنت معتقدند این روایات از احادیث ضعیف بوده و در اسناد آنها کذاب قرار دارد، چون مهدی عباسی بلکه تمام خلفای بنی‌العباس نه در آخرالزمان بودند نه دجال را به قتل رساندند و

نه عیسی از آسمان نازل شده است. طبق روایات، این وقایع از اوصاف عصر مهدی است پس این دسته روایات دروغ می‌باشد. (ابن قیم جوزیه، پیشین، ص ۱۳۸، طبری، پیشین، ج ۳، ص ۴۹۹؛ ابن کثیر، پیشین، ج ۱، ص ۵۵؛ صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۲۰).

ب) عدم دلالت حدیث بر مدعا

پرچم‌های مذکور در احادیث، پرچم‌هایی نیست که ابومسلم برافراشته، بلکه اشاره به پرچم‌هایی است که حضرت مهدی در آخرالزمان بلند می‌کند و آغاز ظهورش از مشرق زمین خواهد بود. مدعیان خلافت عباسی و داعیه‌داران آنها این دسته احادیث را تحریف کرده و به نفع خودشان تفسیر نموده‌اند. (صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۲۱؛ ابن کثیر، پیشین، ص ۵۵؛ حاکم نیشابوری، پیشین، ج ۴، ص ۵۲).

ج) تعارض این روایات با احادیث صریح و صحیح

این دسته از روایات با احادیث مسلم فریقین که می‌گوید مهدی(عج) از اولاد فاطمه و امام حسین و ... است تعارض دارد و از اعتبار ساقط می‌باشد. چنان‌که معلوم شد، فریقین آن دسته روایات را که می‌گوید حضرت مهدی(عج) از اولاد فاطمه است مسلم و صحیح می‌دانند.

روایات شیعه

در منابع روایی شیعه آمده که مهدی آخرالزمان از اولاد حضرت فاطمه است: «عن احمد بن ادریس... عن جابر عن ابی جعفر قال: المهدی رجل من ولد فاطمه» (مجلسی، پیشین، ج ۲۱، باب ۴، ح ۳۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳). بعضی از روایات با همین مضمون در منابع دیگر شیعه آمده است. (کلینی، پیشین، ج ۸، ح ۱۰؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۰۵؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۲۷، ح ۱، باب ۲۸، ح ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰).

حضرت مهدی(عج) از اولاد امام حسن است یا امام حسین؟

در سنن ابی‌داود روایتی وجود دارد که با توجه به آن بعضی از دانشمندان اهل سنت معتقدند حضرت مهدی از فرزندان امام حسن است. روایت چنین است: «قال ابوداود، حدثت عن هادون بن مغیره... عن ابواسحاق قال: قال علیؑ و نظر الی ابنه الحسن فقال: ان ابنی هذا سید کما سماه النبی و یرحم من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم... ثم ذکر قصه یمالاً الارض عدلاً؛ ... این پسر من آقا و سرور است همچنان که رسول خدا او را این‌گونه نامید و از نسل او فرزندی ظهور خواهد کرد همان پیامبران پس قصه عدالت‌گستری را حکایت کرد» (سجستانی، پیشین، ص ۳۱۰).

بعضی از دانشمندان اهل سنت با تکیه به این روایت گفته‌اند مهدی از فرزندان امام حسن است. آنان معتقدند تمام ائمه از فرزندان امام حسین‌اند، اما فقط خاتم الاوصیا حضرت مهدی از فرزندان امام حسن است. (صدیقی عظیم‌آبادی، پیشین، ص ۲۱۸؛ ابن عربی، پیشین، ص ۳۶۰).

بررسی حدیث

۱- اختلاف در نقل حدیث ابی‌داود

همین روایت را بعضی از محدثین از ابی‌داود نقل کرده‌اند اما به جای کلمه «حسن»، «حسین» را آورده‌اند. (جزری دمشقی، پیشین، ص ۱۹۵؛ مقدسی، پیشین، ص ۴۵).

۲- مقطوع‌السند بودن حدیث

دانشمندان اهل سنت می‌گویند حدیث ابوداود از نظر سند مقطوع است، چون ابواسحاق این روایت را از امیرالمؤمنین نقل کرده و او یا اصلاً در زمان علیؑ نبوده و یا اگر بوده، هنگام شهادت حضرت، سن او دو سال بیشتر نبوده است. (منذری شافعی، ج ۶، ص ۱۶۲؛ عسقلانی، پیشین، ج ۸، ص ۵۶؛ ابن خلکان، پیشین، ج ۳۸، ص ۴۵۹؛ مزی، پیشین، ج ۳۳، ص ۱۰۶).

۳- احتمال تصحیف در لفظ حسین

احتمال تصحیف و تغییر شکل کلمه «حسین» و ثبت شدن به شکل «حسن» در احادیث ابوداود به هیچ وجه بعید نیست به ویژه آن‌که افراد مختلف این حدیث را به چند شکل از ابوداود نقل کرده‌اند.

۴- جعلی بودن حدیث

جعلی بودن این حدیث نیز احتمال جدی است. مؤید این احتمال آن است که حسنیون و اتباع آنان گمان کرده‌اند که مهدی(عج) همان عبدالله بن حسنؑ است.

۵- مجهول‌السند بودن حدیث

حدیث ابوداود مجهول‌السند است، چون ابوداود گفته: «از هارون بن مغیره به من خبر رسید»، و راویان پیش از مغیره نامعلوم و مجهول‌اند پس روایت فاقد اعتبار است.

۶- تعارض روایت با روایات مسلم

محدثین اهل سنت روایات فراوانی را نقل می‌کنند که دلالت دارد بر این‌که حضرت مهدی(عج) از فرزندان امام حسینؑ است. آنها این دسته از روایات را معتبر و مسلم دانسته‌اند. پس روایت ابوداود در مقابل این همه روایات اعتبار و ارزشی ندارد. (ینابیع الموده، ج ۳، ص ۵۰۳؛ جوینی خراسانی، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۳؛ آلوسی، پیشین، ص ۷۷؛ ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۸؛ عدوی حرازی، پیشین،

ص ۱۱۳؛ طبرسی، پیشین، ص ۲۱۰؛ ابن عدوی، پیشین، ص ۱۹۷؛ شعرانی، پیشین، ص ۴۱۱؛ کنجی شافعی، پیشین، ص ۱۲۰؛ ذهبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۲؛ عسقلانی، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۰؛ برهان‌الدین شافعی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۲؛ مجلسی، پیشین، ج ۲۱، ح ۵.

۷- با فرض صحت، روایت قابل توجیه است

این دو دسته روایات به فرض صحت، قابل جمع است، چون حضرت مهدی (عج) حسینی‌الاب و حسنی‌الام است، زیرا مادر امام باقر دختر امام حسن بوده است و امام باقر علیه السلام حسینی‌الاب و حسنی‌الام است و فرزندان امام باقر ذریه سبطین حساب می‌شوند. درباره اولاد امام باقر هم می‌توان گفت حسینی‌الاب و حسنی‌الام می‌باشند و امام مهدی از نسل امام باقر است، از این رو می‌توان گفت حسینی‌الاب و حسنی‌الام می‌باشد.

روایات شیعه

در روایات شیعه با صراحت آمده که حضرت مهدی (عج) از فرزندان امام حسین علیه السلام است: «قال النبى: لا تذهب الدنيا حتى يقوم بامر امتى رجل من ولد الحسين ... يملأ الارض عدلاً.» مجلسی، پیشین، ج ۶ این روایت با همین مضمون در منابع دیگر شیعه ذکر شده است و عالمان و محدثین شیعه این دسته احادیث را صحیح و مسلم می‌دانند. (پیشین، باب ما ورد عن الحسين، ح ۱؛ کلینی، پیشین، ج ۱، باب فی الاثناعشر، ح ۱۵-۲۰؛ شیخ صدوق، الغیبه، باب ۴، ح ۷، ۳۰، ۲۷، ۲۰، ۱۳، ۱۱؛ همو، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، باب ۲۴، ح ۱۰-۱).

منابع و مآخذ

۱. ابن ابی‌ضراء دمشقی، قاضی علی بن حمد، *شرح عقاید الطحاویه*، مؤسسه الرساله، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۲. ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۴.
۳. ابن اثیر جذری، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، مطبعه العثمانيه، مصر، ج ۴، ۱۳۱۱ق.
۴. _____، *جامع الاصول*، دارالفکر، بیروت، ج ۱، ۱۴۰۳ق.
۵. ابن بطال، *شرح صحیح البخاری*، دار الکتب الرشد، ریاض، ج ۸، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن حنبل، احمد، *المسند*، مطبعه المیمنه، مصر، ج ۳، ۱۳۱۳ق.
۷. ابن صباغ مالکی، *التفصیل المهمه*، دارالکتب التجاریه، نجف.
۸. ابن عزل حاتمی طایی، ابو عبدالله محمد بن علی، *الفتوحات المکیه*، دارالصادر، بیروت.
۹. ابن قیّم جوزیه، *شرح الحفاظ علی سنن ابی‌داود*، مکتبه السلفیه، عربستان، ج ۱۱.

۱۰. ابن کثیر، اسماعیل، *النهایه او الفتن و الملاحم*، دار الکتب الحدیثیه، قاهره، ۱۳۸۸ق.
۱۱. ابن عربی، *عارضه الاحوزی شرح صحیح الترمذی*، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۹، ۱۴۱۵ق.
۱۲. احمد بن فارس، *معجم مقانیس اللغه*، دار الاحیاء التراث العربی، مصر، ج ۶، ۱۳۸۹ق.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الاثمه*، دار الکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۱۴. *الاستیعاب*، ترجمه ابن‌الزبیری، ج ۹.
۱۵. انصاری، محمد باقر، *کتاب سلیم قیس هلالی*، مؤسسه الهادی، قم، ج ۲، ۱۴۱۵ق.
۱۶. آلوسی، *غالبه المواعظ*، مطبعه الامیریّه، قاهره، ج ۱، ۱۳۰۱ق.
۱۷. بانی، ناصرالدین، *مجله تمدن*، مقاله حول المهدی، دمشق، ۱۳۲۲ق.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دار الفکر، بیروت، ج ۸، ۱۴۱۰ق.
۱۹. بدری، سید سامی، *تسبیحات و ردود علی تسبیحات احمد الکاتب حول امامه اهل البیت و وجود المهدی المنتظر*، مؤلف، قم، ۱۴۲۱ق.

۲۰. بیهقی، احمد بن محمد بن حسن، *السنن الکبیر*، دار المعرفه، بیروت، ج ۱۰، ۱۴۱۳ق.
۲۱. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، دار الفکر، بیروت، ج ۳، ۱۴۰۳ق.
۲۲. تفتازانی هروی شافعی خراسانی، مسعود بن عمر بن عبدالله اسعد، *شرح المقاصد*، ترکیه، ۲۲۷ق.
۲۳. جوینی خراسانی، *فراید السمطین*، مؤسسه المحمود، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۲۴. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳.
۲۵. حرانی (ابن تیمیه)، احمد بن عبدالحلیم، *منهاج السنه النبویه*، مکتبه الکبری الامیر، مصر، ۱۳۳۳ق.
۲۶. حسن‌زاده آملی، *نهج الولایه*، انتشارات قیام، قم.
۲۷. حسنی، احمد بن محمد بن صدیق، *ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون*، کلبه الترقی، دمشق، ۱۴۴۸ق.
۲۸. حلوانی، اسماعیل، *العطر الوردی به شرح قطر الشهدی*، مطبعه الامیریّه، بولاق، ج ۱، ۱۳۰۸ق.
۲۹. حوی، سعید، *الاساس فی السنه*، دار الاسلام الفوریّه، بیروت، ج ۲.
۳۰. خطیب عمری تبریزی، ولی‌الدین محمد بن عبدالله، *مشکاه المصابیح*، منشورات الکتب الاسلامی، دمشق، ج ۳، ۱۲۸۳ق.
۳۱. دار القطنی، علی بن عمر، *السنن*، عالم الکتب، بیروت، ج ۱، ۱۴۰۶ق.
۳۲. دیلمی، شیرویه بن شهزاد بن شیرویه، فردوس الاخبار، دارالکتب العربیه، بیروت، ج ۴.

۳۳. راغب اصفهانی، *مفردات لالفاظ القرآن الکریم*، دار الشاہ، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۳۴. روحانی، محمد، *المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم*، آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۱.
۳۵. سبحانی، جعفر، *الهیات*، مؤسسه امام صادق، قم، ج ۴، ۱۴۱۷ق.
۳۶. سجستانی، سلیمان بن احمد، *سنن ابوداود*، دار الفکر، بیروت، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۳۷. سعد زرعی، محمد بن ابی بکر بن ایوب (ابن قیّم جوزیه)، *المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف*، مکتبه المطبوعات الاسلامیه، حلب، ۱۳۹۱ق.
۳۸. سندی، شرح سنن ابن ماجه، دار الجبل، بیروت، ج ۳.
۳۹. سیوطی، جلال الدین، *الحاوی للفتاوی*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۴۰. _____، *الدر المنثور*، دار الفکر، بیروت، ج ۷، ۱۴۰۳ق.
۴۱. شافعی، علی بن برهان الدین، *سیره الحلبیه فی سیره الامین و المأمون*، مکتبه الاسلامیه، بیروت، ج ۱.
۴۲. شبر، سید عبدالله، *حق البقین فی معرفه اصول الدین*، انتشارات علمی، تهران، ج ۱.
۴۳. شعرائی، عبد الوهاب، *البواقیت و الجواهر*، ج ۲.
۴۴. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۲ش.
۴۵. _____، *من لا یحضره الفقیه*، جامعه المدرسین، قم، ج ۴، ۱۴۰۴ق.
۴۶. _____، *الاستبصار*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.
۴۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، مؤسسه سید معصومه، قم، ۱۴۲۱ق.
۴۸. صبحی، احمد محمود، نظریه الامامه لدى الشیعه الاثنی عشریه، دار المعرفه، مصر.
۴۹. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، مکتبه الصدوق، تهران، ج ۱، ۱۳۹۵ق.
۵۰. صدیقی عظیم آبادی، محمد شرف الدین، *عون المعبود شرح سنن ابی داود*، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۱، ۱۴۲۱ق.
۵۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *المصنّف*، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۵۲. طبرانی، سلیمان بن محمد، *المعجم الکبیر*، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۸، ۱۳۹۵ق.
۵۳. طبرسی، ابو جعفر، *دلایل الامامه*، مؤسسه المعارف السلامیه، قم، ۱۴۱۶ق.
۵۴. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، مکتبه المرتضویه، تهران، ج ۱، ۱۴۶۵ش.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
۵۶. عباد، عبدالمحسن حمد، *مقاله الردّ علی من کذب بالاحادیث الصحیحہ الوارده فی المهدی*، مجله جامعه اسلامی، عربستان.

۵۷. عبدالباقی، محمد فؤاد، *معجم المعزی لالفاظ القرآن الکریم*، دار الکتب العربیه، قاهره، ۱۴۶۶ق.
۵۸. عدوی خرازی، شیخ حسن، مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار، مطبعه المدنی، مصر، ۱۲۶۲ق.
۵۹. عسقلانی، ابن حجر، *تهذیب التهذیب*، دارالفکر، بیروت، ج ۹، ۱۴۱۵ق.
۶۰. _____، *فتح الباری فی شرح البخاری*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ج ۱۳، ۱۴۱۸ق.
۶۱. عسکری، سید مرتضی، *معالم المدرسین*، مجمع علمی الاسلامی، ایران، ج ۱، ۱۴۱۶ق.
۶۲. عینی، محمود بن محمد، *عمده القاری شرح البخاری*، دارالفکر، بیروت، ج ۱۶، ۱۴۲۳ق.
۶۳. فاسی مکی، محمد بن ادیس، *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، مطبعه المولویه، فاس..
۶۴. فقیه ایمانی، مهدی، *اصاله المهدی فی الاسلام*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ایران، ۱۴۲۰ق.
۶۵. قرشی عدوی صیبی، محمد بن طلحه بن حسن، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، دارالکتب التجاریه، نجف، ج ۲.
۶۶. قرطبی، التذکره فی احوال الموتی و امور الاخره، مطابع مذکور و اولاده، قاهره.
۶۷. قسطلانی، شهاب الدین، *ارشاد الساری به شرح البخاری*، ج ۱۵.
۶۸. قندوزی، سلیمان، *ینابیع الموده*، ج ۱.
۶۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ۱۳۸۸ش.
۷۰. کنجی شافعی، *البیان فی اخبار صاحب الزمان*، مؤسسه الهادی، بیروت، ۱۳۹۶ق.
۷۱. متقی هندی، علاء الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، حلب، ج ۱۴، ۱۳۹۵ق.
۷۲. _____، *کنز العمال*، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۷۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دارالتعارف، بیروت، ج ۲۱، ۱۴۲۱ق.
۷۴. محمد بن احمد بن اسماعیل، *المهدی حقیقه لاخرافه*، مکتبه العربیه الاسلامیه.
۷۵. محمد بن یزید قزوینی، *سنن ابن ماجه*، ج ۲.
۷۶. مذی، یوسف، *تهذیب الکمال*، دارالفکر، بیروت، ج ۲۵، ۱۴۱۴ق.
۷۷. مصری، محمد خضر حسین، *نظره فی احادیث المهدی*، مجله تمدن الاسلامی، دمشق، ۱۳۷۰ق.
۷۸. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، قم، ج ۱۸، ۱۳۸۱ش.
۷۹. مظفر، شیخ محمد، *دلایل الصدق*، دارالعلم للطباعه، قاهره، ج ۲، ۱۳۹۶ق.
۸۰. مغزی، تقی الدین احمد بن علی، *السلوک لمعرفة الملوک*، دار الکتب، مصر، ج ۱، ۱۹۷۳م.
۸۱. منذری شافعی، مختصر السنن ابی داود، دار المعرفه، بیروت، ج ۶.

۸۲. منصور علی ناصف، *التاج لجامع الاصول*، دار الاحیاء التراث العربی، مصر.
 ۸۳. مودودی، سید ابوالاعلی، *خلافت و ملوکیت*، اداره ترجمان القرآن، لاهور، ۱۹۹۲م.
 ۸۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، مکتبه الصدوق، تهران.
 ۸۵. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، اسماعیلیان، قم، ج ۶.
 ۸۶. نووی شافعی، محی‌الدین ابوبکر زکریا بن شرف، *شرح صحیح مسلم*، دارالقلم، بیروت، ج ۱۳، ۴۰۷ق.
 ۸۷. نیشابوری، محمد بن حجاج، *صحیح مسلم*، دارالفکر، بیروت، ج ۶، ۱۴۱۰ق.
 ۸۸. هروی قاری حنفی، علی بن سلطان مهر نورالدین، *مرقاہ المفاتیح شرح مشکاه المصابیح*.
 ۸۹. هیثمی مکی، ابن حجر، *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، مکتبه القرآن، قاهره.
 ۹۰. هیثمی، ابن حجر، *الصواعق المحرقة*، مکتبه القاهره، مصر.
 ۹۱. هیثمی، نور الدین علی بن بکر، *مجمع الزوائد*، دار الکتب الاسلامیه، بیروت، ج ۱۴، ۱۴۰۸ق.
 ۹۲. هیثمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر سلیمان، *موارد الزمان الی زواید ابن حبان*، مطبعه السلفیه، مکه.

مقاله

بررسی جواز فروش مسجد و متعلقات آن در فقه مقارن

عمرسلطانی آذر^۱

چکیده

وقف عبارت است از حبس عین مال و تسبیل منفعت. یکی از اصول مهم حاکم بر وقف، اصل عدم انتقال ملکیت عین موقوفه است، اما بر این اصل استثنائاتی وارد شده است. فقها فروش اموال موقوفه را زمانی که استفاده از آن، دیگر به آن صورت ممکن نبوده یا موجب نزاع و جدال گشته و یا غرض واقف را به صورت موجود تأمین نمی‌نماید جایز دانسته و معتقدند با فروش آن و حتی الامکان جای‌گزین کردن مثل آن، هم هدف واقف بهتر تأمین شده و از تضییع آن جلوگیری به عمل آمده و هم امکان استفاده بهتر از آن فراهم می‌شود.

اعمال اصل انتقال‌ناپذیری، چنان‌چه از عبارات فقها بر می‌آید، بیشتر در اوقاف عام مطرح بوده است؛ بر اساس این، جمهور فقهای مذاهب اسلامی غیر از حنبله فروش مسجد را که از زمره اوقاف عام است جایز نمی‌دانند و تنها برخی از فقیهان فروش موقوفاتی را که جهت انتفاع عمومی است جایز شمرده‌اند، اما عموم آنان تسامح بیشتری نسبت به فروش اوقاف خاص و متعلقات مسجد به عنوان یک نمونه از اوقاف عام نشان داده و غالباً استثنائاتی را که بر اصل عدم فروش مال موقوف وارد شده - از جمله خرابی مال موقوف - به وقف خاص ناظر دانسته‌اند.

واژگان کلیدی: فروش مال موقوف، وقف عام، مسجد، متعلقات مسجد.

مقدمه

میل به خیرخواهی و نوع‌دوستی در فطرت هر انسانی به ودیعه گذارده شده است و یکی از راه‌های ارضای این غریزه فطری، نهاد چند منظوره وقف و حبس اموال در راه مصالح خیر می‌باشد. هم‌چنین نظام وقف اکنون گسترش پیدا کرده است، به طوری که هیچ کشور و ملت مسلمانی را نمی‌توان یافت که با این تأسیس مهم اجتماعی - اقتصادی آشنایی نداشته باشد.

۱- کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق خصوصی اسلامی.

با وجود این، در جامعه خود با موقوفات متعددی از جمله مساجد مخروبه و یا متروکه‌ای روبه‌رو هستیم که عاطل و بی‌استفاده مانده است، که از یک طرف در مورد جواز و عدم جواز فروش یا استبدال آنها میان فقها اختلاف نظر وجود دارد و از طرفی هم مشکلاتی برای مردم ایجاد کرده است. بنابراین در این مقاله به خاطر ضرورت - این که از موضوعات مبتلابه جامعه می‌باشد - به بحث جواز فروش مساجد و متعلقات آن که یکی از اقسام اوقاف عام محسوب می‌شود، حتی‌الامکان با شیوه مزجی و مطلب‌محوری در دو مبحث جداگانه پرداخته شده است. در مبحث نخست، برای رسیدن به مطلوب و القای علمی مطالب در مورد موقوفات، به مفهوم لغوی و اصطلاحی آن (اصطلاح فقها) اشاره شده و همچنین به تناسب موضوع، یک قسم از اقسام اوقاف که وقف عام و خاص می‌باشد به صورت مختصر ارائه گردیده است. در مبحث دوم نیز فروش مسجد و متعلقات آن در دو گنتر مجزا بررسی گردیده است و نظرات فقها در این مورد بیان شده و حتی در بعضی موارد با ذکر دلیل، برخی اقوال به خاطر مقتضیات زمان و مکان و دیدگاه برخی از فقها ترجیح داده شده و در نهایت، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث پرداخته شده است.

مبحث نخست - کلیات ۱- مفهوم وقف

در این مبحث، ابتدا وقف از نظر لغوی تعریف گردیده و سپس به تعریف اصطلاحی آن از دیدگاه فقهای اسلام پرداخته شده است. همچنین اقسام آن به صورت مختصر ارائه گردیده است.

۱-۱: تعریف لغوی وقف

«وقف» در لغت به معنی «ایستادن و به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن، امامت کردن، ساکت کردن، حبس شدن، حبس کردن، متوقف شدن، متوقف کردن و ایستادن در جایی و توقف نمودن در کلام و دانستن و مطلع شدن، مکث و درنگ کردن» است. «وقف» مفرد است و جمع آن «وقوف» یا «اوقاف» و فعل ماضی آن «وَقَفَ» ثلاثی مجرد است. (ابن منظور، ۱۳۶۴ش؛ افرام البستانی، ۱۳۸۲ش؛ دهخدا، ۱۳۷۲ش؛ طریحی، بی‌تا و ابن‌فارس بن زکریا، بی‌تا، ص ۱۳۵).

۱-۲: تعریف اصطلاحی وقف

از نظر اصطلاحی نیز می‌توان معنای وقف را در منابع فقهی و اصطلاح حقوقی به صورت جداگانه بررسی نمود که در این‌جا به تعریف آن در اصطلاح حقوقی نمی‌پردازیم. «وقف» در منابع فقهی و اصطلاح فقهای اسلامی با تعاریفی متفاوت وارد شده است به صورتی که حتی فقهای یک مذهب در مورد آن بر یک تعریف خاص اتفاق نظر ندارند و این مسئله کار را برای بحث و بررسی مشکل کرده است، بنابراین در این مقاله به خاطر پرهیز از اطالۀ بحث فقط به

ذکر تعریف راجح از آن تعاریف (از دیدگاه نگارنده) پرداخته شده است. در این تعریف، وقف عبارت است از: «تَحْبِيسُ الْأَصْلِ وَ تَسْبِيلُ الثَّمَرَةِ أَوْ تَسْبِيلُ الْمُنْفَعَةِ» (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۶ و طوسی، بی‌تا، ص ۲۸۶) یعنی، وقف به معنای نگه داشتن اصل ملک و آزاد گذاشتن ثمره یا منفعت آن است. علت ترجیح این تعریف را می‌توان با دلایل زیر توجیه کرد:

۱- این تعریف از حدیث شریف نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرفته شده که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عمر بن خطاب فرمودند: «... حَبْسُ الْأَصْلِ وَ سَبْلُ الثَّمَرَةِ» (نوی، ص ۸۶)؛

۲- این تعریف نسبت به سایر تعاریف، اعتراضات و ایرادات کمتری بر آن وارد شده است. برای نمونه، بر تعریف سرخسی از فقهای حنفیه که گفته است: «الوقف هو حبس المملوك عن التمليك من الغير» (سرخسی، ص ۲۷) ایراد گرفته‌اند که این تعریف، علاوه بر این که غیر مانع است موقوفه را نیز از ملکیت واقف خارج نمی‌گرداند؛

۳- علت برتری این تعریف این است که در آن فقط به حقیقت وقف اشاره شده است و به تفصیلات دیگر مانند اشتراط قربت یا ابقای ملکیت موقوفه در ملک واقف یا خروج آن از ملکیت واقف و... که از شرایط و ارکان وقف می‌باشد نپرداخته است، چون پرداختن به آنها ما را از هدفی که وقف به خاطر آن وضع شده است دور و تعریف را از دلالتش خارج می‌گرداند.

۴- «تسبیل» وارده در این تعریف متضمن هدف وقف است که همان نزدیکی به خداوند متعال می‌باشد.

۲- اقسام وقف

فقها در کتاب‌های خویش، مسجد را از زمره اوقاف عام به حساب آورده‌اند و چون شرایط فروش، در مواردی که برخی از فقها قائل به جواز آن می‌باشند در موقوفات عام و خاص متفاوت است، از این رو جهت تبیین مبحث و ارائه مطالب در چارچوب آن، از میان اقسام موقوفات فقط به ذکر یک قسم از انواع تقسیم‌بندی‌های غالب و مرسوم می‌که از لابه‌لای عبارات فقها در کتاب‌های فقهی استنباط می‌شود، پرداخته و تعریف مختصری از آن ارائه می‌گردد.

۲- ۱: اقسام وقف به اعتبار موقوف‌علیهم

در یک تقسیم‌بندی وقف را به اعتبار موقوف‌علیهم به وقف عام و وقف خاص تقسیم کرده‌اند: **وقف عام:** وقف بر جهت و مصلحت عام، مثل وقف بر مساجد، راه‌ها، پل‌ها و یا وقف بر عناوین عام مثل فقرا، ایتماء و... است. برخی از فقها وقف بر فقرا و ایتماء را که تعدادشان زیاد است از مصادیق وقف غیرمحمصور یا نامعین شمرده‌اند، که در مصرف آن، احصای کامل عدد موقوف‌علیهم ضرورت

ندارد و هرکس که به متولی مراجعه کند و فقر او محرز باشد با رسیدگی متعارف، از منافع وقف بهره‌مند می‌گردد.

وقف خاص: وقفی است که به افراد محصور اختصاص دارد؛ یعنی موقوف‌علیهم معین و مشخص هستند؛ مثل وقف بر اولاد واقف به صورت نسل به نسل. (بندرچی، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ ش، ص ۱۳).

مبحث دوم - بررسی جواز فروش مسجد و متعلقات آن

در یک نگاه کلی می‌توان مسجد را نیز جزء وقف عام به حساب آورد اما از آن‌جا که زمین مسجد بعد از وقف دارای قداست می‌شود و شامل احکام خاصی می‌گردد که به واسطه آن احکام از اوقاف دیگر قابل تفکیک می‌باشد، از این رو بهتر است احکام فروش مسجد به طور مجزاً از بحث بیع وقف عام بررسی گردد.

شایان ذکر است که امام خمینی علیه السلام وقف را در هیچ یک از اقسام آن (خاص، عام، مساجد و...) تملیک نمی‌داند بلکه از نظر ایشان وقف نوعی حبس است برای انتفاع موقوف‌علیهم از درآمد آن. (امام خمینی، ص ۸۹). نکته دیگر این‌که فقهای هم‌چون شیخ انصاری و محمد جواد مغنیه، موقوفات عامه‌ای چون مدارس، مشاهد و... را نیز در کنار مساجد قرار داده و ادعای اتفاق نظر فقهای امامیه بر عدم جواز بیع و استبدال آنها کرده‌اند. دلیل آنها، همان فک ملک بودن این اوقاف و عدم اختصاص آنها به فرد یا گروهی خاص است که در نتیجه، بعد از تمامیت وقف، حکم مباحات عمومی را پیدا خواهد کرد و روشن است که بیع جز در ملک، صحیح و نافذ نخواهد بود. (مغنیه، ۱۴۱۴ق، ص ۶۱۸).

هم‌چنین از آن‌جا که متعلقات مسجد از نظر حکم به‌طور کامل همانند خود مسجد نمی‌باشد، بحث بیع مساجد در دو مقام انجام می‌شود: ۱- بررسی جواز فروش اصل مسجد؛ ۲- بررسی جواز فروش متعلقات مسجد.

۱- بررسی جواز فروش اصل مسجد

مسجد ساختن و اختصاص دادن زمین یا ساختمان خاصی به عنوان مسجد از مصادیق «وقف» به شمار می‌رود. در باب وقف این بحث بین فقها مطرح است که آیا وقف از عبادات است تا قصد قربت در آن شرط باشد یا این‌که قصد قربت شرط صحت وقف نیست. در هر صورت، اگر در وقف غیرمسجد قصد قربت را لازم بدانیم، این قصد در وقف بر مسجد به طریق اولی لازم است.

در مورد مالکیت مسجد بعد از وقف می‌توان گفت که اجماع فقهای مذاهب (ابوزهره، بی‌تا، ص ۱۸۰ و حائری یزدی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۷ و ۳۰۰) غیر از امام احمد حنبل (ابن‌قدامه مقدسی، پیشین،

ص ۲۵۲) بر آن است که در وقف مسجد تمام علاقه‌ای که بین واقف و غیرواقف نسبت به عین است قطع می‌شود. این در حالی است که در وقف غیرمسجد مالک می‌تواند به عنوان متولی یا ناظر علاقه خود را با عین حفظ کند. به همین سبب از آن به فک ملک یا تحریر تعبیر کرده‌اند و از هر قید آزاد است و با توجه به این‌که بیع جز در ملک محقق نمی‌شود و مسجد ملک کسی نیست، پس نمی‌توان بیع آن را جایز دانست.

حتی در أسهل المدارک (فقه مالکی) نیز برای عدم جواز بیع مساجد، ادعای اجماع شده است. (بابی، بی‌تا، ص ۱۰۴).

لازم به ذکر است که در کتاب‌های اهل سنت واژه «اندراس» نیز به چشم می‌خورد و آن را به حالتی در موقوفه تعریف کرده‌اند که امکان انتفاع از آن به‌طور کلی نباشد؛ به این شکل که اصلاً از آن چیزی حاصل نشود و هزینه مخارج خودش را نیز در نیاورد (وزاره الأوقاف و الشئون الإسلامیه لکویت، بی‌تا، ص ۳۲۵). اندراس مساجد نیز به این معنا است که مردم بی‌نیاز از آن مسجد باشند به صورتی که در آن محله نمازگزاران به آن مسجد نیایند و یا این‌که مسجد طوری خراب شود که امکان انتفاع از آن به هیچ‌وجه نباشد. (همان، ص ۳۲۴). در این مورد، فقهای مذاهب به خصوص ائمه اربعه اهل سنت آرای مشابهی ذکر کرده‌اند، به طوری که از امام ابوحنیفه (ابن‌عابدین، ۱۲۸۶ق، ص ۲۷۱)، شافعی (رملی، ۱۹۳۸م، ص ۳۹۲)، مالک و در یک روایت مرجوحی از امام احمد و روایتی از ابویوسف شاگرد امام ابوحنیفه آمده است که آن مسجد، مسجد باقی می‌ماند و از مسجدیت خارج نمی‌شود و به ملک واقف نیز بازمی‌گردد. (وزاره الأوقاف و الشئون الإسلامیه، پیشین، ص ۳۲۴) حتی از امام ابوحنیفه و ابویوسف نقل کرده‌اند که آنان معتقدند تا روز قیامت مسجد باقی می‌ماند، اما در این مورد سرخسی به محمد بن حسن نسبت داده است که در حالت اندراس، وقف به ملکیت واقف یا ورثه ایشان باز می‌گردد. (سرخسی، پیشین، ص ۴۲-۴۳ و وزاره الأوقاف و الشئون الإسلامیه، پیشین، ص ۳۲۴).

امام ابوزهره در کتابش آورده است که در نزد حنفیه، شرط استبدال در مسجد صحیح نیست و حتی اگر چنین شرطی را هم گنجانده باشند وقف صحیح ولی شرط باطل است. (ابوزهره، پیشین، ص ۱۸۰).

اما در مورد بیع مساجد، در نزد حنابله دو روایت وارد شده است که به اختصار ذکر می‌گردد: روایت اول: هرگاه مسجد غیرصالح باشد برای هدفی که به خاطر آن وقف شده است، مثل این‌که مسجد تنگ شود یا محله خراب شود و آن ناحیه از سکنه و نمازگزاران خالی باشد جایز است که آن را فروخت و در این حالت ثمن حاصله از آن در ایجاد مسجدی دیگر در محلی دیگر که به آن نیاز دارد صرف شود.

روایت دوم: خرید و فروش مساجد جایز نیست. علی بن سعید روایت کرده است که مساجد فروخته نمی‌شود بلکه اسباب و وسایل آن منتقل می‌شود. ابن قدامه روایت اول را ترجیح داده است و این نشان می‌دهد که او نیز به روایت اول قایل می‌باشد. (دسوقی، بی‌تا، ص ۹۲ و وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، پیشین).

علامه در تحریر و نهاییه، سبزواری در کفایه، فاضل هندی در کشف اللثام، محقق ثانی، صاحب حدائق، شهیدین در لمعه و روضه و دیگران از فقهای امامیه نیز تصریح کرده‌اند که با ویرانی و زوال آثار مسجد، عرصه آن از مسجدیت خارج نمی‌شود و همه احکام مسجد بر آن جاری خواهد شد. (حلی، بی‌تا، ص ۲۹۰؛ همو، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۸-۳۵۹؛ کرکی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱؛ بحرانی، ص ۲۵۴؛ شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، بی‌تا، ص ۳۰۳ و اصفهانی، (فاضل هندی)، ۱۴۱۶ق - ص ۳۳۵).

اما در میان متأخرین از فقهای امامیه، صاحب عروه وقف در مشاهد و مساجد را فک و تحریر ملک نمی‌داند و معتقد است: بنا بر عدم بقای آنها بر ملک واقف و عدم انتقال به موقوف علیهم، ملک خدای متعال می‌باشد، همانند ملکیت خداوند نسبت به سدس خمس که در آیه کریمه آمده است: «... فإن لله خمسهُ و للرسول و لذی القربی...» (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۲۵۸-۲۵۷).

این دیدگاه درباره مساجد با دیدگاه احمد بن حنبل، از ائمه اهل سنت موافق است. از جمله دلایل کسانی که بیع و تصرف در اصل وقف را جایز نمی‌دانند عبارت است از:

- ۱- ملکیت واقف در اثر تحقق وقف زایل شده و بازگشت مجدد آن به دلیل نیاز دارد. (مغنیه، پیشین، ص ۶۱۳-۶۱۴).

- ۲- مقتضای وقف تأیید است و خرابی مسجد یا قریه موجب بطلان آن نمی‌شود، زیرا خرابی آن با بقای وقفیت آن منافات ندارد. (بحرانی، پیشین و مسالک الأفهام، بی‌تا، ص ۳۶۰).

- ۳- مقصود و غرض واقف از وقف مسجد، عبادت خداوند است و با ویرانی مسجد، امید آبادانی و رونق مجدد محل و نیز نمازگزاران رهگذران در آن منتفی نیست. (شهید ثانی، پیشین، ص ۳۶۰؛ کرکی، پیشین، ص ۸۱ و حائری یزدی، پیشین، ص ۳۰۱).

- ۴- اجماع و عدم خلاف: جمهور فقها به غیر از امام احمد بن حنبل از اهل سنت و صاحب عروه از امامیه، این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

- ۵- وقف در مسجد تملیک نیست، بلکه همانند عتق، فک ملک است. بنابراین نه واقف مالک آن است و نه موقوف علیه؛ در نتیجه، کسی حق بیع آن را نخواهد داشت. (شهید ثانی، الروضه البهیة، پیشین، ص ۳۰۴؛ انصاری، ۱۳۷۵ق، ص ۱۶۷ و جناتی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰۴).

- ۶- استصحاب بقای وقفیت عرصه مسجد. (نجفی، ۱۹۸۱ م، ص ۱۰۷).

موضوعاتی را که از اسباب و علل فروش مسجد به حساب می‌آید و بیش از سایر موضوعات نظر فقها را جلب کرده است می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی و بررسی نمود:

۱- توسعه مسجد

گاهی به خاطر کوچک بودن مسجد و ازدیاد نمازگزاران لازم می‌شود مسجد تخریب شده و توسعه یابد. چنانچه در جریان توسعه مسجد لازم باشد مسجدی که خود در معرض انهدام و ویرانی است به کلی تخریب شود، تخریب آن مانعی ندارد. همچنین در مواردی که بخش‌های خاصی از مسجد چنین حالتی را داشته و به تعمیر اساسی محتاج باشد، می‌توان آن قسمت را به کلی ویران و مجدداً بازسازی نمود. در این مسئله میان فقها اختلافی وجود ندارد. (وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه لکویت، پیشین، ص ۳۲۴؛ صاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۵ و مالکی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۹).

اما اگر توسعه و یا تغییر بنای مسجد همراه با ویران نمودن قسمت‌های آباد آن باشد مسئله محل اختلاف است.

از میان مذاهب اسلامی، در مذهب مالکی فقها اجماع دارند که فروش مسجد به طور کلی جایز نیست. همچنین معتقدند اگر موقوفه خانه و مغازه و دارای منافع باشد فروختن آنها جایز نمی‌باشد. آنها در عین حالی که فروش این موارد را ممنوع کرده‌اند در چند مورد فروش عقارات موقوفه را جایز دانسته‌اند، که این موارد عبارت است از: ۱- توسعه مسجد؛ ۲- توسعه گورستان؛ ۳- توسعه راه‌های عمومی. (پیشین) (مراد از توسعه در این موارد تصرف و تبدیل موقوفه می‌باشد). همچنین بغدادی از مالکیه بر این نظر می‌باشد که بیع و فروختن مسجد جایز نیست هرچند که آن محله آبادانی خود را از دست داده و افراد آن به جای دیگری کوچ کرده باشند، ولی در مورد زمین یا خانه‌های وقفی اطراف مسجد، هرگاه مسجد و مسافران (رهگذران) با مشکل روبه‌رو شوند و رفع آن متوقف بر توسعه آن باشد، جایز است که بخشی از آن اراضی یا خانه‌ها که برای توسعه مسجد لازم است فروخته شود. (بغدادی، بی‌تا، ص ۱۸۰-۱۸۳).

از آنجا که فقهای حنابله فروش مساجد را جایز دانسته‌اند، می‌توان استنباط کرد که آنان به طریق اولی توسعه مساجد را نیز پذیرفته‌اند و در تأیید آن به گفته ابن قدامه می‌توان استناد کرد که می‌گوید: «... اگر مسجد به حدی کوچک باشد که فضای کافی برای نمازگزاران نباشد و در عین حال امکان توسعه آن نیز وجود نداشته باشد و یا این که موقوفه طوری است که تعمیر نخواهد شد مگر با فروش بخشی از آن، جایز است که مقداری از آن را فروخت و با ثمن آن مابقی را تعمیر کرد. اگر با تمام این کارها امکان انتفاع از مسجد وجود نداشته باشد مسجد فروخته می‌شود.» (دسوقی، پیشین، ص ۹۲)

امام خمینی علیه السلام در رساله توضیح المسائل در این مورد می‌گوید:

بررسی حجاز فروش مسجد و متعلقات آن در فقه مقارن

« ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده، برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند. » (زارع بیدکی، اردیبهشت ماه ۱۳۷۷ش، ص ۷۸-۷۹).

هم‌چنین ایشان در استفتائاتی که در این مورد شده است، تخریب مساجد را به منظور تبدیل به احسن جایز ندانسته است. (نوبهار، ۱۳۷۲ش، ص ۲۶۷).

۱ - ۲: فروش مسجد برای تبدیل به کوچه و خیابان و...

از جمله مسائل مهم و مبتلا به بایستی مورد توجه قرار گیرد تبدیل بخشی از مسجد به کوچه و یا خیابان است؛ یعنی در صورت نیاز جامعه، آیا ممکن است مقداری از مسجد که در کنار جاده قرار گرفته و یا این که کل مسجد که در طرح تعریض خیابان یا احداث جاده قرار گرفته توسط شهرداری خریداری شود و از ثمن حاصله زمین دیگری خریداری کرده و وقف مسجد نمود؟

از مجموع مطالب می‌توان گفت که این کار از دیدگاه شافعیّه درست نیست و در هر حالتی و تحت هر شرایطی جمهوری فقه‌های شافعیّه به عدم جواز تغییر و تبدیل در مسجد قایل می‌باشند و نسبت به سایر مذاهب اسلامی به‌خاطر محافظت از وقف و جلوگیری از نابودی و تفریط در آن سخت‌گیری بیشتری به خرج داده‌اند. (شریینی، بی‌تا، ص ۲۷۰).

برای روشن شدن مطلب ابتدا به یک نمونه از استفتائات امام خمینی علیه السلام اشاره شده و سپس در مورد نظر و دیدگاه راجح اظهار نظر می‌گردد.

سؤال: «شخصی زمینی جهت مسجد داده و نقشه مسجد پیاده شده و دیوارهای شبستان مقداری بالا آمده و قبل از رسیدن به سقف نقشه عوض شده و چون شبستان تا لب خیابان بود در نقشه دوم مقداری عقب‌نشینی کرده، در نتیجه مقداری از شبستان، چند مغازه شده و بالای آنها کتابخانه، آیا بودن مغازه‌ها و کتابخانه چه صورت دارد؟ ضمناً خیابان فعلاً ده‌متری می‌باشد و به نظر شهرداری بنا است بیست متری شود ولی فعلاً شهرداری اقدام به آن نمی‌کند».

جواب: « اگر زمین تحویل مسجد شده تغییر جایز نیست» (نوبهار، پیشین، ص ۲۷۰).

صاحب جواهر عبارت صاحب شرایع را که در این مورد گفته است: «حرام است بخشی از مسجد را جزء راه یا ملک دیگری قرارداد». چنین شرح نموده است: « این حکم قطعی است، چه رسد به این که بخواهیم تمام مسجدی را جاده و یا ملک دیگری قرار دهند به گونه‌ای که آثار مسجدیت از آن مکان به کلی محو شود و یا این که نتوان مسجد را برای جهتی که برای آن مهیا شده (عبادت) مورد استفاده قرار داده، بسیاری از فقها بدین حکم تصریح نموده‌اند، حتی برخی این حکم را به مجمع فقها نسبت داده و آورده‌اند که اگر این حکم از ضروریات دین نباشد (دست‌کم) از قطعیات

است، چون این عمل (قراردادن مسجد به عنوان راه یا ملک دیگران) تخریب مسجد و تبدیل آن است و این امر با مسجد که مکانی است که برای عبادت خاصی مهیا شده منافات دارد. » (نجفی، پیشین، ج ۱۴، ص ۹۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که نظرات و فتاوی‌ایشان در مورد حل مشکلات اجرایی و اداری جامعه دارای اهمیت است، در استفتائاتی که از ایشان شده است رأی به عدم جواز تخریب مسجد داده و معتقدند تخریب مسجد و تصرف زمین آن بدون مجوز شرعی و قانونی حرام است. (نوبهار، پیشین).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، فقها به عدم جواز هرگونه تغییر و تبدیل مسجد به کوچه و خیابان معتقد می‌باشند و تبدیل به احسن را در مورد آن به هیچ‌وجه جایز نمی‌دانند، اما به نظر می‌رسد به واسطه تغییر شکل زندگی اجتماعی و بروز نیازهای جدید، تکیه بر نصوص فقهی فقهای که هرگونه تغییر و تبدیل را جایز نمی‌دانند برخلاف حکم عقل باشد و از این رو باید با استمداد از ادله شرعی و استنباط پویا، معضلات موجود را مرتفع ساخت، زیرا اگر به خاطر تکیه بر نصوص این گروه از فقها به عدم جواز تخریب مسجدی که در وسط خیابان قرار گرفته حکم بدهیم چه بسا به واسطه همین عمل در طول زمان خون انسان‌های زیادی در اثر حوادث و تصادفات که به خاطر وجود مسجد در وسط خیابان و عدم دید کافی برای رانندگان به وجود می‌آید بر زمین بریزد. از این رو با توجه به قاعده «الضروراتُ تبيحُ المحظورات» شاید بتوان در چنین مواردی به خاطر ضرورت و به خصوص این که هیچ زمینی بالذات مقدّس نمی‌باشد و قداست زمین مسجد نیز اعتباری و بر اساس جعل شارع می‌باشد به جواز تبدیل مسجد به احسن حکم داد.

هرچند بر اساس روایت راجح از امام احمد بن حنبل (ابوزهره، پیشین، ص ۱۸۰) می‌توان در مسجد تغییر و تبدیل ایجاد کرد و حتی می‌توان آن را فروخت، اما لازم به ذکر است که این فتوا به مسجدی اختصاص دارد که صالح نبوده و خراب شده باشد و علاوه بر آن، بحثی از تبدیل به احسن نشده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد رأی و دیدگاه راجح در مورد مسجد، دیدگاه مالکیه باشد، زیرا هم‌چنان که گذشت، مالکیه در مورد فروش عقار موقوفات سه استثنا ذکر کرده‌اند که یکی از آنها «توسعه راه‌های عمومی» است (ر.ک: ص ۱۰) و چون تبدیل شدن قسمتی از مسجد و یا کل آن، بنا به نیاز جامعه و نفع عمومی است و مصالح عمومی ایجاب می‌نماید که این کار صورت بگیرد می‌توان گفت که در صورت نیاز و مصلحت عمومی این عمل جایز باشد، چون نفع راه‌های عمومی از نفع اصل وقف بیشتر بوده و نزدیک به غرض واقف نیز می‌باشد و هم‌چنین سلف صالح نیز این کار را در مورد مساجد انجام می‌داده‌اند. (قرافی، ۱۹۹۴م، ص ۳۲۸-۳۳۰، و مجله مجمع الفقه الاسلامی، جزء ۱۳، ص ۳۸۲).

شایان ذکر است که در این مورد مطالب دیگری از حضرت امام علیه السلام نقل کرده‌اند که می‌توان گفت از فتاوی‌ای حکومتی می‌باشد. از جمله ایشان می‌فرماید: «حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در مواقع لزوم تعطیل کند و مسجدی را که «ضرار» باشد در صورتی که رفع بدون تخریب ممکن نباشد خراب کند» (امام خمینی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۷۰).

باید توجه داشت که قول به جواز فروش مسجد در فقه امامیه نیز بی‌سابقه نیست، چنان‌که سید محمدکاظم طباطبایی یزدی در ملحقات عروه‌الوثقی، می‌گوید: بین مسجد و سایر اوقاف فرقی نیست و اگر خرابی مجوز فروش غیر مسجد باشد مجوز فروش مسجد نیز هست. (طباطبایی یزدی، پیشین، ص ۲۵۷-۲۵۸).

۱ - ۳: خراب شدن مسجد یا روستایی که مسجد در آن واقع است

یکی دیگر از موضوعاتی که مورد توجه بیشتر فقها قرار گرفته و در مورد آن بحث کرده‌اند مسئله بقای مسجدیت مسجدی است که به خاطر خراب شدن آن یا ویران شدن روستای آن، دیگر کسی در آن نماز نمی‌خواند.

در فقه اسلامی اجماع فقها غیر از حنابله بر این است که در چنین حالتی نیز مسجد قابل خرید و فروش نبوده و به ملکیت کسی در نمی‌آید. برای روشن‌تر شدن موضوع به ذکر دیدگاه برخی از فقهای مذاهب پرداخته می‌شود.

همان‌طور که در بحث اندراس موقوفه آمد، امام ابوحنیفه و ابویوسف در این مورد معتقدند تحت این شرایط هم مسجد از مسجدیت خارج نمی‌شود و به ملک واقف نیز بازمی‌گردد. (ر.ک: بحث اندراس، ص ۶-۹).

بغدادی از فقهای مالکی نیز معتقد است فروختن مسجد جایز نیست هر چند که آن محله آبادانی خود را از دست داده و افراد آن به جای دیگری نقل مکان کرده باشند. (بغدادی، پیشین، ص ۱۸۰-۱۸۳).

بیشتر فقهای شافعیه نیز در این مورد گفته‌اند هرگاه مسجدی وقفی باشد و مکان آن خراب شود و نماز در آن اقامه نشود یا به عبارتی دیگر، هرگاه مسجد بنا به دلایلی از جمله خالی بودن آن محله یا شهر یا روستا و یا خراب شدن آن منافع خود را از دست بدهد و منافع آن تعطیل شود، وقف آن باطل نمی‌شود و تحت هیچ شرایطی به ملکیت کسی در نمی‌آید و هیچ تصرفی هم در آن جایز نمی‌باشد، زیرا چون چیزی که از ملکیت کسی خارج شد و در آن اختلالی به وجود آمد، به واسطه این اختلال به ملکیت دوباره واقف در نمی‌آید، به دلیل این‌که امکان نمازخواندن در آن و بازگشت آن به حالت سابق دور از ذهن نیست. (شیرازی، بی‌تا، ص ۴۴۵ و مجله مجمع الفقه الاسلامی، پیشین، ص ۵۷۹).

حناطی در یکی از فتاوایش در مورد مسجد ویران شده می‌گوید: مصالح این مسجد اگر صرف ساخت و ساز و مصالح مسجد دیگری شود، نزدیک‌تر به غرض واقف است. هم‌چنین در صورتی که مسجد ویران نشده ولی خوف ویران شدن آن وجود دارد، می‌تواند آن را خراب کند و حاکم اسلامی می‌تواند در صورت وجود مصلحت، با اسباب و آلات مسجد مخروبه، مسجد دیگری بسازد، و گرنه آن را نگه می‌دارند. (انصاری، ۱۴۲۲ق، ص ۴۷۴-۴۷۵).

از فتوای حناطی استنباط می‌شود که در حالت عدم خوف از خراب شدن، جایز نیست آن را خراب کرد و اگر هم بنا به دلایلی خراب شد، اسباب و وسائل آن باید در جهت خودش صرف شود؛ به این معنا که اگر موقوفه، مسجد است، مصالح و اسباب آن باید صرف ساخت و ساز مسجد شود.

غزالی نیز در این مورد معتقد است اگر مسجدی خراب شده باشد و یا مردم آن محله یا ناحیه متفرق شده و کوچ کرده باشند و یا آن محله خراب شده باشد و در اثر این مسائل، مسجد به نوعی تعطیل شده باشد، در این حالت نیز مسجد به ملکیت واقف باز نمی‌گردد و در صورت خرابی، قسمتی از آن هم فروخته نمی‌شود تا صرف تعمیر آن شود، به دلیل این‌که برخلاف مرگ و خشک شدن درختان، احتمال بازگشت دوباره منافع از آن وجود دارد. (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۹-۲۶۰).

در مورد بیع مساجد در صورت تعطیلی منافع آن یا خالی از سکنه بودن محله‌ای که مسجد در آن‌جا واقع است، فقهای حنبلی دیدگاه متفاوتی با سایر علما دارند. ابن‌قدهامه در این‌باره می‌گوید: «در مورد مسجد هرگاه اهل آن محله کوچ کرده باشند و مسجد به مکانی تبدیل شود که در آن‌جا نماز به‌جا آورده نمی‌شود و یا این‌که نماز در آن‌جا برگزار می‌شود اما فضای مناسب و کافی برای نمازخواندن وجود ندارد و در عین حال هم امکان توسعه آن وجود نداشته و تعمیر نیز نخواهد شد مگر با فروش بخشی از آن، جایز است که بخشی از آن فروخته شود تا با ثمن حاصله از فروش آن قسمت باقی مانده را تعمیر نمایند و در صورتی که امکان انتفاع به هیچ‌وجه ممکن نباشد، تمام آن را می‌توان فروخت». (ابن قدهامه مقدسی، پیشین، ص ۲۲۵ و بهوتی، ۱۹۹۶م، ص ۴۲۶-۴۲۷).

دلیل این‌که حنابله این استبدال را جایز شمرده‌اند، مصلحت و ضرورت وقف است و هرگاه بخواهند آن را بفروشند باید این کار توسط حاکم یا قاضی انجام گیرد، چون این اقدام (فروش مساجد وقفی) فسخ عقد لازمی است که در مورد آن اختلاف‌نظر شدیدی میان علما وجود دارد. (پیشین).

شیخ طوسی در این مورد معتقد است: «اگر مسجدی وقف شود و سپس خراب گردد و محله یا روستایی که مسجد در آن واقع است نیز خراب گردد به ملک مالک بر نمی‌گردد، چنان‌که اگر میت را سیل ببرد یا توسط درنده خورده شود حکم چنین است. دلیل ما این است که همانا ملکیت مالک بعد از وقف به اتفاق نظر زائل شده و برگشت آن به ملکیت واقف محتاج دلیل است و دلیلی در شرع بر

آن نیست». (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲). وی در نهایت نیز تصریح کرده است که: «تملک و تصرف در هیچ چیز از اموال مسجد نیز جایز نیست...» (طوسی، بی تا، ص ۱۰۹).

شهید ثانی در روضه در این مورد می‌گوید: «مسجد به واسطه خراب شدن روستا از وقفیت خارج نمی‌شود، علت آن، این است که اولاً وقف لازم است، ثانیاً خراب شدن روستا نمی‌تواند موجب زوال آن گردد، ثالثاً ممکن است روستا دوباره آباد شود و رابعاً عابرین می‌توانند از آن استفاده نمایند». (شهید ثانی، پیشین، ص ۲۶۶).

امام علیه السلام نیز در تحریرالوسیله در این مورد می‌گوید: «اگر مسجدی خراب شود عرصه‌اش از مسجد بودن خارج نمی‌شود، پس احکام مسجد بر آن عرصه جاری می‌شود مگر در بعضی از فرض‌ها، هم چنین است اگر روستایی که مسجد در آن است خراب شود مسجد بر مسجد بودنش باقی است». (امام خمینی، پیشین، ص ۷۵).

بنابراین می‌توان گفت فقهای مذاهب به غیر از حنابله بر این امر اتفاق نظر دارند که تحت شرایط مذکور در بند ۱-۳ مسجد از مسجدیت خارج نشده و به ملکیت هیچ کسی در نمی‌آیند و کسی هم حق فروش یا تخریب آن را ندارد. هرچند روایت مرجوحی هم از امام احمد بن حنبل مشابه دیدگاه جمهور بر عدم جواز فروش مساجد در شرایط مذکور وجود دارد ولی ابن قدامه جواز فروش تحت این شرایط را ارجح دانسته است.

۱- ۴: معاوضه محل و فروش محل وقف سابق

در مورد مسجد آیا امکان معاوضه محل و فروش محل وقف سابق وجود دارد یا خیر؟ با توجه به مطالب گذشته در مورد بررسی جواز فروش مسجد از دیدگاه فقها، می‌توان گفت نظر مشهور بر این است که حتی اگر مسجد وقفی خراب هم بشود و هیچ انتفاعی از آن به دست نیاید از مسجدیت خارج نمی‌گردد. در این مورد تنها فقهای حنابله به تفصیل در برخی موارد تغییر و تبدیل وقف را جایز دانسته‌اند. (ر.ک: ص ۹-۶).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان محل مسجد را فروخت و جای جدیدی که بهتر از محل سابق وقف است خریداری کرد یا نه.

هر چند فقها جز عده‌ای اندک در کتاب‌های خود به صراحت به این مسئله نپرداخته‌اند، ولی از مجموع مطالب وارد شده در مورد «استبدال مسجد» و «عدم جواز فروش مال موقوف» و همچنین «اصل عدم انتقال اموال موقوفه» و نیز حساسیتی که فقها نسبت به مسجد نشان داده و مباحث مربوط به آن را از سایر موقوفات جدا کرده‌اند، می‌توان استفاده کرد که فروش محل سابق مسجد و خریداری محل بهتر از آن جایز نیست، چون علاوه بر این که برخی از فقها در کتاب خود آورده‌اند که

بیع زمین مسجد جایز نیست، امکان انتفاع از محل سابق هم چنان وجود دارد و غرض واقف از بیع نرفته و هر لحظه احتمال دارد که کسی پیدا شود و آن را تعمیر نماید. (انصاری، پیشین، ص ۴۷۵).

به رغم این موضع‌گیری فقهای متقدم در مورد موقوفات، از فتاوی برخی از فقهای معاصر اهل سنت هم چون عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، عبدالرزاق عقیفی، عبدالله بن عذیان، عبدالله بن منیع که در جزء ۲۳ و ۲۴ مجله «البحوث الإسلامیه» آمده است و فتاوی شیخ محمد صالح المنجد برمی‌آید که: اگر مسجدی کوچک است و فضای کافی برای نمازگزاران وجود ندارد و ضرورت اقتضا دارد که مسجدی بزرگ‌تر بسازند و یا مدرسه‌ای بزرگ‌تر بسازند چون مصلحت عمومی ایجاب می‌کند هیچ مانعی ندارد که زمین مسجد فروخته شود و با پول آن زمین دیگری در مکان مناسب دیگری خریداری شود و در آن مسجد یا مدرسه‌ای ساخته شود. مشروط بر این که متولی این کار شخصی با تدبیر، مطمئن و امانتدار باشد. (مجله البحوث الاسلامیه، جز ۲۳ و ۲۴، بی تا، ص ۶۰ و ۹۹).

۲- بررسی جواز فروش متعلقات مسجد

معمولاً برای اداره مسجد و رفع نیازهای آن، دکان، خانه یا قطعه زمینی را وقف امور مسجد می‌کنند تا سود آن برای تعمیر فرش و خادم و... هزینه شود و یا این که افراد خیر فرش یا چراغ و یا جاروبرقی و... را وقف مسجد می‌نمایند. بدیهی است که در این نوع وقف‌ها احکام مسجد و احترام آن بر این اموال مترتب نمی‌شود و میان فروش اصل مسجد و اموال آن تفاوت وجود دارد. در این مورد حتی فقهایی که از فروش مسجد خراب‌شده منع کرده‌اند نسبت به اوقاف تابعه آن، همانند خود مسجد سخت‌گیری نکرده‌اند، زیرا مسجد روحانیت و قداست خاصی دارد و برای عبادت مخصوصی وقف شده ولی دکان و... برای نفع مادی است، بنابراین به نظر می‌رسد فروش موقوفه مسجد جایز است. هم چنین فروش موقوفه مقبره و مدرسه نیز بی‌شک جایز است هرچند در مورد مسجد و مقبره و مدرسه به عدم جواز بیع حکم بدهیم.

البته باید توجه داشت که متعلقات مسجد بر دو نوع می‌باشد که توضیح آن به شرح زیر است:

۱-۲: چیزهایی که متولی مسجد از فوائد وقف تحصیل نموده است

گاهی برخی اموال از طریق اقدامات و فعالیت‌های متولی به دست می‌آید، مانند این که باغی وقف مسجد باشد و متولی از مال‌الاجاره آن و یا از پول تبرعی نیکوکاران مغازه‌ای بخرد و یا بسازد، به نظر می‌رسد در این صورت فروش و تبدیل آن با مصلحت وقف جایز باشد، زیرا اعیان ذکر شده وقف نمی‌باشد بلکه فقط نتیجه اموال وقفی است و متولی بنا بر مصلحت در آن تصرف می‌نماید. مگر این که حاکم شرع نسبت به اموالی که توسط متولی خریداری شده صیغه وقف جاری سازد که در این صورت تنها به واسطه مجوزات بیع قابل فروش می‌باشد.

۲-۲: اموالی که افراد خیر وقف مصالح مسجد می‌کنند

گاهی نیکوکاران برای مصلحت مسجد اموالی را وقف می‌کنند؛ این وقف حکم موقوفه خاصه را دارد و جایز است که فقط به سبب مجوز به فروش برسد.

در این قسمت نیز به تناسب موضوع به ذکر دیدگاه‌ها و نظرات فقها پرداخته می‌شود؛ از آن‌جا که احتمال دارد برخی از اموالی که وقف مساجد می‌شود منقول و یا غیرمنقول باشد، خردی از مالکیه معتقد است: «اگر موقوفه عقار نباشد و از آن به نحوی که وقف به خاطر آن صورت گرفته است امکان انتفاع نباشد، مثل این که موقوفه لباسی باشد و آن لباس پاره شود و یا اسبی باشد و آن اسب زمین‌گیر شده باشد و امثال آن، در این حالت موقوفه فروخته می‌شود و با ثمن حاصله از آن مماثل آن را خریداری می‌کنند تا امکان انتفاع از آن باشد، اما در خصوص عقار موقوفات، مالکیه استبدال آنها را ممنوع کرده‌اند». (وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه لکویت، پیشین، ص ۳۲۴).

علامه در قواعد در این مورد می‌گوید: «اگر حصیر مسجد بپوسد و از انتفاع در آن مسجد خارج شود و یا این که ستون مسجد بشکند به گونه‌ای که نتوان از آن استفاده کرد مگر برای سوزاندن، أقرب فروش آن و صرف ثمن آن در مصالح مسجد است». (حلی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷۲).

مراجع معاصر امامیه نیز در این باره دیدگاه‌های مشابهی دارند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

امام خمینی علیه السلام در مورد فروش آلات و اسباب مسجد در توضیح المسائل خود گفته است: «فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر خراب شود باید اینها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنان که به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگری مصرف شود. ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است، صرف تعمیر همان مسجد کنند وگرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند». (زارع بیدکی، پیشین، ص ۸۷).

آیت‌الله خوئی در منهج الصالحین چنین آورده است: «اگر مالی وقف بر مصلحتی باشد و عنوان آن مصلحت باطل گردد، همانند این که وقف بر مسجد یا مدرسه‌ای باشد و آن دو خراب شوند و تعمیر آن دو به واسطه عدم جواز و... امکان نداشت، اگر وقف به نحو تعدد مطلوب باشد، چنان که اغلب چنین است، منافع آن وقف، در مسجد یا مدرسه دیگری صرف می‌شود، در غیر این صورت (عدم تعدد مطلوب) نمائات وقف در وجود برّ به نحو اقربیت مصرف می‌شود. «(خوئی، ۱۳۵۲ش، ص ۲۵۴).

از میان فقه‌های مذاهب اسلامی، شافعیّه در مورد موقوفات و تغییر و تبدیل در آنها سخت‌گیری بیشتری نموده‌اند؛ آنها از حصیر و یا درخت خرما مسجد بحث کرده و در قالب مصادیق وقفی احکام آن را بیان نموده‌اند. در این مورد آورده‌اند که «هرگاه حصیرهای مسجد کهنه و پوسیده شده و

زیبایی خود را از دست داده باشد و یا درخت خرما مسجد شکسته شده و یا باد آن را از جایش کنده باشد و نفعی از آنها باقی نمانده باشد در خصوص جواز یا عدم جواز بیع آنها اقولی به شرح زیر وارد شده است:

۱- اصح این است که در این حالت این حصیرها فروخته شده و ثمن آن در مصالح مسجد صرف شود تا این که وقف ضایع نشود. البته قیاس هم این است که در صورت امکان با ثمن حاصل از فروش حصیرهای پوسیده مسجد، حصیر دیگری خریده شود و در مصلحت دیگری غیر از آن مصرف نشود، در غیر این صورت صرف مصالح مسجدی دیگر می‌شود. (رملی، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۴-۱۹۶).

۲- چون این اموال نیز وقف می‌باشد و امکان فروش مال موقوف وجود ندارد، به همان حالت ترک می‌شود و نمی‌توان آن را فروخت. در خصوص درخت خرما مسجد نیز همین حالت‌ها متصور است؛ بدین توضیح که هرگاه امکان انتفاع از آن به طور کلی وجود نداشته باشد مگر با سوزاندن آن، قمولی معتقد است که اگر امکان درست کردن تخته و الواح از آن وجود داشته باشد حاکم باید تلاش کند که با آن کاری را انجام دهد که أقرب به غرض واقف باشد». (پیشین).

امام نووی از فقه‌های بزرگ شافعیّه به جواز بیع حصیر یا درخت خرما مسجد قایل می‌باشد، آن هم زمانی که این حصیرها کهنه شده و یا درخت خرما شکسته شده و صلاحیت چیزی جز سوزاندن را نداشته باشد. وی دلیل جواز بیع را عدم تضييع وقف می‌داند و معتقد است با این کار وقف از بین نمی‌رود». (نووی، بی تا، ص ۲۵۲).

نتیجه گیری

در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران به دلایل نقلی و غیر نقلی اصل بر عدم جواز فروش مال موقوف است. البته این اصل مانند سایر اصول دارای استثنا است و آن در جایی است که ضرورت و یا مصلحت عمومی فروش آن را اقتضا نماید. البته در متعلقات مسجد نیز باید تفصیل قایل شد و آن‌چه را که وقف بر مسجد شده است، همانند سایر موقوفات تنها در صورت بروز یکی از موارد جواز بیع قابل فروش دانست و آن‌چه را که وقف مسجد نشده بلکه به عنوان نذر یا هدیه و... می‌باشد، بدون بروز مجوزات بیع و در صورت مصلحت مسجد قابل فروش دانست.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که در مورد موقوفاتی مثل مساجد یا خانه‌های وقفی که ویران شده و منافع آن عاطل مانده است، برای جلوگیری از تضييع آنها و ملاحظه قصد واقف بخشی از آن فروخته شود تا با ثمن آن بخش دیگری تعمیر گردد.

هم‌چنین در صورت امکان، حاکم اسلامی دو نفر از خبرگان عادل و امین را مکلف نماید که در مورد فروش موقوفه‌ای که پیشنهاد فروش آن شده است، تحقیق و تفحص نمایند و بعد موضوع در کمیته‌ای تخصصی با نظارت حاکم و با لحاظ مصلحت وقف و نظر واقف بررسی شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن فارس بن زکریا، أبو الحسن، معجم مقاییس اللغة، مكتب الأعلام الإسلامی، بی‌جا، ج ۶، بی‌تا.
۲. ابن قدامه، مقدسی، المغنی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۵، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن عابدین، رد المختار علی الدر المختار، مطبعه المصریه بی‌بلاق، بی‌جا، ج ۳، ۱۲۸۶ق.
۴. ابن قدامه مقدسی، موفق الدین، المغنی، دارالفکر، بیروت، ج ۶.
۵. ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۳۶۴ش.
۶. ابوزهره، محمد، محاضرات فی الوقف، دارالفکر العربی، قاهره، بی‌تا.
۷. اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی)، کشف الثام، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ج ۳، ۱۴۱۶ق.
۸. افرام البستانی، فؤاد، المعجم الوسیط، ترجمه: محمد بندریگی، انتشارات اسلامی، تهران، ج ۲، ۱۳۸۲ش.
۹. امام خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج ۲، بی‌تا.
۱۰. _____، صحیفه نور، تهیه و جمع آوری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۱. _____، کتاب البیع، مطبعه مهر، قم، ج ۳.
۱۲. انصاری، زکریا، أسنی المطالب فی شرح روض الطالب، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۲، ۱۴۲۲ق.
۱۳. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، مطبعه الإطلاعات، تبریز، ۱۳۷۵ق.
۱۴. بای، عیسی و شرکا، أسهل المدارک (فقه مالکیه)، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۱۵. بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ج ۲۲.
۱۶. بغدادی، عبدالرحمن شهاب الدین، ارشاد السالک، الشَّرکَة الأفریقیه، مکتبه الشامله اصدارالتانی، ج ۱، بی‌تا.
۱۷. بندرچی، محمدرضا، وقف از دیدگاه تاریخی و اصطلاح‌شناسی فقهی، ماهنامه حقوقی فرهنگی و اجتماعی دادرسی، سال دوازدهم، ۶۷، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ ش.

۱۸. بهوتی، منصور بن یونس بن ادريس، شرح منتهی الارادات المسمى دقائق اولی النهی لِشرح المنتهی، عالم الکتب، بیروت، ج ۲، ۱۹۹۶م.
۱۹. جنّاتی، محمد ابراهیم، المساجد و احکامها فی التشریح الاسلامی، مطبعه القضاء، نجف، ۱۳۸۶ق.
۲۰. حائری یزدی، محمدحسن، وقف در فقه اسلامی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۰ش.
۲۱. حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، تحریر الاحکام، مؤسسه آل البيت، مشهد، ج ۱، بی‌تا.
۲۲. _____، نهاییه الأحکام، اسماعیلیان، قم، ج ۱، ۱۴۱۰ق.
۲۳. _____، قواعد الأحکام، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ج ۲، ۱۴۱۸ق.
۲۴. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، مکتبه لطفی، تهران، ج ۲، ۱۳۵۲ش.
۲۵. دسوقی، حائثیه الذسوقی علی شرح الکبیر، دارالفکر، بیروت، ج ۴، بی‌تا.
۲۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۷. رملی، شمس الدین محمد بن ابی العباس (شافعی صغیر)، نهاییه المحتاج إلی شرح المنهاج، مطبعه مصطفی البابی، مصر، ج ۵، ۱۹۳۸ م.
۲۸. الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمیه و الافتاء و الذعوه، مجله البحوث الاسلامیه، جز ۲۳ و ۲۴، السعودیه، بی‌تا.
۲۹. زارع بیدکی، ابوالفضل، فروش عین موقوفه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق مصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیوسته دانشگاه امام صادق علیه السلام، اردیبهشت ماه ۱۳۷۷ش.
۳۰. سرخسی، شمس‌الدین، المبسوط، مطبعه السعاده، مصر، ج ۱۲، بی‌تا.
۳۱. شربینی، خطیب، معنی المحتاج، المکتبه التوفیقیه، قاهره، ج ۳، بی‌تا.
۳۲. شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، بی‌نا، بی‌جا، ج ۱، بی‌تا.
۳۳. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام، مکتبه بصیرتی، قم، ج ۱، بی‌تا.
۳۴. شیرازی، ابواسحاق، المهذب فی فقه الامام الشافعی، بی‌نا، بیروت، بی‌تا.
۳۵. صاوی، احمد، بلغه السالک لأقرب المسالک، تحقیق و تصحیح محمد عبد السلام شاهین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۳، ۱۴۱۵ق.
۳۶. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی (ملحقات)، مکتبه الداوری، قم، ج ۲، بی‌تا.
۳۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران، بی‌تا.

۳۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، *الخلافا*، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ج ۲، ۱۴۱۱ق.

۳۹. _____، *النهایه فی مجرد الفتوی*، انتشارات قدس، قم، بی تا.

۴۰. طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط*، المكتبه المرتضویه، نهران، ج ۳، بی تا.

۴۱. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد بن محمد، *الوسیط فی المذهب*، دارالسلام، قاهره، ۱۴۱۷ق.

۴۲. قرافی، شهاب الدین احمد بن ادريس، *الدخیره*، دارالغرب، بیروت، ج ۶، ۱۹۹۴م.

۴۳. کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، *جامع المقاصد*، مؤسسه آل البيت، قم، ج ۹، ۱۴۱۰ق.

۴۴. مالکی، ابوالحسن، *الكفايه الطالب الرباني لرساله ابي زيد القيرواني*، دارالفکر، بیروت، ج ۲، ۱۴۱۲ق.

۴۵. مغنیه، محمدجواد، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، منشورات مؤسسه الصادق علیه السلام، تهران، ۱۴۱۴ق.

۴۶. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م.

۴۷. نوبهار، رحیم، *سیمای مسجد*، چاپخانه علامه طباطبایی، قم، ج ۱، ۱۳۷۲ش.

۴۸. نووی، یحیی بن شرف، *المنهاج*، بی تا، بی جا، بی تا.

۴۹. _____، *صحیح مسلم*، دارالفکر، بیروت، ج ۱۱.

۵۰. وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، *الموسوعة الفقهية الكويتية*، دارالسلاسل، کویت، ج ۶، بی تا.



جهانی شدن، اسلام و فضای سایبر

ابوالفضل کاوندی کاتب^۱

میشم میرزایی^۲

چکیده

با فروپاشی نظام دو قطبی و پایان دوران موسوم به جنگ سرد، جهانی شدن به صورت جدی مطرح شد و جایگاه ویژه‌ای در میان مباحث مربوط به سیاست، روابط بین الملل، ژئوپلیتیک و جامعه‌شناسی پیدا کرد. این پدیده به دنبال ایجاد جهانی یک‌دست با حاکمیت الگویی خاص در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و با محوریت تفکر لیبرال دموکراسی غرب است. در این راستا قدرت‌های مسلط، برای ترویج و نهادینه کردن جهانی شدن، از ابزارهای تبلیغی مختلفی بهره می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها فضای سایبر است. فضای سایبر با در اختیار نهادن امکانات ارتباطی سریع، ارزان و جذاب، مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و با سرعتی بالا در حال گسترش میان جوامع مختلف است.

اسلام به عنوان یک هویت مستقل فرهنگی - تاریخی، جهانی شدن را چالشی مهم از جانب غرب برای خود می‌داند و درصدد است تا در مقابل تأثیرات آن مقاومت کرده و مانع از نفوذ آن در جوامع خود شود و هم‌زمان با بهره‌گیری از ابزارها برای جهانی کردن ارزش‌های خود نیز گام بردارد. با توجه به افزایش تعداد کاربران اینترنتی در کشورهای اسلامی فضای سایبر می‌تواند هم تهدید و هم فرصتی در این راستا باشد. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، درصدد بررسی و تبیین ابعاد گوناگون جهانی شدن و نقش فضای سایبر به عنوان ابزار مهم آن در تأثیرگذاری بر جهان اسلام از دیدگاه ژئوپلیتیک می‌باشد. در این چارچوب، سؤال اصلی این است که جهانی شدن چه تأثیراتی بر فرهنگ جهان اسلام داشته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، اسلام، فضای سایبر، ژئوپلیتیک و فرهنگ.

۱- محقق و نویسنده.

۲- محقق و نویسنده.

مقدمه

اصطلاح جهانی شدن، پس از دوران جنگ سرد در بین اندیشه‌های ژئوپلیتیک جایگاه ویژه‌ای یافت و به صورت گفتمان مسلط در تبیین و تشریح تحولات و مناسبات جهانی تجلی پیدا کرد. ریشه‌های روند جهانی شدن را باید در وضعیت نوین اقتصادی ناشی از صلح پس از سال ۱۹۴۵، فتح بازارهای بین‌المللی توسط آلمان و ژاپن از فردای جنگ جهانی دوم، ظهور قدرت ژئواستراتژیک شوروی و نیز سلطه ایالات متحده آمریکا بر جهان جست‌وجو کرد. جهانی شدن نظام اقتصادی بازار آزاد که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، با فروپاشی شوروی و سقوط نظام جهانی دوقطبی در دهه نود به اوج خود رسید. این حرکت در سایه ایجاد جهانی واحد و یا یک GLOBE در ساختار نظام سلسله مراتب جهان و از سوی ایالات متحده رهبری می‌شود.

توسعه تجارت و اقتصاد، رقابت‌های جهانی را از بعد ایدئولوژیک خارج نموده و به آن جنبه‌ای ژئواکونومیک بخشید. رقابت‌های اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد، اثرگذاری‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز در سطح جوامع جهان در پی داشت که ابعاد جهانی شدن را به شکل پیچیده‌ای مطرح کرد. بدون شک ابزار اصلی این تأثیرگذاری‌ها، استفاده از فضای مجازی یا فضای سایبر است؛ فضایی که از دهه نود میلادی، هم‌زمان با آغاز جهانی شدن، وارد زندگی بشر شد. فضای سایبر با در اختیار نهادن امکانات ارتباطی پرسرعت، مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و به انتقال آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آنها از سوی بشر کمک کرد. تأثیرگذاری این روند بر جوامع بشری به حدی گسترده است که امروز، از کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و تغییر فرهنگ‌ها و آداب و رسوم در نقاط مختلف جهان، سخن به میان می‌آید که واکنش منفی جوامع فرهنگی در کشورهای با ساختار ایدئولوژیک برای مقابله با این پدیده نوظهور و تأثیرگذار را برانگیخته است.

جهان اسلام به عنوان یک هویت مستقل فرهنگی - تاریخی، جهانی شدن اقتصادی را پذیرفته است اما در مقابل تأثیر این پدیده بر فرهنگ و به تبع آن، سیاست و اجتماع خود مقاومت می‌کند و آن را چالشی از جانب غرب برای خود می‌داند. هرچند که عده‌ای معتقدند جهانی شدن، فرآیندی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر در زندگی بشر امروز است و مقاومت در مقابل آن، بی‌فایده است.

پیدایش مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن هم اکنون به چالشی‌ترین بحث در میان علوم و به خصوص علوم انسانی تبدیل شده است. ریشه‌های روند جهانی شدن را می‌توان تا وضعیت نوین اقتصادی ناشی از صلح پس از سال ۱۹۴۵ م و سلطه نسبی آمریکا ردیابی کرد (مویر، ۱۳۷۹، ص ۴۰۳)؛ از آن هنگام که آلمان و ژاپن

فتح بازارهای بین‌المللی را در فردای جنگ جهانی دوم آغاز کردند و از هنگامی که شوروی پیشین اندکی پس از پایان جنگ توانست بر فراز موانع جغرافیایی پلی استراتژیک بسته و حضور نظامی قدرت‌مندی در اقیانوس‌های پهناور گیتی پیدا کند و تئوری سرزمین‌های قلبی و سرزمین‌های پیرامونی سرهالفورد مکیندر کارایی خود را از دست دهد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳). از همین دوران بود که سرزمین‌گرایی و توجه به گسترش فضایی کشور و قدرت‌ها، جای خود را به اقتصاد داده و ژئواکونومیک نقش خود را در سیاست‌های جهانی آغاز و جهانی شدن نظام اقتصادی بازار آزاد از سال ۱۹۸۰ خودنمایی کرد.

با فروپاشی شوروی سابق در دهه ۱۹۹۰ م و پایان گرفتن بازی‌های قدرتی میان دو قطب ایدئولوژیک، جهانی شدن به عنوان الگوی جدید ژئوپلیتیک با کارکردهای اقتصادی اوج گرفت و به گفتمان غالب جهانی تبدیل شد. البته این فرآیند صرفاً به بعد اقتصادی محدود نشده و تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی، اطلاعاتی و در نهایت، ژئوپلیتیک را نیز در بر می‌گیرد و قدرت‌مندان با کنترل اقتصاد جهانی، بر سیاست‌ها و در نهایت، کشورها، مناطق و جهان کروی (GLOBE) مسلط خواهند شد.

مفهوم جهانی شدن

تا کنون اتفاق نظر جامعی در مورد تعریف دقیق جهانی شدن و تأثیر آن بر زندگی و رفتار ما در بین دانشمندان حاصل نشده است. برخی از دانشمندان کوشیده‌اند جهانی شدن را به عنوان مفهومی اقتصادی تعریف کنند، در حالی که جمعی دیگر به تبیین این مفهوم در چارچوب کل تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی پرداخته‌اند (مالک، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

- آنتونی گیدنز در ساده‌ترین تعریف، جهانی شدن را هم‌بستگی می‌داند؛ یعنی زندگی کردن در دنیای جهانی‌تر، زندگی در دنیای به هم وابسته‌تر که در آن رخداد‌های یک سوی جهان به طور مستقیم بر وقایع سوی دیگر آن تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

- مجتهدزاده جهانی شدن را گسترش یا انتشار پدیده و یا پدیده‌هایی در سطح جهان می‌داند که با شیوه زندگی بشر در محیط، ارتباط نزدیک دارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳).

- حافظ‌نیا جهانی شدن را انتشار کروی پدیده‌ها می‌داند. وی با نگرشی ژئوپلیتیک به موضوع، جهانی شدن را توسعه حوزه نفوذ یک یا چند پدیده در مقیاس کروی توسط دولت یا اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده آن تعریف می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۶۶).

- دیوید هاروی در تعریفی از جهانی شدن، از آن با عنوان فشردگی زمان و مکان و یا زمان و فضا یاد می‌کند (شکویی، ۱۳۸۴، ص ۳۱).

- رابرتسون نیز جهانی شدن و سیاره‌ای شدن جهان را مفهومی می‌داند که به تراکم جهان، تشدید آگاهی درباره جهان به مثابه یک کل، وابستگی متقابل در قلمرو جهان و هم‌آگاهی از یک‌پارچگی جهانی در قرن بیستم اشاره دارد. در واقع، نگرش به جهان، به مثابه یک کل و وابستگی متقابل (وارتز، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

در مجموع، با توجه به تعریف‌های بالا و همچنین تعریف‌های دیگر، آنچه که از مفهوم جهانی شدن به ذهن متبادر می‌شود، سرعت انتقال است که در مدت زمان کوتاهی، حجم عظیمی از اخبار و اطلاعات با کمک تکنولوژی انتقال می‌یابد. این عامل در کنار جهانی شدن اقتصاد به برداشتی از کره زمین به صورت یک دهکده جهانی و در ورای مرزهای جغرافیایی و سیاسی انجامیده است که به چندگانه بودن موضوع جهانی شدن تأکید دارد. فرآیند جهانی شدن، ابعاد مختلفی را شامل می‌شود که مهم‌ترین آنها جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن سیاست و محیط زیست می‌باشد. در این بخش به یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین ابعاد آن، یعنی بعد فرهنگی، پرداخته خواهد شد.

جهانی شدن فرهنگ

تا کنون تعریف‌های متعددی از جهانی شدن فرهنگ ارائه شده است. جهانی شدن فرهنگ عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی که موجی از هم‌گونی فرهنگی را در جهان پدید آورده و هم‌زمان فرهنگ‌های دیگر را به چالش می‌طلبد. از این نظر، جهانی شدن از اراده معطوف به هم‌گون‌سازی فرهنگی جهان و یا جهانی کردن یا به عبارتی غربی کردن جهان، سخن می‌گوید (گل محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱). در مقابل این دیدگاه، آنتونی گیدنز بر این عقیده است که فرآیند جهانی شدن، فرآیندی همگن‌ساز نیست بلکه فرآیندی تفکیک‌ساز بوده که همه چیز را به صورت یک‌دست توسعه نداده و پیامدهایش نیز به هیچ‌وجه خطرناک نیست و در عین حال از آنها هم‌گریزی نیست (سعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). مجتهدزاده بر این عقیده است که جهانی شدن‌های کنونی، بار عظیمی از غربی شدن و در رأس آن آمریکایی شدن‌ها را به همراه دارد. این دگرگونی‌های بنیادین در جهان ژئوپلیتیک، هویت‌ها و استقلال فرهنگی - هویتی همه ملت‌ها را به چالش می‌کشد. از سوی دیگر، همین چالش است که بازگشت به هویت ملی و روی آوردن به استقلال‌خواهی‌های ملی را در سراسر جهان تحریک می‌کند (مجتهدزاده، پیشین، ص ۲۶۴).

با در نظر گرفتن نگرش‌های یاد شده می‌توان به سه دیدگاه در مورد جهانی شدن فرهنگ اشاره کرد: ۱- دیدگاه مبتنی بر عام‌گرایی و یکسان‌سازی فرهنگی جهان، که معتقد است جهان تنها به دنبال یک فرهنگ غالب با محوریت آمریکا بوده و سایر فرهنگ‌ها تحت‌الشعاع آن قرار گرفته است.

این دیدگاه را افرادی چون هانتینگتون با ارائه نظریه «برخورد تمدن‌ها» و فوکویاما با مطرح کردن فرضیه «پایان تاریخ» طرح کرده‌اند و اظهار می‌کنند که هم‌اکنون سرنوشت جوامع به سوی لیبرال دموکراسی و حقوق بشر یا آمریکایی شدن در حرکت است.

۲- دیدگاه خاص‌گرایان که در آن فرهنگ‌های خاص در نواحی و مناطق گوناگون در تعامل با یک‌دیگر رشد یافته و اثرپذیری کمتری از فرهنگ‌های غالب جهانی پیدا خواهند کرد. خاص‌گرایی فرهنگی، مقاومت و واکنشی بومی در قبال جهانی شدن و هم‌گون و یک‌دست‌سازی جهان فرهنگی است. در این راستا، افراد و گروه‌ها برای برون‌رفت از چالش‌های جهانی شدن به راه‌کارهایی متوسل می‌شوند که خاص‌گرایی فرهنگی در قالب‌های قومی و دینی یکی از آنهاست (گل محمدی، پیشین، ص ۱۲۲).

۳- دیدگاهی ژئوپلیتیکی به جهانی شدن فرهنگی. در این نگرش، فرهنگ‌های عام و خاص و خاص و خاص در تعارض با یک‌دیگر سعی در گسترش حوزه‌های نفوذ خود داشته و به دنبال اشاعه فرهنگ خود هستند. در چنین شرایطی، عناصر فرهنگی مختلف از بستر و سرزمین معین جدا و در فضای مجازی معلق می‌شوند و فضای مجازی مکانی برای حضور و برخورد فرهنگ‌های گوناگون در می‌آید. این برخوردها و کنار هم قرارگیری گاه به هم‌زیستی فرهنگی (عام‌گرایی) منجر شده و غالباً نیز به ستیز و خاص‌گرایی فرهنگی می‌انجامد (پیشین، ص ۱۳۲).

جهانی شدن فرهنگ متضمن جریان آزاد عقاید، دیدگاه‌ها، اطلاعات و دانش‌هاست. گسترش تکنولوژی‌های جهانی در خدمت به این پدیده، موجی از اطلاعات خرد و کلان را در اختیار شهروندان جهان قرار می‌دهد. این مهم به کمک منابع و ابزارهای اطلاعاتی و به ویژه فضای سایبر ایجاد شده، به گونه‌ای که اینترنت هم‌اکنون مهم‌ترین ابزار در تحقق فرآیندهای جهانی شدن و به خصوص جهانی شدن‌های فرهنگی است که کشورها، ملت‌ها، گروه‌ها، قومیت‌ها، ادیان و تمام خاص و عام-های فرهنگی جهان، توانایی دسترسی به آن و معرفی خود را پیدا کرده‌اند. این فرآیند در شرایطی در حال انجام است که کانونی قدرت‌مند با توان بالای تولید، انتشار و کنترل منابع، تسلط بالایی بر رسانه‌ها، فضای سایبر و امکانات مادی و معنوی حاصل از آن دارد و در این چارچوب، رقابتی نابرابر را شکل داده است.

ابزارهای جهانی شدن

هم‌چنان که اشاره شد، یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار جهانی شدن، موضوع سرعت است؛ سرعت در انتقال سرمایه، کالا، اطلاعات، انسان و... که عملی شدن این مهم نیاز به ابزار دارد.

مهم‌ترین ابزارها برای تحقق جهانی شدن که در قالب آن، پدیده‌ها، محتوی‌ها و ارزش‌ها در سطح گروی به گردش درآمده و منتشر می‌شود عبارت است از:

- ۱- شبکه‌های ارتباطی عینی؛ مانند خطوط و ابزارهای حمل و نقل زمینی، دریایی، هوایی و فضایی؛
 - ۲- شبکه‌های الکترونیکی؛ مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، تلکس، اینترنت، پست الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، ماهواره و غیره؛
 - ۳- شبکه‌های ارتباطی مکتوب؛ مانند سازمان‌های انتشاراتی، کتاب‌ها، نشریات، روزنامه‌ها، پست و ارتباطات؛
 - ۴- شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی؛ مانند بانک‌ها، بیمه، صندوق‌های پولی و مالی، شرکت‌های چندملیتی، شبکه‌های قاچاق و غیره؛
 - ۵- شبکه‌های اجتماعی و بین‌المللی؛ مانند سازمان‌های بین‌حکومتی، سازمان‌های حکومتی، کنوانسیون‌های بین‌المللی، اجلاس‌ها و نشست‌های بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی هم‌چون سازمان ملل، شورای امنیت، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان‌های بین‌المللی و بین‌قاره‌ای و غیره؛
 - ۶- شبکه‌های علمی و آموزشی؛ مانند دانشگاه‌های بین‌المللی، مؤسسات پژوهشی، شبکه‌های مدرسه‌ای بین‌المللی، سازمان‌های آموزشی دینی و مذهبی بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و کنگره‌های علمی بین‌المللی و غیره (حافظ‌نیا، پیشین، ص ۶۷).
- در میان ابزارهای یاد شده، فضای سایبر مهم‌ترین ابزار برای تحقق فرآیند جهانی شدن به حساب می‌آید که توانسته است بسیاری از ابزارهای دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

فضای سایبر و مفهوم آن

اصطلاح فضای سایبر از ترکیب دو واژه «سایبر» و «فضا» تشکیل شده است که برای درک بهتر این اصطلاح، هریک از واژه‌ها جداگانه بررسی می‌شود.

سایبر از لغت یونانی (Kybernetes) سایبرنتیک به معنای سکاندار یا راهنما مشتق شده است. نخستین بار اصطلاح «سایبرنتیک» توسط ریاضیدانی به نام «نوربرت وینر» در کتابی با عنوان «سایبرنتیک و کنترل در ارتباط بین حیوان و ماشین» در سال ۱۹۴۸ به کار برده شده که بر سیستم‌های کنترلی تکنولوژی‌های رایانه‌های به‌هم‌پیوسته و واقعیات مصنوعی با راهبردهای دستیابی و کنترل سیستمی دلالت دارد.

اصطلاح «فضای سایبر» را نخستین بار «ویلیام گیسون» نویسنده کانادایی داستان علمی - تخیلی در کتاب «نورومونس» در سال ۱۹۸۴ به کار برد (www.hccmr.com/news-494). برای وی، فضای سایبر، فضایی تخیلی است که از اتصال رایانه‌هایی پدید آمده که تمامی انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی در جهان را به هم متصل کرده است. این معنا به طور تقریبی مشابه معنایی است که امروزه از کاربرد لفظ فضای مجازی وجود دارد. در واقع، فضای مجازی برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی ایجاد شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار برده می‌شود. اندرسون واقعیت مجازی را «واقعیت خلق شده توسط رایانه» می‌داند؛ واقعیتی که از آن رو مجازی یا مصنوعی است که در دنیای واقعی محیط مادی، مکانی را اشغال نکرده و در اذهان کاربران در نتیجه تعامل با واسط الکترونیکی وجود دارد. به عبارت دیگر، واقعیتی است که وجود فیزیکی نداشته و توسط نرم‌افزار تولید می‌شود.

اما مفهوم فضا باید در مقایسه با مفهوم مکان، تعریف شود. فضا در مقایسه با مکان، مفهومی انتزاعی است که درک آن بدون واسطه درک مکان غیرممکن است. فضا بر همه جا و مکان بر جایی معین دلالت می‌کند. مکان دارای محتوا اما فضا نوعی خلأ است. مکان دارای دو بعد است، در حالی - که فضا، مفهومی سه بعدی است. مکان مفهومی مرزپذیر و قابل محدود شدن است اما فضا مفهومی مرکز و تا حدودی نامتناهی است. مکان همواره به تثبیت و تصلب گرایش دارد ولی فضا به سیالیت و رهاشدگی.

خصوصیات ذکر شده را می‌توان ویژگی فضای مجازی دانست، البته فضایی فاقد موقعیت جغرافیایی، فیزیکی یا محدوده سرزمینی خاص. جهان واقعی با خصایصی مانند داشتن بعد جغرافیایی، نظام سیاسی خاص، محدود بودن و طبیعی بودن، از جهان مجازی و جهان مجازی نیز با خصیصه - هایی مانند بی‌مکانی، فرازمان بودن، تکثر داشتن، و قابل دسترس بودن، هم‌زمان از جهان واقعی به‌طور نسبی جدا می‌شود. (www.tebyan.net /2005/11/10/14047).

تاریخچه و کاربردهای فضای سایبر

شکل‌گیری فضای سایبر و اینترنت، ریشه در دوره جنگ سرد دارد. در این دوره، به دنبال پرتاب ماهواره اسپوتنیک یک در چهارم اکتبر ۱۹۵۷ از سوی شوروی، بخش دفاع ایالات متحده آمریکا برای مقابله با تهدیدات احتمالی این اقدام، آژانس طرح‌های تحقیقاتی پیشرفته (آرپا) را تشکیل داد. یکی از برجسته‌ترین طرح‌هایی که آژانس از آن حمایت کرد، بررسی مهارت‌ها و فناوری‌ها در مورد انواع مختلف شبکه‌های رایانه‌ای بود، که بر همین اساس، شبکه آرپانت در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد.

تأسیس این شبکه، منشأ پیدایش اینترنت و فضای سایبر بود که در ادامه، این پدیده نوظهور روز به روز پیشرفته‌تر و پرکارتر از گذشته شده و می‌شود (اسلوین، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

در توصیف اینترنت و بیان ویژگی‌ها و اهمیت آن از مفاهیمی مانند شبکه شبکه‌ها، تار عنکبوت الکترونیک، فضای مجازی، فضای سایبرنتیک و... استفاده می‌شود. اینترنت، گروهی متشکل از هزاران شبکه‌ای است که از مجموعه پروتکل (مقوله‌نامه) واحدی استفاده می‌کنند و در جهت عرضه مجموعه اطلاعاتی واحد به کاربران یا مشتریان خود مشارکت دارند. این پدیده را از دیدگاه جامعه-شناسی می‌توان جامعه الکترونیکی دانست که از عناصر اصلی تولیدکنندگان (سایت‌ها و شبکه‌های مرتبط)، واسطه‌ها (توزیع‌کننده‌ها) و مصرف‌کنندگان (کاربران) تشکیل شده است (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۷۲).

در مورد ارائه خدمات فضای سایبر به کاربران باید اشاره کرد که در دنیای امروز، اینترنت و فضای سایبر خدمات فراوانی به کاربران خود ارائه می‌دهد که برجسته‌ترین آنها را می‌توان طراحی پست الکترونیکی، ایجاد محیط‌های گفت‌وگو، انتقال اطلاعات، طراحی موتورهای جست‌وجوگر برای دستیابی به اطلاعات گوناگون، ایجاد فضا برای فعالیت انواع رسانه‌های تصویری، صوتی و نوشتاری و... دانست. در حال حاضر، در فضای سایبر، انواع مختلف رسانه‌ها بیش از پیش با هم ترکیب شده و هزاران ایستگاه رادیویی و تلویزیونی در محیط وب برای کاربران خود، برنامه ارائه می‌کنند (اسلوین، پیشین، ص ۳۶-۳۷). در مجموع، خدمات و فعالیت‌های ارائه شده در فضای سایبر را می‌توان در قالب موضوعات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تجاری، دفاعی و امنیتی قرار داد. البته باید توجه داشت که هر یک از موضوعات ذکر شده، ممکن است فعالیت‌های دیگر را نیز شامل شود (حسن-بیگی، ۱۳۸۴، ص ۳۹).

فضای سایبر ابزار جهانی شدن

فضای سایبر به عنوان پدیده‌ای نوظهور، حوزه جدیدی از جهانی شدن را در برداشته و مهم‌ترین چالش جوامع فرهنگی و به خصوص جهان اسلام در حرکت به سوی آینده به شمار می‌رود. بهره-گیری از فضای سایبر در میان جوامع با سرعت قابل توجهی در حال گسترش بوده و طی دهه اخیر به خوبی توانسته است بسیاری از برنامه‌های روزانه مردم جهان را متأثر از خود کند.

بر اساس جدیدترین آمارهای مربوط به سال ۲۰۰۹ م World Internet Users Statistics از سال ۲۰۰۴م تا ۲۰۰۹م به طور میانگین ۳۸۰٫۳ درصد کاربران فضای سایبر و اینترنت در سطح جهان، رشد داشته است، به گونه‌ای که هم‌اکنون از هر چهار نفر در جهان یک نفر به اینترنت دسترسی داشته و از کاربران آن به حساب می‌آید.

از نظر منطقه‌ای در سطح جهان، میزان رشد دسترسی و استفاده از فضای سایبر متفاوت است. خاورمیانه با ۱۶۴۸٫۲ درصد بالاترین و آمریکای شمالی با ۱۳۴ درصد کمترین رشد را طی این سال‌ها داشته‌اند. در سایر مناطق جهان نیز این رشد بسیار چشم‌گیر بوده است، به گونه‌ای که آفریقا ۱۳۹۲٫۴ درصد، آسیا ۵۴۵٫۹ درصد، اروپا ۲۹۷٫۸ درصد، آمریکای لاتین و کارائیب ۸۹۰٫۸ درصد و استرالیا و اقیانوسیه ۱۷۵٫۲ درصد طی سال‌های مذکور در تعداد کاربران فضای مجازی رشد داشته‌اند.

با توجه به آمارهای ارائه شده، آفریقا با آمار به ازای هر پانزده نفر یک کاربر اینترنتی، کمترین تعداد کاربر را به خود اختصاص داده است. در سایر مناطق نیز به ترتیب، آسیا از هر پنج نفر، خاورمیانه، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب از هر سه نفر و اروپا از هر دو نفر یک نفر با اینترنت آشنایی دارند. البته در مقابل باید توجه داشت که آمریکای شمالی با ۷۴ درصد جمعیت کاربر اینترنتی پرکارترین حوزه جغرافیایی از نظر دسترسی کاربران به اینترنت می‌باشد که پس از آن، اروپا با ۶۰ درصد کاربر اینترنتی در رتبه دوم جهانی قرار دارد. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱؛ آمار جمعیت و کاربران اینترنتی جهان

مناطق جهان	جمعیت (۲۰۰۹)	کاربران اینترنتی ۲۰۰۰	کاربران اینترنتی ۲۰۰۹	نسبت کاربر به جمعیت کل	میزان رشد ۲۰۰۹-۲۰۰۰	درصد کل
آفریقا	۹۹۱,۰۰۲,۳۴۲	۴,۵۱۴,۴۰۰	۶۷,۳۷۱,۷۰۰	۶.۸٪	۱,۳۹۲.۴٪	۳.۹٪
آسیا	۳,۸۰۸,۰۷۰,۵۰۳	۱۱۴,۳۰۴,۰۰۰	۷۲۸,۲۵۷,۲۳۰	۱۹.۴٪	۵۴۵.۹٪	۴۲.۶٪
اروپا	۸۰۳,۸۵۰,۸۵۸	۱۰۵,۰۹۶,۰۹۳	۴۱۸,۰۲۹,۷۹۶	۵۲.۰٪	۲۹۷.۸٪	۲۴.۱٪
خاورمیانه	۲۰۲,۶۸۷,۰۰۵	۳,۲۸۴,۸۰۰	۵۷,۴۳۵,۰۴۶	۲۸.۳٪	۱,۶۴۸.۲٪	۳.۳٪
آمریکای شمالی	۳۴۰,۸۳۱,۸۳۱	۱۰۸,۰۹۶,۸۰۰	۲۵۲,۹۰۸,۰۰۰	۷۴.۲٪	۱۳۴.۰٪	۱۴.۶٪
آمریکای لاتین و کارائیب	۵۸۶,۶۶۲,۴۶۸	۱۸,۰۶۸,۹۱۹	۱۷۹,۰۳۱,۴۷۹	۳۰.۵٪	۸۹۰.۸٪	۱۰.۳٪
استرالیا و اقیانوسیه	۳۴,۷۰۰,۲۰۱	۷,۶۲۰,۴۸۰	۲۰,۹۷۰,۴۹۰	۶۰.۴٪	۱۷۵.۲٪	۱.۲٪
مجموع جهانی	۶,۷۶۷,۸۰۵,۲۰۸	۳۶۰,۹۸۵,۴۹۲	۱,۷۳۳,۹۹۳,۷۴۱	۲۵.۶٪	۲۸۰.۳٪	۱۰.۰٪

Source: Internet Usage and World Population Statistics are for September 30, 2009

بر اساس آمارهای موجود در جدول آماری دیگری، بیست کشور نخست از نظر برخورداری از تعداد کاربر بالا در جهان، رتبه‌بندی شده‌اند. در این رتبه‌بندی چین با ۳۶۰ میلیون کاربر اول است. در حالی که آمریکا با ۲۲۸ میلیون کاربر و دسترسی ۷۴ درصدی جمعیت آن به اینترنت در رتبه دوم قرار دارد. نکته جالب در این رده‌بندی حضور سه کشور مسلمان ایران، اندونزی و ترکیه در فهرست بیست کشور دارای بالاترین میزان تعداد کاربران اینترنت است، که به ترتیب در رتبه‌های ۱۱، ۱۳ و ۱۶ جهانی قرار دارند. ایران با رشد ۱۲۷۸۰ درصد طی سال‌های ۲۰۰۰م تا ۲۰۰۹م در استفاده از

اینترنت هم‌اکنون دارای ۳۲ میلیون نفر کاربر اینترنتی است که ۴۸٪ از جمعیت آن را شامل می‌شود. اندونزی و ترکیه نیز به ترتیب با رشدی برابر با ۱۴۰۰ درصد و ۱۲۲۵ درصد و ۱۲،۵ درصد و ۳۴،۵ درصد از جمعیت خود را تحت پوشش شبکه‌های اینترنتی و برخوردار از فضای سایبر قرار داده‌اند. (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: بیست کشور دارای بالاترین میزان تعداد کاربران اینترنت

نام کشور	جمعیت در سال ۲۰۰۹	تعداد کاربران اینترنتی	درصد کاربران	نرخ رشد از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹	کاربران نسبت جهانی
۱ چین	۱,۳۳۸,۶۱۲,۹۶۸	۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۶.۹٪	۱,۰۰۰٪	۲۰.۸٪
۲ ایالات متحده	۳۰۷,۲۱۲,۱۲۳	۲۲۷,۷۱۹,۰۰۰	۷۴.۱٪	۱۳۸.۸٪	۱۳.۱٪
۳ ژاپن	۱۲۷,۰۷۸,۶۷۹	۹۵,۹۷۹,۰۰۰	۷۵.۵٪	۱۰۳.۹٪	۵.۵٪
۴ هند	۱,۱۵۶,۸۹۷,۷۶۶	۸۱,۰۰۰,۰۰۰	۷.۰٪	۱,۵۲۰.۰٪	۴.۷٪
۵ برزیل	۱۹۸,۷۳۹,۲۶۹	۶۷,۵۱۰,۴۰۰	۳۴.۰٪	۱,۲۵۰.۲٪	۳.۹٪
۶ آلمان	۸۲,۳۲۹,۷۵۸	۵۴,۲۲۹,۳۲۵	۶۵.۹٪	۱۲۶.۰٪	۳.۱٪
۷ انگلستان	۶۱,۱۱۳,۲۰۵	۴۶,۶۸۳,۹۰۰	۷۶.۴٪	۲۰۳.۱٪	۲.۷٪
۸ روسیه	۱۴۰,۰۴۱,۲۴۷	۴۵,۲۵۰,۰۰۰	۳۲.۳٪	۱,۳۵۹.۷٪	۲.۶٪
۹ فرانسه	۶۲,۱۵۰,۷۷۵	۴۳,۱۰۰,۱۳۴	۶۹.۳٪	۴۰۷.۱٪	۲.۵٪
۱۰ کره جنوبی	۴۸,۵۰۸,۹۷۲	۳۷,۴۷۵,۸۰۰	۷۷.۳٪	۹۶.۸٪	۲.۲٪
۱۱ ایران	۶۶,۴۲۹,۲۸۴	۳۲,۲۰۰,۰۰۰	۴۸.۵٪	۱۲,۷۸۰.۰٪	۱.۹٪
۱۲ ایتالیا	۵۸,۱۲۶,۶۱۲	۳۰,۰۳۶,۴۰۰	۵۱.۷٪	۱۲۷.۵٪	۱.۷٪
۱۳ اندونزی	۲۴۰,۲۷۱,۵۲۲	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲.۵٪	۱,۴۰۰.۰٪	۱.۷٪
۱۴ اسپانیا	۴۰,۵۲۵,۰۰۲	۲۹,۰۹۳,۹۸۴	۷۱.۸٪	۱۷۷.۵٪	۱.۷٪
۱۵ مکزیک	۱۱۱,۲۱۱,۷۸۹	۲۷,۶۰۰,۰۰۰	۲۴.۸٪	۱۱۷.۵٪	۱.۶٪
۱۶ ترکیه	۷۱,۸۰۵,۵۲۴	۳۶,۵۰۰,۰۰۰	۵۰.۵٪	۱,۲۲۵.۰٪	۱.۵٪
۱۷ کانادا	۳۳,۴۸۷,۲۰۸	۲۵,۰۸۶,۰۰۰	۷۴.۹٪	۹۷.۵٪	۱.۴٪
۱۸ فیلیپین	۹۷,۹۷۶,۶۰۳	۲۴,۰۰۰,۰۰۰	۲۴.۵٪	۱,۱۰۰.۰٪	۱.۴٪
۱۹ ویتنام	۸۸,۵۷۶,۷۵۸	۲۱,۹۶۳,۱۱۷	۲۴.۸٪	۱۰,۸۸۱.۶٪	۱.۳٪
۲۰ لهستان	۳۸,۴۸۲,۹۱۹	۲۰,۰۲۰,۳۶۲	۵۲.۰٪	۶۱۵.۰٪	۱.۲٪
جمع بیست کشور برتر	۴,۳۷۴,۵۷۷,۵۸۳	۱,۳۲۵,۴۳۷,۴۲۲	۳۰.۳٪	۳۵۹.۹٪	۷۶.۴٪
سایر کشورها	۲,۳۹۳,۳۲۷,۶۲۵	۴۰۸,۵۵۶,۳۱۹	۱۷.۱٪	۴۶۱.۵٪	۲۳.۶٪
مجموع جهانی	۶,۷۶۷,۹۰۵,۲۰۸	۱,۷۳۳,۹۹۳,۷۴۱	۲۵.۶٪	۳۸۰.۳٪	۱۰۰.۰٪

Source: World Internet User Statistics 2009

جهانی شدن و اسلام

اسلام به عنوان نظامی دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از آغاز پیدایش خود و بنا به تعالیم و آموزه‌های قرآن و پیامبر اسلام ﷺ، خود را آیین و دینی جهانی و برای همه اعصار و برخوردار از جهت‌گیری‌هایی جهانی دانسته است. با کنکاشی در آیات قرآن کریم، می‌توان نمونه‌هایی را مشاهده کرد که بر جهانی بودن تعالیم اسلام تأکید داشته و با بهره‌گیری از آنها خصیصه جهانی بودن این آیین، در فلسفه سیاسی آن نهادینه شده است که در زیر به چند نمونه از آیات اشاره می‌گردد:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ ای مردم، تقوای خدا پیشه کنید که شما را از نفسی واحد آفریدیم...» (نساء/۱)
 «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ این امت واحد شماست و من خدای شما هستم پس تقوای خدا پیشه کنید...» (مؤمن/۵۲)
 «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا؛ بگو ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم...» (اعراب/۱۵۸).

با شروع فرآیند جهانی‌شدن و چرخش غرب از شوروی به سوی اسلام، تعارضات فرهنگی غرب و اسلام رنگ بوی جدیدی به خود گرفت. هجمه عظیم تبلیغات ضد دینی و اسلامی و برخوردهای نامناسب با مسلمانان در جوامع غربی که حتی به درگیری و جنگ‌هایی در دو کشور مسلمان عراق و افغانستان منجر شد پدیده بنیادگرایی انحرافی و طالبانیسم را در برخی جوامع اسلامی گسترش داد. در واقع در این برهه از زمان، جهان اسلام به جنگ سردی وارد شد که طرف مورد منازعه، پدیده جهانی‌شدن یا به عبارتی آمریکایی‌شدن بود.

در این راستا، نظام لیبرال دموکراسی با بازتعریف ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، نفی ظلم، مساوات، رعایت حقوق بشر و ... در چارچوب اهداف مورد نظر، سعی در تحمیل ارزش‌های خود با بهره‌گیری از دستگاه‌های تبلیغاتی، در گستره جهانی دارد (افروغ و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۸۷). تبلیغات با برنامه نظام لیبرال دموکراسی، موجبات آن را فراهم ساخت تا جوامع اسلامی، جهانی‌شدن و نتایج حاصل از آن را منفی و ضد دینی قلمداد کرده و آن را پروژه‌ای طراحی شده، نه یک فرآیند طبیعی، برای خود بدانند. بسیاری از کشورهای اسلامی در حال حاضر از سطح توسعه کافی برخوردار نیستند و میزان ناچیزی از تولیدات علمی، تکنولوژیک، خبری و رسانه‌ای جهان را در اختیار دارند که با توجه به قدرت برتر غرب در این زمینه، می‌توان رقابت نابرابر میان این دو جریان را مشاهده کرد.

جهان اسلام در راستای اشاعه فرهنگ اسلامی در سایر مناطق جهان، بر شاخص‌ها و معیارهای فرهنگی تأکید کرده است که مهم‌ترین آنها را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- وحدت کلمه امت اسلامی؛
- ۲- التزام عملی به دین اسلام؛
- ۳- ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛
- ۴- حفظ و احیای معنویات و اخلاق اسلامی و نفی مادی‌گرایی و تفکر اومانیستی؛
- ۵- حفظ کیان خانواده؛
- ۶- پای‌بندی به روابط شرعی میان زن و مرد؛
- ۷- پای‌بندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام؛
- ۸- اعتقاد به خدا و روز جزا؛

۹- حفظ و احیای هویت دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه؛

۱۰- تأکید بر جایگاه زنان در جامعه.

با توجه به شاخص‌های فرهنگی بیان شده، سلطه قدرت‌های برتر جهانی با رویکردی مخالف اندیشه‌های اسلامی، در حوزه رسانه، ارتباطات و فضای سایبر در عرصه جهانی شدن، امکان شکل‌دهی به افکار عمومی در جهت مخالف را در کشورهای اسلامی فراهم ساخته و در پاره‌ای از آنها با گسترش نفوذ خود، مبانی و اندیشه‌های نشأت‌گرفته از دین در حوزه فرهنگی ملت‌ها را با چالش جدی روبه‌رو کرده است که از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان بر موارد زیر تأکید کرد:

۱- چالش‌های هویتی: چالش‌های هویتی به این شکل ایجاد می‌شود که با نفوذ بیشتر ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب در جوامع اسلامی و شکل‌گیری تعارضات هویتی در نتیجه آن، از خودبیگانگی در میان شهروندان تقویت شده و با کم‌رنگ کردن ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های مورد تأکید غرب به مرور جای‌گزین فرهنگ اسلامی می‌شود. در این راستا شاخص حفظ و احیای هویت دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه تهدید شده است.

۲- رشد و تقویت قوم‌گرایی و تأکید بر هویت‌های ملی به جای هویت اسلامی و خلق و گسترش ستیز در درون جوامع اسلامی: با آغاز روند جهانی شدن، خاص‌گرایی‌های فرهنگی تقویت شده و حرکت‌های قومی و احساسات ملی و ناسیونالیستی افزایش یافت. اسلام، محور اتحاد را پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی و تأسی به آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» می‌داند. اما تبلیغات منفی علیه اسلام روند وحدت جهان اسلام در آینده را دچار مشکل خواهد کرد که در این میان شاخص وحدت کلمه امت اسلامی دچار چالش است.

۳- ارائه تصویر نامطلوب از اسلام در میان جوامع جهان: تبلیغات ضد دینی با بهره‌گیری از ابزار تکنولوژی در قالب استفاده از ابزار رسانه‌های صوتی و تصویری و فضای سایبر، تنها به درون جوامع اسلامی محدود نبوده بلکه این حرکت، به ارائه تصویری نامطلوب از اسلام و مسلمانان در سایر جوامع نیز انجامیده است. مسائلی از قبیل ترور، عدم رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، تهدید، خشونت، عقب‌ماندگی، بربریسیم و ابتر بودن، نمونه‌هایی از تفسیر وحشت‌آفرین و تخریبی علیه مسلمانان در رسانه‌ها، فیلم‌های غربی و فضای سایبر است (پیشین، ص ۴۵۹). اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غرب شاخص‌هایی از قبیل ترویج فرهنگ ایشار و شهادت در جهان اسلام را با تصویری نامطلوب و در راستای اشاعه ترور و دامن زدن به اقدامات تروریستی و خشونت‌طلبانه برای شهروندان مختلف جهان ارائه می‌دهد. عدم رعایت حقوق زنان در جوامع اسلامی نیز موضوعی بوده که شاخص تأکید بر جایگاه زنان در جامعه اسلامی را بارها زیر سؤال برده است.

۴- ترویج مباحث و موضوعات غیراخلاقی در میان جوانان در جهان اسلام و اجرای پروژه دین‌زدایی در این چارچوب: امروزه هزاران سایت در سطح گسترده‌ای ترویج دهنده انواع هرزه‌نگاری‌ها، تصاویر و

فیلم‌های مستهجن می‌باشد که دسترسی به آنها به راحتی امکان‌پذیر است. نتایج یک کار پژوهشی نشان می‌دهد که برای نمونه کاربران ایرانی در فضای سایبر، عمدتاً جوان، کم‌تجربه، مذکر و مجرد هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در چند سال اخیر، همواره «کلمات پورنو» در لیست مهم‌ترین کلمات جست‌وجو شده کاربران ایرانی بوده است (<http://mouood.org/8678/3>). ترویج این موضوعات در فضای سایبر در چارچوب اجرای پروژه دین‌زدایی است که شاخص‌هایی از قبیل التزام عملی به دین اسلام، حفظ و احیای معنویات و اخلاق اسلامی و نفی مادی‌گرایی و تفکر اومانیستی، پای‌بندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام و اعتقاد به خدا و روز جزا را به چالش کشیده است.

۵- ترویج الگوی زندگی غیراسلامی و در معرض تهدید قرار گرفتن بنیان خانواده در جهان اسلام: اسلام بر تشکیل خانواده و ارضای غرایز در چارچوب آن تأکید بسیار داشته و در این راستا، بر قانون‌مند شدن روابط زن و مرد در چارچوب ارزش‌های اسلامی توجه زیادی دارد. اما تفکر لیبرال دموکراسی غرب، بر اندیشه‌ای غیر از این تأکید کرده و در جهت مخالف آن عمل می‌کند. امروز فضای سایبر، زمینه‌ای را فراهم آورده که ارزش‌های مدنظر اسلام در مورد خانواده و روابط زن و مرد را زیر سؤال می‌برد. یکی از بارزترین این موارد در کنار منابع مکتوبی که تبلیغ می‌شود فعالیت در اتاق‌های گفت‌وگو یا به عبارتی چت‌روم‌هاست که امروزه موجبات آشنایی و برقراری روابط نامشروع دختران و پسران جوان و یا حتی مردان و زنان متأهل را در جهان اسلام فراهم آورده که در موارد متعددی وقوع جرم و جنایات و از هم پاشیدگی بنیان خانواده‌ها را در پی داشته است. در این چارچوب شاخص‌هایی هم‌چون حفظ کیان خانواده و پای‌بندی به روابط شرعی میان زن و مرد در جهان اسلام مورد چالش واقع شده است.

فضای سایبر و جهان اسلام

هم‌چنان‌که ذکر شد، رسانه‌های گروهی و فضای سایبر اصلی‌ترین ابزار تحقق جهانی شدن در حوزه فرهنگی است. دین مبین اسلام از ابتدای گسترش خود بر رسانه‌های سنتی مانند منبر، مسجد، مجالس وعظ و عزاداری، استوار بوده است (افروغ و دیگران، پیشین، ص ۸۱). هم‌اکنون نیز این رسانه‌ها، کارکرد خود را حفظ کرده اما در مقابل رسانه‌های جدید ارتباطی و تبلیغی به چالش کشیده شده است. آمارهای مربوط به تعداد کاربران اینترنتی در کشورهای اسلامی موقعیت نامناسب جهان اسلام در این حوزه مهم رسانه‌ای و شبکه‌ای را نشان می‌دهد. جدیدترین آمارهای مربوط به تعداد کاربران اینترنتی در کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۹ م، نشان می‌دهد که جمعیت مسلمانان جهان در این سال ۱،۵۳۷،۲۲۸،۵۵۷ نفر می‌باشد که از این تعداد جمعیت ۲۰۹،۳۲۴،۶۰۰ نفر به اینترنت دسترسی دارند؛ یعنی ۱۳،۷ درصد از مجموع جمعیت مسلمانان و یا به عبارتی، از هر هفت مسلمان یک نفر به اینترنت دسترسی دارد که نسبت به میانگین جهانی آن (به ازای هر چهار نفر یک کاربر)، مقدار کمتری را نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای ارائه شده، سیرالئون کم‌کاربرترین و مالزی پرکاربرترین کشورهای

جهان اسلام به لحاظ نسبت کاربر به کل جمعیت به حساب می‌آیند. جدول شماره ۳ وضعیت کشورهای اسلامی را در سال ۲۰۰۹م نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: کشورهای مسلمان، تعداد کاربران و شناسه‌های اینترنتی آنها

ردیف	نام کشور	شناسه	جمعیت (۲۰۰۹)	کاربران اینترنتی	درصد کاربران
۱	افغانستان	AF	۲۸,۳۹۵,۷۱۶	۵۰۰,۰۰۰	۱,۸
۲	آذربایجان	AZ	۸,۲۳۸,۶۷۲	۱,۴۸۵,۱۰۰	۱۸,۰۰
۳	آلبانی	AL	۳,۶۳۹,۴۵۳	۷۵۰,۰۰۰	۲۰,۶۰
۴	اتیوپی	ET	۸۵,۲۳۷,۳۳۸	۳۶۰,۰۰۰	۰,۴۰
۵	اردن	JO	۶,۳۶۹,۲۸۵	۱,۵۰۰,۵۰۰	۲۳,۹۰
۶	الجزایر	DZ	۳۴,۱۸۷,۱۸۸	۴,۱۰۰,۰۰۰	۱۲,۰۰
۷	امارات متحده عربی	AE	۴,۷۹۸,۴۹۱	۲,۹۲۲,۰۰۰	۶۰,۹۰
۸	اندونزی	ID	۲۴۰,۲۷۱,۵۲۲	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲,۵۰
۹	اوگاندا	UG	۳۲,۳۶۹,۵۵۸	۲,۵۰۰,۰۰۰	۷,۷۰
۱۰	ایران	IR	۶۶,۴۲۹,۲۸۴	۳۲,۲۰۰,۰۰۰	۴۸,۵۰
۱۱	بحرین	BH	۷۲۸,۷۰۹	۴۰۲,۹۰۰	۵۵,۳۰
۱۲	برونئی	BN	۳۸۸,۱۹۰	۲۱۷,۰۰۰	۵۵,۹۰
۱۳	بنگلادش	BD	۱۵۶,۰۵۰,۸۸۳	۵۵۶,۰۰۰	۰,۴۰
۱۴	بنین	BJ	۸,۷۹۱,۸۳۲	۱۶۰,۰۰۰	۱,۸۰
۱۵	بورکینافاسو	BF	۱۵,۷۴۶,۳۳۲	۱۴۰,۰۰۰	۰,۹۰
۱۶	بوسنی و هرزگوین	BA	۴,۶۱۳,۴۱۴	۱,۴۴۱,۰۰۰	۳۱,۲۰
۱۷	پاکستان	PK	۱۷۴,۵۷۸,۵۵۸	۱۸,۵۰۰,۰۰۰	۱۰,۶۰
۱۸	تاجیکستان	TJ	۷,۳۴۹,۱۴۵	۶۰۰,۰۰۰	۸,۲۰
۱۹	ترکمنستان	TM	۴,۸۸۴,۸۸۵	۷۵۰,۰۰۰	۱,۵۰
۲۰	ترکیه	TR	۷۶,۸۰۵,۵۲۴	۲۶,۵۰۰,۰۰۰	۳۴,۵۰
۲۱	تونس	TN	۱۰,۴۸۶,۳۳۹	۲,۸۰۰,۰۰۰	۲۶,۷۰
۲۲	چاد	TD	۱۰,۳۲۹,۲۰۸	۱۳۰,۰۰۰	۱,۳۰
۲۳	سنگال	SN	۱۲,۷۱۱,۵۹۷	۱,۰۲۰,۰۰۰	۷,۴۰
۲۴	سودان	SD	۴۱,۰۸۷,۸۲۵	۴,۲۰۰,۰۰۰	۱۰,۲۰
۲۵	سوریه	SY	۲۱,۷۶۲,۹۸۷	۳,۵۶۵,۰۰۰	۱۶,۴۰
۲۶	سومالی	SO	۹,۸۳۲,۰۱۷	۱۰۲,۰۰۰	۱,۰۰
۲۷	سیرالئون	SL	۵,۱۳۲,۱۳۸	۱۳,۹۰۰	۰,۳۰
۲۸	عراق	IQ	۲۸,۹۴۵,۵۶۹	۳۰۰,۰۰۰	۱,۰۰
۲۹	عربستان سعودی	SA	۲۸,۶۱۶,۶۳۳	۷,۷۰۰,۰۰۰	۲۶,۸۰

۳۰	عمان	OM	۳,۴۱۸,۰۸۵	۴۶۵,۰۰۰	۱۳,۶۰
۳۱	فلسطین	PS	۲,۴۶۱,۲۶۷	۳۵۵,۵۰۰	۱۴,۴۰
۳۲	قرقیزستان	KG	۵,۴۳۱,۷۴۷	۸۵۰,۰۰۰	۱۵,۶۰
۳۳	قطر	QA	۸۳۳,۲۸۵	۴۳۶,۰۰۰	۵۲,۳۰
۳۴	کامرون	CM	۱۸,۸۷۹,۳۰۱	۷۲۵,۰۰۰	۳,۸۰
۳۵	کوزوو	KV	۱,۸۰۴,۸۳۸	۳۷۷,۰۰۰	۲۰,۹۰
۳۶	کومور	KM	۷۵۲,۴۳۸	۲۳,۰۰۰	۲,۹۰
۳۷	کویت	KW	۲,۶۹۲,۵۳۶	۱,۰۰۰,۰۰۰	۳۷,۱۰
۳۸	گابن	GA	۱,۵۱۴,۹۹۳	۹۰,۰۰۰	۵,۹۰
۳۹	گامبیا	GM	۱,۷۷۸,۰۸۱	۱۱۴,۳۰۰	۶,۴۰
۴۰	گینه استوایی	GN	۱,۰۰۵,۹۷۵	۹۰,۰۰۰	۰,۹۰
۴۱	گینه استوایی	GQ	۶۳۳,۴۴۱	۱۲,۰۰۰	۱,۹۰
۴۲	لبنان	LB	۴,۰۱۷,۰۹۵	۹۴۵,۰۰۰	۲۳,۵۰
۴۳	مالزی	MY	۲۵,۷۱۵,۸۱۹	۱۶,۹۰۲,۶۰۰	۶۵,۷۰
۴۴	مالی	ML	۱۳,۴۴۳,۲۲۵	۲۰۰,۰۰۰	۱,۵۰
۴۵	مراکش	MA	۳۱,۲۸۵,۱۷۴	۱۰,۳۰۰,۰۰۰	۳۲,۹۰
۴۶	مصر	EG	۷۸,۸۶۶,۶۳۵	۱۲,۵۶۸,۹۰۰	۱۵,۹۰
۴۷	موریتانی	MR	۳,۱۲۹,۴۸۶	۶۰,۰۰۰	۱,۹۰
۴۸	نیجریه	NG	۱۴۹,۲۲۹,۰۹۰	۱۱,۰۰۰,۰۰۰	۷,۴۰
۴۹	یمن	YE	۲۲,۸۵۸,۲۳۸	۳۷۰,۰۰۰	۱,۶۰
	جمع کشورهای اسلامی	۱,۵۳۷,۲۲۸,۵۵۷	۲۰۹,۳۲۴,۶۰۰	۱۳,۰۱
	مجموع جهانی	۶,۷۶۷,۸۰۵,۲۰۸	۱,۷۳۳,۹۹۳,۷۴۱	۲۵,۶۰

Source: World Internet User Statistics 2009

آمار و اطلاعات مربوط به پراکندگی زبان کاربران اینترنت نیز نتیجه مشابه را تأیید می‌کند. زبان عربی به عنوان زبان اول جهان اسلام رقمی در حدود ۲,۹ درصد از فضای سایبر را در اختیار خود دارد. این زبان به عنوان پنجمین زبان زنده دنیا، جایگاه هشتم در فضای سایبر را به خود اختصاص داده است. در فاصله سال ۲۰۰۰م تا ۲۰۰۹م زبان عربی از نظر میزان استفاده در فضای سایبر از ۱۹,۰۷,۶ درصد رشد کاربری برخوردار بوده است (جدول شماره ۴). این مهم نشان از آن دارد که کشورهای مسلمان، فعالیت‌هایی را برای بهبود وضعیت خود در این عرصه، آغاز کرده‌اند. در همین حال باید توجه داشت که کشورهای اسلامی آموزه‌های غربی و جهانی‌شدن - که امروزه به راحتی در غالب فضای مجازی به اقصى نقاط جهان منتقل می‌شود - را تهدیدی اساسی

برای خود تلقی می‌کنند که در این راستا، بهره‌گیری از فضای سایبر برای آنها، کارکردی دوگانه پیدا کرده که هم می‌تواند ابزار تهدید و هم ابزاری فرهنگی و تقویت کننده در راستای مقابله با تهدیدات و ترویج اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلام باشد.

رشد چشم‌گیر ۱۹۰۰ درصد زبان عربی در فضای سایبر و همچنین رشد ۱۶۴۸ درصد تعداد کاربران اینترنتی در خاورمیانه نشان می‌دهد که حکومت‌های حاکم بر کشورهای مسلمان، از ضرورت توجه به فضای سایبر به عنوان ابزاری در جهت توسعه فرهنگ بومی و اسلامی و همچنین دستیابی به اطلاعات روز دنیا غافل نیستند و در مقابل از تهدیدهای این پدیده نوظهور در ایجاد تبعات منفی برای جوامع خود نیز احساس خطر می‌کنند که برای مقابله با این تهدیدات، شاهد افزایش فیلترینگ در این کشورها هستیم.

جدول شماره ۴: پرکاربرترین زبان‌ها در اینترنت

ردیف	زبان	تعداد کاربران	نقوذ زبانی اینترنت	درصد رشد (۲۰۰۹ تا ۲۰۰۰)	نسبت جهانی کاربران	جمعیت تخمینی زبان در جهان
۱	انگلیسی	۴۷۸,۴۴۲,۳۷۹	۳۷.۹٪	۲۳۷.۰٪	۲۷.۶٪	۱,۳۳۳,۸۳۰,۹۷۶
۲	چینی	۲۸۲,۶۵۰,۷۱۳	۲۷.۹٪	۱,۰۸۷.۷٪	۲۲.۱٪	۱,۳۳۳,۸۵۹,۷۷۴
۳	اسپانیایی	۱۳۶,۵۲۴,۰۶۳	۱۳.۲٪	۶۵۰.۹٪	۷.۹٪	۴۱۱,۶۳۱,۹۸۵
۴	ژاپنی	۹۵,۹۷۹,۰۰۰	۷.۵٪	۱۰۳.۹٪	۵.۵٪	۱۲۷,۰۷۸,۶۷۹
۵	فرانسوی	۷۸,۹۷۲,۱۱۶	۱۸.۶٪	۵۴۷.۴٪	۴.۶٪	۴۲۵,۳۲۲,۸۵۵
۶	پرتغالی	۷۳,۰۵۲,۶۰۰	۲۹.۵٪	۸۶۴.۳٪	۴.۲٪	۲۴۷,۲۲۳,۴۹۳
۷	آلمانی	۶۴,۵۹۳,۵۳۵	۶۷.۰٪	۱۳۳.۲٪	۳.۷٪	۹۶,۳۸۹,۷۰۲
۸	عربی	۵۰,۴۲۲,۳۰۰	۱۷.۳٪	۱,۹۰۷.۹٪	۲.۹٪	۲۹۱,۷۹۸,۷۴۳
۹	روسی	۴۵,۲۵۰,۰۰۰	۳۲.۳٪	۱,۳۵۹.۷٪	۲.۶٪	۱۴۰,۰۴۱,۲۴۷
۱۰	کره‌ای	۳۷,۴۷۵,۸۰۰	۵۲.۷٪	۹۶.۸٪	۲.۲٪	۷۱,۱۷۴,۳۱۷
	جمع ۱۰ زبان	۱,۴۴۴,۳۳۲,۵۰۶	۳۲.۵٪	۳۳۳.۵٪	۸۳.۳٪	۴,۴۴۸,۶۵۱,۷۷۱
	سایر زبان‌ها	۲۸۹,۶۳۱,۲۳۵	۱۲.۵٪	۴۸۷.۱٪	۱۶.۷٪	۲,۳۱۹,۱۵۳,۴۲۷
	مجموع جهانی	۱,۷۳۳,۹۶۳,۷۴۱	۲۵.۶٪	۳۸۰.۳٪	۱۰۰.۰٪	۶,۷۶۷,۸۰۵,۲۰۸

فیلترینگ و وضعیت آن در جهان اسلام

فیلتر اینترنتی (internet filter) یا نرم‌افزار کنترل محتوا (content-control software) یا سانسور افزار (censorware) به مفهوم کنترل محتوا در فضای سایبر می‌باشد که به نرم‌افزارهای کنترل محتوای مورد تقاضای کاربران اطلاق می‌شود. نرم‌افزار کنترل محتوا، ابزاری است که تعیین می‌کند کدام کاربر اجازه مشاهده چه محتوایی را دارد. فیلترینگ می‌تواند در مواردی از قبیل دسترسی افراد به اطلاعات طبقه‌بندی شده در شرکت‌ها، سازمان‌ها، ادارات، دسترسی hacker ها، cracker ها به اطلاعات، دسترسی کاربران به محتویات

غیراخلاقی، دسترسی به مطالبی در زمینه ترویج خشونت، استعمال مواد مخدر، الکل، قمار و...، دسترسی کارمندان یک اداره به اطلاعات یا برنامه‌های غیرضروری در محیط کار، دسترسی به مطالب سیاسی، دینی یا ضد دینی، امنیتی و... قابل استفاده باشد.

(http://forum.omegapars.com =13938)

کشورهای مختلف جهان برای اعمال فیلترینگ در نظام جامع شبکه‌ای و فضای سایبر، سیاست‌های متفاوتی در پیش گرفته و هر یک بنا به ملاحظات خاص، خط قرمزهایی نامشخص را در این فضا اعمال کرده و مکانیسم‌های تعیین شده‌ای برای شهروندان ارائه نمی‌دهند. در رتبه‌بندی جهانی که از سوی سایت DAILYBITS طی سال‌های ۲۰۰۴م تا ۲۰۰۹م اعلام شد، نام ده کشور جهان که بیشترین میزان فیلترینگ را اعمال می‌کنند برده شده است که طی آن، کشورهای چین، ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کوبا، سوریه، کره شمالی، یمن، برمه و پاکستان به ترتیب در مقام‌های اول تا دهم قرار دارند که بنا به دلایل گوناگون، فیلترینگ را بر شهروندان خود اعمال می‌کنند. نکته قابل توجه در اطلاعات ارائه شده این است که در میان ده کشور برتر در اعمال فیلترینگ، شش کشور آن در ردیف کشورهای اسلامی قرار دارند که نشان می‌دهد کشورهای اسلامی تهدیدات ناشی از جهانی شدن و مقابله با فضای سایبر را جدی دانسته و ضمن فراهم کردن ابزارهای توسعه اینترنت و رشد جامعه شبکه‌ای و نظام اطلاعاتی در جامعه اسلامی، محدودیت‌های خود را نیز در ورود و خروج اطلاعات اعمال می‌کنند.

نتیجه‌گیری

پدیده جهانی شدن واقعیتی انکارناپذیر در دنیای کنونی است که ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد و پس از جنگ سرد به صورتی جدی در حال پی‌گیری است. قدرت‌های هدایت کننده این پدیده، در جهت تحقق اهداف جهانی شدن، ابزارهای مختلفی را به کار گرفته‌اند که عمده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین آنها، فضای سایبر است. این پدیده روز به روز تجلی بیشتری در میان جوامع پیدا می‌کند و انواع گوناگونی از تفکرات، اندیشه‌ها و اطلاعات را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد. آمارهای ارائه شده از افزایش چشم‌گیر تعداد کاربران در جوامع مختلف نشان دارد و پیش‌بینی می‌شود این روند در آینده نیز به صورت گسترده‌تری ادامه یابد.

جهان اسلام با اندیشه‌ها و تعالیمی متفاوت و متعارض با اندیشه‌های نظام لیبرال دموکراسی غرب، فرآیند جهانی شدن، به خصوص جهانی شدن فرهنگی، که هدایت‌کنندگان آن قدرت‌های غربی

هستند، را تهدید و چالشی علیه جوامع خود می‌داند. بهره‌گیری از فضای سایبر به عنوان مهم‌ترین ابزار در جهت ترویج ارزش‌های جهانی‌شدن، کشورهای اسلامی را هم بی‌نصیب نگذاشته و آمارهای جهانی از افزایش روزافزون تعداد کاربران در این جوامع حکایت دارد. هر چند در حال حاضر آمار کاربران اینترنتی جهان اسلام در مقایسه با میانگین جهانی آن کم است اما روند کنونی، افزایش تعداد کاربران در کشورهای اسلامی را نشان می‌دهد.

افزایش تعداد کاربران اینترنتی در جهان اسلام، از یک جهت تهدید محسوب می‌شود، زیرا در حال حاضر، هزاران سایت مغایر با ارزش‌ها و تعالیم اسلامی در فضای سایبر در حال فعالیت می‌باشد و روزانه میلیون‌ها کاربر از سراسر جهان و هم‌چنین در جوامع اسلامی به آنها مراجعه می‌کنند. این جریان می‌تواند پدیدآورنده چالش‌هایی برای جهان اسلام باشد. در برخورد با این مسئله، کشورهای اسلامی بیشتر در پی ارائه و اعمال راه‌کارهایی برای مقابله با این چالش‌ها خواهند بود. اعمال سیاست فیلترینگ و فعال‌سازی هکرها در فضای سایبر در همین راستا می‌باشد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که فضای سایبر برای جهان اسلام می‌تواند کارکردی دوگانه داشته باشد؛ یعنی هم‌چنان که تهدیدی جدی در راستای کم‌رنگ کردن ارزش‌های اسلامی به حساب می‌آید، در عین حال می‌تواند فرصتی در اختیار این جوامع قرار دهد تا از طریق آن بتوانند مروج ارزش‌ها، آموزه‌ها و تعالیم این دین آسمانی باشند و در جهت تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشند.

در پایان تأکید می‌شود که در حال حاضر خواسته یا ناخواسته، جهان اسلام و سایر جوامع در معرض پدیده جهانی‌شدن قرار گرفته و نمی‌توانند فارغ از تأثیرات آن باشند. از این رو در چنین شرایطی در برخوردی منطقی با این واقعیت، می‌توان از فرصت‌هایی که فضای سایبر در اختیار قرار می‌دهد استفاده کرده و با راه‌اندازی سایت‌ها و وبلاگ‌های مختلف اسلامی با موضوعات و مباحث متنوع، به ترویج آیین‌های مناسب و مورد پذیرش جامعه اسلامی در مقابل ترویج بنیادگرایی پرداخت و درصدد مقابله با چالش‌های پیش‌رو برآمد. از سوی دیگر، باید فرهنگ‌سازی را در رأس برنامه‌های خود قرار داده و فرهنگ درست استفاده کردن از امکانات فضای سایبر را به کاربران خود بیاموزیم.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. اسلوین، جیمز، *اینترنت و جامعه*، ترجمه عباس گیلوردی و علی رادباوه، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۸۰.

۳. افروغ، عماد و جمعی از اندیشمندان اسلامی، *جهانی‌شدن و جهان اسلام*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.

۴. حافظ‌نیا، محمدرضا، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، انتشارات پاپلی، مشهد، ۱۳۸۵.

۵. حسن‌بیگی، ابراهیم، *حقوق و امنیت در فضای سایبر*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران، ۱۳۸۴.

۶. سعیدی، علی اصغر، *روند پژوهی گفتمان‌های جهانی‌شدن*، فصل‌نامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۵.

۷. شکویی، حسین، *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، انتشارات گیتاشناسی، تهران، ۱۳۸۴.

۸. عزتی، عزت‌الله، *ژئوپلیتیک در قرن ۲۱*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.

۹. گل‌محمدی، احمد، *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، نشر نی*، تهران، ۱۳۸۱.

۱۰. گیدنز، آنتونی، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه محمدرضا جلایی‌چور، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۴.

۱۱. مالک، محمدرضا، *جهانی‌شدن اقتصاد؛ از رؤیا تا واقعیت*، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۲.

۱۲. مجتهدزاده، پیروز، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.

۱۳. محسنی، منوچهر، *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*، نشر دیدار، تهران، ۱۳۸۰.

۱۴. مویر، ریچارد، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میر حیدر و سید یحیی صفوی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروی‌های مسلح، تهران، ۱۳۷۹.

۱۵. وارتر مالکوم، *جهانی‌شدن*، ترجمه اسماعیل گیوی و سیاوش مرید، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۹.

16. <http://www.dailybits.com/top-10-countries-censoring-the-web>
17. <http://forum.omegapars.com/showthread.php?t=13938>
18. <http://www.hccmr.com/news-494.aspx>
19. <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>
20. <http://www.internetworldstats.com/list2.htm>

21. <http://www.internetworldstats.com/stats7.htm>
 22. <http://www.iranculture.org/research/internet/viewpajohesh.php?id=8>
 23. <http://mouood.org/content/view/8678/3>
 24. http://www.tebyan.net/Science_Technology/ComputerMagazine/GeneralArticles/2005/11/10/14047.html



علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته الله علیه و راهبرد وحدت اسلامی

محمد طاهر اقبالی^۱

چکیده

وحدت اسلامی، هم‌گرایی و هم‌نوایی در جهان اسلام، یکی از راهبردی‌ترین و مهم‌ترین راه بازگشت دوباره مجد و عظمت، قدرت و شکوه اسلامی است، که نظر بسیاری از متفکران مسلمان را همیشه به خود معطوف داشته است. علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته الله علیه، یکی از این ژرف‌اندیشان وحدت‌نگر است که همواره برای احیای اخوت دینی در افغانستان، تلاش کرده و به صورت گسترده محورها، راه‌کارها، موانع و پیامدهای آن را شفافیت بخشیده و بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها: وحدت اسلامی، اسماعیل بلخی، قرآن، جهان اسلام، افغانستان.

مقدمه

علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته الله علیه، یکی از متفکران وحدت‌گرا، اندیشمندی عدالت‌خواه و اصلاح‌طلب و استبدادستیز است، که در تاریخ معاصر افغانستان ظهور کرد، و افکار و اندیشه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی‌اش در روند و جهت‌دهی تحولات فکری و سیاسی جامعه تأثیر شگرف و عمیق گذاشته است.

این شخصیت فکور، متعهد و متبحر به آفاق علوم اسلامی در برهه‌ای از زمان، به فراگیری، تحقیقات و مطالعات اسلامی پرداخت که از یک سو در افغانستان و جهان اسلام هم‌چنان بی‌امنی، استعمارگرایی، استبدادگری، بی‌عدالتی، بی‌هویتی و بی‌هم‌رنگی بیداد می‌کرد؛ و از سوی دیگر خروش و خیزش نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی رو به افزایش و گسترش بود. این تلاقی و تلازم، فعالیت‌ها، تلاش‌ها و جهت‌گیری‌های شهید بلخی رحمته الله علیه را در ابعاد مختلف فرهنگی و سیاسی ساختارمند نمود. وی حرکت‌های فکری و مبارزات سیاسی خود را علیه استعمار بیرونی و استبداد

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی، پژوهشگر و نویسنده.

درونی در ابعاد گوناگون و در ساحت‌های متفاوتی پی‌ریزی نمود، که در این چارچوب راهبرد وحدت‌خواهی اسلامی وی، مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

ضرورت طرح اندیشه وحدت‌خواهی شهید بلخی رحمته‌الله

ضرورت تبیین نگرش شهید بلخی رحمته‌الله در همه عرصه‌ها و ساحت‌ها و به خصوص در قلمرو وحدت اسلامی ناشی از این است که از یک سو تفکر وحدت‌نگری وی برابند مسلمان بودن، احساس مسؤلیت کردن و تحلیل واقع‌بینانه داشتن از تحولات فرهنگی و سیاسی افغانستان بوده، و از سوی دیگر، او نه تنها وحدت‌نظر را شرط لازم برای حل بخشی از بحران‌های موجود در آن کشور اسلامی دانسته، بلکه وحدت‌عمل را نیز لازم و ضروری شمرده است. و از دیگر سو شهید بلخی رحمته‌الله خود در کنار بیان ایده «وحدت اسلامی»، در عمل وارد فعالیت در این عرصه شده و تلاش‌هایی را به سرانجام رسانده که همین پارامترها، وی را به عنوان شخصیتی تأثیرگذار در قلمرو وحدت‌خواهی معرفی کرده و ماندگار نموده است.

قرن‌ها باید که تا یک عده سنگ از زیر خاک
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
عمرها باید که تا یک مجتهد آید پدید
مجلسی از اصفهان یا مرتضی فخر زمن
ماه‌ها باید که تا یک مشت پشم
زاهدی را خرجه گردد یا شهیدی را کفن
(سید حسن احمدی‌نژاد، ج ۲، ص ۷۰۰)

شخصیت علمی شهید بلخی رحمته‌الله

شهید بلخی رحمته‌الله طبق روال سنتی جامعه‌اش که تربیت و تعلیم از زمان خردسالی آغاز می‌گردید، فراگیری معارف اسلامی را از همان دوران کودکی در خانواده شروع نمود، اما استعداد فوران‌کننده و حافظه سرشارش موجب شد که برای ادامه تحصیل به ایران و عراق هجرت کرده، و به ترتیب در حوزه‌های علمیه خراسان، نجف اشرف و قم رحل اقامت افکند. وی در طی تقریباً چهارده سال در رشته‌های تفسیر، کلام، فلسفه، فقه، اصول، و تمام علوم متداول آن زمان (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۳۷) از اندیشه‌های استادان بزرگ و صاحب نامی هم‌چون: مرحوم آیت الله العظمی حاج سید صدر الدین صدر^۱، مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، مرحوم آیت الله شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، آیت الله سید میرزا حسین فقیه سبزواری، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و...

۱- پدر بزرگوار امام موسی صدر.

بهره گرفت؛ و هم‌زمان به مطالعه آثار بزرگان ادب، هنر و عرفان چون: مولوی بلخی، سنایی غزنوی، شمس تبریزی، حکیم فردوسی، ابو الحسن شهید بلخی، حافظ و سعدی شیرازی، شیخ بهایی، فیض کاشانی، علامه اقبال لاهوری و... (پیشین، ص ۳۹) پرداخت.

وی پس از سال‌ها تجربه آموزشی و پژوهشی در ایران و عراق، به کشورهای عربستان سعودی، سوریه، مصر و اردن نیز مسافرت کرد تا از نزدیک شاهد اوضاع و احوال فرهنگی و سیاسی پاره دیگری از پیکره جهان اسلام بوده، و تفکر ستیزگرایانه خود را علیه استعمار، استبداد، تفرقه، نژادپرستی، نابرابری، جهل و غفلت، استحکام ببخشد. وی هم‌چنین به خاطر شرکت کردن در قضیه کشف حجاب در مسجد گوهرشاد و سخنرانی علیه رژیم شاهنشاهی ایران و عراق بارها مورد پیگرد قرار گرفت و آرمان‌خواهی و آزاداندیشی او به مخاطره افتاد، و سرانجام با کوله‌باری از علم و تجربه، آرمان و آرزو به افغانستان باز گشت و به مبارزات فکری و سیاسی خود علیه بی‌عدالتی‌های فرهنگی و اجتماعی - نظام حاکم مستبد، حتی در زندان، تداوم بخشیده، و زندگی را - به گفته اقبال لاهوری - در خطر، زنده‌تر، رخشنده‌تر و تابنده‌تر ترسیم کرده و به تصویر کشیده است:

زندگی اندر خطرها زیستن
بی‌خطرها زیستن، نازیستن
زندگی اندر خطرها زندگی است
بی‌خطرها زندگی شرمندگی است
زندگی اندر خطرها زنده‌تر
زنده‌تر، رخشنده‌تر، تابنده‌تر
زندگی می‌باید اندر نبرد
روحیات تازه‌ای می‌جو چو مرد.

(لاهوری)

مسافرت به جهان اسلام

شهید بلخی رحمته‌الله با انگیزه‌های متفاوتی به دنیای اسلام مسافرت نموده است. پی‌گیری تحصیل و آشنا شدن با افکار و اندیشه‌های صاحبان علم و دانش و نخبگان جهان اسلام از جمله آن انگیزه‌هاست، که در بخش شخصیت علمی شهید بلخی رحمته‌الله به طور خلاصه به آن پرداخته شده است. وی در مدت یک سال و نیم (بعد از آزادی از زندان) مسافرت به کشورهای اسلامی، به ویژه کانون‌های مبارزات اسلامی و محورهای توجه دنیای اسلام، و تحصیلات و مطالعات و تحقیقات اسلامی، شناخت کاملی از اوضاع و شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این کشورها به دست آورد و با یک بینش تازه و اندیشه‌های نو وارد کشور اسلامی خود شد. (حسینی، پیشین، ص ۴۹).
«... در طول دوران طلبگی‌اش هیچ‌گاه از آن چه در جهان اسلام می‌گذشت غافل نبود، و در همان آغازین روزهای ورودش به حوزه دم از آزادی و استقلال و نبرد با استعمار می‌زد. «
(احمدی‌نژاد، ج ۲، ص ۶۹۸).

تشکیل حزب اتحاد اسلامی

شهید بلخی رحمته الله علیه وقتی به افغانستان باز می‌گردد که بحران‌های فرهنگی و سیاسی در اثر کشته شدن "نادرشاه" به دست عبدالخالق (قهرمان و عدالت‌خواه هزاره) و به قدرت رسیدن "ظاهرشاه" اوج گرفته بود، و سلطنت و رژیم موروثی که در تاریخ این کشور، یادآور حاکمان خون‌آشام و بیدادگر بود، با ویژگی‌هایی چون: اختناق فکری، زنجیر کردن زبان‌ها، مهر کردن لب‌ها (طنین، ۱۳۸۴، ص ۷۷)، ظلم، تجاوز، عدم آزادی بیان، تشمت و تفرقه، سرکوب کردن آزاداندیشی، بی‌عدالتی در شکل‌های گوناگون، انحصارگرایی حداکثری در قالب نژاد، قوم، زبان و مذهب، استمرار داشت. بلخی زمانی که سرنوشته فکر و اندیشه‌اش توسط عاملان جهل و استبداد، به دست زندان دهم‌زنگ کابل سپرده شد، اوصاف سیاسی و اجتماعی کشورش را به زیبایی با زبان شعر به تصویر کشید:

حاجتی نیست به پرسش که چه نام است این‌جا / جهل را مسند و بر فقر مقام است این‌جا
 علم و فضل و هنر و سعی و تفکر مـمـنوع / آن‌چه در شرع حلال است، حرام است این‌جا
 ریش زاهد، قلم منشی و فرم افـسـر / حلقه حزب جوان‌ها، همه دام است این‌جا
 می آزادی و وحدت نرسد از چه به ما؟ / مستبد شیخ صفت دشمن جام است این‌جا
 ما به سر منزل مقصود، چه سان راه بریم؟ / راهزن، رهبر و خس دزد، امام است این‌جا
 فکر مجموع در این قافله جز حیرت چیست؟ / زان‌که اندر کف یک فرد، زمام است این‌جا
 سیر پرگار بسی طی شد و دور گـیـتی / همه‌جا پرتو صبح آمد و شام است این‌جا
 مگر از صحنه بسـتـان طبیعت دوریم؟ / پخته شد میوه هر کشور و خام است این‌جا
 ما از این مدرسه ناکام روانیم چـرا؟ / کام‌جویان همه در جستن کام است این‌جا
 بردگان سرخوش و آزاد به هرجا، اما / ملتی بر در یک شخص، غلام است این‌جا
 دیگران را به فلک سبقت دانش به دوام / رفتن ما به عقب هم به دوام است این‌جا
 بلخیا! نکبت و ادبار، زسستی پیدا است / چاره این همه، یک‌بار قیام است این‌جا
 (دیوان علامه بلخی، ۱۳۸۸، ص ۵۱)

عجب از گردش پرکاری این قوم مدار / قطب این دایره هم پیرو استبداد است
 سهم ما هیچ شد از قرن مشعشع "بلخی" / گوئیا کشور ما محبس استعداد است
 (ندای وحدت، ص ۱۶)

شهید بلخی رحمته الله علیه در چنین شرایطی، برای تحقق نهضت اصلاحی و مبارزه مداوم و همه‌جانبه، «حزب اتحاد اسلامی»^۱ را پایه‌ریزی کرد. این حزب طیف وسیعی از مردم شیعه و سنی را در بر می‌گرفت و اهداف و آرمان‌های مقدسی را برای خود ترسیم کرده بود، که تشکیل حکومت اسلامی بر پایه اصول و مبانی دینی از جمله آن اهداف بود. (حسینی، پیشین، ص ۵۷) وی به فعالیت‌های سیاسی با دورنمای تغییر افغانستان در محور عدالت اجتماعی، نفی حاکمیت‌های خودکامه خانوادگی و شکل‌گیری نظام "جمهوریت" در کشور پرداخت. (دیوان علامه بلخی، پیشین، ص ۴). این حزب از جهت ساختار اجتماعی به صورت کاملاً وحدت‌گرا و هم‌گرایی‌نگر تشکیل شده و نگاه وحدت‌گرایانه را در بافت چندپارچگی قومی، مذهبی و... مردم افغانستان داشته است.

« نکته قابل توجه در حرکت شهید بلخی ترکیب قومی یاران او بود که واقعاً درخور توجه است. روحانی، روشن‌فکر، نظامی و ملکی، پلیس و صاحب‌منصب اردو، چریک ده و پلیس شهر، ارتشی و مجاهد، سید و عام، شیعه و سنی، ترکمن و تاجیک، قزلباش و بیات، هزاره و پشتون، اغنیا و فقرا، تحصیل کرده و بی‌سواد، از کابل و ولایات دیگر» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۳).

نهضت وحدت‌خواهی و انقلاب اصلاحی در قالب اشعار

شهید بلخی رحمته الله علیه زمانی که متوجه شد ابزار ارتباطات، یعنی گفتمان، سخنرانی و صحبت طرفینی را با مردم از دست داده، و فعالیت‌های فکری و سیاسی‌اش از طرف رژیم شاه منع گردیده، باز هم آرام نگرفت و بی‌قرار راه مبارزه را ادامه داد، اما در شکل و جبهه دیگر. این بار دیگر نه از ملاقات کردن با شخصیت‌های فکری و سیاسی دنیای اسلام خبری است و نه از فعالیت مدیریتی در تشکیلات حزبی، زیرا او در زندان دهم‌زنگ کابل محصور و محدود شده، و تنها یک جلد قرآن کریم انیس و مونس او می‌باشد. وی در این مدت بالاترین بهره را از کلام خدا گرفت تا جایی که خود می‌گوید: «۱۷۰۰ مرتبه قرآن را خواندم و به دقت به آیات توجه می‌کردم، در حدی که هر بار می‌خواندم تفسیر نویی به دست می‌آوردم. آن‌گاه فهمیدم که کلام الهی عین ذت او بی‌نهایت است». هم‌چنین، وی در این مدت ۷۵ هزار بیت شعر با مضامین فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و عرفانی سروده است. (احمدی‌نژاد، پیشین، ص ۷۰۰) که تنها پنج هزار بیت آن از حوادث روزگار مصون مانده است. یک سوم این اشعار درباره وحدت اسلامی و تحولات جهان اسلام سروده شده است. (ندای وحدت، پیشین، ص ۲۹).

۱ - برخی از تاریخ‌نویسان افغانستان معتقدند این تشکل به نام «حزب ارشاد اسلامی» است.

محورهای وحدت اسلامی

۱) درک ضرورت وحدت اسلامی

قرآن در آیات زیادی بر ارزش بی‌بدیل و ذاتی وحدت و هم‌گرایی دینی تأکید کرده، هم‌بستگی نیروها و عناصر دخیل و مؤثر در هر جامعه‌ای را عامل موفقیت آنان دانسته و مسلمانان را به وحدت و هم‌گرایی فراخوانده است. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید، و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت باشید» (آل عمران/۱۰۳).

شهید بلخی رحمته‌الله از آن جایی که در مکتب اسلام تربیت شده و تعلیم یافت بود، با تأسی از قرآن کریم همان راهبرد دینی «وحدت اسلامی» را در مسیر حرکت اصلاحی خود، مورد توجه و تأکید وافر قرار داد، و نقش آن را در پیروزی ملت‌های مسلمان، در قالب شعر و سخن برای مردم مسلمان افغانستان و همهٔ مصلحت‌اندیشان جهان اسلام از منظرهای متفاوتی تبیین کرد؛ و در مسافرت‌های تبلیغی و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سرتاسر افغانستان و کشورهای مسلمان، دعوت مردم به اتحاد و یک‌رنگی و هم‌بستگی اسلامی را سرلوحهٔ کارهای خود قرار داده بود تا جایی که هر کجا نام بلخی برده می‌شد، صلح، دوستی، برادری و برابری به یاد می‌آمد. (حسینی، ص ۶۰). وی تأکید می‌کرد که اگر می‌خواهی تفوق بر کسی داشته باشی، بر نژاد و مذهب تکیه مکن. این اتکا جامعه را از هم جدا می‌کند. (تلخیص از ندای وحدت، پیشین، ص ۲۲). هر شیعه که سنی نیست، شیعه نیست و هرکه شیعه نیست سنی نیست. این مسلک دینی و مذهبی من است. همه ما مسلمان هستیم و اختلافات فرعی شیعه و سنی نمی‌تواند و نباید در ارکان اسلامیت ما تزلزل وارد کند، باید مردم دارای قلوب مصفا از صمیمیت و راستی باشند و همه مؤمنین با یک‌دیگر رؤف و مهربان باشند و تبعیض‌های نژادی و مذهبی برطرف گردد. (پیشین، ص ۲۰).

بعد از آن با میل وحدت سرمهٔ غیرت بکش با حقیقت کاملاً چشمت شناسا می‌شود هیچ نیرو نیست بالاتر ز روز اتحاد دیده شد، هر ناتوان از وی توانا می‌شود مقصد، از ایثار و وحدت هیچ‌که غافل مشو نام وحدت باعث ارعاب اعدا می‌شود (دیوان علامه بلخی، ص ۶۷).

چه فتنه‌ای است؟ ز وحدت چرا گریزانیم؟

قدم به مجمع وحدت بنه، نفاق مجوی

ز چیست وقت همه در تضاد می‌گذرد؟

اگر نفاق وگر اتحاد می‌گذرد

(پیشین، ص ۵۹).

۲) قرآن کریم

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌های وحدت اسلامی، قرآن کریم، معجزه خالد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. تمامی فرقه‌ها و نحله‌های فکری، با همه تفاوت‌ها و ضدیت‌های جزئی موجود میان آنان، باورها و اندیشه‌های اعتقادی خود را برآمده از قرآن می‌دانند و بر آن اصرار می‌ورزند و هر گونه ناهم‌سوایی و ناهم‌گونی با آن را در نظام فکری خویش بر نمی‌تابند.

احمد و قرآن و آواز حجاز
تابلویش رحمه للعالمین
دین او بگذشت از دیوار چین
هست قرآنش الی یوم النشور

منکرش کس در همه اقطار نیست
دعوت او خاصه امصار نیست
سد مد شرع او دیوار نیست
لطف حق مقطوع الاستمرار نیست

(پیشین، ص ۵۵).

با بودن قرآن، نگر ای مرد مسلمان
هر روز رود نسل مسلمان هدر از ما

(پیشین، ص ۱۵).

هان ای بشر بیاموز، درس از کتاب قرآن
در آتش دوئیت سوز و گداز تاکی
جنگ نژاد و مذهب، رخت از جهان نبندد
ز اصلاح اوس و خزرج این نکته گشت معلوم

دست از ره توسل، زن برطنا بقرآن
بهر دوام وحدت، کن انتخاب قرآن
تا عالمی نگردد، دانش‌مآب قرآن
فرمان صلح بارد از انقلاب قرآن

(ندای وحدت، ص ۳۰).

گر مسلمانی به قرآنت قسم
گر همنود استی، تودانی و گزنگ

پیرو احکام قرآنی و باشد از یقین
حامی احکام قرآن خون و استقلال

(دیوان علامه بلخی، ص ۷۷).

(پیشین، ص ۱۰۹).

گوییم ره چاره ز قرآن محمد
گویاست که در بین بشر صلح بود خیر

کاندر ره توحید، زبانش به بیان است
هم گفت که جمعیت مؤمن اخوان است
(پیشین، ص ۱۳۶).

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء / ۹).

۳ پیامبر اسلام ﷺ

از جمله عوامل جاودانگی یک مکتب و وحدت یک جامعه، ارائه الگوهای عینی، یقینی، قولی و فعلی در کنار الگوهای رفتاری است. مکتب اسلام، تنها مکتبی است که با ارائه الگوهای کامل در کنار دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم هم‌دیگر ساخته و آهنگ جاودانگی و هم‌گرایی گرفته، و پیامبر اکرم ﷺ را الگوی انسانیت معرفی کرده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱).

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ: (نجم، ۳) «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر / ۷).

توحید بود مکتب آن مرشد کامل
هرگز به بیابان جهالت، نشود گم
دیگر نکند شکوه ز بیدادگری‌ها
کسری شکند کاخ عدالت‌نگر او
بلخی نسزد دگر پیرو او را

جز حق نبود، هیچ کس استاد محمد
آن را که نصیب است ز ارشاد محمد
هرکو خبری یافته از داد محمد
شد تا به فلک معدلت باد محمد
قرآن عظیم آمده او راد محمد

(حسینی، پیشین، ص ۷۶).

۴ اسلام، دین وحدت‌نگر و اخوت‌خواه است

اسلام دینی است جامع، کامل، اخوت‌خواه و فراملیتی. وحدت ادیان الهی، و اخوت اسلامی در آیات متعدد مورد توجه قرار گرفته است. شهید بلخی رحمته معتقد است اتحاد اسلامی شمشیر پیروزی اسلام و مسلمین می‌باشد.

با سلاح اتفاق و همتی و جنبشی
بیرق صلحی اگر از آسیا گردد بلند
نیست این پیغام، تنها ار روان بوعلی
پیکر توحید در هر گوشه‌ای درخاک و خون

رفع ننگ و عار و تجدید مزایا می‌شود
صلح گیتی افتخار شرق اقصی می‌شود
بلکه از روح محمد این تقاضا می‌شود
گوش جان گر باشدت، فریاد غوثا می‌شود
(دیوان علامه بلخی، ص ۶۹).

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹) «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران / ۸۵).

راه کارهای وحدت اسلامی

۱) بیداری مسلمانان

بیداری و هوشیاری مسلمانان نسبت به درک تاریخ، فرهنگ و اوضاع جاری جهان اسلام از یک طرف، و اطلاع پیروان مذاهب اسلامی از عقاید، اخلاق و امور فقهی صحیح مذهب خودشان، از طرف دیگر، یکی از پایه‌ها و ستون فقرات وحدت اسلامی است که شهید بلخی رحمته به خوبی آن را در لسان اشعار بیان کرده، تا برای هر مسلمانی آزادی‌خواه و استقلال طلب تذکری باشد، زیرا تا بیداری نباشد پایداری وجود پیدا نمی‌کند و استعمار بیرونی و استبداد درونی هم‌چنان در سرزمین‌های اسلامی تداوم پیدا خواهد کرد.

مستبد، ای کهنه شاگرد فرنگ	با خبر باشی که ملت شد زرنگ
هم به عمر و هم به منصب، هم به عیش	بیشتر از حق خود کردی درنگ
مشت دیموکراتی‌ات هم باز شد	آن قدر هم نیست کس غول و دینگ ^۱
گاه رو سوی جنوب و گه شمال	آخر ای موشک! خورد پوزت به سنگ

(دیوان علامه بلخی، ص ۷۶).

۲) توجه به مفاخر، تاریخ مسلمانان و جهان اسلام

توجه به هویت علمی، تاریخی و وضعیت مسلمانان از جهات مختلف، یکی از مهم‌ترین راهبردهای وحدت‌بخش است. استعمار و استبداد در کشورهای اسلامی، از جمله افغانستان، همواره سخت تلاش کرده تا مسلمین را از گذشته پرافتخار و تمدن متعالی خود دور نگه داشته و بین آنها

۱- آدم کودن و احمق.

فاصله ایجاد نماید، اما شهید بلخی علیه السلام از زبان شعر این شاهرگ حیاتی وحدت اسلامی را به درستی به تصویر کشیده است:

الجزیره ! بر شهیدانت ز ما بادا سلام
ای صبا! بر گو ز زندان با مسلمانان چین
می رسد هر لحظه از «قفقاز» و «گرجستان» ندا
دوش پیغام از روان بوعلی سینا رسید
چشم‌های ما و «بونصر» و «جلال الدین» براه
ای خدا جویان با همت خدا را، همتی
صد هزاران مسجد و قرآن اسیر اجنبی است
(پیشین، ص ۶۹).

ای مسلمانان عالم! این همه ننگ شماست
هر ورق از پاره قرآن که پامال جفاست
رفتی از دنیا و منظور تو قرآن بود و بس
ور نه بر قرآن و بر مسجد چه پروا می‌شود؟
پیش حق از هر مسلمان داد، گویا می‌شود
از روانت حال هم، بر ما وصایا می‌شود

۳) امید، اعتماد به نفس، اتکال بر خدا، همت و استقلال طلبی

از منظر شهید بلخی علیه السلام امیدبخشی و تزریق آن بر فکرها، نفس‌ها و دل‌های مسلمانان، ترغیب و تشویق به اعتماد به نفس داشتن، اتکا بر خداوند لایزال، تلاش کردن و همت داشتن، آزادی و استقلال خواهی، از دیگر فاکتورهای تأثیرگذار در استحکام بخشیدن به وحدت اسلامی است، زیرا آثار طبیعی مایوس شدن، متکی بودن به غیرخدا، توکل کردن به قدرت غیرمطلق، واماندن در میان جاذبه‌ها و همت نداشتن در واکنش به دافعه‌ها و وابسته شدن به این فهم و یا آن پراشت، همان تشتت در نگرش‌ها و گرایش‌ها در عرصه‌های مختلف خواهد بود.

«بلخی» ز زندان هر نفس تلقین همت می‌کند
هان ای جوانان! همتی این است پیغام جوان
(پیشین، ص ۲۴۸).

آن شهامت‌ها و پیروزی نه تنها یاد ماست
دائماً می‌پروراند رادمردان شجاع
باشد از راه شراف امروز تا پایان دهر
مقصد و مقصود ما صلح است و اندر راه صلح
هم وطن را بانی بنیان عمران است و هم
هست در یاد رقیبان خون و استقلال ما

همچو شیران نیستان خون و استقلال ما
با عدو مشت و گریبان خون و استقلال ما

همت و عزم متین از ما بیاید هم به ما
نامیدی برفکن، مشکل‌پسندی دور کن
اعتماد نفس پاک و اتکالت بر خدای
گر شود این هر دو با هم در طریق بندگی
همت چو چشمه‌ای نهان در نهاد مرد
گل قحط کس ندید چو در بوستان دهر

ز استعمار و استبداد شادم
جفا و جور استکبار نمود

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره ۲۱۸).

۴) غیرت دینی، وطن خواهی و استقامت

غیرت دینی و تعصب اسلامی، وطن‌خواهی و استقامت اگر در خدمت گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی قرار گیرد، ممدوح و ارزشمند توصیف می‌شود. یکی از چیزهایی که در نگرش و فرهنگ اسلامی، ستایش شده، تحریک و تقویت غیرت دینی و عصبیت اسلامی، وطن‌خواهی و استقامت است، که شهید بلخی علیه السلام از آنها برای توسعه اتحاد اسلامی بهره گرفته و در اشعار خود به آنها پرداخته است:

ریخت خون بس پدر، تا ماند قرآن بهر ما
حیف میراث پدر را کودکان ارزان شکست
(پیشین، ص ۱۴۴).

ای صبا! برگو ز من با طالبان راه حق
جسم ما گر دور ماند از کوی آن دلبر چه باک؟
در ره ترویج دین از هستی خود درگذشت
قبله اهل دعا باشد رخ نیکوی دوست
می‌برد این باد، آخر خاک ما را سوی دوست
دین پاک حق قوی گردید از بازوی دوست
(پیشین، ص ۱۴۵).

جنگ گیتی راست، جبران خون و استقلال ما
رونق فرهنگ و عرفان خون و استقلال ما
(پیشین، ص ۱۰۹).

از مقام کبریا بذل هدایا می‌شود
ز اتحاد قطره‌ها ابر عطایا می‌شود
از دو جانب بنده را ملجا و منجا می‌شود
آتش نمود برداً و سلاما می‌شود
(پیشین، ص ۶۷).

کاخر فشار آب، شکافد جبال را
«بلخی»! مکن قبول تو قحط‌الرجال را
(پیشین، ص ۱۰۷).

یقیناً انقلابی را بر آرد
خلیل کامیابی را بر آرد

(دیوان علامه بلخی، ص ۱۲۳).

نازمت ای استقامت! کاخر از سرپنجهات

وای مسلمان مگر وحدت ایمان نداشت
خواری و ذلت بماند جای شجاعت، چنان
خفت اسلام را کاش نبینم دگر!

اگرخواهی همی رشد سیاسی
به غفلت آبرو از جوی ما رفت
جوانان! در قلم رنگ شفا نیست
ز خون بنویس بر دیوار ظالم
بزنی "بلخی"! تو هم، برصف رندان

اگر رسم مروت در جهان نیست
مدان مسئول آن دور زمان را

قلب سخت یار و هم زنجیر و هم زندان شکست
(پیشین، ص ۱۴۴).

گاه پی انگلیس، گه به در روس رفت
نام شجاعت از این صفحه قاموس رفت
زود برآید صدا! "بلخی" محبوس رفت
(پیشین، ص ۱۵۸).

طریق مرشد و ارشاد، خون است
به استرداد، استمداد خون است
دوای درد استبداد خون است
که آخر سیل این بنیاد خون است
که آخر هرچه بادا باد خون است
(پیشین، ص ۱۳۸).

وگر از مردمی نام و نشان نیست
گناه از ماست، تقصیر از زمان نیست
(پیشین، ص ۱۵۳).

امام علی علیه السلام می فرماید: «ان کنتم لامحالة متعصبين فتعصبوا لنصرة الحق و إغاثة الملهوف» (غررالحکم، ۳۷۳۸). هم چنین می فرماید: «حب الوطن من الایمان» (ری شهری، ص ۵۳۷).

۵) علم و دانش

آگاهی و دانش از مقوله‌هایی است که در متن دین اسلام دارای جایگاه بسیار مهم و اساسی بوده، و بر فراگیری آن توجه و تأکید خاص شده است و از جمله امور زیربنایی انسجام پایدار و اتحاد اثربخش محسوب می‌گردد. شهید بلخی علیه السلام پس از محرم ۱۳۴۶ وقتی که امام خمینی علیه السلام در عراق تبعید بود، از نجف اشرف به شهر مقدس قم رفت و در یک سخنرانی در جمع دیدارکنندگان مشتاق در مدرسه فیضیه، دربارهٔ ارزش دانش‌اندوزی و علم‌آموزی خطاب به طلاب چنین گفت:

«حضار محترم! اساتید، علمای اسلام! احتیاج به علم از ضروریات اولیه است و حاجت به شرح و بیان نیست. همین بشری که در آرای سیاسی، اقتصادی و... اختلاف دارد در اصالت علم اختلاف ندارد، چون خوب است علمی که منتهی شود به یک مقصد و ملاک عقلایی که به قول بزرگان جنبه اصلاحی و اجتماعی داشته باشد».

شعاع نیر تابان به غیرعلم نبود
دمی که همه افلاکیان شدن مصدر
ز رمز صحبت موسی و خضر شد معلوم

ای نور چشم! از پی علم و عمل شتاب

فروغ شمع فروزان به غیر علم نبود
به امتیاز تو برهان به غیر علم نبود
که آب چشمهٔ حیوان به غیر علم نبود
(احمدی نژاد، پیشین، ص ۷۰۲).

در اعتلای میهن و اهلس زجان بکوش
(پیشین، ص ۲۳۳).

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / ۹) «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله / ۱۱).

۶) وحدت نظر و عمل

از نظر شهید بلخی علیه السلام، اتحاد کارساز و هم‌گرایی وقتی اخوت‌آور است که هر فرد مسلمان اعم از خواص و عوام در عرصه گفتار و رفتار، هماهنگ عمل نماید. در کنار وحدت نظر، وحدت در کردار نیز ضروری می‌باشد، تا اتحاد واقعی و آرمانی اسلام محقق گردیده و به سرانجام برسد.

وحدت فکر و نظر با همت سعی و عمل
خواهد از جمع جوانان خون و استقلال ما
(پیشین، ص ۱۰۹).

خفتن اندر بستر اظهار، درمانگاه نیست
درد را خود پای همت سوی درمان رفتن است
(دیوان علامه بلخی، ص ۱۳۷).

ای بشر! تاکی تو را ایثار نیست
عدل و دادت دعوی و جودت شعار
از چه‌تان ای پیشوایان ملل
هرکه را دیدم که شد غمخوار نوع
هیچ گفتار تو را کردار نیست
شرمت از افعال ناهنجار نیست
طبق منشور ملل، رفتار نیست؟
در دماغش غیر استعمار نیست
(پیشین، ص ۵۳ و ۵۴).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صف / ۲).

۷) بهره گرفتن از فرصت

فرصت و زمان در فرهنگ اسلامی، گوهری گران‌بها، نایاب و تکرارنشدنی است. شهید بلخی اعتقاد دارد که اگر چه در جهان اسلام و افغانستان، خطاها و اشتباهات فراوانی در راستای اختلافات

مذهبی، نژادی و... به وجود آمده و مشکلات گوناگون فکری، سیاسی و اجتماعی را در پی داشته، اما باز هم می‌توان از فرصت تضييع نشده بهره گرفت، و با وحدت اسلامی، خطاهای گذشته را جبران نمود، و بر مشکلات فراروی مسلمانان فائق آمد.

دامن فرصت مده از کف به وقت مغتنم باز هم وقت است، جبران خطایا می‌شود (دیوان علامه بلخی، ص ۶۷).
 مغتنم بشمار ایام و مکن تضييع وقت تا تو خواهی جام، فردا شیشهات دوران شکست (پیشین، ص ۱۴۳).
 تمام فرصت ما بیش از این تبسم نیست ببین به غنچه، چو لب برگشاد می‌گذرد (پیشین، ص ۵۸).
 راستی گر مقصدی داری، مده فرصت زکف و عدهٔ امروز و فردا رو به نسیان رفتن است (پیشین، ص ۱۳۷).
 وقت تنگ است ای پسر! هشیار باش هرکه عاطل بگذرد هشیار نیست نیست بدتر از بطلت هیچ جرم چارهٔ این غفلت استغفار نیست (پیشین، ص ۵۶).
 امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الفرصة سريعة الفوت و بطيئة العود» (غررالحکم، ۲۰۱۹) هم‌چنین می‌فرماید: «الفرصة تمر مرالسحاب» (نهج البلاغه، ح ۲۱).

عوامل اختلاف‌انگیز جهالت (۱)

در تلقی بلخی علیه السلام، یکی از مهم‌ترین موانع رسیدن به عرصه‌ها و تجلی‌های مختلف وحدت اسلامی، جهالت، بی‌آگاهی و بی‌خبری تعریف شده است. جاهل در اصطلاح فقیهان به شخصی گفته می‌شود که در گفتار یا کردار یا اعتقادات باطنی خود به ناآگاهی و نادانی موصوف باشد. (دایره‌المعارف تشیع، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۵۳۷).
 این جنگ وجدال بشر، از جهل است وین نکبت حال بشر، از جهل است تا درس نخوانند به دانشگه وحدت خود رنج و ملل بشر از علت جهل است «بلخی» نشود تا که همه پیرو اسلام آخر که زوال بشر از علت جهل است (دیوان علامه بلخی، ص ۱۳۰).

ای مسلمان! از جهالت جنگ مذهب داشتی در نژاد و در زبان هم حال، پیدا می‌شود (پیشین، ص ۶۶).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الجهل فساد کل امر». هم‌چنین می‌فرماید: «الجهل اصل کل شر». (ری‌شهری، پیشین، ص ۱۱۱)

(۲) خرافه پرستی

در برخی از جوامع اسلامی، از جمله در کشور افغانستان به دلیل وجود اسباب گوناگون، خرافه و اوهام پرستی از قدیم‌الایام رایج بوده و ادامه پیدا کرده است و حتی گاهی رنگ و بوی دینی و مذهبی گرفته است. یکی از پیامدهای این رویه مخلوط شدن امور وهمی و گزاره‌های اسلامی است که خود زمینه اختلاف و پراکندگی را ایجاد می‌کند.
 «امروز، روز شرکت و فریاد است. امروز دیگر روز آرام نشستن نیست. روز مبارزه با خرافات است. روزی است که باید چهره واقعی اسلام را از زیر ابرهای کدر اوهام و خیالات فاسده بیرون کشید. امروز، روز جنبش و روز حرکت است. لکن جنبش متین و با معنا، جنبش علم و فرهنگ و...» (احمدی نژاد، پیشین، ص ۷۰۳).

(۳) حاکمان فاسد، جاهل و استبدادگر

وجود حاکمان فاسد، جاهل و استبدادگر در جامعه موجب می‌شود که تفرقه و اختلاف گسترش یافته، وحدت و هم‌گرایی رو به فراموشی رود، زیرا منافع و مصلحت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رهبران، این‌چنین تأمین می‌گردد.
 ما را ست کشوری که مجال سؤال نیست و در نه سؤال هست که دالر به جیب کیست؟ (دیوان علامه بلخی، ص ۱۵۱).

جرم عشق وطن و حق‌طلبی یک به هزار می‌دهم شرح بر ملت افغان امشب اولاً یک نظری کن به جهان و پس از آن نظری کن به جهان‌داری غولان امشب جمله آزاده و ز انواع نعم برخوردار هست یک ملت پس ماند هراسان امشب نه حیاتی نه علمی و نه آزادی رأی مانده در فکرت پوشاک و غم نان امشب

کفن مرده زکاه است و زخاشاک زمین هیچ دانی که کجا گفتم و آن ملت کیست؟ بهتر آن است به آمریکا فروشیم وطن دیگری گفت که: آمریکا بدور است ز ما دیگرش گفت که: پس وعده به ملت چه دهیم؟ الغرض آن چه که شد شد، تو خودت فهم نما لیک شیران دلاور شده در بند، اسیر رو بهان حاکم شیران و دلیران امشب آخر ای هم وطنان! من به که گویم این درد (پیشین، ص ۲۶۱۹).

با مستبد که پنجه زدم، حق نمی دهد حق را به ضرب زور گرفتن ضرورت است (پیشین، ص ۱۴۳).
 ناخدای ما در این طوفان غم می زند هر ساعتی بنگی دیگر بوالعجب ما راست بخت واژگون رهنما کورست یا لنگی دیگر "بلخیا" بی دانشی ننگ است، ننگ دعوی دانشوری ننگی دیگر (پیشین، ص ۲۱۲).
 امام صادق علیه السلام می فرماید: «المستبد برأیه موقوف علی مداحض الزلل». (ری شهری، پیشین، ص ۲۱۱).

۴) استفاده ابزاری از مذهب و تلقی های متفاوت و متضاد؛ شیخ، صوفی، زاهد و مفتی
 در نگرش بلخی رحمته الله علیه، شیخ، صوفی، زاهد و مفتی نماد و سنبل انسانی است که طرز فهم خود را از دین، بر دین و مذهب تحمیل نموده، به عمد و یا از روی سهو تلقی سودجویانه و منفعت گرایانه از متن دین داشته و به دلایل گوناگون از آن استفاده ابزاری نموده است، که در نتیجه، انحصارگرایی، حسادت ورزی، فریب و ریاکاری، تقدیر و جبرگرایی، دین فروشی و اوهام پرستی، و تشدید اختلافات مذهبی و تکفیر را در پی داشته است.

صوفی! تو چند روز خدا را کنار باش مردم گرسنه اند، تو را جنگ مذهب است؟! (دیوان علامه بلخی، ص ۱۱۹).
 من سوی یار رفتم و زاهد به کید دید تعویذ^۲ چشم شور گرفتن ضرورت است

۱- آرمان و آرزو.

۲- دعای چشم زخم که به گردن آویزند.

دوری من از شیخ هم از فکرت پست اوست ای کبوتر! خطر شیخ زیاد است ترا نصیحت نشنوم از مفتی شهر اختلاف شیخ و صوفی علت واماندگی جز قفای گور رفتن علتی دیگر نداشت گر متاع خانه را بردن مقصر دزد بود منع دانش کرد زاهد کز متاع

این شرع، چه شرعی است که در وی گفتم به شیخ شهر: بگو حق به سوی کیست؟ مرگی چو مرگ زاهد و صوفی نخواستم شیخ را بس خنده ها بر بت پرستی بود لیک دیری است مستبد راه، با شیخ اتحادی است از شیخ چو وحدت نشنیدیم، از آن روز تا نشان از شیخ و تزویر است، ما و جام می ما و تو را جنگ نیست بر سر مذهب در عصر اتم همت ما جنگ مذاهب

۵) استعمار، استبداد، غرب و غرب زدگی

خود را ز سفله دور گرفتن ضرورت است (پیشین، ص ۱۲۲).
 گره و حلقه این دام، همی اوراد است که گفتا خون مظلومان حلال است (پیشین، ص ۱۳۰).
 پای همت بسته، می گویند کاین تقدیر ماست! این فلاکت ها که می بینی گریبان گیر ماست خانه را بی پاسبان ماندن دگر تقصیر ماست (پیشین، ص ۱۳۳).
 در دکان او دعایی بوده است (پیشین، ص ۱۴۰).
 هر فتنه مباح است به ایجاب سیاست (پیشین).
 خندید و گفت: دیده شود زر به جیب کیست؟ (پیشین، ص ۱۵۰).
 بی زخم تیغ، مرده ما را نمود نیست از ریا در آستین بر آن چه می خندید داشت (پیشین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴).
 یارب! میان دزدان این اتحاد تا کی هر روز در این مدرسه، آشوب دیگر هست صلح ممکن نیست، هر سو طعنه و تکفیر هست مفتی و ملا و پیر اگر بگذارند شد کهنه دنیا بر ما، رسم نوین است (ندای وحدت، ص ۳۰).

استعمار و استبداد در جهان اسلام، از واژگان مذموم و منقوری است که در خدمت هم قرار گرفته و قوام آنها در اختلاف انگیزی و تضاد ورزی می باشد، و یکی از پیامدهای وجود آنها، از بین رفتن وحدت اسلامی است، که شهید بلخی رحمته الله علیه به آن توجه داشته است.

ای ساده جوان! از پی این جنگ بشرکش
دیگر مکن از غرب، تمنای مودت
(پیشین، ص ۱۱۷).

طرفدار بشر هرگز مخوانش
هر آن کس خودپرستی اشتغال است
تبری جو ز استبداد و اهلش
که شاخ کبر، آخر پایمال است
به ظالم خصم و بر مظلوم یاور
همین قانون پاک اعتدال است
(پیشین، ص ۱۳۰).

از مرهم فاشیست نشد زخم بشر به
قصاب به فکر پی و بز در غم جان است
(پیشین، ص ۱۳۶).

حلیه خصم عنود وحدت ما را ربود
جمله اسناد ما در کف جاسوس رفت
(پیشین، ص ۱۵۸).

به جوانان وطن باز رسان پیغامم
ای که در دل هوس سیر اروپا داری
فر و فرهنگ بیاموز، نه عادات فرنگ
تو که میراث پدر کسوت تقوا داری
جلوه شاهد امروز، فریبست ندهد
باخبر باش که آینده فردا داری
این دبستان به تو آموخت معمای حیات
امتحان می شوی و حل معما داری
(پیشین، ص ۳۲۹).

یا ز ملت باش و یا زین خانه رو
نیست دنیا بر تو و مثل تو تنگ
آن چه داری، نسل هایت را بس است
هر چه می خواهد خورد تریاک و بنگ
(پیشین، ص ۷۷).

هر که را دیدم که شد غمخوار نوع
در دماغش غیر استعمار نیست
آید از خاک هر و شما صدا
کاین ثمر جز نخل استعمار نیست
بیخ و شاخ این تمدن خشک باد
فرق ما با دوره احجار نیست
گر دهیم انصاف، در بین وحوش
این چنین بی رحمی و کشتار نیست
(پیشین، ص ۵۵).

۶) سیاست زدگی، تبعیض، تعصب، تجاهل و تفاخر

در تفکر بلخی علیه السلام، غرق شدن در سیاست، بهادادن به تبعیض گرایی و عصبیت و در لاک تجاهل و تفاخر فرو رفتن، یکی دیگر از موانع تحقق وحدت اسلامی در افغانستان محسوب می گردد، که استبداد رأی، خودپرستی، بیدادگری و وابستگی را که در تضاد با آزادی و آزادگی هر مسلمان است، به بار می آورد. شهید بلخی در کشوری زندگی کرده که بیش از چند دهه ظلم ها و تعدی های بی حد و حصر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر شیعیان آن روا داشته شده، و آنان به دلایل واهی و غیرمنطقی و غیراسلامی و مبتنی بر نگاه عصبیت محوری مذهبی، نژادی و زبانی از حقوق سیاسی و

اجتماعی خود محروم بوده اند. توجه دقیق و عمیق به تاریخ افغانستان به خوبی به ما کمک می کند تا فریاد عدالت خواهی بلخی علیه السلام را در این اشعار باز شناسیم:

در حذر باش، ای سیاستمند ز استبداد رأی
خودپرستی های هتلر وحدت آلمان شکست
ای مسلمان! در گذر از فکر تبعیض نژاد
کاین تعصب های خشک از عزت سلمان شکست
از چه ای دانا! زنی مینای وحدت را به سنگ؟
و ز تجاهل بارها گفتی چرا نادان شکست
(پیشین، ص ۱۴۳).

هیچ می دانی بالای این تعصب های خشک؟
بر مسلمان مسلک فاشیست اغوا می شود
(پیشین، ص ۶۶).

گر ملتی از سلطه قومی شود آزاد
در هر قدمی کشور مغضوب دگر هست
ای که می گوی که من دیوانه ام زنجیر کو؟
راستی دیوانه شو، زولانه و زنجیر هست
”بلخیا“! خود را مقصر کس نمی داند، ولی
عاقبت معلوم می گردد که را تقصیر هست
(پیشین، ص ۱۴۸ و ۱۴۹).

ذکر خیری نرود از پس بیدادگری
کز سر سفره مسکین لب نان برزد و رفت
(پیشین، ص ۱۵۹).

سیاست بازی این روز ما هم عقده نگشاید
در این بازی ملل یکسر، به ریش پیشوا خندند
بجز پس ماندگی دیگر، نشان از ما نیاید کس
جهان پیش رو بر این رجوع قهقرا خندند
(پیشین، ص ۱۶۹).

ملل بر علم خود نازند ما را
تفاخر جز به مشتی استخوان نیست
(پیشین، ص ۱۵۴).

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»
(حدید/ ۲۰).

۷) منیت گرایی، قدرت طلبی، شهوت پرستی، تن پروری و فقر

خودپرترینی، قدرت طلبی، شهوت پرستی، تنبلی و فقر در همه عرصه ها، یکی دیگر از موانع وحدت اسلامی است که از نظر شهید بلخی علیه السلام به دور نمانده است:

در گذر از خودنمایی، ذره شو، دیدی چسان
از اتموم و هیبتش پشت زبردستان شکست
قطره آسان دل نور کن، اثر در کوچکی است
دیده ای جوف صدف را قطره نسیان شکست
(پیشین، ص ۱۴۳).

آتش کبر و نفاق، جامه تقوا بسوخت
جام شرافت شکست، جامه شهوت پرست
حامی نوع، مخوانش اگر از نفس نرست
از جوان مدعی درد وطن جستیم، گفت
چون نیک ببینی، سبب فتنه ز فقر است
سازند گروهی ز زر و سیم، کمر بند
پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «الفقر اشد من القتل» (ری شهری، پیشین، ص ۴۰۸).

۸) تقدیر سزایی و جبر گزایی

جبر گزایی در تعیین سرنوشت بر اساس دو نوع حرکت در جهان اسلام، به وجود آمده است: یکی تفسیر و تبیین از بخش متون دینی که به ظاهر حاکمیت تقدیر را بر فرجام زندگی انسان القاء کرده و بشر را موجود بی اختیار تلقی می نماید، و دیگری حاکمان و افرادی که می خواهند حکومت و سلطه شان در ساحت های مختلف اجتماعی، بر فکرها و قلب های توده مردم هم چنان پابرجا و مداوم باشد و از این راه، امرار معاش و ارتزاق نمایند.

یک قد کوتاه نمی گردد، ره این کاروان
اختلاف شیخ و صوفی علت واماندگی است
عالم تمام، داعی احقاق حق و لیک
زشتی ز ما، چرا شده بدنام آن قضا؟
ظاهر نگشت، پس حق مضمهر به جیب کیست؟
مفتی بگو قضای مقدر به جیب کیست؟
تا به غفلت گاه ما، افسانه تقدیر هست
(ندای وحدت، ص ۱۴۹).
(پیشین، ص ۱۳۳).
(پیشین، ص ۱۵۰).

۹) تقلید و تملق

تقلید و تملق یکی دیگر از موانع وحدت اسلامی در تفکر شهید بلخی رحمته الله علیه می باشد. تقلید یعنی توجه نکردن به دانش و اهتمام نورزیدن به معرفت خوب و بد و بی توجهی در شناخت حق از باطل، و تملق یعنی تفکیک نکردن حقیقت خواهی ها از ظاهر فریبها و زندگی کردن در معیار و مقیاس به رنگ روز بودن.

معارف جو، نه هر تقلید رشد است
غبار کاروان، تا کهکشانش رفت
لعن ارباب قلم بر آن کسی کو با قلم
زخم دل، اشک بصر، چاک گریبان یتیم
«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوا كَانُوا آبَاءَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (مائده / ۱۰۴).

پیامدهای اختلافات مذهبی، نژادی، زبانی و...

۱) بحران آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

بر اساس تجربه تاریخی و دستورالعمل های دینی، در هر جامعه ای که اختلافات مذهبی، نژادی و زبانی و... شعله ور گردد و آتش آن فوران نماید، بحران های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به وجود می آید. افغانستان در عصر بلخی رحمته الله علیه نیز از این قاعده بازی مستثنی نبود، زیرا قتل نادرشاه و به قدرت رسیدن ظاهرشاه یکی از دهها و بلکه صدها، پیامد این نوع اختلافات موجود در افغانستان آن روزگار بود، که موجب گردید بلخی رحمته الله علیه فریادگر آثار فکری، سیاسی و اجتماعی آنها درگذر تاریخ باشد و آنها را با شهادت خویش روایت نماید.

امریک^۱ و اروپا همه عیش سفر از تو
شیرینی و بیماری قند و شکر از تو
جنگ و جدل مذهب و هم تفرقه از تو
هر وقت که کوشی پی اغوای خلائق
این قدر بگویم که تو مشرف به زوالی
با آه یتیمان و غریبان سفر از ما
بر تلخی اوقات فقیران نظر از ما
مفکوره اصلاح و سلوک بشر از ما
شیطان صفتی از تو و رمی جمر از ما
بدنامی دوران ز تو، فتح و ظفر از ما
(دیوان علامه بلخی، ص ۱۵).

۲) خوار شدن قرآن و خفت اسلام

از نظر شهید بلخی، فرهنگ بزرگ و با عظمت اسلام، که گذشته آن با اخوت، معنویت، تمدن سازی، عزت آفرینی، محبت، ایثارگرایی و... همراه بوده و مدینه فاضله نبوی، تمدن اندلس و قدرت

۱- آمریکا.

به جز فرهنگ، چیزی ارمغان نیست
تو بر جا خفته، گویی کاروان نیست
(پیشین، ص ۱۵۴).
بهر نفع خویش از بیدادگر تمجید داشت
هر یکی صد خنده ها بر آن که می لاقید داشت
(پیشین، ص ۱۵۵).

عثماني را هويت بخشیده است، در اثر اختلافات مذهبی و نژادی و... مورد بی‌توجهی، بی‌احترامی و بی‌مهری قرار گرفته، و گفتار و کردارهای غیر مسلمانی مسلمانان به آن منسوب می‌شود.

از نفاق ما رسوم دین و قرآن خوار شد
 از نفاق و خفت اسلام بنگر بر یهود
 بعد مدت‌ها فراری‌ها و یأس، اسلفکان
 کعبه‌ای کز بدو بودن، گوی چو گانش جهان
 آتش این فتنه‌ها شاهی و استبداد بود
 (پیشین، ص ۶۶).

در غربت دین بر شود از تربت یثرب
 هر لحظه به حق ناله و فریاد محمد
 (حسینی، پیشین، ص ۷۶).

۳) برادر کشی

برادرکشی، تکفیر، تجویز قتل، غارت، ترور شخصیت و... اثر دیگری از اختلافات مذهبی، نژادی و... است، که در افغانستان بارها اتفاق افتاده و تکرار شده است. تاریخ سرزمین شهید بلخی علیه السلام همیشه به یاد دارد که یکی از حاکمان فاسد و ظالم آن دیار، به نام عبدالرحمن وقتی از طریق نظامی در سرکوب کردن هزاره‌های جعفری مذهب موفق نشد و احساس شکست کرد، از مفتی سنی تقاضای صدور فتوای تکفیر و جواز قتل عام شیعیان را نمود. این رویه هم‌چنان در افغانستان با فراز و نشیب ادامه یافت، اما در عصر طالبان باز هم به اوج خود رسید. گروه طالبان برای شیعیان سه راه را پیشنهاد کرد: ۱) ترک افغانستان، زیرا در تفکر طالبان، شیعیان، مسلمان تلقی نشده، و افغانستان سرزمین مسلمانان می‌باشد؛ ۲) شیعیان به قتل برسند، چون کافر هستند؛ ۳) شیعیان باید مسلمان بشوند، و مذهب سنی را به اجبار انتخاب نمایند.

ریزیم گهی خون خود و گه ز برادر
 هم غرب به تحکیم بلاک آمد و هم شرق
 کس نیست که گوید بیکی زین دو، خوش انصاف!
 هر سوی که بینیم، سرچنگ و جدال است
 این خوی بهائم، نبود در خور عاقل
 کاین هر دو بمیرند از این درد مفاصل
 ای یار! ز الفت سر این رشته تو مگسل
 گیتی شده امروز چو میدان قبایل
 (پیشین، ص ۸۰).

از چیست برادر به برادر شده بد بین
 و از چیست مسلمان به مسلمان پی کین است؟

۱- زشت.

این جمله مصائب ز نفاق است، نفاق است تا هست چنان حال، چنین بدتر از این است
 از تفرقه ماست، نگر دشمن قرآن در مسند اسلام همی صدر نشین است
 اسلام نداده است به ما فرق نژادی هستیم برادر چه به ژاپان چه به چین است
 (ندای وحدت، ص ۳۰).

۴) نفوذ فرهنگ غرب

تشتت و پراکندگی بستر ساز نفوذ فرهنگ غرب و دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل نفاق و تفرقه محسوب می‌گردد؛ نفوذی که در تلقی شهید بلخی علیه السلام دارای دو چهره کاملاً متفاوت از هم می‌باشد: یکی ظاهری؛ که حمایت، بازسازی، حق خواهی، برابری، آزادی، یکسان‌انگاری مرد و زن و... از خصوصیات بارز آن است، و دیگری واقعی؛ که غارت، ناامنی، بی‌ثباتی، بی‌هویتی انسان‌ها، بحران معنویت، متزلزل کردن ارزش‌های انسانی و به وجود آوردن نحله‌های جدید فکری و... از برایند حتمی این نوع نفوذ تلقی می‌شود.

بی‌جهت پیرایه می‌بندی به خویش
 آن چه بودستی، نمی‌گردی قشنگ
 (دیوان علامه بلخی، ص ۷۶-۷۷).
 ز خون نوجوانان، پاد زهری در بغل باید
 که نیش و زهر استعمار، چون مار است آگه شو
 یک طرف تعمیر مسجد می‌کنی
 یک طرف داری به کعبه قصد جنگ
 هست در حقت همان ضرب المثل
 روز در جلد ملنگ^۱ و شب پلنگ
 غوطه خوردی در خم امریک هم
 پیره روبه! باز آوردی چه رنگ؟^۲

جمع بندی

با نگاه به زندگی و آثار علامه بلخی علیه السلام و به خصوص دیوان اشعار وی روشن می‌شود که وی ضرورت اخوت دینی را درک نموده و به اهمیت وحدت اسلامی توجه فراوان داشته، و با مسافرت به جهان اسلام و تشکیل حزب اتحاد اسلامی در افغانستان در راستای رسیدن به این مهم اقدام کرده است. وی در بخش دیگری از زندگی خود که دیوان اشعارش روایت‌گر آن است، به صورت گسترده محورهای وحدت اسلامی هم‌چون: ضرورت وحدت، قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دین اسلام؛ راه کارهای وحدت اسلامی مانند: بیداری مسلمانان، توجه به مفاخر مسلمین، تاریخ اسلام، جهان اسلام، امید، اعتماد به نفس، اتکال بر خدا، همت و استقلال‌طلبی، غیرت دینی، وطن‌خواهی و

۱- گروه خاص صوفیان گدا.

۲- ندای وحدت، تهیه و تنظیم: بنیاد فرهنگی - تحقیقاتی علامه شهید بلخی (ره)، ص ۱۶.

استقامت، علم و دانش، وحدت نظر و عمل، از فرصت بهره گرفتن؛ علل اختلافات مثل: جهالت، خرافه‌پرستی، حاکمان فاسد، جاهل و استبدادگر، استفاده ابزار از مذهب و تلقی‌های متفاوت و متضاد؛ شیخ، صوفی، زاهد و مفتی، استعمار، استبداد، سیاست‌زدگی، تبعیض، تعصب، تجاهل و تفاخر، منیت‌گرایی، قدرت‌طلبی، شهوت‌پرستی، تن‌پروری و فقر، تقدیرسرای و جبرگرایی، تقلید و تملق؛ و پیامدهای اختلافات مذهبی، نژادی و زبانی مانند: بحران‌آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، خوار شدن قرآن و خفت اسلام، برادرکشی و نفوذ فرهنگ غرب، را به درستی، دقیق و عمیق در قالب غزل، مثنوی و قصیده ترسیم کرده و خودش را در برآیند این آرمان‌گرایی اسلامی در افکار انسجام‌گرایان ماندگار نموده، و تفکر و اندیشه‌اش را برای همیشه تاریخ تقدس بخشیده است.

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۱۵).

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. احمدی‌نژاد، سیدحسن، گلشن ابرار، ج ۲، نشر معروف، ۱۳۸۲.
۴. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال، تهران، نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. حسینی، سید محمد، رهبری آزادی، دهکده جهانی آل محمد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۶. دایرة المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبتی، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۷. دولت آبادی، بصیراحمد، هزاره‌ها از قتل‌عام تا احیای هویت، ابتکار دانش، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. دیوان علامه بلخی، مؤسسه فرهنگی امید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۹. ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه. تلخیص سید محمدحسینی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۲ق.
۱۰. طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۱. غررالحکم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. ندای وحدت، بنیاد فرهنگی - تحقیقاتی علامه شهید بلخی رحمته، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵.



یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه وجهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر حجمه‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌ظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.

نقش مجاهد شهید، ماموستا شیخ الاسلام در تقریب مذاهب اسلامی

رحمان غریبی

چکیده

واژه‌ای که در صده گذشته تقریباً جای‌گزین وحدت بین مسلمان و مذاهب موجود در دنیای اسلام شده است، واژه تقریب می‌باشد.

تقریب مذاهب در طول تاریخ خود دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است؛ در بعضی مواقع دچار انحراف گردیده و در بعضی مواقع نیز کارایی خود را به نحو احسن انجام داده است.

تقریب چون همیشه باعث یأس و ناامیدی دشمنان اسلام است، مورد توجه آنها قرار گرفته و در هر جایی از دنیا ندای انسانی آزادی‌خواه و موحد دین اسلام را شنیده‌اند به دنبال آن بوده‌اند که آن صدا و فریاد را از بین ببرند.

در این میان و در عصر حاضر یکی از کسانی که با درک و فهم عمیق و بصیرت خود به عمق قضیه (تفرقه دنیای اسلام) و چالش‌های پیش روی آن پی برده بود مرحوم شهید حاج ماموستا محمد شیخ الاسلام بود که بیشترین دغدغه فکری و علمی خود را به نزدیکی و تقریب مذاهب اسلامی معطوف نموده بود.

در این نوشتار در صدد آنیم که به صورت گذرا به بررسی نقش این شهید بزرگوار در تقریب مذاهب اسلامی بپردازیم.

هدف اصلی از این بررسی آشنایی با زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه این شهید عزیز در این راه می‌باشد. بررسی فرضیات این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با روش گردآوری کتابخانه‌ای و مشاهده‌ای است (طاهری، ۱۳۸۰ ش). از این رو ابتدا مروری بر تقریب مذاهب (چستی، اهداف، تاریخچه، چالش‌ها، فرصت‌ها) نموده و سپس نقش مؤثر شهید شیخ الاسلام در این مورد، بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی: تقریب مذاهب، محمد شیخ الاسلام، وحدت، سنت و کردستان.

مقدمه

بدون شک از جمله موضوعات مهمی که امروزه دنیای اسلام با آن دست به گریبان می‌باشد و رشته افکار دانشمندان و عالمان دینی را به خود معطوف کرده است وحدت اسلامی می‌باشد، از این رو ضرورت دارد که پیرامون این مسئله و ویژگی‌های آن بحث و بررسی شود تا جایگاه بحث به خوبی مشخص گردد.

مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران بی‌شک دستاورد سیاسی و فرهنگی می‌باشد. به تبع همین موضوع، اداره حکومت کشور توسط پتانسیل‌های دینی و مذهبی در عصر حاضر تقریباً دکتترین جدیدی بود که با خیلی از حکومت‌های دنیا اصطکاک پیدا می‌کرد، چون این دکتترین به دنبال خود دستاوردهایی داشت که مهم‌ترین آنها عبارت بود از:

- ۱- انتشار آن نزد ملل مسلمان جهان و بهرمنند شدن آنان از این نعمت و برکت؛
- ۲- با انتشار این دکتترین، جنبش‌های آزادی‌خواه جهان به ویژه جنبش‌های آزادی‌خواه اسلامی با تاسی و الگو گرفتن از این انقلاب به مبارزه علیه حکمرانان فاسد و در رأس آنها مستکبران پرداخته‌اند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۶ش، ص ۴۷).

هدف اصلی این جنبش‌ها ایجاد وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی می‌باشد. بر اساس این، در کشور ما نیز دانشمندانی پا به پای سایر دانشمندان کشورهای اسلامی در راه تقریب مذاهب گام‌هایی را برداشته‌اند. از جمله این افراد، شهید بزرگوار محمد شیخ الاسلام بود که در این راه متحمل زحمات بسیار فراونی شد.

وی در سال ۱۳۱۵ در شهرستان بانه استان کردستان در خانواده‌ای مذهبی چشم به دنیا گشود و تحت تعالیم عالم گرانقدر محمد شیخ‌الاسلام (پدرش) قرار گرفت. او در فضایی پرورش یافت که سیزده نسل پیش از وی در راستای رسالت و آموزه‌های دینی به فعالیت مشغول بودند. این شهید در محضر علمای بزرگ کردستان به تحصیل فقه و علوم اسلامی پرداخت و در سال ۱۳۶۶ از سوی استاد بزرگ مرحوم ملاباقر مدرس مجاز گردید و سپس به عنوان مفتی فقه شافعی و دبیر شورای افتا انتخاب شد.

وی به مدت بیست سال در شهرستان سقز و حدود شش سال در دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشگاه تهران فقه و اصول فقه را بر اساس مذاهب امام شافعی (رض) تدریس نمود. این عالم ربانی به مدت پانزده سال نیز در سندج به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی اشتغال داشت که بسیاری از علما و روحانیون منطقه از سوی ایشان مجاز گردیدند.

هم‌چنین بیش از دوازده سال نیز در دانشگاه استان کردستان تدریس نمود. این شهید همیشه جاوید در دوره‌های سوم و چهارم به عنوان نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد. وی هم‌چنین در شورای عالی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی به عنوان عضو فعالیت داشت.

علاقه بسیار وی به مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در تمامی سخنرانی‌ها و مباحث او کاملاً مشهود و زبانزد بود. این شهید گرانقدر به علت فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر و تلاش در جهت وحدت اسلامی و هم‌چنین پیروی از ولایت فقیه هدف کینه دشمنان اسلام قرار گرفت و در رمضان ۸۸ به دست عوامل مزدور به فیض شهادت نایل آمد. پیکر این فقیه مجاهد بنا به وصیتش در تپه شیخ محمد باقر سندج (یکی از قبرستان‌های داخل شهر) دفن گردید.

چیستی تقریب مذاهب اسلامی

تقریب مذاهب از نظر ساختاری، ترکیبی اضافی می‌باشد که از دو لغت و واژه تقریب و مذاهب تشکیل شده است.

الف - تعریف لغوی تقریب

از نظر لغوی تقریب بر وزن تفعیل و مصدر بوده از ریشه (ق - ر - ب) که یک واژه عربی به معنای نوعی از دویدن اسب و اقامه دلیل بر وجهی است که مستلزم مقصود باشد. (المنجد، ج ۱، ۱۳۸۶ش).

ب - تعریف اصطلاحی تقریب

از نظر اصطلاحی که مد نظر ما در این تحقیق می‌باشد، به معنای نزدیک شدن، عدم فاصله و به طور حدس می‌باشد. (لاروس، ج ۱، ۱۳۷۶ش). حال با ترکیب این دو کلمه «تقریب» و «مذاهب» ترکیب اضافی «تقریب مذاهب» به معنای نزدیک شدن مذاهب به یک‌دیگر به کار می‌رود.

هدف از تقریب مذاهب اسلامی

اسلام دینی آسمانی و هدایت کننده بشریت است که از سوی خداوند متعال برای رشد و تعالی انسان و ایجاد زندگی توأم با سعادت و شادی در جامعه بشری آمده است. آن چه مسلم است این است

که رسول خدا ﷺ از جانب خداوند، مذاهب گوناگون اسلامی نیاورده است، بلکه فقط یک دین به انسان‌ها عرضه نموده است. در قرآن کریم لفظ دین هرگز به صورت جمع نیامده است و این مطلب گویای آن است که خداوند ماهیت تمام آن‌چه را که ما به نام ادیان می‌خوانیم، واحد می‌داند. به طور طبیعی وجود اختلافات بعد از رسول خدا ﷺ و ایجاد دیدگاه‌های مختلف بین صحابه به هر دلیل و ایجاد مذاهب گوناگون در قرن‌های بعدی باعث تفرق در دیدگاه‌ها و زمینه‌ساز ایجاد تفرقه بین فرقه‌های اسلامی شده که پدیده‌ای نامیمون و ابزاری است برای استکبار جهانی در جهت ایجاد تفرقه بین مسلمانان عالم. (اندیشه تقرب، پائیز ۸۷).

اما بر خلاف نظر خیلی از علما و دانشمندان دینی، هدف از تقریب بین مذاهب اسلامی یکی شدن مذاهبها و به وجود آمدن یک مذهب نیست، زیرا این عمل هم غیرممکن است و هم غیرعقلی، چون بعضی از دلایل به وجود آمدن مذاهب، شرایط جغرافیایی متفاوت، آب و هوا، افق مختلف و... می‌باشد که یکی شدن و هموار نمودن آنها غیرممکن است.

پس هدف از تقریب بین مذاهب اسلامی هموار کردن موانع و اختلافات بین مذاهب و نزدیکی آنها به یکدیگر است نه یکی شدن آنها.

جریان تقریب در دوران معاصر

جریان اتحاد اسلامی در عصر حاضر وارد مرحله جدیدی شد؛ به این معنا که تا قبل از آن، جریان‌های ناهم‌سازگرا یا هم‌سازگرا همگی از درون جامعه اسلامی برمی‌خاست و عاملان آن مسلمانان بودند اما در این مرحله عمده جریان‌های ناهم‌سازگرا از خارج مرزهای مسلمین هدایت می‌شد، که از جمله این جریان‌ها جریان استعمار است که تفرقه را از عوامل مؤثر در غارت ملت‌ها می‌داند. در پروتکل پنجم صهیونیسم آمده: «بذر اختلاف را در خلال بیست قرن بین مردم، از راه نشر تعصبات دینی، نژادی، ملی عشایری و اغراض شخصی، افشاندیم و از این راه به این حقیقت رسیدیم که هیچ دولتی به تنهایی نخواهد توانست همسایه خود را علیه ما برانگیزاند و کمک بگیرد...» (جناتی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۰۱) از این رو لازم شد تا روشن‌فکران و دانشمندان اسلامی با درک موقعیت حساسی که پیش روی مسلمین بود با شناخت توطئه‌های استعماری بر مسئله وحدت اصرار نموده و از مطرح نمودن مسائلی که موجب افتراق مسلمانان می‌شد خودداری ورزند. از جمله آیت الله بروجردی طرح برخی از مباحث هم‌چون «چه کسی خلیفه است، کدام برحق است و کدام باطل» را

برای جامعه اسلامی امروز بی‌فایده می‌دانست و خطاب به عالمان شیعه می‌گفت: «مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم».

از دیگر پیش‌گامان تقریب در این دوران می‌توان به سید جمال الدین اسدآبادی، سید محسن امین، سید عبدالحسین شرف الدین از شیعیان و شیخ محمد عبده، عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت از اهل سنت اشاره کرد. در این میان شیخ محمود شلتوت در هفدهم ربیع الاول، روز میلاد امام صادق علیه السلام در حضور نمایندگان مذهب شیعه امامی، شیعه زیدی و مذاهب چهار گانه اهل سنت فتوایی مبنی بر جواز پیروی از فقه شیعه صادر کرد.

راه‌ها و نمادهای تقریب بین مذاهب اسلامی و نقش مؤثر شهید شیخ الاسلام در آن

برای درک عینی آرمان عالی و مقدس تقریب، لازم است از برخی شیوه‌ها و ابزارها استفاده نماییم.

این شیوه‌ها و راه‌ها و نمادهای تقریب مذاهب اسلامی، هر یک به صورت جداگانه‌ای تشریح و تأثیر شهید شیخ الاسلام در آن تحلیل می‌شود. در این تحلیل به اسناد مکتوب، شفاهی و سایر مستندات دیگر استناد می‌شود.

شهید شیخ الاسلام در هر یک از این عوامل نقش مؤثری داشت.

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در امر تقریب بین مذاهب که شهید شیخ الاسلام از آنها در تقریب استفاده می‌نمود عبارت است از:

۱- قرآن کریم

همه مسلمانان جهان از هر فرقه و مذهبی قرآن کریم به عنوان کلام خداوندی قبول داشته و بر سر آن به عنوان یگانه کتاب آسمانی به توافق رسیده و در امور دنیایی به آن تمسک می‌جویند. قرآن مجید به عنوان اولین نقطه و کانون هم‌گرایی مسلمین و فرقه‌ها و مذاهب اسلامی، یکی از عامل‌ها و نمادهای تقریب بین مذاهب و مسلمین می‌باشد که دست‌کم به دو صورت می‌تواند عمل کند:

۱- خود آیات قرآنی: از مجموع آیات قرآنی، آیاتی نیز به موضوع تقریب و حفظ وحدت و عدم تفرقه اختصاص دارد، از جمله آیه مبارکه ۱۰۳ سوره آل عمران که می‌فرماید: «به ریسمان الهی جنگ زنید و از تفرقه بپرهیزید» و آیاتی مشابه آیه ۱۰۵ سوره آل عمران. هم‌چنین حدود ۹۴ بار کلمه

سه حرفی (ق - ر - ب) و هم‌خانواده و مشقات آن در قرآن تکرار شده است که نشان‌دهنده اهمیت مسئله تقریب می‌باشد. (عبدالباقی، ۱۳۸۳ش).

۲- خود قرآن: همان‌طور که گفته شد، خود قرآن به عنوان نقطه و کانون و شیرازه مسلمین می‌تواند بهترین منبع مشترک و عامل تقریب و وحدت باشد.

شیخ الاسلام همیشه یادآوری می‌نمود که بهترین مرکز ثقل جهت نزدیک شدن، وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی، قرآن و پیروی کردن از دستورات آن می‌باشد.

۲- سنت

یکی از راه‌های تقریب مذاهب، تمسک جستن به سنت نبوی ﷺ و صحابه (رض) و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، زیرا درون این سنت نقاط مشترک زیادی وجود دارد که می‌تواند موجب تفاهم و جلوگیری از تشتت آرای مسلمین و مذاهب اسلامی شود. شهید شیخ الاسلام با تدبیر و بصیرت خاصی که داشت توانسته بود با استفاده از سنت هم‌گرا (روشی که در آن از احادیث و سنن مشترک بین مذاهب اسلامی استفاده می‌شود) سفینه نجات تقریب را به ساحل آرام هدایت نماید. برای مثال، ایشان در سفر خود به یکی از روستاهای اطراف شهرستان قروه^۱ که ترکیب جمعیتی آن از برادران تسنن و تشیع می‌باشد و وهابیون نفوذی در روستا سنگ مرمر سر در مسجد را که اسامی اهل بیت بر آن حک شده بود شکسته بودند، توانسته بود با بیان ساده و روان اما علمی و با استفاده از احادیث و روایات اسلامی مشترک صلح را به روستا باز گرداند.

۳- حج

کنگره عظیم حج که یکی از فروع دین مبین اسلام می‌باشد در بین سایر فروع جایگاه ویژه‌ای دارد.

در موسم حج زائران مسلمان از اقصی نقاط جهان اسلام، با رنگ‌ها و نژادها، زبان‌ها، آداب و رسوم و مذاهب مختلف مشرف شده و در یک نقطه که کانون و مرکز ثقل مسلمین می‌باشد گرد هم می‌آیند. شهید شیخ الاسلام با تشریح چندین باره خود به این کنگره عظیم، در مراسم‌هایی که در جهت تقریب مذاهب از سوی دارالتقریب مذاهب کشور مصر، مجمع جهانی تقریب مذاهب جمهوری اسلامی و یا سایر کشورها برگزار می‌شد، شرکت فعال داشته و حتی به ایراد سخنرانی می‌پرداخت تا جایی که مسلمانان سایر کشورهای اسلامی وی را به عنوان رجل‌التقریب می‌شناختند.

۱- روستای گیلکلو در ۳۰ کیلومتری شمال شهر قروه.

۴- مجلس خبرگان رهبری

بخشی از توطئه‌های دشمنان شبهه افکنی نسبت به مجلس خبرگان و شرایط و وظایف و حوزه‌های اختیارات این نهاد مهم و مؤثر می‌باشد.

در سال‌های اخیر تهاجم علیه مجلس خبرگان افزایش یافته است. بدیهی است که این تهاجم نشان دهنده اهمیت و نقش مجلس خبرگان در اقتدار ولایت فقیه می‌باشد. (نمازی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲). با توجه به موقعیت استان کردستان که در منطقه‌ای خاص از جغرافیای کشور قرار دارد، این استان همیشه مورد تهاجم دشمنان نظام قرار گرفته و خواسته‌اند از آن به عنوان پلی برای تهاجم و ضربه زدن به نظام استفاده نمایند. آنها در ایام انتخابات مختلف از جمله انتخابات مجلس خبرگان مردم را تشویق به عدم شرکت نموده و همچنین خواص جامعه را به وسیله تهدید و حتی تطمیع از نامزدی در آن منع می‌کردند.

شهید شیخ الاسلام در طول دو دوره، نماینده مردم استان در مجلس خبرگان رهبری بود و از دو راه توانسته بود پروژه تقریب بین مذاهب اسلامی را هم‌چنان پیش برده و جواب محکم و دندان‌شکنی به دشمنان نظام بدهد:

۱- لیبیک گفتن به ندای نظام در امر نامزدی در این عرصه؛

۲- شرکت مستمر در جلسات هم‌اندیشی مذهبی در بین سایر نمایندگان که اغلب شیعه مذهب‌اند و به بیان دیدگاه‌های فقهی و مذهبی و تبادل نظر در این مورد می‌پردازند؛

ضمن این که مجلس خبرگان ذاتاً یک نماد تقریبی دارد و هر کس در آن قرار گیرد چهره‌ای تقریبی می‌باشد.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در جمع اعضای خبرگان رهبری بعد از شهادت ایشان فرمودند: «فقدان این عالم شهید را که حقیقتاً خسارتی بود هم برای کردستان هم برای ما تبریک و تسلیت عرض می‌کنم به مردم کرد، به برادران اهل سنت و هم به کسانی که علاقمند به کشورند و علاقمند به وحدت در کشورند. ایشان عامل وحدت بود». (پیک تقریب، نیمه اول مهر ۸۸، ص ۱۲).

۵- مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) که به عنوان چهره جهانی در امر تقریب مذاهب در دنیا مطرح می‌باشد، از پرچم‌داران این وادی بوده و بیشترین دغدغه فکری و روحی ایشان ایجاد وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در بین مسلمانان دنیا و جلوگیری از تفرقه می‌باشد. ایشان در سفر پر خیر و برکت خود به استان کردستان در تاریخ ۲۲ / ۸۸ در بین مردم سنج در میدان آزادی فرمودند:

«هر کس وحدت ملی را به بهانه‌های مذهبی از جمله طرفداری از شیعه و سنی خدشه‌دار کند، چه شیعه باشد، چه سنی، مزدور دشمن و دشمن اسلام است چه بداند و چه نداند».

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این وادی از طرق مختلف که کارکرد خود این طرق ذاتاً باعث تولید و بازخورد تقریب بین مذاهب می‌شود نقش موثر، کلیدی و اولی دارد، از جمله:

- ۱- رهبری انقلاب و نظام و سکان‌داری این عرصه؛
- ۲- انتخاب ایشان از طریق مجلس خبرگان رهبری به عنوان رهبر نظام، که همان‌گونه که بیان شد، خود مجلس خبرگان از کارکردی بالا در تقریب بین مذاهب برخوردار است؛
- ۳- مؤسس و بنیان‌گذار و یا دست‌کم از مؤسسين چندین مجمع کشوری و جهانی که رویکرد تقریب بین مذاهب دارند، از جمله مجمع جهانی تقریب بین مذاهب، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) و...؛

۴- راهنمایی‌های معظم‌له در بدو تشریف‌منادیان تقریب بین مذاهب به کنگره عظیم حج، همایش‌های وحدت اسلامی و...؛

۵- راهنمایی‌های معظم‌له به سران قوای سه‌گانه کشور و سایر دستگاه‌های حکومت مبنی بر لزوم رعایت اتحاد و هم‌بستگی مذهبی، قومی و... در کشور که گواه این قضیه نام‌گذاری یک سال شمسی در کشور به نام «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛

۶- سخنرانی‌های ایشان در کلبه سفرها، مجامع، همایش‌ها و کنگره‌ها در مورد تقریب بین مذاهب اسلامی.

شهید شیخ الاسلام نیز از منادیان تقریب بین مذاهب اسلامی در کشور و حتی در جهان اسلام بود.

سایر ویژگی‌های وی عبارت بود از:

- ۱- سکان‌دار روحانیون منطقه در امر تقریب بین مذاهب؛
 - ۲- حضور فعال در دو دوره مجلس خبرگان به عنوان نماینده مردم استان کردستان؛
 - ۳- حضور فعال در مجمع جهانی تقریب بین مذاهب؛
 - ۴- از مؤسسان و بنیان‌گذاران و مروجین تقریب بین مذاهب اسلامی در کشور و جهان اسلام.
- مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) نیز در پی شهادت ایشان از وی به عنوان عامل وحدت یاد نمودند. (پیک تقریب، شماره ۸۳، ص ۱۲).

۶- مهدویت

بحث کلامی و اعتقادی مهدویت در بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی به عناوین مختلف بیان شده است و هر مذهب و فرقه‌ای در بحث مهدویت و منجی (عج) درباره تولد، ظهور، محل تولد، محل ظهور و... عقیده خاصی دارد. اگر علمای جهان اسلام بتوانند از این بحث به نحو احسن استفاده نمایند می‌تواند عامل تقریب بین مذاهب اسلامی گردد، اما در غیر این صورت عامل تخریب و فاصله گرفتن مذاهب و فرقه‌های اسلامی می‌شود. شهید شیخ الاسلام مثل سایر علمای دیگر اهل سنت هم‌چون محمد سنفی، ملا سعد تفتازانی، امام شوکانی و سید محمد برزنجی کاملاً بر این امر واقف بود که در ظهور فردی به نام مهدی و منجی (عج) با سایر برادران اثنی‌عشری تفاهم و اشتراک وجه دارند و تمسک به آن می‌تواند باعث تقریب بین مذاهب اسلامی گردد.

۷- دانشگاه مذاهب اسلامی

دانشگاه مذاهب اسلامی با هدف تربیت نیروهای متخصص و مقرب در رشته‌های علوم انسانی به ویژه در گرایش‌های فقه و مبانی، اصول، حقوق و... بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تأسیس شد و به حق یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌باشد، زیرا تا به حال توانسته است به صورت علمی و آکادمیک و مبتنی بر علم روز در تقریب بین مذاهب اسلامی نقش بسزایی ایفا نماید.

مؤسسان و استادان این دانشگاه از بدو تأسیس آن، همه با رویکرد و تفکر تقریب مذاهب اسلامی در آن مشغول خدمت به اسلام و مسلمین می‌باشند، به همین دلیل دانشجویان پذیرفته شده در این مرکز علمی نیز دارای چنین تفکر و اعتقادی هستند. یکی از استادان این دانشگاه شهید شیخ الاسلام بود که با تفکر والای خود در مورد تقریب در آن مشغول تدریس بود.

۸- پارسایی و گشاده‌رویی شهید شیخ الاسلام

شهید شیخ الاسلام بیشترین تأثیر اخلاقی را بر اطرافیان داشت و الگویی برای آنان به حساب می‌آمد.

وی با این اخلاق پسندیده و استفاده بهینه از آن توانسته بود در امر تقریب مذاهب مؤثر باشد. بارها در مجامع مختلف اتفاق افتاده بود که در حین سخنرانی و یا شرکت در جلسه با برخورد افراد ناشناس و یا بعضاً تفرقه‌انگیز روبه‌رو شده و توانسته بود با اخلاق حسنه و پسندیده نبوی خشم آنها را مهار نماید و حتی آنها را به راه و طریق تقریب مذاهب سوق دهد.

۹- اندیشه‌های بکر و ناب شیخ الاسلام در امر تقریب بین مذاهب

ضرب هوشی بالای شهید شیخ الاسلام و به‌کارگیری آن در زمان پیک تأثیرگذاری مسایل اجتماعی و دینی، از مهم‌ترین خصایص این شهید بزرگوار بود .
در زمانی که همه دشمنان انقلاب و نظام حتی مسایل سیاسی آن را مورد تهاجم قرار می‌دادند ایشان ندای وحدت و تقریب مذاهب را سر می‌داد و با جدیت مسئله را پی‌گیری می‌نمود. بعدها با گذشت زمان، بسیاری از روحانیون به افکار بلند ایشان پی برده و دنبال‌رو ایشان در منطقه شدند.

۱۰- مقاومت و پشتکار شهید شیخ الاسلام در تقریب بین مذاهب

در امر تقریب بین مذاهب باید از صبر و پشتکار بالایی برخوردار بود و خوشبختانه مقاومت و پشتکار ایشان غیرقابل وصف بود. صبر ایشان حتی در زمان تحصیل و طلبگی نیز بسیار زیاد بود به طوری که برای این حقیر نقل می‌کرد که: «در هنگام مطالعه و جهت فرا گرفتن و حفظ نمودن یک مطلب بعضی مواقع آن قدر روی پای خود می‌ایستادم که زمین زیر پایم گود می‌شد».
وی جهت تفهیم و تنویر افکار عمومی و حتی خواص جامعه با بصیرت زیاد و نیز با صبر و حوصله گام برمی‌داشت و در پیشبرد امر تقریب بین مذاهب اسلامی از جان مایه می‌گذاشت.

نتیجه‌گیری

این نوشته به دنبال آن بود که تأثیر شهید ماموستا سید محمد شیخ‌الاسلام در تقریب بین مذاهب اسلامی را بررسی نماید. به همین منظور ابتدا مباحث و تعاریفی از تقریب بین مذاهب اسلامی، اهداف تقریب بین مذاهب و راه‌های رسیدن به آن مطرح گردید و در نهایت میزان تأثیرگذاری و ارتباط شهید شیخ الاسلام بر تقریب بین مذاهب بیان شد.
شهید شیخ الاسلام با توجه به درایت، تحمل، مقاومت، و حوصله‌ای که داشت توانسته بود در محافل و کنگره‌های علمی و دینی کشور، منطقه و دنیا راه‌های تقریب بین مذاهب را ترویج نماید.
وی برای رسیدن به تقریب بین مذاهب از جمع نمودن و هم‌گرایی آنها توانسته بود شخصیتی اسطوره‌ای و به یادماندنی از خود در این عرصه بسازد که همین امر باعث شد مورد توجه کانون‌های ضد اسلامی قرار گرفته و به شهادت برسد. در پایان یادآور می‌شود که حتی شهادت وی نیز در راه تقریب بین مذاهب صورت گرفته است، زیرا آخرین سخنرانی او درباره‌ی به شهادت رسیدن شهید ماموستا برهان عالی بود. به فرموده امام راحل علیه السلام «همه انسان‌ها رفتنی هستند، چه بهتر که در راه خدا فدا شوند» (سازمان تبلیغات اسلامی کردستان، پائیز ۷۸، ص ۱۳).

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید، چاپ عثمان طه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ج ۱۲، ۱۴۱۴ق.
۳. اسپوزیتو، جان، ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه دکتر شانه‌چی، انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۴. اسفرائینی، تاج التراجم *فی التفسیر القرآن*، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۵ش.
۵. *البحر الحدید فی التفسیر القرآن المجید*، انتشارات دکتر حسن عباس زکی، ج ۱، قاهره ۱۴۱۹ق.
۶. برنجکار، رضا، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۷. بندر ریگی، محمد، *منجدالطلاب*، انتشارات لوحه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۸. بیاتی، خان‌بابا، *تاریخ نظامی ایران، جنگ‌های دوره صفوی*، استاد ارشاران، ۱۳۵۳ش.
۹. *پیک تقریب*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ش ۸۳، مهر ۱۳۸۸.
۱۰. *تاریخ ایران دوره صفویه*، پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ترجمه دکتر یعقوب آژند، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۱۱. *تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی*، ترجمه عباس‌قلی غفاری‌فرد و محمد باقر آرام، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۲. جناتی، محمدابراهیم، *هم‌بستگی ادیان و مذاهب اسلامی*، انتشارات انصاریان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۱۳. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالعلم الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۴. سازمان تبلیغات اسلامی کردستان، *امام و کردستان*، چاپ اول، پائیز ۷۸.
۱۵. شعبانی، رضا، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه*، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
۱۶. طاهری، ابوالقاسم، *روشن تحقیق در علوم سیاسی*، نشر قوس، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۱۷. طبری، جریر، *تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)*، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ج ۲.
۱۸. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، مرتضوی، تهران، ج ۶، ۱۳۵۷ش.

نقش مجاهد شهید، ماموستا شیخ‌الاسلام در تقریب مذاهب اسلامی

۱۹. عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس*، انتشارات نوید اسلام، قم، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، انتشارات هجرت، قم، ج ۴، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. *فصلنامه اخوت*، نمایندگی ولی فقیه در نساء، ش ۱ و ۲، بهار ۱۳۸۷.
۲۲. *فصلنامه اندیشه تقریب*، انتشارات مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، ش ۱۶، پاییز ۱۳۸۷.
۲۳. قریشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار کتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. *لاروس*، ترجمه سیدحمید طبیبیان، انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۱، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. *المنجد*، ترجمه قاسم بوستانی، انتشارات وفا، تهران، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. نمازی، عبدالنبی، *آشنایی با مجلس خبرگان*، انتشارات منهج، ۱۳۸۵ ش.



یمن (۳) از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران

ع.ر. امیردهی

چکیده

مباحث تاریخی و جغرافیایی یمن در بخش‌های قبلی آمده است و در این مقاله به وضعیت فعلی کشور یمن پرداخته شده است.

تغییر در نظام سیاسی، حذف امامت زیدیه، اتحاد دو یمن در دو دهه گذشته، و تشکیل جمهوری یمن از تحولات قابل توجه این کشور است. علاوه بر آن، در این مقاله عناوینی همانند: ماهیت رژیم سیاسی حاکم بر یمن، مشکلات و بحران‌های موجود در رژیم حاکم بر آن، روابط ایرانیان و یمنیان در گذشته دور، و روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یمن در دهه‌های گذشته به‌ویژه در سه دهه اخیر و نیز زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی دو کشور از جمله مباحثی است که به اختصار به آنها پرداخته شده است.

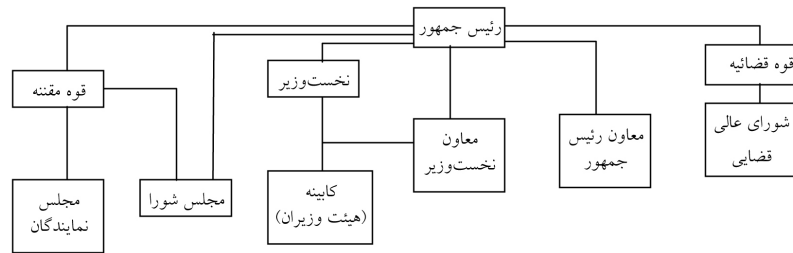
واژگان کلیدی: ساختار سیاسی، جمهوری یمن، علی عبدالله صالح، جمهوری اسلامی ایران، روابط سیاسی - فرهنگی.

ماهیت رژیم سیاسی حاکم بر یمن

پس از اتحاد یمن شمالی و جنوبی و تشکیل جمهوری یمن در سال ۱۹۹۰ رژیم‌های سرانجام پس از منازعات، درگیری‌ها و اختلافات گوناگون تاریخی بر آن حاکم شده، سعی کرده است با حفظ منافع سیاسی جانب‌دارانه، به تشکیل حکومتی بپردازد که قدرت لازم را در دست خود نگه داشته، کمتر به امور شورایی و تصمیمات اصلی با رأی مردم، بپردازد. در چنین وضعیتی بالأخره قانون اساسی تدوین شده است اما به سبب وجود نظام قبیله‌ای، رهبران قبایل هم‌چنان در این کشور از قدرت و نفوذ برخوردارند و این کشمکش طولانی میان سنت و تجدد هنوز هم در نظام سیاسی یمن به چشم می‌خورد.

در یمن رئیس جمهور بالاترین مقام اجرایی کشور است. وی معاون خود و نخست‌وزیر را انتخاب کرده و با مشورت نخست‌وزیر، اعضای کابینه را تعیین می‌کند. همچنین اعضای مجلس شورا از سوی رئیس جمهور و اعضای مجلس نمایندگان با رأی مردم و برای یک دوره شش ساله انتخاب می‌شوند. مقامات عالی نظامی نیز از سوی رئیس جمهور انتخاب می‌شوند.

نمودار ساختار سیاسی یمن به صورت زیر است.



همان‌گونه که در جدول ساختار سیاسی یمن دیده می‌شود، در نظام سیاسی یمن حیطه اختیارات رئیس جمهور گسترده است، حتی در مواقع لزوم می‌تواند مجلس را منحل کند و بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها از طریق او صورت می‌گیرد.

با توجه به چنین ساختار سیاسی، قدرت در طی سی سال اخیر در یمن در دست علی عبدالله صالح قرار دارد که برای شناخت تحولات یمن شناخت وی اهمیت بسزایی دارد. علی عبدالله رئیس جمهور یمن، در ۲۱ مارس سال ۱۹۴۲ در روستای بیت الأحمر به دنیا آمد. آموزش ابتدایی را در مدرسه دینی روستا که «کتاب» نامیده می‌شد، گذراند و در سن شانزده سالگی (۱۹۵۸م) به ارتش پیوست. او طی حضور در ارتش مراتب ترقی را طی کرد و در سال ۱۹۶۲ عضو کادر افسران جوان و از طراحان انقلاب ۱۹۶۲ شد. او در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به ریاست امنیتی استان تعز درآمد. در همان سال‌ها به عضویت شورای موقت ریاست جمهوری، معاونت فرماندهی کل نیروهای مسلح یمن شمالی (۱۹۷۸م) و ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوای یمن شمالی (۱۹۷۸) درآمد. او از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ رئیس جمهور یمن شمالی بود و بعد از اتحاد دو یمن نیز به ریاست جمهوری یمن متحد رسید و با تغییر چندباره قانون اساسی تاکنون در قدرت مانده است. (ستوده، ۱۳۸۸، ص ۲۸۴-۲۸۵).

مشکلات و بحران‌های رژیم حاکم یمن

مشکلات کشور یمن در ابعاد مختلف قابل تحلیل و بررسی است. گذشته از آن که در سده اخیر با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای، یمن شمالی و جنوبی قبل از اتحاد دارای مشکلات عدیده‌ای

بوده‌اند، پس از اتحاد، همچنان بحران‌های داخلی گوناگونی بر این کشور سایه افکنده است. شاید بتوان مشکلات یمن را در دو بخش داخلی و بین‌المللی تقسیم کرد و نسبت به هر یک، مواردی را بر شمرد. دیدگاه یکی از کارشناسان مسائل بین‌الملل نسبت به مشکلات کشور یمن در دو عرصه مذکور چنین است:

۱- بحران‌های رودرروی رژیم عبدالله صالح

الف) بحران مشروعیت: مهم‌ترین مسئله این است که آیا حکومت فعلی که سی سال است بر یمن حاکم می‌باشد مشروعیت دارد یا نه.

به طور کلی، در مورد مشروعیت هر رژیمی، گفته می‌شود که مشروعیت دو پایه می‌تواند داشته باشد: ۱. در داخل، ۲. در خارج. برای کشورهایی که حکومت مردمی دارند و مردم پشتوانه آنها هستند، مشروعیت از داخل تأمین شده است و به حمایت خارجی نیاز نیست؛ اما کشورهایی که از درون دچار مشکل هستند و مشروعیت داخلی و مردمی ندارند برای کسب مشروعیت و بقا به خارج و قدرت‌های خارجی رو می‌آورند که نمونه بارز آن حکومت پهلوی ایران بوده است. در مورد دولت یمن باید به این نکته اشاره کرد که این دولت مشروعیت مردمی ندارد و اجماعی میان شهروندان یمنی در مورد مشروعیت رژیم عبدالله صالح وجود ندارد. از این جهت یمن برای کسب مشروعیت نگاه به خارج و قدرت‌های بزرگ دارد که آمریکا و عربستان این نقش را برای یمن بازی می‌کنند.

ب) بحران مشارکت: در یمن گروه‌های مختلف سیاسی نمی‌توانند در قدرت مشارکت کنند. این در صورتی است که حدود بیست حزب در یمن فعالیت می‌کنند اما خیلی از گروه‌ها برای مشارکت در قدرت مشکل دارند و گروه‌های متفاوتی مانند خانواده الحوثی خواستار مشارکت در قدرت سیاسی می‌باشند. این بحران نیز به حکومت طولانی و مستمر علی عبدالله صالح مربوط است که جلوی چرخش نخبگان را در ساختار قدرت گرفته است.

ج) بحران هویت: نطفه اتفاقات اخیر را باید در همان سال اتحاد یمن و نوشتن قانون اساسی جدید بازکاوی کرد. اختلاف خانواده الحوثی و دولت یمن از همان سال ۱۹۹۰ (سال اتحاد دو یمن) آغاز شد و موجب درگیری و خشونت در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ گردید. گروه‌ها و احزاب مختلف نسبت به ساختار حکومت اعتراض دارند و یکی از مسائل مهم اختلافی که احزاب شیعی نیز به آن معتقدند این است که منبع قانون‌گذاری در یمن چیست. در قانون اساسی ذکر شده که شریعت منبع قانون اساسی است و الحوثی‌ها معتقدند باید گفته شود تنها منبع قانون‌گذاری، شریعت می‌باشد. این اختلاف مبنایی از این حکایت دارد که جامعه یمن از یک طرف بافت سنتی دارد و از طرفی به لحاظ این که می‌خواهد وارد عصر مدرن شود موقعیتی دارد که حاکمان یمن قبول ندارند بگویند تنها منبع قانون‌گذاری شریعت است و می‌خواهند دست خود را برای غربی‌سازی جامعه باز بگذارند.

د) بحران توزیع: امکانات موجود در یمن با همه محدودیتی که دارد در همه مناطق به صورت عادلانه توزیع نشده است؛ برخی از مناطق به شدت ضعیف و فقیرند و از متوسط امکانات زندگی برخوردار نیستند.

۲- مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی یمن

الف) اختلافات مرزی یمن و عربستان: ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی میان عربستان و یمن، به دوره امپراتوری عثمانی باز می‌گردد. اختلاف بین دو کشور، تنها محدود به چند کیلومتر مرز مشترک نمی‌شود، بلکه مناطق وسیعی را در بر می‌گیرد. یمن نسبت به سه استان نفت‌خیز «عسیر»، «نجران» و «جیزان» که در حال حاضر از طرف عربستان اداره می‌شود، ادعای ارضی دارد. از طرف دیگر، ادعاهای ارضی عربستان نیز نسبت به یمن بسیار گسترده است. عربستان مدعی است که مناطق نفت‌خیز یمن مانند: مأرب، جوف، ربع الخالی و حضرموت متعلق به آن کشور است. در سال‌های اخیر حفاری‌های نفتی در مناطق مورد مناقشه و اتمام مدت پیمان طائف که در سال ۱۹۴۳ بسته شده بود، موجب شده است مناقشات بین یمن و عربستان از سر گرفته شود که این مناقشات در طی سالیان اخیر فراز و نشیب‌های زیادی داشته است.

عربستان در سال‌های شکل‌گیری یمن متحد (اوایل دهه ۹۰)، با روش‌های مختلف سعی کرده در یمن آشوب و اغتشاش ایجاد کند که این اقدامات موجب شد عاقبت در سال ۱۹۹۵ درگیری نظامی بین این دو کشور اتفاق بیفتد که ۵۴ کشته بر جای گذاشت و با وساطت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تفاهم‌نامه‌ای بین عربستان و یمن در فوریه ۱۹۹۵ منعقد شد؛ اما با این حال، مناقشات یمن و عربستان به شکل معضلی حل نشده، باقی مانده است.

در سال ۱۹۹۸ با تصرف دو جزیره یمن در دریای سرخ توسط عربستان سعودی، به اختلاف‌های آنها دامن زده شد. مرزهای عربستان سعودی و یمن تا کنون نه بر روی نقشه و نه بر روی زمین تحدید نشده است و این تنها مرز موجود در خاورمیانه است که دارای این ویژگی است.

حال سؤال این است که چگونه یمن و عربستان با چنین پیشینه خصومت، در مورد برخورد با معارضان و شیعیان زیدی به یک خط مشی واحد رسیده‌اند و با هم همکاری می‌کنند.

ب) اختلافات با آمریکا

قبل از جنگ و درگیری‌های اخیر، دولت یمن با آمریکا اختلافات شدیدی داشت، به این علت که یک گروه ۱۵۰ نفری از القاعده در یمن مستقر بودند و آمریکا خواستار تحویل آنها به آمریکا بود اما دولت یمن همکاری نمی‌کرد. جالب این‌جاست برخی از طراحان و همکاران انفجار ۱۱ سپتامبر یمنی بودند، خود بن لادن اصالتاً یمنی است و بعدها خانواده او به عربستان مهاجرت کرده‌اند. جامعه یمن

با آمریکا مخالف بود. با عربستان هم به خاطر قضیه صدام مشکل داشت؛ وقتی صدام وارد کویت شد یمن با صدام مخالفت نکرد. از سوی دیگر، در پی بروز جنگ خلیج فارس میان عراق و نیروهای متحد به رهبری آمریکا، حدود یک میلیون نفر از شهروندان یمنی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس به کار مشغول بودند، به علت سیاست‌های دولت یمن در حمایت از عراق از آن کشور رانده شدند که این مسئله مشکلات بسیاری را برای دولت یمن به وجود آورد. از طرفی، همه کمک‌های خارجی از سوی آمریکا، عربستان و سایر کشورها تقریباً به صفر رسید و از سوی دیگر، پول‌های ارسالی کارگران شاغل در کشورهای خلیج فارس قطع شد. علاوه بر همه این مسائل، بازگشت این حجم از نیروی کار به داخل کشور، وضعیت اشتغال را نیز به شدت در وضعیت بحرانی قرار داد. (پیشین، ص ۲۸۸-۲۹۱).

روابط ایران و یمن

ایران و یمن با قدمت تاریخی زیاد، به صورت‌های مختلف با یک‌دیگر ارتباط داشته‌اند. این روابط گاهی اقتصادی و بازرگانی و گاهی فرهنگی و سیاسی و گاهی همسایگی، جغرافیایی و نظامی بوده است.

می‌توان مبدأ مناسبات فرهنگی و بازرگانی ایرانی‌ها و یمنی‌ها را به روزگاری مربوط دانست که پیش‌تازان سپاه ایران در تعقیب سیاه‌پوستان سواحل شرقی عربستان از عمان گذشته و به سرزمین «مهره» در شرق حضرموت رسیدند. از میان کتیبه‌ها و اسناد تاریخی که از خرابه‌های باستانی یمن به دست محققان افتاده، قدیمی‌ترین سند تاریخی که از وجود روابط سیاسی میان ایران و یمن حکایت می‌کند، کتیبه‌ای است که به یادگار ترسیم سد «مأرب» از طرف «ابرهه» سردار حبشی در سال ۵۴۲ و ۵۴۳ میلادی نوشته شده است. در آن کتیبه که وی خود را نایب پادشاه «جعز» و شهریار یمن می‌خواند، از شورش طوایف یمن و شکست سد مأرب و اقداماتی که برای فرو نشاندن طغیان و ترمیم سد به عمل آورده سخن می‌گوید و بعد به آمدن فرستادگان «نجاشی» پادشاه حبشه، رم، ایران و پادشاه حیره، امیرغسانی و قبایل عرب به نزد خود اشاره می‌کند. استاد محمد محیط طباطبایی در پژوهشی در این موضوع با ذکر نکات مذکور، مطالب دیگری هم آورده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

در استان‌های باستانی محلی یمن که پایه و اساس روایات نویسندگان دوره اسلامی را درباره تاریخ قدیم یمن تشکیل می‌دهد، شروع روابط میان ایران و یمن به پیش از تاریخ یاد شده می‌رسد. داستان «تبع» پادشاه یمن و مسافرت وی به شمال و مشرق سرزمین عرب تا کوه‌های قفقاز و چین و هند و فتح آن ممالک و فوت وی هنگام بازگشت از این سفر دور و دراز در غرب ایران و به خاک

سپرده شدن وی در سرزمین غربت (نهبوند و دینور) توسط پسرش به نام «شمر» قدیمی‌ترین یادگار داستانی از روابط ایران و یمن می‌باشد. در داستان‌های یمن در دوره اسلام از «شمر» به عنوان پادشاهی بزرگ که معاصر «قباد» بوده یاد کرده و گفته‌اند تبعی که در قرآن کریم از آن ذکر شده همین شمر است و در مورد این فرد و حمله وی به ایران گزاره‌گویی‌های زیادی کرده‌اند.

در شاهنامه فردوسی نیز مانند این داستان اما با غلبه ایران بر یمن در زمان کیانیان آمده است. داستان کیکاوس و پادشاه «هاماوران» (حمیر) و ازدواج سودابه و فتنه‌ای که وی در دربار کیانی بر پا کرد تا به مهاجرت و کشتن سیاوش منتهی شد مربوط به این داستان است. این دو قسم داستان که از غلبه یمن بر ایران و پیروزی ایرانیان بر یمن در قدیم‌ترین ادوار تاریخی دو کشور، در روایات محلی دو کشور نقل شده است صرف‌نظر از جنبه داستانی بودن آن، نشان‌دهنده وجود روابط بین دو کشور قبل از دوره ساسانی (انوشیروان) می‌باشد. (پیشین، ص ۱۳).

از سوی دیگر، کدورت و کشمکش تاریخی طولانی میان حبشی‌ها و یمنی‌ها وجود داشته است. در قرن ۴ و ۶ میلادی حبشی‌ها برای تصرف یمن بسیار تلاش کردند. توجه یمنی‌ها به دربار ساسانی هنگام تجاوز دوم حبشی‌ها به یمن بود. در این زمان کشیشان عیسوی تبلیغات وسیعی را در حبشه و اطراف آن آغاز کرده بودند که موجب به وجود آمدن رقابت دینی بین یهودیان و عیسویان مقیم یمن و حبشه شد. دولت ساسانی نیز برای ترویج آئین زردشتی و ریشه‌کن کردن سایر آیین‌ها و نیز حمایت از عیسویان نسطوری در مقابل کلیسای روم در خارج از ایران تلاش می‌کرد و یمن نیز در دایره این سیاست دو جانبه ایران قرار داشت. در یمن از یک طرف مبلغان عیسوی نسطوری از راه بحرین، عمان، یمامه و حجاز به سواحل «مهره»، حضرموت عدن و جزیره «سکوتری» آمده و مردم را به دین خود دعوت می‌کردند و از طرف دیگر، یهودیان یمن مردم را بر ضد عیسویان می‌شوراندند. عیسویان یمنی از سخت‌گیری مردم به دربار روم شکایت کردند و به فرمان قیصر امپراتور روم، یکی از سرداران حبشی به کمک نیروی دریایی روم که از سواحل مصر فرستاده شده بودند به یمن هجوم برده و آن‌جا را به تصرف خود درآورده و «ذونواس» پادشاه یهودی‌مذهب یمن را که دشمن مسیحیان این کشور بود از میان برداشت و سرانجام «رباط» به دست یکی از سرداران زبردست خود به نام «برهه» کشته شد و «برهه» خود را پادشاه یمن و دست‌نشانده نجاشی معرفی کرد و صنعا را پایتخت تازه یمن قرار داد.

سیاست دولت ایران در این موقع که ابرهه «ذونواس» را از میان برداشت به سمت طرفداری از عیسویان نسطوری گشت و سفیری از مداین به صنعا فرستاده شد که در کتیبه معروف ابرهه از آن یاد شده است. یکی از امرای یمن به نام «سیف بن ذی یزن» که از مخالفان ابرهه بود، برای شکست «ابرهه» و بیرون راندن حبشی‌ها از یمن به دربار انوشیروان پناه آورده و از وی یاری

خواست. شاه ایران به او قول مساعد داد ولی جنگ با رومیان مجال این کمک را نداد تا آن که «سیف بن ذی یزن» در مداین یا حیره مرد و پسرش «معدیکرب» به دربار شاه آمد و درخواست پدرش را تکرار کرد و گفت من پسر آن شیخ یمانی هستم که شاه به او وعده کمک داده بود (پیشین، ص ۱۴). قول دیگری در این مورد چنین است که انوشیروان سپاهی ورزیده در اختیار «سیف بن ذی یزن» قرار داد و او توانست ابرهه را شکست داده و به سلطنت برسد و پس از مدتی وی به دست نزدیکان خود به قتل رسید. (کریملو، ص ۳۰۳).

به هر حال، آن‌چه که معلوم است این است که انوشیروان عده زیادی را به فرماندهی یکی از سرداران خود به نام «وهرز» به یاری مردم فرستاد. «وهرز» با شش کشتی به ساحل حضرموت رسید، در این وقت «مسروق» پسر ابرهه که به جای پدر به سلطنت رسیده بود به مقابله با وی برخاست و کشته شد و حبشی‌ها را از یمن بیرون راند. «وهرز» پس از این پیروزی به صنعا آمد و «معدیکرب» پسر «سیف بن ذی یزن» را به پادشاهی نشانند و به مداین مراجعت کرد و عده‌ای از ایرانیان نیز در آن سرزمین اقامت نمودند. پادشاه یمن پس از چهار سال سلطنت به دست یکی از نزدیکان حبشی خود کشته شد. فرمانده پادگان ایرانی جریان را به اطلاع انوشیروان رساند و او نیز برای دومین بار «وهرز» را همراه با چهار هزار سواره به سوی یمن فرستاد. این بار سردار ایرانی از طریق بحرین ساحلی و یمامه و از سمت شمال شرقی به صنعا وارد شد و سپاهان حبشی را به‌طور کامل از آن سرزمین بیرون راند و خود فرمانروایی یمن را به دست گرفت. «وهرز» تا زنده بود فرمانروای یمن بود و پس از وی پسرش به نام «نوشجان» و پس از وی «بینجان» فرزند «نوشجان» به پادشاهی یمن رسید. «خسرو» پسر «بینجان» که به جانشینی پدرش رسید، قادر نبود به زبان نیاکان خود تکلم نماید، از این رو فرد دیگری به نام «باذان» پسر ساسان را که از خاندان سلطنت بود به پادشاهی یمن فرستادند، و این پادشاه خراج یمن را همه ساله به مداین می‌فرستاد و رؤسای قبایل عرب در سر راه کاروان‌های حامل خراج مسئول حفاظت کاروان بودند و اگر کاروانی مورد تهاجم قرار می‌گرفت، قبیله مسئول با دسته راهزنان به جنگ می‌پرداخت، به طوری که یکی از جنگ‌های معروف پیش از اسلام عرب، جنگ «حرب الفجار» است که میان قبیله قیس با راهزنان «بنی کنانه» درگرفت.

به این ترتیب، حکومت ساسانیان در یمن از سال چهل و سوم سلطنت انوشیروان تا پایان پادشاهی خسرو پرویز در دست مرزبانان ایرانی بود. مردم یمن به خاطر خوشرفتاری ایرانیان به آنان لقب «ابناء الأحرار» (آزادزادگان) داده بودند. در سال ششم هجری که پیامبر اکرم ﷺ فرستادگانی به کشورهای همسایه حجاز برای دعوت به دین اسلام فرستاد، «باذان» مرزبان ایرانی یمن اسلام آورد و به تبع وی کلیه ایرانی‌ها و ایرانی‌زادگان نیز اسلام آوردند و پس از استیلای اسلام بر ایران و

یمن، روابط معنوی بین دو کشور بیشتر شد. «شهر بن باذان» اولین حاکم مسلمان و نماینده حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یمن بود. در طول تاریخ این روابط به سطوح مختلف رسیده است. (پیشین، ص ۳۰۴).

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یمن

تحولات هشت دهه اخیر در یمن، موجب شد که روابط این کشور با کشورهای همسایه و منطقه دستخوش تغییر گردد. در این بخش، به اجمال روابط ایران با یمن گزارش می‌شود:

الف) روابط ایران با جمهوری عربی یمن

جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) تا کودتای ۱۹۶۲ که رژیم جمهوری روی کار آمد توسط امامان اداره می‌شد که فرمانروایان آن علاقه چندانی به برقراری ارتباط با ممالک دیگر نداشتند و مردم آن سرزمین را از تحولات جهان بی‌خبر نگه داشته بودند. با وجود این، در سال ۱۹۳۶ م وزیر دربار امام یمن به نام «سید محمد» به ایران مسافرت نمود و در سال ۱۳۲۹ شمسی، شخصی به نام «عباس خلیلی» به عنوان اولین سفیر فوق‌العاده و نماینده ویژه ایران به یمن اعزام گردید و از آن تاریخ به بعد تا شروع جنگ‌های داخلی یمن شمالی سفرای ایران در عربستان، در یمن وزیر مختار آکردیته بودند. در جریان جنگ‌های داخلی یمن شمالی، رژیم شاه از طریق رژیم عربستان به سلطنت‌طلبان کمک می‌کرد و عده‌ای از جوانان طرفدار رژیم امامان در یمن، در دبیرستان نظام تهران مشغول تحصیل بودند. پس از پایان جنگ در ۶ شهریور ۱۳۴۹ جمهوری عربی یمن از طریق سفارت ترکیه در بیروت از دولت وقت ایران درخواست به رسمیت شناختن آن کشور را مطرح کرد، و دولت ایران در ۱۸ شهریور همان سال، رژیم جدید جمهوری عربی یمن را به رسمیت شناخت و سفیر ایران در جده در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۰ استوارنامه خود را به عنوان سفیر آکردیته ایران، تسلیم «قاضی عبدالرحمن الایرانی» رئیس جمهوری یمن شمالی نموده و با مقامات بلندپایه آن کشور دیدار نمود. دولت یمن شمالی نیز در همان سال سفیر خود را به ایران اعزام نمود.

ب) روابط یمن شمالی و جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یمن شمالی جزء اولین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و یک هیئت پانزده نفره از این کشور مرکب از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی به ریاست معاون نخست وزیر عازم تهران شدند و در دوم اسفندماه همان سال، سفیر یمن شمالی به دیدار امام خمینی ره شتافته و یک جلد کلام الله مجید را از طرف علی عبدالله صالح، رئیس جمهور آن کشور، تقدیم امام نمود.

در جشن‌های اولین سالگرد پیروزی انقلاب، یک هیئت دو نفری از یمن شمالی به ریاست «قاضی عبدالله الشامی» یکی از علمای مشهور و عضو شورای مشورتی یمن شمالی به تهران مسافرت نمود.

یمن شمالی پیوسته خود را طرفدار انقلاب اسلامی ایران نشان داده ولی با توجه به روابط آن کشور با رژیم‌های مرتجع عرب و شرایط خاص این کشور رفتار محافظه‌کارانه داشته و به صورتی عمل کرده که آنها را از خود نرنجانند. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، این کشور از عراق حمایت کرده و سربازانی را نیز جهت کمک به رژیم بعث عراق به جبهه اعزام داشته که مورد اعتراض شدید وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

سرانجام پس از یک رکود چند ساله و پس از وحدت دو یمن در ۲۲ مه ۱۹۹۰ در بهمن ماه ۱۳۷۰ روابط جدید با سفر شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی و ... طرفین از سر گرفته شد.

ج) روابط جمهوری دموکراتیک خلق یمن جنوبی با جمهوری اسلامی ایران

از زمان به استقلال رسیدن یمن جنوبی در سال ۱۹۶۷ و تشکیل حکومت مستقل، تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بین دو کشور روابط سیاسی وجود نداشت و با مداخله رژیم پهلوی در جنگ ظفار، مناسبات خصمانه‌ای میان ایران و یمن جنوبی به وجود آمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مقامات این کشور برای برقراری روابط با جمهوری اسلامی ایران ابراز تمایل نمودند و نمایندگان سیاسی آن کشور در بعضی از کشورها مانند کویت، شوروی (سابق) و لبنان ضمن ملاقات با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور را لازم دانسته و توصیه می‌نمودند. دولت یمن جنوبی برای نشان دادن حسن نیت خود، یک خلبان اسیر ایرانی را که از سال ۱۹۶۷ به علت سقوط هواپیمایش در مرز ظفار دستگیر شده بود، با وساطت جبهه آزادی‌بخش خلق عمان آزاد نمود. سرانجام با سفر نماینده جمهوری اسلامی ایران در کویت به عدن در اواخر اسفند ۱۳۵۸ طی صدور اعلامیه مشترکی، برقراری روابط سیاسی بین دو کشور اعلام گردید.

این روابط با رفت و آمد برخی از مقامات دو کشور همواره در شدت و ضعف بود و پس از پیروزی ایران در برخی از مناطق جنگ تحمیلی به ویژه آزادی «فاو» در عملیات والفجر ۸ روابط دو کشور دچار رکود خاصی شد.

د) روابط با جمهوری یمن

در ۲۲ مه ۱۹۹۰ که دو یمن با یکدیگر متحد گردیده و جمهوری یمن تشکیل شد سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن به کنسولگری تبدیل شده و سفیر کشورمان به تهران مراجعت نمود و بعداً به علت عدم وجود ایرانیان در آن کشور در اواخر سال ۱۳۷۱ کنسولگری بسته شد و نمایندگی

یمن (۳) از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در صفا به فعالیت خود ادامه داد. سپس روابط دو جانبه در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی که ناشی از بهبودی روابط سیاسی طرفین بود رو به توسعه گذاشت و موافقت‌نامه‌هایی امضا گردید.

هـ) روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یمن

فراز و نشیب ارتباط سیاسی میان دو کشور، مانع از آن نشد که به تدریج روابط فرهنگی رشد نماید؛ از این رو بعد از وحدت دو یمن و به دنبال امضای موافقت‌نامه فرهنگی، علمی و آموزشی بین دو دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یمن در تاریخ ۷۰/۱۱/۸، جمهوری اسلامی ایران در جهت توسعه روابط فرهنگی و با هدف معرفی فرهنگ و هنر ایران، اقدام به برگزاری نمایشگاه خوشنویسی و نقاشی هنرمندان جمهوری اسلامی ایران نمود و در ۷۱/۴/۲۹ یک مجتمعه فرهنگی به نام دارالکتب در مرکز شهر و با حضور و شرکت شخصیت‌های یمنی و ایرانی افتتاح گردید.

انجمن خوشنویسان با ارسال هشتاد اثر از هنرمندان و بیست جلد کتاب و چهل برگ پوستر در این نمایشگاه شرکت نمود. این نمایشگاه با استقبال بی‌نظیر مردم یمن روبه‌رو شد.

هم‌چنین جهت تأسیس یک مرکز پزشکی درمانی در صفا، در ۱۲ دی ماه ۱۳۷۰ برابر با دوم ژانویه ۱۹۹۲ یادداشت تفاهمی بین مقامات بنیاد شهید انقلاب اسلامی ایران و وزارت بهداشت یمن به امضا رسید.

در فروردین ماه ۱۳۷۱، برابر با ۱۹۹۲/۴/۲۰ یک یادداشت تفاهم آموزشی، پزشکی و درمانی میان وزرای بهداشتی دو کشور در راستای اجرای توافق‌نامه کمیسیون مشترک پیرامون روابط دو جانبه بهداشتی، به امضا رسید. به دنبال آن، وزارت بهداشت، با پذیرش دانشجویان واجد شرایط یمنی جهت تحصیل در رشته‌های پزشکی و رشته‌های تخصصی موافقت نمود و تعدادی از دانشجویان یمنی برای طی دوره‌های تخصصی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دندان‌پزشکی در جمهوری اسلامی ایران به تحصیل مشغول شدند و در سال ۱۳۷۲ دولت یمن خواستار پذیرش داوطلبان جدیدی جهت تحصیل در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی جمهوری اسلامی ایران شد. (کریملو، ص ۳۱۳-۳۱۴).

و) زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی

یمن به رغم عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی، دارای منابع غنی اسلامی می‌باشد. وجود مدارس دینی و حوزه‌های علمیه و کلاس‌های تعلیم قرآن که اهمیت ویژه‌ای به آن داده می‌شود و اعتقاد شدید مذهبی مردم یمن و اظهار ارادت به حضرت رسول ﷺ و افتخار بر این که با ورود حضرت علی علیه السلام به یمن، مردم اسلام آوردند و نزدیکی عقایدشان به عقاید شیعه امامیه و عدم اختلاف بین مذاهب موجود در این سرزمین و علاقه دیرینه‌ای که به ایرانیان دارند، زمینه خوبی برای فعالیت و

روابط فرهنگی می‌باشد. استقبال از نمایشگاه عکس و تذهیب و خط نشان‌دهنده علاقه‌مندی آنها به فرهنگ و زبان و خط ایرانیان است، به‌طوری که بعضی از مؤسسات مانند شرکت تبلیغاتی و نشر و توزیع «عسر» درخواست تأسیس کلاس‌های تدریس زبان فارسی در یمن نموده است.

این کشور دارای کتابخانه‌های بزرگ با آثار خطی بسیار ارزنده می‌باشد که می‌توان محققان و کاوشگران و نویسندگان را برای بررسی این کتاب‌ها ترغیب نمود. در حال حاضر یکی از احتیاجات مبرم آن کشور موضوع تحصیل جوانان آن کشور است. تاریخ اخیر آن کشور نشان داده که جوانانی که در عربستان و بغداد و مصر و سایر جاها تحصیل نموده و به یمن مراجعت نموده‌اند، کشور مورد تحصیل خود را مانند وطن دوم خود دانسته و به آن‌جا وابستگی نشان می‌دهند؛ از این رو می‌توان با اعطای بورس‌های مختلف تحصیلی به آنها، آنها را با فرهنگ غنی اسلامی بیشتر آشنا نمود. هم‌چنین وجود نکات مشترک بین شیعه دوازده امامی و شیعه زیدی یکی از بهترین عوامل تبلیغ و تقریب این دو مذهب است. تبادل استاد نیز می‌تواند یکی دیگر از جنبه‌های فعالیت‌های فرهنگی باشد. (پیشین، ص ۳۱۶).

البته مسائل سیاسی در منطقه و تفرقه‌افکنی استکبار جهانی نسبت به کشورهای اسلامی، و حرکت تند برخی از فرقه‌های منحرف و مرتجع... بسیاری از فرصت‌های وحدت مذهبی و دینی مسلمانان را از بین برده، موجب تنش‌های سیاسی و اجتماعی گردیده است. جریان درگیری‌های قومی و قبیله‌ای دهه اخیر به‌ویژه درگیری‌های به وجود آمده در پنج سال اخیر در یمن و دخالت مستقیم و غیرمستقیم برخی از کشورهای همسایه، حساسیت زندگی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب را در یمن دوچندان کرده است. از این رو، بر همگان است که با توطئه‌های دشمنان اسلام و مسلمین مقابله و روح برادری و تعاون و همکاری را زنده کرده از هر گونه نزاع قومی و مذهبی دست بردارند و به فکر پیشرفت روزافزون جامعه دینی و ملی خود باشند.

نکته پایانی

کشور مسلمان یمن با همه فراز و نشیب‌هایی که داشته، در دو دهه اخیر شاهد تحولات گوناگونی بوده است. آنچه که امروزه «یمن» را در صدر برخی از اخبار جهان قرار داده، تعارضات و درگیری‌های سیاسی، قومی و دینی است که بین گروهی با عنوان «حوثی‌ها» و دولت یمن در سال‌های اخیر به وجود آمده است. در این منازعات داخلی، کشورهایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم دخالت کرده‌اند که از طیف اول می‌توان از عربستان و آمریکا نام برد. عربستان سعودی با وجود اختلافات مذهبی و مرزی و سیاسی قبلی خود با یمن به کمک دولت این کشور شتافت و در سرکوب معارضان حوثی‌ها شرکت جست.

عجیب‌تر آن که آمریکا هم اختلافاتش را با یمن کنار گذاشته، و در این جریان‌ها با دولت یمن همراهی کرده برای سرکوب مسلمانان «صعده» و حوثی‌های زیدی مذهب دست به کار شد. آن‌چه که در این چند سال در یمن می‌گذرد جای تأمل و تحلیل بیشتری دارد و باید در فرصت دیگری به آن پرداخت. همه این امور، یک اصل را برای همگان روشن می‌سازد و آن این‌که: گرچه شرایط سخت سیاسی - اجتماعی و تعصبات قبیله‌گی و نژادی و اختلافات مذهبی زمینه‌ساز بسیاری از درگیری‌ها و خشونت‌ها است، اما جامعه اسلامی با همه نژادها و دسته‌های متفاوت سیاسی - دینی به هم‌دلی، دلسوزی، مهربانی و عدالت در گفتار و کردار نیاز دارد؛ اگر این مهم، صورت نپذیرد، هر روزه شاهد درگیری‌ها و ضربه‌زدن مسلمانان به یک‌دیگر خواهیم بود. به نظر می‌رسد، دعوت به وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی، مهم‌ترین وظیفه مسلمانان در اقصی نقاط جهان است. باید از هر نظر به رسالت بلند اسلامی نگریست و خود و جامعه دینی را از انحراف و درگیری دور نگه داشت.

منابع و مأخذ:

۱. ستوده، پژوهش‌های منطقه‌ای، نشست علمی دکتر ستوده و دکتر حسینی، تهیه و تنظیم: سید سعید هاشمی نسب، (فصل‌نامه تخصصی پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای)، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۸.
۲. کتاب سبز، جمهوری عربی یمن، از انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
۳. _____، کشور جمهوری دمکراتیک یمن، از انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
۴. محیط طباطبائی، محمد، روابط ایران و یمن، نشریه وزارت امور خارجه، شماره ۸، دوره دوم، سال ۱۳۳۷.



گزارشی از کتاب

همسخنی بین مذاهب اسلامی در کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة

حسین سرمد محمدی^۱

نام کتاب: الفصول المهمة فی تألیف الأمة

نویسنده: سید عبدالحسین شرفالدین موسوی عاملی

محقق: دکتر عبدالجبار شراره

ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی سال چاپ: ۱۴۱۷ق

قطع: وزیری

تعداد صفحات: ۳۸۲

چکیده

علامه شرفالدین عاملی موسوی عاملی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ق) از جمله اصلاح طلبان و تقریب‌گرایان بزرگ اسلامی است. وی پس از این که شیخ نوح حنفی با فتوا به کفر شیعه و جواز قتل ایشان و عواقب خطرناک آن روبه‌رو شد و در زمانی که هنوز، از سویی شیعه را مذهبی غیر قانونی، غیر رسمی، اختراعی و شیعیان را اهل بدعت می‌شمردند و نزد برخی افراد ایشان را خارج از دین شناخته و تکفیر می‌کردند و از سوی دیگر هنوز تا فتوای تاریخی از سوی شیخ محمود شلتوت رئیس وقت الازهر مبنی بر به رسمیت شناختن و جواز استفاده از فقه جعفری در کنار مذاهب فقهی اهل سنت بیشتر از پنجاه سال فاصله داریم، کتاب گران‌سنگ «الفصول المهمة فی تألیف الامة» را در دفاع اصولی از مبانی و مکتب تشیع و نمایاندن توطئه استعمارگران و مزدوران آنان در ایجاد اختلاف و تفرقه نگاشت. مباحث مهم و اساسی این اثر که در متن مقاله به تفضیل خواهد آمد، هم‌چون وقایع صدر اسلام پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، ذکر فتواهای برجسته عالم اسلام از دورترین دوره آن

۱- محقق و نویسنده.

درباره اسلام، ایمان، حرمت انسان گوینده شهادتین، اهل نجات بودن اهل توحید، مقوله اجتهاد در برابر نص، فتاوی تکفیری و تکفیر شیعه و پاسخ به آن، نقش دروغ‌سازان و برخی از نویسندگان در تفرقه افکنی و جدایی و دوری بین امت اسلامی، نقل و نقد و بررسی شده است. وی معتقد بود: « سیاست شیعه و سنی را از هم جدا کرده است و باید سیاست آنها را با هم جمع کند». هم‌چنین وی معتقد بود آن نوع تقریب و نزدیک‌سازی مذاهبی را که به معنای دست کشیدن از اصول و مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد، به دلیل آن که راه به جایی نمی‌برد، نمی‌پذیرد. واژگان کلیدی: الفصول المهمة، علامه شرف‌الدین، فتاوی تکفیری، اجتهاد، نص، تقریب مذاهب.

معرفی کتاب و ابواب آن

«الفصول المهمة فی تألیف الأمة» کتابی است به زبان عربی درباره اتحاد و تقریب و هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی و نیز دفاع اصولی از مبانی و مکتب تشیع از علامه سید عبدالحسین بن یوسف شرف‌الدین موسوی عاملی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ق) از جمله اصلاح‌طلبان و تقریب‌گرایان بزرگ اسلامی. وی با نگارش آثار گران‌بهای چون: النص و الاجتهاد، الفصول و المراجعات و... نیز با سخنرانی‌ها و مسافرت‌های خود خدمات ارزنده‌ای در ایجاد وحدت و اخوت اسلامی انجام داده است و در ضمن آن، به دفاع از حریم تشیع و زدودن شبهات بر ضد شیعه و آگاهی‌رسانی به مسلمانان از حقایق اصیل اسلام پرداخته است. (صدر حاج سید جوادی و دیگران، ۱۳۸۱ش، ج ۹، ص ۵۶۳).

الفصول المهمة اولین نگارش وی در این خصوص است که در سال ۱۳۲۷ ق اتمام یافته است، زیرا آغاز مکاتبه میان وی و عالم بزرگ اهل سنت شیخ سلیم بشری، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ق بوده است. از الفصول چاپ‌های با ارزشی از ناشران متعددی در بغداد، تهران، صیداء، قم و نجف اشرف منتشر شده است.

الفصول در سال‌های گذشته چندین بار به فارسی برگردان شده است؛ یک بار با عنوان «در راه تفاهم مسلمانان» زیر نظر آیت الله محمد یزدی در قم به وسیله مؤسسه علامه در ۲۲۸ صفحه و بار دیگر در ۲۹۵ صفحه توسط انتشارات آزادی چاپ و منتشر گردیده است؛ هم‌چنین با عنوان «مباحث عمیقی در جهت وحدت امت اسلامی» به وسیله آقای صادقی اردستانی (حاذق، قم، ۱۳۶۲ش، ۳۳۶ص) و دست آخر با عنوان: «مباحثی پیرامون وحدت اسلامی» توسط سید ابراهیم سید علوی (نشر مطهر، تهران ۱۳۸۰ش، ۳۱۰ص) و نیز علاوه بر زبان فارسی، با عنوان: «ارشاد الامه» توسط سید عنایت علی نقوی (اداره التألیف شاه یوسف، ملتان، ۱۴۲۳ق، ۲۹۲ص) به زبان اردو ترجمه شده است.

علامه شرف‌الدین به وقایع و اتفاقات صدر اسلام، پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پرداخته است. وی با نقل احادیث صحیح از مجامع حدیثی معتبر اهل سنت و نیز ذکر فتوهای برجسته عالم اسلام از دورترین دوره آن درباره اسلام، ایمان، حرمت انسان گوینده شهادتین، اهل نجات بودن موحدان، نجات اهل توحید، به بیان حقایق پوشیده بسیار مهمی پرداخته است. علاوه بر این موارد، او به مقوله اجتهاد در برابر نص، که گذشتگان توجیه کرده‌اند؛ فتوایی که برای تکفیر وجود داشته است؛ نقشی که دروغ‌سازان در ایجاد تفرقه بین امت واحده داشته‌اند، و سرانجام، عملکرد برخی از نویسندگان در تفرقه افکنی و جدایی و دوری، توجه نشان داده است. انگیزه وی برای تألیف فصول این بود که یکی از عالمان اهل سنت به نام شیخ نوح حنفی با فتوا به کفر شیعه و جواز قتل ایشان، قدم بسیار خطرناکی به سود استعمارگران که با تفرقه افکنی در جهان اسلام، نقشه شومی در سر می‌پروراندند، برداشت. سید عبدالحسین، پس از نقل این فتوای تفرقه‌انگیز، با دلی پردرد می‌نویسد: «هذا هو الاختلاف الذی لیس بعده اتتلاف؛ هذا هو الافتراق الذی لیس بعده اتفاق؛ هذا هو المحاربه التی لیس بعدها مصاحبه. (موسوی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۷)؛ این اختلافی است که به دنبال آن اتفاق ممکن نباشد و جدایی‌ای است که پس از آن اجتماع فراهم نگردد و جنگی است که هرگز صلح و آشتی به دنبال ندارد» (سید علوی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۳).

شیوه نگارش

۱) سبک تاریخی و روایی

علامه با بهره‌گیری از نص آیات قرآن و احادیث و روایت حوادث و وقایع تاریخی به بررسی دلایل جدایی و عداوت بین امت اسلامی می‌پردازد و مخالفان وحدت اسلامی را شناسایی نموده و به نقد و انتقاد آنها مبادرت می‌ورزد. (مبارز، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲۸).

۲) دفاع از مبانی و اصول مکتب تشیع

وی به هیچ وجه مذهب را فدای مصالحه نکرده است. به بیان دیگر، وی علاوه بر تأکید بر وحدت و هم‌سخنی بین تشیع و تسنن، دفاع اصولی و معقولی بر پایه نصوص و وقایع تاریخی از مبانی و اصول مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نموده است. (پیشین، ص ۱۲۹).

۳) توجه دادن به عقل و وجدان برای داوری و درستی گفتار

نویسنده با توجه به این که عقل و وجدان به عنوان دو مرجع، فطری و متعلق به همگان با هر سلیقه و اندیشه‌ای می‌باشد در تمام مباحث کتاب آن را معیار داوری و درستی اندیشه قرار داده است، زیرا در چارچوب این دو مرجع می‌توان صحت و عدم صحت دلایل و مباحث مطروحه را تشخیص داد.

۴) توجه به عملی شدن مباحث مطروحه

وی در طرح مباحث خود، هیچ‌گاه از اهل سنت نمی‌خواهد دست از فلان موضوع مهم خود بردارد، یا از شیعه نمی‌خواهد جهت نزدیک شدن به اهل سنت از اصول مهم خود دست بکشد، چون نه ممکن است و نه عملی، اما بر اصول مشترک عملی، تأکید می‌کند. (ص ۱۲۹).

علل و انگیزه‌های تألیف الفصول از نظر زمانی

۱) پیدایش تفکر وحدت و هم‌سخنی در دوره حیات علامه شرف‌الدین: تأکید و اهتمام قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام، تجربه تاریخ ادیان و ملل، به ویژه دین اسلام، عوامل سیاسی همانند: پیشرفت تمدن غرب و استعمار کشورهای اسلامی از سوی غربی‌ها از جمله عوامل و انگیزه‌های است که در درک و احساس وظیفه علامه شرف‌الدین نسبت به پیدایش این تفکر و تألیف کتاب مؤثر است. وی جمله معروفی در این مورد دارد که بارها در مجله «المنار» ذکر شده است: «سیاست شیعه و سنی را از هم جدا کرده است و باید سیاست آنها را با هم جمع کند» (دوانی، ۱۳۷۵ش، ص ۸)؛ به این معنا که استعمارگران و بیگانگان با سیاست‌های خود باعث ایجاد تفرقه و جدایی امت اسلامی شدند، که با هوشیاری و آگاهی مسلمانان و سیاست اسلامی، وحدت و هم‌سخنی ایجاد خواهد شد.

دوره زندگانی و حیات علامه شرف‌الدین مصادف بود با استعمار کشورهای لبنان، شام و... توسط فرانسه و کشورهای فلسطین و... توسط انگلیس، و برچیده شدن خلافت عثمانی‌ها از ترکیه، در واقع، این دگرگونی‌ها در دنیای اسلام، در اقدام وی برای وحدت امت اسلامی، بی‌تأثیر نبوده است.

۲) عوامل مؤثر در گزینش و جهت‌دهی مطالب و کیفیت نوشتن آن: رعایت نکات تقریبی و کوشش جهت دست‌یابی به هدف تقریب و هم‌سخنی و ادب و احترام. در این‌جا شایسته تذکر است که هر چند از زاویه دیگر به نظر برسد که وی در بحث، از هدف خود دور شده است، که از جمله می‌توان به تأکید فراوان وی در دفاع از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و برتری آن بر دیگر مذاهب، تعرض به عمر و تذکر دادن مباحث تحریک‌کننده مثل: داستان مالک بن نویره؛ قول عمر «ان الرجل لیهجر» و... هم‌چنین طرح مبحث «اجتهاد صحابه و ثبات عدالت آنان نزد اهل سنت» در فصل هشتم، اشاره کرد، اما با دقت بیشتر در شرایط و عوامل نوشتن این اثر پی می‌بریم که انتخاب این مباحث دقیقاً آن را به هدف خود نزدیک‌تر کرده است، زیرا مباحث انتخابی وی، بیان حقایق تاریخی برای تذکر دادن وجود و تحقق اجتهاد در گذشته است. در واقع می‌توان گفت وی با درک کاملی که از معنا و هدف و ستون‌های تقریب دارد، گویی در این اثر دو هدف را دنبال می‌کند: از یک سو او به شدت مدافع مکتب شیعه است تا جایی که به نظر می‌رسد کتابش در صدد دفاع از شیعه و معرفی آن برای اهل سنت است، و از سوی دیگر او به شکلی به تقریب، هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی، تفاهم

مذاهب با حضور کیان خویش، و مبارزه با تعصب، عشق و علاقه نشان می‌دهد و گاهی سخنان تفرقه‌آمیز و عوامل نفاق و فتنه، فریاد او را بلند می‌کند.

افزون بر این، فاصله نوشتن فصول (۱۳۲۷ ق) تا زمان اعلان فتوای تاریخی از سوی رئیس وقت الازهر «شیخ محمود شلتوت» مبنی بر جواز استفاده از فقه جعفری در کنار مذاهب فقهی اهل سنت، بیشتر از پنجاه سال می‌باشد. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۲)؛ به بیان دیگر، در زمان حیات نویسنده، شیعه مذهبی غیر قانونی، غیر رسمی و اختراعی به حساب می‌آمد و شیعیان اهل بدعت محسوب می‌شدند و نزد برخی افراد، خارج از دین شناخته و تکفیر می‌شدند، به همین خاطر است که وی فصل نهم کتابش را به تکفیر شیعه و پاسخ به آن اختصاص داده است. بنابراین بسیار منطقی و طبیعی است که کوشش در شناساندن شیعه و دفاع از آن، تا این که به رسمیت شناخته شود، بهتر به هدف وحدت کمک می‌کند؛ وحدتی که اهل سنت باید پیشقدم در آن شده و شیعه را به رسمیت بشناسند. از سویی، عیب‌جویی اهل تعصب و تندرو اهل سنت از شیعه و بزرگ جلوه دادن مسائل حاشیه‌ای و جزئی در رد و نقض شیعه، نویسنده را وادار نموده تا به رد و نقض مذهب آنان اشاره نماید تا ایشان آگاه و متنبه شوند (مبارز، پیشین، ص ۱۲۹-۱۳۰). در نتیجه، علامه شرف‌الدین تقریبی را که به معنای دست کشیدن از اصول و مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد نمی‌پذیرد، چون می‌داند راه به جایی نمی‌برد.

زندگی‌نامه علمی و فرهنگی علامه سید شرف‌الدین موسوی

علامه سید شرف‌الدین به عنوان مصلح بزرگ، مسئله اصلی جهان اسلام را در تفرقه و جدایی میان دو مذهب تشیع و تسنن می‌دیده است؛ بنابراین محور اصلی نوشته‌ها و تألیفات و نامه‌های وی (به خصوص مکاتبات با شیخ سلیم بشری) به طور عمده، در جهت «ایجاد وحدت» و «نزدیکی قلوب مسلمین» و «تقارن و تفاهم ذهن‌ها و اندیشه‌ها» در دنیای اسلام بوده است.

با توجه به این‌که وی از دوران جوانی در جامعه چند مذهبی لبنان زندگی می‌کرد، نسبت به وحدت و انسجام اجتماعی مسلمانان حساسیت خاصی داشت و بر این باور بود که مسلمانان ناگزیرند هرگونه تفرقه و جدایی را از میان خود برداشته و به نوعی الفت و دوستی و هم‌سخنی برسند.

فعالیت‌های متعدد وی را می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

۱- فعالیت‌های اجتماعی و اصلاحی

علامه شرف‌الدین پس از کسب درجه اجتهاد در نجف اشرف، راهی لبنان گردید که در آن هنگام زیر سلطه و استعمار فرانسه بود و به مقابله و مبارزه با تضادهای دینی و مذهبی و اجتماعی پرداخت که با تحریک استعمار در بین ادیان موجود در لبنان و به ویژه بین دو مذهب شیعه و سنی وجود

داشت. هم‌چنین فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را با تأسیس و راه‌اندازی مدارس دینی و کلاسیک مانند المدرسه الجعفریه، احداث اماکن دینی و فرهنگی مانند نادى الامام الصادق (ع) (مکانی جهت جلسات دینی و فرهنگی) و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه مانند جمعیه البر و الاحسان (مؤسسه‌ای برای مساعدت افراد بی بضاعت) در جبل عامل آغاز نمود. (ذاکری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۹).

۲- مبارزات و فعالیت‌های سیاسی

وی فعالیت‌ها و مبارزات خود را با نشر معارف و بیان حقایق دینی و دفاع از مکتب تشیع شروع کرد و پس از قیمومیت لبنان و سوریه به وسیله فرانسه، در شکل‌گیری نهضت و راه‌اندازی مبارزات با استعمار در جامعه لبنان، نقش مهمی ایفا کرد تا این‌که فرانسوی‌ها حکم اعدام وی را صادر کردند و با هجوم به منزلش کتابخانه و بسیاری از آثار گران‌سنگ وی را در آتش سوزانده و وی را تبعید کردند. (پیشین، ص ۴۱ - ۴۲).

۳- فعالیت‌های علمی

دغدغه علامه در عصر خود در زمینه علمی گسترش فرهنگ و تمدن غربی در دنیای اسلام بود که در نتیجه آن بسیاری از مسلمانان به مدارس که به سبک و شیوه غربی تأسیس گردیده بود، جلب شده بودند. راه حل مناسب علامه به جای این‌که برخورد انفعالی و منفی باشد، که نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد، مهیا نمودن علوم جدید در مدارس با اخلاق و تربیت اسلامی بود که تأسیس المدرسه الجعفریه (دانشکده جعفری) از نتایج آن بود. (پیشین، ص ۴۲ - ۴۳).

۴- فعالیت‌های تقریبی

پس از سقوط حکومت عثمانی، که تضاد و عدم انسجام در میان مذاهب اسلامی ایجاد شده بود و مسلمانان با عناوین مختلف قومی و نژادی دسته‌بندی می‌شدند و این اختلاف‌ها و نفاق‌های موجود با دخالت‌های قدرت‌های استعماری به اوج خود می‌رسید و گاه نتیجه آن صدور فتوای تکفیری از سوی برخی عالمان منسوب به مذاهب اسلامی بود، علامه در جهت اتحاد و نجات مسلمانان از تعصب و تفرقه مذهبی با تألیفات علمی مانند: الفصول المهمة، المراجعات، النص و الاجتهاد، ابوهریره، اجوبه موسی جارالله و... هم‌چنین نامه‌نگاری با مراکز علمی دیگر مذاهب و مسافرت‌هایی جهت دیدار و مناظرات علمی از جمله ملاقات و مناظره با شیخ سلیم بشری رئیس دانشگاه الازهر قدم‌های استواری در این راستا برداشت. (پیشین، ص ۴۳-۴۴).

الف) راه‌کار و روش تقریبی علامه شرف‌الدین

جهت تبیین راه‌کار تقریب علامه شرف‌الدین ابتدا لازم است دیدگاه‌های دانشمندان تقریب مذاهب اسلامی جهت دست‌یابی به تفاهم و هم‌بستگی و تقریب را بیان نمود. این دیدگاه‌ها عبارت بود از: ۱- تفسیر و شناخت صحیح مذاهب اسلامی؛ ۲- اعتدال مذهبی و پرهیز از اعمال و گفتار

تحریک آمیز؛ ۳- رویکرد منفی و سکوت در برابر برخی مسائل اختلافی؛ ۴- رویکرد مناظره علمی برای رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی.

علامه شرف‌الدین روش مناظره علمی را بهترین روش برای رسیدن به تقریب و اتحاد اسلامی و در نتیجه، کشف حقیقت و رسیدن به تفاهم در مسائل اختلافی می‌دانست. در این روش، مذاهب اسلامی دست‌کم درک صحیح علمی از مواضع و مستندات مذاهب طرف مقابل به دست می‌آورند که به هر شکل هدف تقریب را برآورده می‌کند. در کل، اندیشمندان معتقد به آن بر این باورند که سکوت و پرده‌پوشی در برابر مسائل اختلافی میان مذاهب اسلامی، راه‌حل منطقی برای اختلافات موجود نیست. چنان‌چه علامه علی دوانی درباره رویکرد علامه شرف‌الدین آورده است: «شرف‌الدین از منادیان اتحاد اسلامی بود لکن نه به صورت منفی آن، یعنی دعوت به فراموش کردن گذشته و چشم‌پوشی از هر چه اتفاق افتاده است... زیرا که سکوت و پرده‌پوشی نسبت به آن مسائل، ریشه‌های روحی آنها را از دل و جان مردم بر نمی‌کند، بلکه این ریشه‌ها باقی نمی‌ماند و در فرصت مناسب به صورت انفجار آمیز بروز می‌کند. نظر شرف‌الدین این بود که بسیاری از اختلافات شیعه و سنی پایه درستی ندارد، بلکه سرچشمه آنها، دروغ‌ها و اتهام‌ها و تبلیغاتی است که در شرایط زمانی خاصی مطرح شده است و قدرت‌های سیاسی گذشته آنها را اشاعه داده اند» (دوانی، پیشین، ص ۶۲).

ب) ویژگی‌های تقریبی علامه شرف‌الدین

الف - جامعیت علمی و اجتهاد مطلق

وی در اکثر رشته‌های مختلف علمی مثل تاریخ اسلام، حدیث، رجال‌شناسی، بحث‌های کلامی و... توانایی و تسلط داشته و دارای جامعیت و مبنای محکم و اصولی بود. وی اصل اتحاد بین مسلمانان را به مثابه یک اصل دینی و شرعی طرح کرده و هر نوع کوشش علمی و عملی در راه تقویت مذاهب اسلامی را با استنباط از منابع معتبر دینی، واجب شرعی می‌دانست و تلاش‌های آسیب‌رسان به وحدت امت اسلامی را ممنوع و حرام می‌دانست. (ذاکری، پیشین، ص ۳۴).

او از طرفی با درک نیاز جامعه اسلامی، به مقابله با سیاست‌های استعماری غرب اعتقاد داشت و از طرف دیگر، تردیدی در لزوم طرح مباحث اعتقادی و مذهبی شیعه به خصوص درباره امامت و پیشوایی اهل بیت نداشت بلکه همواره در صدد دفاع علمی از این موضوع بود. از جمله وی نسبت به برخی اعمال بزرگان صحابه و اجتهادات شخصی ایشان در مقابل نصوص دینی قلم‌فرسایی نموده است.

علامه در واقع نظریه سکوت به‌طور مطلق در موضوع امامت و خلافت جامعه اسلامی برای پیشبرد اهداف تقریبی را نظریه درستی نمی‌دانست، زیرا امامت در نظر شیعه نیز - مانند اهل سنت -

به بعد حاکمیت سیاسی و اجتماعی آن منحصر بود و چه بسا سکوت و حتی پذیرش خلافت خلفای نخستین برای پیشبرد اهداف تقریبی مفید بود؛ چنانچه علامه در جواب کسانی که شیعیان را به عدم پذیرش خلافت خلفا متهم می‌کردند، خلافت ایشان را به معنای وقوع خارجی می‌پذیرد؛ ولی به یقین، بحث و جدال درباره این بعد امامت هیچ فایده‌ای برای جوامع اسلامی امروزی ندارد. (پیشین، ص ۱۴۴؛ موسوی، پیشین، ص ۲۰۷).

ب - موضع فعال در تقریب مذاهب اسلامی

وی در معرفی مذهب شیعه و دفاع از آن پیشگام بود و بدون هیچ‌گونه انفعالی، تمام سعی و تلاش خویش را در رد و نقض ایرادات و اشکالاتی که بر شیعه وارد کرده‌اند، به کار می‌گرفت. (ذاکری، پیشین، ص ۳۵).

معرفی مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب الفصول المهمة (فصول دوازده گانه)

تعریف اسلام و ایمان

نگاه جامع و عمیق به معنای اسلام و ایمان راه کار مهم و مؤثر علامه در راستای تقریب بود، زیرا در طول تاریخ به سبب عدم دقت و تضییق دایره و محدوده اسلام و ایمان بسیاری از مسلمانان و مؤمنین قربانی چهل و نادانی قرار گرفته‌اند. علامه در فصل دوم با استناد به روایات، شهادتین را در صدق اسلام و ایمان کافی می‌داند و جان و مال تمام کسانی را که اهل شهادتین «لا اله الا الله، محمد رسول الله» باشند و در عمل، ضروریات اسلام هم‌چون نماز، حج، زکات و... را انجام دهند، مصون می‌داند (موسوی، پیشین، ص ۲۶۲۳).

فصول سوم و چهارم نیز در تأیید این معنا است که اهل شهادتین همگی مسلمان و اهل نجات هستند. با این تعریفی که علامه از اسلام ارائه می‌دهد با اطمینان می‌توان گفت که دیگر اختلاف و تفرقه تکفیر کردن مسلمانان و مؤمنان جایی ندارد. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳) وی در ادامه برای بیان ملاک اسلام و کفر در مذهب شیعه، چنین می‌گوید: «در این که آثار اسلام در کسی که شهادتین را بگوید، از هر فرقه که می‌خواهد باشد چه از فرقه شیعه باشد و چه از فرقه اهل سنت، جاری است، اختلافی میان علمای شیعه وجود ندارد و این موضوع در حدی از روشنی و وضوح است که قابل انکار نیست، چنانچه روایات ما در این مسئله صراحت دارد.» (موسوی، پیشین، ص ۴۱-۴۲) وی خود به تکفیر، به دیده حکمی قطعی می‌نگرد و آن را از بدیهیات مذهب شیعه می‌شمارد می‌گوید: «ان الشیعه لم تکفر اهل السنه، بانکارها امام الائمه من اهل البيت (علیهم السلام) مع ان امامتهم من اصول الدین علی رأی الشیعه؛ شیعه، اهل سنت را به سبب انکار امامت پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) تکفیر نمی‌کند با این که امامت نزد شیعه از اصول دین است.» (پیشین، ص ۲۰۸؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۲۰۷).

علامه در بیان تعریف اسلام و ایمان آورده است: «اسلام و ایمان عبارت است از شهادت به یگانگی پروردگار و به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تصدیق روز قیامت و نمازهای پنج‌گانه و روزه و زکات و خمس و حج» (موسوی، پیشین، ص ۲۳)؛ با توجه به تعریف روایات متعدد از مسلمان، هر فردی که به موارد فوق پای‌بند باشد، مسلمان محسوب می‌شود و جان و عرض و مالش از هر گزند مصون خواهد بود، اگرچه در دل خود به آن یقین نداشته باشد؛ این سخن تا جایی وسعت پیدا می‌کند که اگر کافری در میدان جنگ دست مسلمانی را قطع کند و زمانی که مغلوب آن مسلمان شد «لا اله الا الله» بگوید آن مسلمان نمی‌تواند او را بکشد و گفتن همین کلمه کافی است که جان و مال او را محترم بشمارد. (فصل‌نامه آینه پژوهش، ص ۱۴۰) وی هم‌چنین می‌گوید: «اگر مؤمنی مؤمن دیگر را دوست بدارد و در هم‌نشینی او رضا و خشنودی پروردگار را بخواهد، وی از لطف و عنایت بی‌منت‌های خداوند بهره‌مند خواهد شد و مقهور آتش دوزخ نخواهد شد».

ارزش شهادتین و حرمت مسلمان

علامه در فصل سوم الفصول با عنوان «الشهادتان و حرمة المسلم» روایت‌هایی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امامان (علیهم السلام) نقل می‌کند که بر حرمت خون، مال و آبروی مسلمان دلالت دارد. وی به این روایات به عنوان مبنایی قفهی برای وحدت نگاه می‌کند و با رجوع به آنها، ضرورت وحدت بین شیعه و سنی را به اثبات می‌رساند. (موسوی، پیشین، ص ۳۱) برای نمونه: «کل مسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه» (ابن‌حنبل، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۲۷۷)؛ یا «المسلم علی مسلم حرام دمه و ماله و عرضه» (مسلم بن حجاج نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۸۶)، هم‌چنین این روایت نبوی: «المسلم اخو مسلم لا یظلمه و لا یسلمه، و ما کان فی حجة اخیه کان الله فی حاجته، و من فرج عن مسلم کرهه فرج الله عنه کرهه من کربات یوم القیامة، و من ستر مؤمنا ستره الله یوم القیامة» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۲۴۴؛ ناصف، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۰). علامه در کتابش نمونه‌های فراوانی از این گونه روایات را از جوامع حدیثی شیعی و سنی ذکر کرده است (موسوی، پیشین، ص ۱۵-۲۰).

برخی از فتوای دانشمندان سنی مبنی بر نجات اهل توحید

علامه شرف‌الدین، روایاتی را از قول اهل سنت که برای اهل شهادتین حرمت قائل می‌شوند، از کتاب‌های روایی آنها به ویژه از صحاح سته، نقل می‌کند، تا بهانه‌ای برای اختلاف‌افکنان باقی نماند. علامه در این باره می‌گوید: «من به فتاوی‌ای علما و بزرگان اهل سنت اشاره می‌کنم، تا ثابت کنم که در باب نجات اهل شهادتین نص و فتوا موافق هم هستند، و باید کسانی که دنبال تکفیر مسلمانان از غیر خودشان هستند با دیدن نصوص و فتاوی‌ای علما و بزرگان مذهبشان اگر عاقل هستند، دست از

این کارشان بردارند و حکم به ایمان مطلق اهل توحید نمایند. «پیشین، ص ۲۳ و ۵۷). در این جا به عنوان نمونه این گونه روایات، به موردی اشاره می‌کنیم: عالم معاصر شیخ نیهانی بیروتی صاحب کتاب «شواهد الحق» در این باره معتقد است: « بدانید که من اعتقاد و گفتاری به کفر هیچ‌یک از اهل قبله ندارم، نه وهابیت و نه غیر آنها و تمام آنها مسلمان به حساب می‌آیند و همگی مسلمانان در زیر سایه کلمه توحید و ایمان به پیامبر صلوات الله علیه و آن چه که به واسطه او نازل شده است از دین اسلام، جمع‌اند و...» (پیشین، ص ۶۰) وی سپس به دنبال نقل فتاوی مختلف از ائمه اهل سنت در این خصوص، می‌گوید: «با در نظر داشت این فتاوی صریح از ائمه اهل سنت، دیگر بهانه‌ای برای بهانه‌جویان آنها باقی نمی‌ماند، زیرا مخالفین آنها از اهل قبله، فعل و قولی انجام نمی‌دهند مگر بعد از آن که نهایت سعی و اجتهادشان را در به دست آوردن حق از کتاب و سنت و کلام ائمه هدی انجام می‌دهند، پس باید به حکم این علمای سلف ماجور باشند، چه این که به صواب نائل شوند و یا این که در تشخیصشان اشتباه کنند» (پیشین، ص ۶۳).

بشارت‌های سنت برای شیعه

علامه شرف‌الدین در ادامه بحث‌های قبلی، فتاوی بزرگان اهل سنت را ذکر کرده و نشان می‌دهد ایشان از تکفیر فرقه‌های دیگر دوری کرده‌اند و حتی خوارج را از قلمرو مسلمانان خارج ندانسته‌اند. وی می‌گوید: «وقتی خوارج را نباید از مسلمانان جدا دانست، چرا شیعه را مطعون سرزنش‌ها و ملامت‌ها و حتی تکفیر قرار داده‌اند، شیعه‌ای که رگ‌های بدنش با یاد خدای متعال ضربان دارد و با عقیده به وحدانیت گوشت بر بدنش روییده... حرکات و سکناش توحید خدا را پذیرفته و پیغمبران الهی را باور نموده است و در آن چه پیغمبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده کوچک‌ترین تردیدی ندارد. شیعه‌ای که به نقل روایات اهل سنت - پیروی آن امامی را می‌کند که مصداق کامل سوره بینه است و همراه پیامبر و فاطمه و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام پیش از دیگران به بهشت قدم می‌گذارد و در قیامت به پیروان حضرتش براتی داده می‌شود که از دوزخ الهی در امان باشند» (ر.ک: فصل هفتم).

علامه در این فصل شیعه را چنین تعریف می‌کند: «کسانی که در دین از علی و خاندان او عَلَيْهِمُ السَّلَام پیروی می‌کنند و عقاید دینی و فقهی‌شان به آنها منتهی شده، رفتار و آداب دینی را از ایشان آموخته‌اند، به امامت و رهبری‌شان گردن نهاده اخلاقاً پای‌بند توئی و تبری هستند و با توسل و پیروی از دو منبع دینی «قرآن و عترت» آن را توفیق الهی قلمداد می‌کنند». هم‌چنین در این فصل از جایگاه شیعیان در میان روایات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن می‌گوید. علامه هم‌چنین سعی می‌کند در مسائل اختلافی بین دو مذهب، معروف‌ترین و نزدیک‌ترین مبنای شیعه به اهل سنت را انتخاب کند؛

از جمله به رد مواردی چون زبان‌درازی شیعیان به عایشه و تبرئه او از افک و اتهامات گفته شده و هم‌چنین بدگویی شیعیان از ابوبکر، عمر و... پرداخته و شیعه را از این گونه موارد مبرا می‌داند. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳).

توجیه‌های سلف و گذشتگان (اجتهاد در مقابل نص)

علامه در فصل هشتم به این مطلب می‌پردازد که «وقتی اهل سنت اجتهاد امثال عمر و ابوبکر را در فروع می‌پذیرند، هر چند خلاف گفته خدا و رسول باشد، چرا اجتهاد علمای شیعه را نمی‌پذیرند، حال آن که ایشان تلاش و اهتمام دارند فتوا و سخنشان منطبق با قرآن و روایات موقف باشد». وی جهت مستدل ساختن سخنانش، به موارد تاریخی بسیاری اشاره می‌کند که صحابه سخن خداوند و رسولش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فراموش کردند و به رأی و نظر خویش عمل نمودند، از جمله تصرف ابوبکر و عمر در آیه خمس و نپرداختن سهم پیامبر و خویشاوندانش، و یا دستور عمر به حذف «حی علی خیر العمل» و جایگزین کردن «الصلاه خیر من النوم» یا امر وی به گفتن چهار تکبیر بر میت یا جایز شمردن و صحیح دانستن سه طلاق در یک مجلس یا نهی او از متعه زنان و متعه حج، هم‌چنین فرمان عثمان به بازگشت حکم و ضرب و جرح عبدالله بن مسعود و عمار و تبعید ابوذر و...» (ر.ک: موسوی، پیشین، ص ۸۵-۱۹۲؛ سید علوی، پیشین، ص ۷۵-۱۹۰).

با این همه، نظریه علامه شرف‌الدین در شأن و اعتبار صحابه، بر پایه واقعیت‌ها و به دور از افراط و تفریط شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که وی منکر بعضی از کارهای مثبت خلفا و دیگر بزرگان صحابه نیز نیست.

او خود در این باره آورده است: «خلافت شیخین یک واقعیت تاریخی است که هیچ آدم باشعوری آن را انکار نمی‌کند و هیچ انسان با وجدانی در آن تردید به خود راه نمی‌دهد. حکمروایی آن دو، از سال یازدهم تا سال بیست و سوم طول کشیده و در این مدت فتوحاتی هم پیش آمده و پایه‌های اسلام محکم گشته است. خلافت آن دو خلیفه از شئون سیاسی بوده و زمان آن هم گذشته است و درست نیست که مسلمانان امروز خود را به آن مشغول کنند و بدین وسیله از یک‌دیگر نفرت نمایند. چنین اعتقاد و باوری، چه فایده‌ای دارد؟» (موسوی، پیشین، ص ۲۰۷؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۰۶-۲۰۵). اساساً علامه با تحلیلی که در کتاب «النص و الاجتهاد» از جریان صحابی دارد، سرشت این دسته از صحابه را نفاق‌آمیز نمی‌داند، بلکه اعمال منفی آنها را برخاسته از حس قدرت‌طلبی و انگیزه‌های سیاسی می‌شمارد، که ممکن است در افراد و زمان‌های دیگر نیز مصداق داشته باشد و این مسئله زینتی برای مسلمان بودن آنها ندارد. (دوانی، پیشین، ص ۱۱۲).

فتوای تکفیر و بررسی آنها

فتاوی تکفیر برخی عالمان اهل سنت و جماعت نسبت به شیعه به علت روایات دروغی است که دروغ‌پردازان و کذابان آنها را پخش نموده‌اند و در برخی کتاب‌های روایی درج شده است. علامه اظهار می‌نماید که این دروغ‌گویان با اهدافی که دارند به چند گروه تقسیم می‌شوند:

الف) برخی با انگیزه مادی و تقرب به پادشاهان و کارگزاران اموی و عباسی روایات دروغین بر ضد شیعه ساخته و منتشر کرده‌اند و نسبت‌های زشت و ناپسندی به عموم شیعیان داده‌اند؛

ب) برخی از عالمان با انگیزه‌های دینی به این کار اقدام کرده‌اند. آنها شیعیان را منحرف می‌دانستند و برای باز داشتن مردم از گرایش به شیعه چاره کار را در این می‌دانستند که بر ضد شیعه روایاتی بسازند و با جوسازی مردم را از گرایش به شیعه منع کنند؛

ج) عده‌ای هم به دلیل این که حقایق بر آنان مشتبه شده بود و بسیاری از منحرفان مانند غلات و خطایه را نیز شیعه می‌پنداشتند و آنها را فرقه‌هایی گمراه می‌دانستند، همه ضعف‌ها و انحرافات را به شیعه نسبت می‌دادند؛

د) عده‌ای نیز جاهلانه و با اعتماد به عالمان پیشین و روایاتشان بدون تحقیق و بررسی لازم، نسبت‌هایی دروغین به شیعه روا می‌داشتند؛ به طوری که اگر تحقیق می‌کردند و به منابع معتبر شیعه رجوع می‌نمودند، هرگز چنین نسبت‌های ناروایی را روا نمی‌داشتند. (موسوی، پیشین، ص ۲۲۳-۲۲۶؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۲۲-۲۲۵).

به همین خاطر است که علامه شرف‌الدین در باره این گروه اخیر می‌گوید: «و لو رجعوا فی معرفه اقوال الامامیه الی علمائهم و اخذوا مذهبهم فی الاصول و الفروع مؤلفاتهم لکان اقرب الی الثبیت و الورع (موسوی، پیشین، ص ۲۲۷)؛ و اگر در شناخت اقوال و عقاید امامیه به علما و دانشمندان خود آنان مراجعه می‌کردند و عقاید اصلی و فرعی شیعه را از کتاب‌های خود ایشان برمی‌گرفتند به تحقیق و پارسایی نزدیک‌تر بود». (سید علوی، پیشین، ص ۲۲۵).

وی در دفاع از شیعه می‌گوید: «شیعه به واجبات دینی عمل می‌کند و اگر به اصول بی‌اعتنا باشد حد می‌خورد و اگر منکر شود مهدورالدم می‌شود، به علم و علما احترام می‌گذارد و زبردستی خود را در بسیاری از رشته‌های علمی به اثبات رسانده است. بزرگانی از اهل سنت چون ابوحنیفه و اشعری و شافعی به مسلمان بودن شیعیان حکم داده‌اند و خلافت عمر و ابوبکر را منکر نیستند چون ایشان خلافت را بعد از پیامبر عهده‌دار شدند و اگر هم انکار کنند نمی‌توان ایشان را مرتد دانست چون خلافت از اصول دین نیست و می‌توان این انکار را از مقوله اجتهاد دانست که باز به گفته دانشمندان اهل سنت اگر درست باشد دو پاداش می‌برند و اگر صحیح نباشد یک پاداش. دیگر آن که در همان زمان عده‌ای چون عمار و علی علیه السلام خلافت ایشان را نپذیرفتند. در ضمن شیعه از عمر و ابوبکر بدگویی نمی‌کند، اگر هم بد بگوید بنا به گفته بزرگان اهل سنت سب و دشنام موجب نمی‌گردد که

کسی را تکفیر کنیم. هم‌چنین عایشه را از هر ناروا و ناسزایی دور می‌دارد، البته انتقاد می‌کند که چرا جنگ جمل را دامن زد و از دفن امام حسن علیه السلام در کنار قبر جدش جلوگیری کرد». (موسوی، پیشین، ص ۱۹۵-۲۱۹؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۱۹۱-۲۲۰).

وی هم‌چنین از شیوه بخاری در نقل حدیث از کسی چون عمر بن حطان خارجی گلایه می‌کند، چون وی کسی است که در مورد ابن‌ملجم و ضربت او گفته است: «آفرین بر آن ضربت از آن مرد پارسا! که خواست بدان وسیله به رضوان خدای صاحب عرش برسد! من هر روز او را یاد می‌کنم و می‌دانم که میزان عمل او نزد خدا از همه مردم سنگین‌تر است!» و به او اعتماد می‌کند، اما از ذکر حتی یک حدیث از سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله دریغ می‌کند. هم‌چنین از ابن‌خلدون که می‌گوید: «اهل بیت مذهب ناچیزی دارند که از خود درآورده‌اند و فقهی دارند که در آن تکرراند و آن را بر مذهب خود پرداخته، برخی صحابه را مورد تعرض قرار داده‌اند و بر مبنای عصمت امامان... ولی بنیان همه آنها سست و واهی است.» (موسوی، پیشین، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۲۴۹-۲۵۰) گلایه نموده و می‌گوید: «آیا این روش‌ها موجب فاصله نیست؟ به پروردگار کعبه و فرستنده پیغمبران سوگند که چون به این‌جا رسیدم مانند شخصی سرگردان وقفه‌ای نمودم، چون وحشت‌زدگان از جا جستم، چه گمان نمی‌کردم کار به این‌جا برسد» (مبارز، پیشین، ص ۱۳۰-۱۳۱).

نقش دروغ‌سازان در تفرقه‌افکنی

در فصل دهم، وی به تمام مسائلی که در فرهنگ شیعه از اصل و اساسی برخوردار نیست و تنها نسبت‌های ناروایی است که به جامعه شیعه داده شده است پاسخ داده و با قاطعیت تمام جامعه شیعه را از این‌گونه نسبت‌ها منزله دانسته است. برای نمونه، علامه به این نسبت که ابن‌حزم ظاهری بیان داشته است «و من الامامیه من یجیز نکاح تسع نسوه؛ گروهی از امامیه ازدواج با نه زن را جایز می‌دانند» (ابن‌حزم اندلسی، ۱۳۱۷ق، ج ۵، ص ۴۵)، چنین پاسخ می‌دهد: «اما نکاح مازاد علی الاربع فاجماع الامامیه قاطبه نوا و فتوی علی حرمته و هذا الحکم من ضروریات مذهبهم بحیث لا یشته فیه احد منهم؛ اما حکم نکاح با بیش از چهار زن چیزی است که علمای امامیه نوا و فتوایا بر حرمت آن اجماع کرده‌اند و آن را از ضروریات مذهب خود می‌دانند، به طوری که بر هیچ‌کدامشان در این مورد شبهه‌ای ایجاد نمی‌شود» (موسوی، پیشین، ص ۲۲۷). وی سپس می‌نویسد: «ای اهل بحث و تحقیق، شما را به شکوه حقیقت قسم و به عدل و شرف انصاف سوگند، کتاب‌های فقهی و اصولی امامیه را بررسی بفرمایید و کتب حدیثی و تفسیری آنان را اعم از قدیم و جدید جست‌وجو نمایید و مختصر و مفصل، متن و شرح را از نظر دور مدارید و اگر اثری از آن‌چه ابن‌حزم گفته است نیافتید بدانید که او و امثال او دروغ‌گوترین خلق خدایند، و اگر یافتید، داوری کنید که شیعه بر حق نیست. اما سوگمندانه او در جاهای دیگر کتاب خود یاهو‌هایی به امامیه نسبت داده است که از هیچ متدینی

سر نمی‌زند و دروغ‌هایی به ایشان بسته است که هیچ صاحب ایمان و یقینی به آنها لب نمی‌گشاید و ستمی به ایشان روا داشته است که هیچ باور دارنده معاد به چنان ظلم و ستمی اقدام نمی‌کند و بهتانی به شیعه زده است که آن کس که از خدا می‌ترسد و از مردم خجالت می‌کشد، چنان سخنی بر زبان نمی‌آورد». (موسوی، پیشین، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۲۲۶-۲۲۷).

وی هم‌چنین در این فصل، به برخی تهمت‌ها و افتراهایی که برخی علمای اهل سنت چون ابن حزم و شهرستانی به شیعه زده‌اند پرداخته است؛ مواردی چون: شیعه گوشت شتر را حرام می‌داند و عده را برای زن شوی مرده لازم نمی‌شمرد. علامه با استناد به گفته ابن خلدون، صلاحیت ابن حزم را رد می‌کند و شهرستانی را در ذکر نسبت‌های ناروایش به شیعه، اهل تحقیق نمی‌داند. سپس به این بهتان‌ها پاسخ می‌گوید. در واقع مواردی چون: تقلید از گفته‌های پیشینیان و عدم تحقیق و دقت و مراجعه به منابع اصلی شیعه را از دلایل عمده نسبت‌های ناروا و دروغ‌پردازی بر ضد شیعه می‌داند.

نقش برخی از نویسندگان در تفرقه‌اندازی

وی در فصل یازدهم به برخی تهمت‌ها و افتراهایی که برخی نویسندگان اهل سنت به شیعه زده‌اند پرداخته است و از جمله، به انتقاد از رشید رضا صاحب «المنار» می‌پردازد که چرا بدون مراجعه به منابع شیعه یا با اعتماد به سخنان بدون مدرک، عقاید غیرواقعی و نامعلوم را به شیعه نسبت داده است. این در حالی است که علامه سعی می‌کند در نقد عقاید اهل سنت به منابع اصلی خودشان ارجاع دهد تا شاید باعث قانع شدن ایشان گردد و با مراجعه به منابع هر مذهب، جلو تهمت و افترا گرفته شود. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۱).

هم‌چنین در پاسخ به سخن وحید رافعی در کتاب «رایة الحق» (ص ۱۶۱) که می‌گوید: «رافضه در متن قرآن شک دارند و گفته‌اند در آن فزونی و کاستی و تغییر و تبدیل راه یافته است» می‌گوید: «اگر مراد ایشان از رافضه شیعه امامیه باشد، این دروغ محض است، چون قداست قرآن از ضروریات دین اسلام و مذهب امامیه است و به اجماع امامیه، کسی که در قرآن شک کند مرتد است». (موسوی، پیشین، ص ۲۴۱؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۴۰).

انگیزه‌های جدایی و دوری

الف) جدایی شیعه از سنی

علامه شرف‌الدین با استناد به نصوص دینی معتبر و صریح درباره وجوب تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام و اخذ علوم و معارف و احکام دینی از آنها، و هم‌چنین لزوم محبت و دوستی ایشان و پای‌بند بودن به آن، که از این طریق دست‌کم می‌توان به مقام محبوب دست یافت، زمینه را برای نظریه تقریبی خود

بر طبق رویکرد دوم و رویکرد انتقادی آماده ساخته و سپس عملکرد علمی و عملی بزرگان اهل سنت را در برخورد با منزلت اهل بیت علیهم‌السلام نقد و بررسی کرده است.

او در فصل دهم یکی از دلایل دوری شیعیان از اهل سنت را تکفیر، تحقیر و فحاشی اهل سنت نسبت به شیعه و بزرگان ایشان ذکر می‌کند؛ تکفیر شیعیان در کتاب «فتاوی‌الحامدیه»، تحقیر و نسبت‌های دروغی که توسط علمای درباری حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس و علمای ترسویی که از اشاعه مذهب شیعه هراس داشتند و علمای بی‌خبر و ناآگاه از حقیقت مذهب شیعه به وقوع پیوسته است و هم‌چنین دروغ‌ها و نیرنگ‌های ابن حزم و شهرستانی و... (موسوی، پیشین، ص ۲۳۷-۲۴۶؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۲۱-۲۳۴).

هم‌چنین در فصل دوازدهم کتابش با عنوان «اسباب الفرقة و التباعد» یکی از عوامل اصلی اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را در روی تافتن اهل سنت از مذهب و مکتب اهل بیت دانسته است: «برادران اهل سنت از مذهب امامان اهل بیت روی گرداندند و به سخنان ایشان در اصول و فروع دین و به طور کلی در تفسیر قرآن که برادر و همتای اهل بیت علیهم‌السلام است مراجعه نکردند مگر بسیار اندک، در حالی که از مقاتل بن سلیمان دجال که از مجسمه و مرجئه بوده مطالب فراوان نقل کرده‌اند». تا جایی که می‌گوید: «روایات منقول از اهل بیت در کتب روایی اهل سنت کمتر از روایات عکرمه است. شخص بخاری حتی یک روایت از اهل بیت علیهم‌السلام نیاورده است» (الفصول، ص ۲۶۴). علامه سرانجام با با برتر دانستن اهل بیت علیهم‌السلام و توجه به این‌که اهل سنت نمی‌توانند هیچ‌گونه نقضی را به اهل بیت علیهم‌السلام وارد کنند، دوری آنها از اهل بیت علیهم‌السلام را بدون دلیل دانسته، و توجیهی برای آن نیافته است. (موسوی، پیشین، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۴۷-۲۴۸).

علامه شرف‌الدین این اعراض اهل سنت از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را هنگامی تحمل‌ناپذیر می‌داند که بر اساس نصوص دینی معتبر نزد اهل سنت، تمسک به تقلین (قرآن و عترت) بر امت اسلامی واجب شمرده شده است. (ذاکری، پیشین، ص ۲۳۶-۲۳۷ به نقل از موسوی، پیشین، ص ۲۴۹-۲۵۰).

مسئله صحابه و شبهه لعن خلیفه اول و دوم توسط شیعیان: علامه در جواب این شبهه، طرح چنین موضوعاتی را مخالف اصل اتحاد امت اسلامی دانسته و ورود به آن را بی‌فایده و غیرلازم می‌داند. وی نخست، اصل سب و دشنام دادن تمام شیعیان به خلفا را قبول ندارد و آن را اثبات‌ناپذیر می‌داند. به نظر او، حتی اگر مواردی وجود داشته باشد، نمی‌توان آن را به تمام شیعیان نسبت داد (موسوی، پیشین، ص ۲۱۲) سپس به نفی چنین نسبتی به شیعیان می‌پردازد، اما چون اهل سنت بر این نکته اصرار دارند که شیعیان لعن و سب بر شیخین دارند و نفی این نسبت را نمی‌پذیرند، بحث را بر این نکته متمرکز کرده است که بر فرض اثبات چنین نسبتی به شیعیان، آیا سب صحابه و به

خصوص خلیفه اول و دوم باعث کفر سب‌کنندگان است، که اهل سنت به این جهت، شیعیان را تکفیر کرده‌اند. (ذاکری، پیشین، ص ۱۹۷-۱۹۸ به نقل از موسوی، پیشین، ص ۲۱۲).

علامه یادآور می‌شود که لعن خلفا از سوی برخی از شیعیان مطابق با فتوای اهل سنت عندالله معذور و مأجور می‌باشد. سپس به عنوان شاهد این سخن ابن‌حزم را (ابن‌حزم اندلسی، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۰) می‌آورد: «کسی که یکی از صحابه را دشنام گوید، اگر جاهل و ناآگاه باشد، معذور است و هرگاه به او آموختند و آگاه نشد و باز به رفتارش ادامه داد بی‌آنکه عناد کند، فاسق است و نابکار محسوب می‌شود؛ مانند زناکار و دزد و امثال آنها. و اما اگر با خدای متعال و رسول او عناد ورزد، کافر است. عمر در حضور پیامبر ﷺ درباره حاطب مهاجری گفت: بگذارید گردن این منافق را بزنم. و عمر با کافر پنداشتن حاطب، خود کافر نگشت بلکه دچار شبهه بود و خطا رفت». (موسوی، پیشین، ص ۲۱۷؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۱۷-۲۱۸).

ب) جدایی سنی از شیعه

وی یکی از علل و انگیزه‌های جدایی اهل سنت از شیعه را برچسب‌ها، دروغ‌ها و تهمت‌هایی می‌داند که از سوی منافقان و دشمنان شیعه به شیعیان نسبت داده شده است مبنی بر این‌که شیعه همه اصحاب پیامبر را سب و لعن می‌کند. نویسنده ضمن نقل و نقد این تهمت‌ها و تذکر اشتباه ایشان، در فصل دهم می‌آورد: «این تهمت‌ها همگی باطل است، مگر مسئله صحابه که در آن نیز شیعیان اثنی‌عشری تعادل را حفظ کرده‌اند، نه مثل جمهور، همه را چشم بسته پذیرفته‌اند و نه مثل برخی غالیان همگی را رد کرده‌اند، بلکه با دید نقادانه به تجزیه صحابه پرداخته‌اند که البته در این زمینه شیعیان به بسیاری از صحابه گرانقدر پیامبر ﷺ اقتدا کرده و مسائل اعتقادی خود را از همین صحابه دریافت کرده‌اند. همانند ابن‌رافع و انس بن حرث...». وی جهت اثبات سخنانش در این مورد به ۲۱۳ نفر از صحابه اشاره می‌کند. (ر.ک: موسوی، پیشین، ص ۲۶۵ - ۳۱۴). وی علاوه بر اینها، نقش ملل‌نویسانی چون ابن‌حزم و شهرستانی را در ازدیاد و تکثر فرقه‌ها و دامن زدن به اختلافات، منتفی نمی‌داند و به صورت ضمنی در فصل دهم به آن اشاره می‌کند. (پیشین، ص ۲۲۷-۲۳۷).

به این ترتیب وی مهم‌ترین دلیل تفرقه مسلمانان را، تکفیر و فحاشی مذاهب می‌داند و در تمام کتابش با در نظر گرفتن این موضوع، از اهل سنت و اشخاص با تجلیل و یا دست‌کم با پرهیز از بی‌احترامی یاد می‌کند و از تعبیرهایی هم‌چون «برادران اهل سنت، اهل جماعت، جمهور و...» استفاده می‌کند و در موارد بسیاری نیز اشخاص را با ذکر القاب و رحمت یاد می‌نماید. در نتیجه، وی آرای اهل سنت را با استدلال و احترام نقد می‌کند، مگر این‌که فرد با انجام گناه، دروغ‌گویی و اتهام‌های بی‌اساس، برای خودش احترامی باقی نگذاشته باشد. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۱).

دوری و کناره‌گیری اهل سنت از اهل بیت پیامبر ﷺ از عوامل بزرگ تفرقه دانسته شده است. همه مسلمانان به قرآن و سنت پیامبر ارج می‌نهند و آن دو را حجت و مسیر فهم و منبع معرفت اسلامی می‌دانند. اما متأسفانه در کتاب‌های روایی عالمان اهل سنت و جماعت، از اهل بیت پیامبر سخنی به میان نیامده است. به همین دلیل وی می‌گوید: «اهل سنت و جماعت اصول دین خود را از ابوالحسن اشعری و ماتریدی و اذئاب آن دو گرفته‌اند و فروع دین را از فقیهان و امامان مذاهب اربعه. با این‌که نصوص صریح وجود دارد که باید به عترت طاهره مراجعه کرد و به آنان تمسک نمود. این اعراض آنان از امامان و عترت طاهره در اصول و فروع دین و عدم رجوع به آنان در تفسیر قرآن یکی از مشکلات جهان اسلام و یکی از عوامل بزرگ تفرقه است» (موسوی، پیشین، ص ۲۴۹؛ دوانی، پیشین، ص ۳۷۶).

راه کارها و شیوه‌های مختلف مبارزه با اختلافات بی‌اساس در الفصول المهمة

با توجه به این‌که مهم‌ترین علت اختلاف میان شیعه و سنی، تکفیر، تحقیر، اهانت و تعصب جاهلانه است، مؤلف شیوه‌هایی را برای درمان این اختلافات بیان می‌کند:

الف) استدلال

علامه در این اثر تلاش نموده تا در مقابل هرگونه هجمه و افترا و دروغ‌پردازی، با استدلال و منطق بایستد تا روش مناظره را از حالت تعصب و خشونت به منطق و استدلال تبدیل نماید.

ب) آشکار ساختن آثار شوم و زیان‌بار تعصب و تکفیر

وی در فصل نهم پس از ذکر فتوای کتاب «فتوی‌الحامدیه» می‌گوید: «شما را قسم! آیا صاحب این فتوا دانسته است که چه خون‌هایی را از خداپرستان ریخته و چه آزاد زنانی را بی‌آبرو کرده و چه حرمت‌های خدای عزوجل را دریده و چه فرزندان را از مسلمانان برهنه ساخته و چه مال‌های زکات داده شده‌ای را غارت کرده و چه شهرهای آباد با تلاوت قرآن و نماز را ویران نموده و چه جگری از رسول الله ﷺ پاره کرده... و چه عزت و شوکتی از ایشان شکسته است». (موسوی، پیشین، ص ۱۹۷؛ سید علوی، پیشین، ص ۱۹۴).

و در جایی دیگر می‌گوید: «اما اگر اتحاد و اتفاق نباشد و مسلمانان دسته دسته و گروه گروه دشمن یک‌دیگر باشند و به عبث و بیهودگی دل مشغول بدارند و از ترقی و پیشرفت باز بمانند، به طور قطع همانند علف هرزها در مسیر بادها و طوفان‌ها قرار گرفته، ذلیل‌ترین ملت‌ها و فقیرترین و بی‌ناترین مردمان خواهند شد و دست‌خوش امیال هوس‌بازان و طعمه‌ورزان و هدف تیرهای

بدخواهان، و در تنگنای خفت و خواری قرار خواهند گرفت و مدام با مرگ و عوامل زبونی دست و پنجه نرم خواهند کرد و پناهگاهی نخواهند داشت». (موسوی، پیشین، ص ۱۰؛ سید علوی، پیشین، ص ۱۲).

وی هم‌چنین در مقدمه می‌آورد: «ای امت اسلامی! به هوش باشید، به هوش! و از آثار سوء تفرقه و پراکندگی بیمناک شوید و از اختلاف کلمه و جدایی دل‌ها و کین و نفرت از یک‌دیگر بپرهیزید» «و لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵)؛ و مانند کسانی نباشید که پس از رسیدن به دلایل روشن و روشن‌گر به آنها، پراکنده شدند و اختلاف پیشه کردند، و برای اینان عذابی بزرگ است. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و همگی به رشته الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام/۱۵۹) همانا کسانی که دینشان را پراکندند و گروه گروه شدند، تو هرگز از آنها نیستی؛ کار آنها تنها با خداست، آن‌گاه آنان را از عملکردشان آگاه خواهد ساخت.» (پیشین).

در واقع خواست علامه شکستن این تعصب کور موجود در دنیای اسلام است که باعث فرار شیعه و سنی از هم‌دیگر شده است و باورهای هم‌دیگر را به سخره می‌گیرند. او می‌گوید: «مسلمانان! بدانید که ما در عصر علم و دانش زندگی می‌کنیم؛ عصری که ذکاوت و هوشمندی بشر به اوج خود رسیده و برای مردم چشمه‌های حکمت جوشیده و پرده‌های غفلت از جلوی دیدگان کنار رفته است. برق نور، افکار و اندیشه‌ها را روشن کرده و آفتاب فضل و کمال در چهره‌ها درخشیده است، پس چرا نیزه قلم‌ها را راست نمی‌کنند و چرا تیرها را در چله کمان نمی‌گذارند و نشانه نمی‌روند تا جان عصبیت‌ها را بگیرند و آثار زشت آن را محو کنند و وظایف انسانی را فریاد کنند و مشعل انسانی را بالا برند و ندای مدنیت سر دهند و مردم را با خطابه‌هایی که گوش روزگار را پر کند و سخنرانی‌هایی که سنگ‌های سخت را متلاشی کند، به اتحاد و یک‌پارچگی صفوف شیعه و سنی فرا خوانند». (پیشین، ص ۱۰-۱۱؛ سید علوی، پیشین، ص ۱۳-۱۴).

ج) تمجید از سخنان مسالمت‌آمیز و منصفانه بزرگان

وی در فصل ششم کتاب خود فتوای بزرگان اهل سنت را ذکر کرده که همه اهل توحید و شهادتین را مؤمن و اهل نجات می‌داند. هم‌چنین از افرادی چون صاحب الاصابه، اسد الغابه و مصطفی صادق به سبب رعایت اعتدال و انصافشان، قدردانی نموده است. (موسوی، پیشین، ص ۳۴ و ۵۱۹).

سرانجام علامه با ذکر مواردی چون: تذکر به حرمت مؤمنین، جایگاه شیعه در روایات، جایگاه اهل سنت نزد اهل بیت (علیهم‌السلام)، تبرئه شیعیان از عقاید شرک‌آمیز و... راه مبارزه و مقابله با تعصب را نشان داده است. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳).

د) معرفی و شفاف سازی عقاید مذاهب

از علت‌های مهم دوری فرقه‌های اسلامی از یک‌دیگر بدون تردید ناآگاهی افراد نسبت به عقاید دیگر مذاهب و تأکید بر مسائل حاشیه‌ای و جای‌دهی برخی خرافات به جای عقاید اصولی و نیز نسبت‌های نادرست از سوی مخالفین است. بنابر این شناخت و معرفی شفاف و جداسازی مسائل اصلی از پیرایه‌های خرافی، بهترین راه‌حل از سوی بزرگان و مصلحان مذاهب می‌باشد. علامه برای دست‌یابی به این هدف علاوه بر معرفی شیعه سعی کرده هر چیزی که ذهن اهل سنت را نسبت به شیعه مخدوش کرده است، روشن نموده و سره را از ناسره جدا سازد. وی در فصل دهم و یازدهم برای رسیدن به این منظور با رد اتهامات اهل سنت، شیعیان را در رعایت و دقت احکام الهی حریص و تحریف قرآن را بر خلاف و ناسازگار با رأی و مبنای مشهور شیعه دانسته است. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳).

راه کارها و راه‌حل‌های مؤثر در ایجاد اتحاد و تقریب در الفصول المهمة

الف) ارجاع به متون و آموزه‌های دینی

آموزه‌های دینی مسلمانان مؤثرترین عامل در اثبات لزوم وحدت و تقریب می‌باشد. وی با اختصاص فصل اول کتاب خویش به این آموزه‌ها و با برشمردن آیات و روایات صریح، تفرقه و جدایی مذاهب از یک‌دیگر را مخالف آموزه‌ها و دستورات دینی معرفی کرده و اختلاف موجود را ناشی از عدم درک اخلاق اسلامی می‌داند. او با این تمهید سعی می‌کند مسلمانان را به متون اصیل و مشترک بین همه مذاهب بیشتر توجه دهد. (پیشین، ص ۱۳۲).

ب) اثبات ظرفیت مذاهب اسلامی برای ایجاد وحدت و تقریب

وی با دعوت پیروان مذاهب اسلامی به عمیق شدن و دقت در مذهب خود، ایشان را به اصول، ضروریات و ظرفیت‌های آن توجه می‌دهد. علامه بیشترین حجم کتابش را به این موضوع اختصاص داده است که اثبات کند دست برداشتن از اصول و ضروریات مذهب و کوتاه آمدن در راه تقریب و اتحاد لازم نیست و هر مذهب در متن خود مسائلی برای امکان نزدیکی و تقریب دارد.

ج) شناسایی علل اختلاف

بدون تردید مهم‌ترین گام برای زدودن و از بین بردن اختلافات، شناسایی علت‌ها و زمینه‌های اختلاف است، زیرا بدون شناسایی علل اختلاف، از بین بردن اختلاف، با شکست روبه‌رو خواهد شد. (پیشین، ص ۱۳۱-۱۳۲).

آثار و نتایج وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در الفصول المهمة

علامه هر وقت به مسئله هم‌گرایی و وحدت اسلامی پرداخته، آثار آن را نیز بیان کرده است. وی هم‌چنین به آثار اختلاف هم اشاره کرده است. به باور وی در یک جامعه یا وحدت حاکم است یا اختلاف، زیرا اگر وحدت نباشد لاجرم اختلاف وجود دارد. وی در صدد است تا با مطرح کردن دو مقوله اتحاد و اختلاف، افکار دنیای اسلام را متوجه آثار و نتایج این دو نماید، زیرا آشنایی با آثار آنها، یکی از روش‌های مفید ایجاد وحدت اسلامی است. وی بارها تصریح کرده است که برخی از مسلمانان بدان جهت باعث اختلاف می‌شوند که از پیامدهای خانمانسوز اختلاف آگاهی ندارند؛ همان‌گونه که از آثار وحدت بی‌خبرند.

شرف‌الدین عزت‌مندی، استقلال، تمدن، پیشرفت‌های علمی، عمران و آبادانی، برقراری حکومت و... را از آثار وحدت و عقب‌ماندگی، واپس‌گرایی، ذلت، ظلم‌ستیزی و... را از پیامدهای اختلاف می‌داند. در واقع اگر اتحاد و هم‌بستگی میان مسلمانان تحقق یابد، بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی مرتفع می‌گردد و دشمنان اسلام نمی‌توانند سیاست‌هایشان را بر مسلمانان دیکته کنند. (مجموعه مقالات کنگره، ص ۲۲۶) به همین خاطر است که در مقدمه این اثر سترگ درباره نقش و ارزش هم‌بستگی، انسجام، اتحاد، وحدت و هم‌سخنی می‌گوید: «کار آبادانی سامان نیابد و عوامل پیشرفت و ترقی حاصل نشود و روح مدنیت پدید نیاید و ستارگان خوشی و راحتی از برج‌های سعادت طلوع نکنند مگر در پرتو اتحاد و یک‌پارچگی امت اسلام و ما هرگز گردن از یوغ بردگی بیرون نتوانیم برد و به حریت و آزادگی نخواهیم رسید مگر در سایه وحدت کلمه و الفت دل‌ها و یکی شدن باطن‌ها و هماهنگی فکرها و تصمیم‌ها، و گرد آمدن بر محور نوامیس امت اسلامی و بالا بردن کیان ملت مسلمان.

آری، در صورت اتحاد و هماهنگی مسلمانان، زمین سرسبز می‌گردد و از آسمان زر می‌بارد و از دل‌های سرشار از مهر، برادری، عشق و محبت می‌جوشد و هم‌چون چشمه‌ها در دشت‌های وجود و در نهرهای خشکیده جامعه روان می‌گردد، و روح انسانیت و آیین فطری الهی تجدید حیات کرده و همانند مردگانی که از گورها برمی‌خیزند در روی زمین منتشر می‌گردد و عدالت، اطراف جهان را روشن می‌کند و نظام عدل و داد سامان می‌یابد و تمام خلأها و کاستی‌ها پر می‌شود. آری، در صورت به اهتزاز در آمدن پرچم اتحاد و اتفاق، زمامداران مانند پدر مهربان و دلسوز به وضع ملت‌ها می‌رسند و ملت‌ها نیز زمامداران را یاری می‌کنند و آنان را در آبادانی زمین و سرسبز کردن کوی‌های زندگی و رفق و فتق امور و اصلاح مفاسد و ارشاد گمراهان و جهاد با ستم‌گران و یاری ستم‌دیدگان و آموختن بی‌سوادان و تعلیم و آگاه کردن جاهلان مدد می‌رسانند». (سید علوی، پیشین، ص ۱۱-۱۲).

تحمل و شکیبایی در برابر توهین‌ها و افتراات مخالفین برای کسی چون شرف‌الدین که به مکتب اهل بیت عشق می‌ورزد جای تحسین دارد. این ویژگی وی در همه کتابش آشکار است. علامه با این که با موارد گوناگونی از حرکات و اتفاقات غیره منتظره روبه‌رو می‌شود همانند: تهمت‌های ناروا در فصل دهم و تکفیر شیعه در فصل نهم، نقل سکوت دردآور علی علیه السلام در فصل هشتم، عناد بخاری و ابن‌خلدون با اهل بیت علیهم السلام در فصل دوازدهم و... به هیچ‌وجه دست از رفتار منطقی برنمی‌دارد و بی‌توجه به این مسائل ندای وحدت سر می‌دهد. برای مثال وقتی به نقد سخنان ناراحت‌کننده ابن‌خلدون (در فصل دوازدهم، صفحه ۵۱۵) می‌پردازد، بیان می‌کند: «ولی دیگر دوران دشمنی سپری شد و هنگام برادری فرا رسید و وقت آن رسیده که تمام مسلمانان به شهرستان علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآیند و...» حتی وقتی سخنان و اهانت‌های افرادی برایش خیلی سخت می‌شود با بیان عباراتی مثل: «لا حول و لا قوه الا بالله»، «پروردگارا ما را به زشتکاری‌های نادانمان مگیر»، «ای مرگ بیا که زندگی ناپسند است» صبر و شکیبایی نموده و به ارائه پاسخ‌های منطقی می‌پردازد. در کل، ویژگی‌هایی چون: انصاف، اعتدال، بزرگواری و گذشت، و حرکت در مسیر منطق در راستای تقریب، در تدوین فصول کتاب به کار گرفته شده است. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۲).

منابع و مآخذ

- ۱- ابن حزم اندلسی، *الفصل فی الملل و النحل*، دارالصادر، بیروت، ۱۳۱۷ق.
- ۲- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد حنبل*، تحقیق شیخ شعیب الارنوط، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۹۹م.
- ۳- آقابزرگ تهرانی، *التدریعه*، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- ۴- _____، *طبقات اعلام الشیعه؛ نقباء البشر*، دار المرتضی للنشر، مشهد، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- ۵- بهبهانی، مرضیه، *علامه شرف‌الدین عاملی؛ وحدت‌گرای مبارز*، فصلنامه اندیشه تقریب، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹ش.
- ۶- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *شیخ محمود شلتوت طلایه‌دار تقریب*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۷- _____، *هم‌بستگی مذاهب اسلامی: مقالات دارالتقریب*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- ۸- پزشکی، محمد، *اندیشه سیاسی شرف‌الدین*، پژوهشکده علوم و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۷ش.

- ۹- حکیمی، محمدرضا، *شرف‌الدین*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۱۰- دوانی، علی، *اجتهاد در مقابل نص، ترجمه النص و الاجتهاد شرف‌الدین موسوی*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ش.
- ۱۱- ذاکری، محمد اسحاق، *اندیشه‌های تقریبی علامه شرف‌الدین عاملی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۸ش.
- ۱۲- سید علوی، سید ابراهیم، *مباحثی پیرامون وحدت اسلامی*، ترجمه «الفصوص المهمة فی تألیف الامة»، تألیف عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، نشر مطهر، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۱۳- صدر حاج سید جوادی و دیگران، *دایره‌المعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱ش.
- ۱۴- فصلنامه آینه پژوهش، «*معرفی اجمالی کتاب در راه تفاهم مسلمانان*»، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم، اسفند ۱۳۸۳ش.
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ۱۳۶۵ش.
- ۱۶- کنگره بین المللی علامه شرف‌الدین، *مجموعه مقالات کنگره بین المللی علامه شرف‌الدین*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵ش.
- ۱۷- مبارز، محمد قاسم، *بررسی تقریب الامه در الفصول المهمة*، فصلنامه آینه پژوهش، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم، اسفند ۱۳۸۳ش.
- ۱۸- مسلم بن حجاج نیشابوری، *صحیح مسلم به شرح نووی*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱۶، بی تا.
- ۱۹- _____، *صحیح مسلم*، دارالحدیث، قاهره، ج ۴، بی تا.
- ۲۰- موسوی، شرف‌الدین، *الفصول المهمة فی تألیف الامه*، تحقیق عبدالجبار شراره، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.
- ۲۱- ناصف، منصور علی، *التاج الجامع لاصول فی احادیث الرسول ﷺ*، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، معاونه شؤون الاعلام، ۱۴۱۶ق.
- ۲۲- یزدی، محمد، *در راه تفاهم مسلمانان*، ترجمه کتاب الفصول المهمة فی تألیف الامه شرف‌الدین عاملی، مؤسسه علامه، قم.



اخبار فرهنگی

پیام مهم رهبر معظم انقلاب در پی اهانت به قرآن کریم در آمریکا

سایت تقریب - در پی اهانت به قرآن کریم در آمریکا، رهبر معظم انقلاب در پیامی خطاب به ملت ایران و امت بزرگ اسلام، حلقه‌های صهیونیستی درون دولت آمریکا را طراحان اصلی این توطئه مشمئزکننده خواندند و با تشریح اهداف پشت پرده کینه‌توزی‌های صهیونیست‌ها نسبت به اسلام و قرآن تأکید کردند: دولت آمریکا برای اثبات ادعای خود درباره دخالت نداشتن در این توطئه، باید عوامل اصلی این جنایت بزرگ و بازیگران میدانی آن را به گونه‌ای شایسته به مجازات برساند.

متن پیام ولی امر مسلمین جهان به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله العزيز الحكيم: انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون

ملت عزیز ایران - امت بزرگ اسلام!

اهانت جنون‌آمیز و نفرت‌انگیز و مُشمئزکننده به قرآن مجید در کشور آمریکا که در سایه امنیت پلیسی آن کشور اتفاق افتاد حادثه تلخ و بزرگی است که نمی‌توان آن را تنها در حد یک حرکت ابلهانه از سوی چند عنصر بی‌ارزش و مزدور به حساب آورد. این یک اقدام محاسبه شده از سوی مراکزی است که از سال‌ها پیش به این طرف، سیاست اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را در دستور کار خود قرار داده و با صدها شیوه و هزاران ابزار تبلیغاتی و عملیاتی، به مبارزه با اسلام و قرآن پرداخته‌اند. این حلقه دیگری از زنجیره ننگینی است که با خیانت سلمان رشدی مرتد آغاز شد و با حرکت کاریکاتوریست خبیث دانمارکی و ده‌ها فیلم ضد اسلام ساخته شده در هالیوود ادامه یافت و اکنون به این نمایش نفرت‌انگیز رسیده است. پشت صحنه این حرکات شرارت‌بار چیست و کیست؟ مطالعه این روند شرارت که در این سال‌ها با عملیات جنایت‌بار در افغانستان و عراق و فلسطین و لبنان و پاکستان همراه بود، تردیدی باقی نمی‌گذارد که طراحان و اطاق فرمان آن در دستان سران نظام سلطه و اطاق فکرهای صهیونیستی است که از بیشترین نفوذ بر دولت آمریکا و سازمان‌های امنیتی و نظامی آن و نیز بر دولت انگلیس و برخی دولت‌های اروپایی برخوردارند. این‌ها همان کسانی‌اند که پژوهش‌های حقیقت‌یاب مستقل روز به روز بیشتر انگشت اتهام در ماجرای حمله به برج‌ها در ۱۱ سپتامبر را به سوی آنان متوجه میکنند. آن ماجرا بهانه حمله به افغانستان و عراق را به

رئیس جمهور جنایتکار وقت آمریکا داد و او اعلان جنگ صلیبی کرد و همان شخص بنابر گزارشها، دیروز اعلام کرده است که این جنگ صلیبی با ورود کلیسا به صحنه، کامل شد.

هدف از اقدام نفرت‌انگیز اخیر آن است که از سویی مقابله با اسلام و مسلمانان در جامعه مسیحی به سطوح همگانی مردم کشیده شود و با دخالت کلیسا و کشیش، رنگ مذهبی گرفته و پشتوانه‌ای از تعصبات و تعلقات دینی بیابد، و از سوی دیگر ملت‌های مسلمان را که از این جسارت بزرگ به خشم آمده و جریحه‌دار میشوند از مسائل و تحولات دنیای اسلام و خاورمیانه غافل سازد.

این اقدام کینه‌توزانه، نه آغاز یک جریان، بلکه یک مرحله از روند طولانی‌مدت اسلام‌ستیزی به سرکردگی صهیونیسم و رژیم آمریکا است. اینک همه سران استکبار و ائمه‌الکفر در برابر اسلام قرار گرفته‌اند. اسلام، دین آزادی و معنویت انسان، و قرآن کتاب رحمت و حکمت و عدالت است. وظیفه همه آزادیخواهان جهان و همه ادیان ابراهیمی است که در کنار مسلمانان با سیاست پلید اسلام‌ستیزی با این شیوه‌های نفرت‌بار مقابله کنند. سران رژیم آمریکا نمی‌توانند با سخنان فریبنده و میان‌تهی، خود را از اتهام همراهی با این پدیده زشت تبرئه کنند. سالهاست که مقدسات و همه حقوق و حرمت میلیون‌ها مسلمان مظلوم در افغانستان و پاکستان، در عراق و لبنان و فلسطین زیر پا گذاشته شده است. صدها هزار کشته، ده‌ها هزار زن و مرد اسیر و زیر شکنجه، هزاران کودک و زن ربوده شده و میلیون‌ها معلول و آواره و بی‌خانمان، قربانی چه چیزی شده‌اند؟ و با همه این مظلومیت‌ها، چرا در رسانه‌های جهانی غرب، مسلمانان را مظهر خشونت و قرآن و اسلام را خطری برای بشریت وانمود می‌کنند؟ چه کسی باور می‌کند که این توطئه گسترده بدون کمک و دخالت حلقه‌های صهیونیستی درون دولت آمریکا ممکن و عملی است؟!

برادران و خواهران مسلمان در ایران و سراسر جهان! لازم می‌دانم این چند نکته را به همه متذکر گردم:

اولاً: این حادثه و حوادث پیش از آن به روشنی نشان می‌دهد که آن‌چه امروز آماج حمله نظام استکبار جهانی است، اصل اسلام عزیز و قرآن مجید است. صراحت مستکبران در دشمنی با جمهوری اسلامی ناشی از صراحت ایران اسلامی در مقابله با استکبار است و تظاهر آنان به دشمن نبودن با اسلام و دیگر مسلمانان، دروغی بزرگ و فریبی شیطانی است. آنان با اسلام و هر آن‌کس که بدان پای‌بند است و هر آن‌چه نشانه مسلمانان است دشمن‌اند.

ثانیاً: این سلسله کینه‌توزی‌ها با اسلام و مسلمین، ناشی از آن است که از چند دهه پیش تا کنون نور اسلام از همیشه تابنده‌تر و نفوذ آن در دل‌ها در جهان اسلام و حتی در غرب از همیشه بیشتر شده است. ناشی از آن است که امت اسلام از همیشه بیدارتر شده و ملت‌های مسلمان اراده کرده‌اند زنجیرهای دو قرن استعمار و تجاوز مستکبران را پاره کنند. حادثه اهانت به قرآن و پیامبر

عظیم‌الشان ﷺ، با همه تلخی، در دل خود حامل بشارتی بزرگ است؛ خورشید پر فروغ قرآن روزبه‌روز بلندتر و درخشنده‌تر خواهد شد.

ثالثاً: همه باید بدانیم که حادثه اخیر ربطی به کلیسا و مسیحیت ندارد و حرکات عروسکی چند کشیش ابله و مزدور را نباید به پای مسیحیان و مردان دینی آنان نوشت. ما مسلمانان هرگز به عمل مشابهی در مورد مقدسات ادیان دیگر دست نخواهیم زد. نزاع میان مسلمان و مسیحی در سطح عمومی، خواسته دشمنان و طراحان این نمایش دیوانه‌وار است و درس قرآن به ما، در نقطه مقابل آن قرار دارد.

و رابعاً: طرف مطالبه همه مسلمانان، امروز دولت آمریکا و سیاست‌مداران آن‌اند. آن‌ها اگر در ادعای دخالت نداشتن خود صادق‌اند باید عوامل اصلی این جنایت بزرگ و بازیگران میدانی آن را که دل یک و نیم میلیارد مسلمان را به درد آورده‌اند، به گونه‌ای شایسته به مجازات برسانند.

و السلام علی عباد الله الصالحین

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ شهریور/۱۳۸۹»

استقبال گسترده از فتوای مقام معظم رهبری درباره همسران پیامبر ﷺ

سایت شفاف - آیت الله خامنه‌ای با صدور فتوایی توهین به عایشه همسر پیامبر اسلام و هر یک از نمادهای اسلامی اهل تسنن را حرام اعلام کردند. این فتوا، با استقبال گسترده در جهان اسلام روبه‌رو شده است.

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتایی اعلام کردند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام [عایشه] حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیا پیامبر اعظم - حضرت محمد ﷺ - می‌شود.»

آیت الله خامنه‌ای این موضوع را در پاسخ به استفتایی مطرح کردند که در آن خواسته شده بود تا ایشان نظر خود را درباره «اهانت و استفاده از کلمات تحقیرآمیز و توهین به همسر پیامبر اسلام ام‌المؤمنین حضرت عایشه اعلام کنند.»

این درخواست صدور فتوا از سوی جمعی از علما و فرهیختگان شیعه منطقه احساء عربستان سعودی ارائه شد.

استفتا از آیت‌الله خامنه‌ای در پی توهین به عایشه توسط یاسرالحبیب روحانی شیعه کویتی صورت گرفت که با واکنش‌ها و مخالفت‌های بسیاری روبه‌رو شد. در شدیدترین این واکنش‌ها، کابینه کویت، این روحانی را سلب تابعیت کرد. این موضوع باعث شد تا شیعیان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تحت فشارهای شدیدی قرار بگیرند.

خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی اولین رسانه‌ای بود که این فتوا را در بخش عربی خود منتشر کرد.

سازمان تبلیغات اسلامی از جمله نهادهای زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است که رئیس آن نیز به‌طور مستقیم توسط ایشان تعیین می‌شود.

خبرگزاری مهر در بخش عربی خود می‌نویسد: «حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی با صدور فتوایی، توهین به ام‌المؤمنین حضرت عایشه همسر پیامبر اکرم یا نمادها و شخصیت‌های اسلامی اهل سنت را حرام اعلام کردند.»

این خبرگزاری ادامه می‌دهد: «فتوای رهبر انقلاب جدیدترین و بالاترین واکنش در سطح شیعیان در محکومیت توهین شیخ یاسرالحبیب به حضرت عایشه است. ده‌ها نفر از شخصیت‌های دینی شیعه برجسته در عربستان سعودی، ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس توهین و اسائه ادب به حضرت عایشه یا هر یک از همسران پیامبر اسلام را به شدت محکوم کرده‌اند.»

پیش از این حجت‌الاسلام سیدعلی فضل‌الله فرزند ارشد علامه محمدحسین فضل‌الله نیز در گفتوگو با روزنامه کویتی الرای اسائه ادب به عایشه را منع کرده بود.

این خبر در رسانه‌های عربی به ویژه شبکه الجزیره بازتاب زیادی داشت. این شبکه ضمن تکرار این خبر در بخش‌های خبری مختلف، در برنامه «ماوراء الخبر» با حضور کارشناسان به بررسی فتوای رهبری انقلاب و نقش آن در وحدت و نزدیکی میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی پرداخت.

محمد البحرانی خبرنگار الجزیره در تهران نیز در همین باره در گزارشی با نشان دادن جدیدترین کتاب استفتائات آیت‌الله خامنه‌ای فرمود: رهبر ایران بارها بر وحدت میان مذاهب اسلامی تأکید کرده است.

همایش تقریب مذاهب اسلامی در لندن برگزار شد

خبرگزاری تقریب - سرویس فرهنگی: سومین همایش بین‌المللی تقریب و انسجام مذاهب اسلامی دوم آبان‌ماه سال جاری در لندن آغاز به کار کرد.

به گزارش خبرگزاری تقریب، سومین دوره این همایش با عنوان «تقریب مذاهب اسلامی» با هدف «تحکیم وحدت اسلامی» در مقر مرکز اسلامی انگلیس برگزار شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین «عبدالحسین معزی» رئیس مرکز اسلامی انگلیس با اعلام این خبر گفت: امت اسلامی در طول تاریخ شاهد تلاش‌های تفرقه‌افکن بسیاری بوده است و با وجود پیام‌های همیشگی برای حفظ وحدت مسلمانان، عملکرد آنان در برابر این تفرقه‌افکنی‌ها متفاوت بوده و در برابر برخی از این تفرقه‌ها حکیمانه ایستادگی کرده است.

معزی در ادامه خطاب به شرکت‌کنندگان اظهار کرد: برخی دشمنان، خارج از این امت اسلامی، با ابزارهای گوناگون به تهاجم فکری و تشدید تفرقه‌ها در میان صفوف مسلمانان می‌پردازند.

وی افزود: گرچه بیداری اسلامی با وجود تلاش‌های تفرقه‌افکن دشمنان همچنان ادامه دارد، ولی ایستادگی در برابر هجمه‌هایی که وحدت امت اسلامی را هدف قرار داده است، وظیفه شرعی تمام مسلمانان است.

گفتنی است در حاشیه این همایش، نشست رسان‌های با حضور علمای شیعه و سنی عراق برگزار گردید و به سؤالات حاضران درباره تقریب، وحدت و هجمه‌هایی که در عراق برای ایجاد این دو مقوله با آن روبه‌رو هستند، پاسخ داده شد.

شایان ذکر است کنفرانس‌های مشابهی هر ساله در نقاط مختلف جهان از جمله کنفرانس وحدت اسلامی از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب به منظور نزدیک ساختن و انسجام هر چه بیشتر پیروان مذاهب اسلامی در تهران برگزار میشود.

شبکه ماهواره‌ای «وحدت» راه‌اندازی شد

به گزارش شیعه آنلاین، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یک شبکه ماهواره‌ای به نام «وحدت» با موضوع و محوریت «امت اسلامی» راه‌اندازی کرد. دفتر مرکزی این شبکه ماهواره‌ای در کشور عراق است اما بیشتر بودجه‌ها و هزینه‌های مالی آن را جمهوری اسلامی ایران تقبل کرده است.

گفته می‌شود این شبکه ماهواره‌ای قرار است میان شیعیان و اهل سنت مشترک باشد و توسط طرفین اداره شود. سیاست کلی این شبکه ماهواره‌ای میانه‌روی و بی‌طرفی است و قرار شده که برای تقریب میان مذاهب مختلف اسلامی به ویژه پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و اهل تسنن تلاش کند.

در همین راستا حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ محمد علی تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی چند ماه پیش طی اظهاراتی از احتمال راه‌اندازی این شبکه ماهواره‌ای خبر داده و اعلام کرده بود مقدمات راه‌اندازی آن در حال انجام است.

شیخ محمد علی تسخیری در ادامه افزوده بود: قرار است شبکه ماهواره‌ای «وحدت» در ابتدا برنامه‌های خود را فقط به زبان عربی پخش کند و در آینده زبان‌های دیگری نیز به آن افزوده شود، و هم‌چنین مقرر شده که هزینه‌های این شبکه ماهواره‌ای از طریق سرمایه‌گذاری عمومی تأمین شود. گفتنی است علاقمندان می‌توانند برای مشاهده این شبکه ماهواره‌ای به فرکانس ۱۲۰۹۲ عمودی ۲۷۵۰۰، بر روی ماهواره «عرب سات» مراجعه کنند.

نامه علمای سنی و شیعی به رهبری

به گزارش شیعه آنلاین به نقل از مهر، علمای اهل سنت و شیعه سیستان و بلوچستان به مقام معظم رهبری نامه نوشتند.

علمای شیعه و اهل سنت سیستان و بلوچستان طی نامه‌ای ضمن عرض پیام تسلیت به مقام معظم رهبری، حادثه تروریستی مسجد جامع زاهدان را به شدت محکوم کرده و اعلام نمودند به دنبال هتک حرمت مسجد جامع شهر زاهدان و شهادت نمازگزاران بی‌دفاع و مظلوم آن موجی از غم و اندوه جانکاه سراسر ایران اسلامی به ویژه شهر مصیبت‌زده زاهدان را فرا گرفت.

در این نامه آمده است: «گرچه متعصبان کوردل و جاهل کینه‌ای سخت از مردم وحدت‌طلب و سهیم این دیار دارند اما آنان از این اقدام ددمنشانه خود هدفی مهم‌تر را دنبال می‌کردند. آنان امیدوار بودند با وارد کردن یک شوک سنگین بر احساسات مذهبی و عاطفی شهروندان زاهدان و آفرینش یک جنایت بزرگ آتش اختلافات مذهبی و جنگ‌های قومی و فرقه‌ای را که تا کنون در خلق آن ناکام بودند برافروزند، اما باز مردم مؤمن و پاک‌نهاد زاهدان با صبوری و بصیرت بی‌بدیل خود داغ ناکامی دیگری را بر دل‌های ظلمت گرفته ایادی خوار و ذلیل و بی‌مقدار استکبار جهانی و اربابان پلیدشان نشانند».

در ادامه عنوان شده است: «اینک که پیام بسیار مهم و حکیمانه آن رهبر عزیز انتشار یافته است ما مفتخریم مراتب این هوشیاری، تعهد و شعور انقلابی مردم شیعه و سنی این دیار و خبر ناکامی دشمنان انقلاب اسلامی در ایجاد نزاع و تفرقه و دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی در استان سیستان و بلوچستان را به استحضار آن رهبر فرزانه برسانیم و اعلام نماییم که قاطبه اهالی تسنن و تشیع و علمای شیعه و سنی این خطه سرافراز بارها از این اقدامات و اعمال ننگین اعلام انزجار و

برائت کرده و اینک نیز در لیبیک به امر مطاع آن رهبر عزیز مبنی بر افشای اغراض پلید دشمنان در ایجاد و تقویت تروریسم فرقه‌ای اعلام می‌داریم که ساحت مقدس مذاهب اسلامی، اهل فقه و افتای حوزه‌های علوم دینی فریقین از کوچکترین جواز در هتک حرمت مساجد، اماکن و مجامع اسلامی و تعرض به جان و مال مسلمانان منزه است».

در ادامه این نامه آمده است: «ما با قاطعیت تمام و بر اساس وظیفه دینی و تاریخی خود صراحتاً اعلام می‌داریم عملیات انتحاری و تروریستی علیه مسلمانان شیعه و سنی قطعاً حرام شرعی و مستوجب عذاب الهی است و همان‌گونه که حضرت‌عالی در پیام حکیمانه خود اشاره فرموده‌اید پیدایش و رشد تروریسم وحشی و کور از اساس زاییده سیاست خباثت‌آلود آمریکا و انگلیس است».

در پایان این نامه می‌خوانیم: «این‌جانبان به آن رهبر عزیز و فرزانه اطمینان می‌دهیم از هیچ‌گونه اقدام عملی در خنثی نمودن نقشه‌های تفرقه‌افکنانه استکبار جهانی دریغ نداشته و از همه فرصت‌های تبلیغی و فرهنگی و سیاسی برای مقابله جدی و فراگیر با اندیشه‌های جاهلانه و متعصبانه دشمنان اتحاد مسلمین استفاده خواهیم کرد و همواره گوش به فرمان آن رهبر حکیم و فرزانه خواهیم بود».

این نامه به امضای ۳۲ نفر از ائمه جمعه شیعه و ۷۳ نفر از علما و ائمه جماعت اهل تسنن سیستان و بلوچستان رسیده است.

«اتحادیه جهانی علمای مسلمان» هم بیانیه داد

به گزارش شیعه آنلاین به نقل از فارس، در پی درخواست اتحادیه بین‌المللی امت واحده در خصوص موضع‌گیری شفاف علمای اهل سنت در قبال انفجارهای انتحاری اخیر در زاهدان، اتحادیه جهانی علمای مسلمان بیانی‌های در این مورد صادر کرد.

هفته گذشته و در پی حوادث تلخ انتحاری در زاهدان، «اتحادیه بین‌المللی امت واحده(IUUU)» اقدام به ارسال نام‌های خطاب به «اتحادیه جهانی علمای مسلمان» کرد و از این سازمان اسلامی درخواست کرد موضع شفاف خود را در قبال این حادثه اعلام کند.

در پی این درخواست، اتحادیه جهانی علمای مسلمان روز گذشته بیانی‌های تفصیلی در این باره صادر کرد.

در بیانیه مذکور که به امضای دکتر «محمی‌الدین قره‌داغی» دبیر کل این اتحادیه، و هم‌چنین دکتر «یوسف قرضاوی» رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان رسیده است، به بیان دلایل فقهی رد چنین اعمالی پرداخته شده و درباره فتنه‌انگیزی صهیونیسم در این منطقه تذکر داده شده است.

اتحادیه جهانی علمای مسلمان در این بیانیه به خبری که صحت آن قطعی نیست - یعنی آتش زدن بازار اهل سنت توسط شیعیان - نیز اشاره کرده که بر فرض صحت، آن اقدام زشت، هرگز قابل مقایسه با عملیات‌های انتحاری نیست.

در پایان این بیانیه نیز از همه علما و نخبگان و روشن‌فکران جهان اسلام خواسته شده تا به تقویت خط وحدت مسلمانان همت گمارند.

اتحادیه بین‌المللی امت واحده نیز اعلام کرده است که این بیانیه را اقدامی مثبت در جهت نفی افراط‌گری می‌داند و از مسئولان این اتحادیه جهانی تشکر کرده است.

کد خبر: ۱۳۲۱۷ تاریخ انتشار: ۲۱:۵۱ - ۰۶ مرداد ۱۳۸۹

از «مصحف وحدت» رونمایی شد

به گزارش شیعه آنلاین به نقل از ایکن، «مصحف وحدت» که توسط علما، طلاب و دانشجویان اهل تشیع و اهل سنت نگاشته شده، با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، صبح روز شنبه ۲۷ شهریورماه در دانشگاه مذاهب رونمایی شد.

در ابتدای این مراسم که با حضور حجت‌الاسلام قرائتی، حجت‌الاسلام بی‌آزار شیرازی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، زرهانی، قائم مقام و معاونت آموزشی دانشگاه، طلاب اهل سنت و دانشجویان این دانشگاه برگزار شد، «علی معدلی» مدیر محتوایی طرح «شمیم وحدت» ضمن تشریح این طرح قرآنی بیان کرد: طرح «شمیم وحدت» برای نخستین بار در ماه تابستان امسال و هم‌زمان با ماه مبارک رمضان در شش استان مرزی کشور برگزار شد.

وی ادامه داد: این طرح به همت دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشجویان و استادان آن اجرا شد و در طی بیست روز و هر روز سه ساعت، برای ۱۴۰ دانش‌آموز در این استان‌ها مباحثی چون تفسیر، تدبیر در قرآن کریم با محوریت سوره‌های واقعه، لقمان، صف، حجرات و تغابن مطرح شد. این مصحف قرآن کریم در طول طرح شمیم وحدت که از اول تا بیستم ماه مبارک رمضان برگزار شد، توسط ۴۷۵ نفر از علمای تشیع و اهل سنت در مدت یک روز کتابت شد و هر یک از این علما یک صفحه از «مصحف وحدت» را به نگارش در آوردند و از سوی علما و ائمه جمعه به تأیید رسید.

معدلی یادآور شد: از دانشجویان دانشگاه مذاهب در هر شهرستان سه نفر به آموزش قرآنی این مباحث پرداختند که در نهایت از هر شهرستان شش نفر از دانشجویان برگزیده شدند و به مدت پنج روز از پنج شنبه، ۲۵ شهریور ماه تا دوشنبه، ۲۹ شهریورماه در دوره پایانی که در تهران برگزار شد شرکت کردند.

در ادامه رونمایی از این مصحف شریف، حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی، ضمن محکومیت اهانت به ساحت مقدس قرآن کریم بیان کرد: چیزی که ذاتاً دارای ارزش و کرامت باشد با اهانت عده‌های جاهل از ارزش آن کاسته نمی‌شود.

وی خاطرنشان کرد: دشمنان اسلام همواره برای ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی بودجه‌های زیادی صرف می‌کنند و نقشه‌های مختلفی طراحی می‌کنند اما این اقدام آنها تمام آن نقشه‌ها را خنثی کرد، زیرا باعث وحدت مسلمانان در موضع‌گیری نسبت به آنان شد و دروغین بودن ادعاهای دموکراسی و آزادی بیان از سوی آنان را ثابت کرد.

وی توضیح داد: از دیگر نتایجی که این اهانت به قرآن کریم در پی داشت، این بود که بصیرت و غیرت اسلامی نسبت به مقدسات را در بین مسلمانان زیاد کرد. بارها مشاهده می‌شود که هرگاه در جوامع غربی توهینی نسبت به مقدسات اسلامی صورت می‌گیرد، میزان توجه به اسلام و گرایش به این دین بیشتر می‌شود.

تشریف یک زن یهودی مقیم فلسطین به اسلام

یک زن یهودی اسرائیلی که اصالت روسی دارد با تشریف به اسلام، محجبه شده و اعلام کرده است که یکی از آرزوهای وی، اقامه نماز در مسجدالاقصی است.

به گزارش فارس به نقل از روزنامه «فلسطین»، یک زن جوان یهودی اسرائیلی که اصالت روسی دارد اعلام کرد که پس از علاقه‌مند شدن به دین اسلام، مسلمان شده است.

این زن یهودی ۳۴ ساله صاحب دو فرزند و ساکن فلسطین اشغالی است و اعلام کرده است که به اراده خود و بدون فشار خارجی وارد دین اسلام شده است و به اختیار خود حجاب اختیار کرده است.

این زن یهودی نام «صابرینا»ی خود را پس از اسلام آوردن به «یاسمینا» تغییر داد و اعلام کرد که یکی از آرزوهای او اقامه نماز در مسجدالاقصی است.

«امیر عاصی» استاد و مشاور امور عربی در منطقه اشغالی «کفربر» که دو سال است خانواده یاسمینا را همراهی می‌کند در این باره اعلام کرد که وی به شدت تحت تأثیر اراده این زن و علاقه وی به قوانین اسلامی و استماع قرآن کریم قرار گرفته است.

عاصی افزود که وی به طور رسمی در مراسم اعلام ورود این زن به دین اسلام در دادگاه یافا مقابل قاضی شیخ محمد زبده حضور داشته است.

طرفداران ساخت مسجد در منهتن

جام جم: گروهی از اعضای خانواده‌های قربانیان حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر به طرفداری از ساخته شدن مسجدی در نزدیکی مرکز سابق تجارت جهانی در منهتن نیویورک دست به راهپیمایی زدند.

طلعت همدانی پزشک که پسر ۲۳ ساله‌اش را در واقعه یازدهم سپتامبر از دست داده بود گفت: من از ساخته شدن مرکز اسلامی و مسجد حمایت می‌کنم، این موضوع بیشتر مربوط به ایستادگی برای حفظ حقوق بشر از جمله آزادی مذهب است. وی افزود: در جمع نزدیک به سه هزار نفری که در آن واقعه در سال ۲۰۰۱ کشته شدند، بیش از سی فرد مسلمان هم وجود داشت.

سوزان لامر مدیر گروه دیده‌بان «جنبش متداول» در شعبه نیویورک گفت: گروه ائتلافی جدیدی متشکل از اعضای ۴۰ سازمان مدنی و مذهبی تشکیل شده که یک‌دیگر را از جریان مطلع کردند، زیرا این‌گونه احساس می‌شود که اتفاقی بسیار منفی در حال رخ دادن است. وی افزود: این جنجال‌ها توسط سیاست‌مداران غیرمسئولی که از موضوع مسجد برای برنده شدن در انتخابات سوء استفاده می‌کنند، آغاز شد.

لامر تصریح کرد: از جمع این سیاست‌مداران غیرمسئول می‌توان از نیوت گینگریچ جمهوری‌خواه رییس سابق مجلس نمایندگان و هری رید رهبر اکثریت دموکرات در سنای آمریکا نام برد. اعضای گروه ائتلافی در نظر دارند با مقامات آمریکا تماس گرفته و از آنان درخواست کنند از طرح ساخته شدن مسجد به عنوان بازتابی از آزادی و گوناگونی مذهب حمایت کنند و افزون بر آن کلیشه‌های خام را که به وحشت و تفرقه میان مردم منجر می‌شود، نفی نمایند. هم‌چنین قرار است گروه ائتلافی در دهم سپتامبر به منظور گرامی‌داشت خاطره واقعه سال ۲۰۰۱ در مکان مرکز سابق تجارت جهانی در منهتن گرد آمده و شمع روشن کنند. لامر گفت: مخالفت کردن با ساخت مرکزی اسلامی به منزله حرکت در یک سراسیمگی لغزنده است.

خاخام آرتور واسکو رییس مرکز شالوم نیویورک هم گفت: پروژه ساخت مسجد در منهتن نمای اسلام حامی صلح را به مردم جهان نشان می‌دهد. وی در برابر صد‌ها نفر از مردمی که امروز در برابر ساختمان شهرداری نیویورک جمع شده بودند افزود: این کار صحیح و عاقلانه است که چنین مکانی احداث شود. طرح ساخت مسجد در محله منهتن مورد سوءاستفاده گروه‌های ضد اسلامی و هم‌چنین محافل نزدیک به لابی صهیونیستی آمریکا قرار گرفته است. رییس جمهوری آمریکا نیز قانونی بودن ساخت این مکان مذهبی را تأیید کرده است.

برگزاری اولین نشست مالی اسلامی در قطر

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا) به نقل از (cibafi)، هدف از برگزاری این نشست بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی صنعت مالی اسلامی می‌باشد.

هم‌چنین قرار است در این نشست قابلیت صنعت مالی اسلامی به عنوان یک جای‌گزین موفق برای صنعت مالی سنتی جهان و تقویت همکاری بین مؤسسات مالی اسلامی با هدف ایجاد بازار رقابتی در بین آنها در شرایط جهانی شدن بررسی گردد.

این کنفرانس شامل چهار محور است: عنوان محور اول «اقتصاد اسلامی و اقتصاد کشورهای اسلامی»؛ عنوان محور دوم «صنعت مالی اسلامی و تحولات اقتصاد جهانی»، عنوان محور سوم «مؤسسات مالی اسلامی و چالش‌های حکومتی» و عنوان محور چهارم «صنعت مالی اسلامی و مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی» می‌باشد.

این نشست به همت شرکت مشاوره سرمایه‌گذاری کویت و با حضور بانک‌داران و سرمایه‌گذاران صنعت بانکی از خاورمیانه و سراسر جهان برگزار می‌شود.

ششمین همایش بین‌المللی اتحاد دانشجویان جهان اسلام آغاز شد

ششمین گردهمایی اتحاد دانشجویان جهان اسلام با حضور دبیران تشکل‌های دانشجویی بیش از بیست کشور اسلامی، در محل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تهران آغاز به کار کرد. به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا) به نقل از واحد مرکزی خیر، در این گردهمایی بین‌المللی که با شعار «اتحاد، مقاومت، جهان بدون صهیونیست» آغاز شد، رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی کشورهای شرکت‌کننده، سخنرانی کردند.

«بررسی راهکارهای عملی شکست محاصره غزه و مهم‌ترین نقاط ضعف و آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی» و «راهکارهای نظری و عملی برای بیداری و آگاهی مسلمانان در مورد چپاول و سلطه‌گری صهیونیست‌ها در مناطق مختلف جهان» عناوین دو کمیسیون تخصصی این گردهمایی بین‌المللی بود.

نمایندگان تشکل‌های دانشجویی کشورهای فلسطین، لبنان، ترکیه، چاد، اندونزی، قرقیزستان، زیمبابوه، مالی، هند، سودان، کامرون، غنا، عراق، الجزایر، ساحل عاج و نیجریه از جمله شرکت‌کنندگان در ششمین گردهمایی اتحاد دانشجویان جهان اسلام بودند.

دومین کنفرانس بین‌المللی فقه اسلامی در سودان برگزار شد

دومین کنفرانس بین‌المللی فقه اسلامی با حضور جواد ترک‌آبادی سفیر و حجت الاسلام والمسلمین سید حامد ملکوتی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به ریاست رئیس جمهور سودان برگزار شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در این کنفرانس بیش از سیصد نفر از اندیشمندان، صاحب‌نظران و استادان از کشورهای مختلف شرکت داشتند و محور اصلی دومین کنفرانس «بررسی مسائل زندگی معاصر بشری در سایه احکام شرعی» بود.

در این کنفرانس عمر البشیر، رئیس جمهور سودان در سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه این کنفرانس بر اجرای دقیق احکام شرعی در همه امور اجتماعی تأکید نمود.

وی احکام شرعی را چارچوب همه فعالیت‌های بشری دانست و افزود تا زمانیکه انسانها مقید به قواعد و احکام شرعی باشند مشکلی نخواهند شد.

وی از مردم فلسطین و مظلومین محاصره شده غزه یاد کرد و بر حمایت و کمک همه کشورها و ملت‌های آزاد و اسلامی از مقاومت ملت مظلوم فلسطین و شکستن محاصره غزه تأکید نمود.

وی در پایان از همه علما و اندیشمندان و صاحبان فکر و اندیشه تشکر نمود و آمادگی و علاقه خود را برای حمایت همه جانبه از اهداف این کنفرانس اعلام نمود.

این کنفرانس به مدت سه روز از تاریخ اول تا سوم تیرماه مطابق با ۲۴ تا ۲۶ ژوئن در شهر خارطوم، پایتخت سودان برگزار شد و در آن سی مقاله از علما و استادان داخلی و خارجی در موضوعات مختلف به بحث و بررسی گذاشته شد.

کنفرانس علمی فقه اسلامی با ارائه چهارده پیشنهاد در بیانیه اختتامیه به کار خود پایان داد. موضوعات مختلفی در این کنفرانس مطرح شد، از جمله: برنامه‌های تربیتی، موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوق بشر از دیدگاه فقه اسلامی.

بانک توسعه اسلامی برنده جایزه بهترین منتشر کننده صکوک

بانک توسعه اسلامی دو جایزه از کنفرانس صکوک ۲۰۱۰ لندن و مجله آست (asset) هنگ کنگ برای صدور صکوک دریافت کرد.

به گزارش خبرگزاری تقریب به نقل از خبرگزاری عربستان (واس)، بانک توسعه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی جایزه کنفرانس صکوک ۲۰۱۰ لندن را به دست آورد.

این جایزه، پس از ارزیابی صکوک که این بانک به مبلغ ۸۵۰ میلیون دلار منتشر کرده است و طی مراسمی ویژه در شهر لندن به «عبدالعزیز الهنایی» معاون بانک توسعه اسلامی اعطا شد.

هم‌چنین بانک توسعه اسلامی موفق شد دومین جایزه خود در سال جاری را دریافت کند. هیئت تحریریه مجله Asset Magazine هنگ‌کنگ به خاطر انتشار صکوک به ارزش دویست میلیون دلار در سنگاپور این جایزه را به بانک توسعه اسلامی اعطا کرد.

این جایزه قرار است در مراسمی در کوالالامپور مالزی به بانک توسعه اسلامی اعطا شود.

تأکید رئیس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور بر:

مشارکت حد اکثری جامعه اهل سنت شمال کشور

خبرگزاری تقریب - تأمین منافع ملی که در عرصه‌های مختلف به آن می‌پردازیم در واقع درگرو حفظ وحدت ملی است و همه باید به این مسئله (وحدت ملی) بپردازیم.

حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل عامری رئیس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور در نشست هم‌اندیشی مدیران و مدرسین علوم دینی اهل سنت استان‌های گلستان و گیلان در گرگان با بیان این مطلب، افزود: همگی باید در چارچوب منویات و فرمایشات مقام معظم رهبری، نظام و حکومت اسلامی به وحدت ملی برسیم.

وی ادامه داد: سیاست کاری و برنامه‌های ما با رویکرد خاص و مبتنی بر مشارکت حداکثری در استان است و ما خود را در این مرکز خادم و خدمتگزار جامعه اهل سنت شمال کشور می‌دانیم.

وی تصریح کرد: در این چارچوب نیز ابتدا اتاق فکری در استان تشکیل دادیم و صاحب‌نظران، مورخان و علما و فضلاء اهل سنت را گرد هم آوردیم و در راستای امور مربوط به اهل سنت استان، از آنان کمک گرفتیم.

وی خاطرنشان کرد: تنظیم سند سیاست‌ها و برنامه‌های پنج ساله با این رویکرد که امور اهل سنت توسط خودشان در جایگاه‌های مختلف برگزار شود، از برنامه‌هایی بوده که توسط مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور برای اهل سنت انجام شده است.

عامری در ادامه گفت: در چارچوب برگزاری همایش‌ها و جلسات مختلف سعی شده از علما و روحانیون و فرهیختگان اهل سنت به نحو احسن استفاده فکری شود.

رئیس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور افزود: ما این کارها را خدمت به اسلام و نظام می‌دانیم و این قبیل امور، فرد، شخص، قوم و مذهب نمی‌شناسد و حد و حدود جغرافیایی برای آن پیش‌بینی نشده است.

به گفته عامری، امروز حوزه‌های علمیه اهل سنت در استان گلستان و سراسر کشور، وظیفه خطیری را برعهده دارند و باید با توجه به شرایط روز جهانی، برای برطرف کردن نیازها و خواسته‌ها تلاش بیشتری کنند و در این راه برای ترویج اسلام وظایف بزرگی دارند. وی اظهار داشت: در واقع برای رسیدن به مقصود و هدف به وحدت نیاز می‌باشد که همه باید برای رسیدن به آن تلاش و کوشش مضاعفی داشته باشیم.

وی در پایان گفت: نماینده معزز ولی فقیه در استان گلستان و امام جمعه گرگان در واقع منادی وحدت استان از بعد پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون بوده و نقش بسزایی در این جهت و تقویت علاقه‌مندی به جامعه اهل سنت استان داشته است.

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت هتک حرمت قرآن کریم

«بار دیگر جیره‌خواران رژیم صهیونیستی و عوامل استکبار جهانی با اقدام موهن و ضد انسانی به اسلام و کتاب آسمانی قرآن کریم، به بهانه سالگرد حادثه مشکوک یازدهم سپتامبر چهره ضد بشری و ضد اسلامی خود را نشان دادند که نشان از روند رو به انحطاط و اضمحلال شیطان بزرگ است که در مقابل اسلام و تفکر نورانی قرآن به استیصال رسیده‌اند و بدون شک برای ایجاد شکاف و اختلاف میان پیروان ادیان الهی طراحی و اجرا شده است.

در پشت پرده این گستاخی و قبیح، مقاصد شوم عوامل صهیونیسم بین‌الملل و اسلام‌ستیز برای بازداشتن موج بیداری اسلامی و استکبارستیزی مسلمانان و جهانی شدن شعار تکبیر و عدالت و نفی تبعیضات و به نام آزادی بیان و عقیده، قرآن کریم را مورد هجوم قرار دادند تا خود ترویج کننده ترور و اعمال تروریستی و مخالف حقوق بشر باشند.

امروزه دشمنان اسلام می‌دانند که تنها راه علاج جامعه بشری گفت‌وگوی منطقی و همکاری بین پیروان ادیان است، به دنبال ایجاد تقابل میان اسلام و مسیحیت هستند. دنیای اسلام باید در مقابل این اهانت‌ها بایستد نه به صورت مقابله مسلمین و مسیحیون، بلکه مسلمانان باید امروز بیش‌تر از گذشته به تبیین چهره انسانی دین اسلام در دنیا بپردازند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با محکوم کردن حرکت‌های اسلام‌ستیزانه غربی‌ها و رفتارهای وقیحانه آنان، این اهانت را که موجب خشم و خروش جهان بشریت آزادمنش به ویژه یک

و نیم میلیارد مسلمان در سراسر جهان گردیده، محکوم کرده و اعلام می‌دارد که موفقیت‌های بزرگ مسلمانان زنگ خطری برای استکبار به صدا در آورده که آینده آن نابودی رژیم‌های سلطه و اسرائیل جنایت کار خواهد بود و امید است همه مسلمانان و حق‌طلبان جهان با حفظ وحدت و هم‌بستگی و هوشیاری این توطئه‌ها را خنثی کنند».

بیانیه مجمع جهانی صلح اسلامی در محکومیت سوزاندن قرآن کریم

مجمع جهانی صلح اسلامی در بیانیه‌ای این اقدام جنایت‌کارانه و ناقض حقوق بشر را که احساسات مسلمانان را جریحه دار کرده است محکوم کرد. به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، در این بیانیه آمده است:

دوران معاصر، عصر قربانی شدن بشریت و حقوق راستین ملت‌ها در پهنه سیاست‌زدگی نظام بین‌المللی و سیطره قدرتهای استعماری است. در این شرایط، هر لحظه بیش از پیش برای افکار عمومی جهان آشکار می‌شود که «حقوق بشر» ادعایی تنها ملعبه‌ای برای اعمال فشارها و سیاسی‌کاری‌ها علیه ملت‌ها است.

آتش زدن قرآن کریم، تهدید، تحریک و تشویق به انجام آن، جلوه‌ای از سناریوهای جدید آمریکا و به منزله اعلام جنگ علیه ادیان الهی است. بی‌تفاوتی و عدم پیش‌گیری قاطع و مؤثر دولت اوپاما در برابر این اقدامات آن هم در شرایطی که از فراخوان ضدبشری یکی از کشیش‌های افراطی اطلاع کامل داشته است، انتظارات همه مسلمانان را بی‌پاسخ گذاشته و کماکان جهان اسلام در انتظار محاکمه و مجازات مرتکبین این اقدامات است. آتش زدن قرآن کریم و دیگر کتاب‌های آسمانی، نقض جدی و فاحش موازین حقوق بشر از جمله مواد ۱۹ و ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم‌چنین ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی است و محکوم است. بدین ترتیب، سیاست یک بام و دو هوای آمریکا در عرصه حقوق بشر بار دیگر آشکار شد. وقوع این اقدامات ناقض حقوق بشر، مایه روسیاهی آمریکا و رو شدن دست این مدعیان دروغین حمایت از حقوق بشر است.

مجمع جهانی صلح اسلامی اعتقاد راسخ دارد که احترام به ادیان توحیدی و فرهنگ‌های ملل، از مؤلفه‌های کلیدی تفاهم و گفت‌وگو در جهان معاصر است و امروزه بیش از هر زمان دیگری، این نیاز احساس می‌شود. توهین به ادیان الهی به بهانه‌های واهی که بخشی از سناریو اسلام‌ستیزی و ایجاد کشمکش میان پیروان ادیان توحیدی است، نیازمند بازشناسی، پی‌جویی و علت‌یابی است. تشویق مردم به تخریب و تحریک کتاب آسمانی ملت مسلمان که قریب دو میلیارد نفر از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، نه تنها توهین به این پیروان است بلکه زنگ خطری علیه سایر ادیان الهی نیز هست.

احترام متقابل میان ادیان الهی، آموزه‌ای مشترک در همه این ادیان و به منزله احکام تکلیفی و واجب عینی است. کسانی که به این قبیل اقدامات روی آورده‌اند، هر چند عنوان کشیش یا غیر آن

داشته باشند، ناآگاه از حقیقت شریعت و یا قاصد و عامد به غرض‌ورزی و ایجاد نفاق بوده‌اند و باید افکار عمومی و احساسات ملت‌ها از این تحریرات مصون بماند.

مجمع جهانی صلح اسلامی این اقدام جنایت‌کارانه و ناقض حقوق بشریت را که موجب جریحه‌دار شدن احساسات جهان اسلام شده است، قاطعانه محکوم می‌کند و:

۱- از همه ملت‌های مسلمان از جمله سازمان کنفرانس اسلامی می‌خواهد به منظور تعقیب و مجازات عاملان این جنایت، «کمیته‌ای بین‌المللی» را تشکیل دهد؛

۲- از همه کشورهای اسلامی و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد بازداشت و استرداد مجرمین مذکور را درخواست نموده، آنها را در محاکم شرعی و وفق موازین عادلانه و جهانی محاکمه نمایند.

۳- از سازمان ملل متحد قاطعانه می‌خواهیم ضمن بررسی راه‌کارهای حمایت از حقوق پیروان ادیان توحیدی و تعهد دولت‌ها به پیش‌گیری از هتک حرمت کتاب‌های آسمانی، برای پاسداشت صلح امینت جهانی اقدامات مقتضی را در این خصوص به عمل آورد و دولت آمریکا را برای به مخاطره انداختن صلح و امنیت جهانی مورد سؤال و پی‌گیری قانونی قرار دهد؛

۴- از سازمان کنفرانس اسلامی می‌خواهیم این موضوع را مورد بررسی جدی و سریع قرار داده و تعقیب بین‌المللی این جنایات را پی‌گیری نماید؛

۵- از همه اندیشمندان و علمای ادیان الهی می‌خواهد برای حراست و پاسداشت ادیان خود به پا خیزند و با وحدت به این توطئه ضد دینی پاسخی کوبنده دهند.

مجمع جهانی صلح اسلامی نسبت به تکرار این قبیل اقدامات ضدبشری هشدار می‌دهد و پیش‌گیری از آنها را ضرورتی حیاتی برای تأمین صلح و امنیت عادلانه بشری می‌داند. بدیهی است تعهد و مسئولیت ویژه در این خصوص بر عهده همه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی خواهد بود.

مجمع جهانی صلح اسلامی

ایران - تهران

۲۳ شهریور ۱۳۸۹»

مراسم گرامی‌داشت «گذشت ۱۴ قرن از نزول قرآن» در استانبول برگزار شد

مراسم گرامی‌داشت " گذشت ۱۴۰۰ سال میلادی از نزول قرآن" به همت مرکز پژوهش‌های تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی (اریسکا) با حضور رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه، آیت‌الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اکمال‌الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، دکتر خالد ارن مدیرکل اریسکا و علی باردادک اوغلو رئیس سازمان امور دیانت ترکیه، ۱۳ و ۱۴ شهریورماه امسال در استانبول برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، این مراسم با نظارت رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه و در راستای اجرایی‌کردن تصمیم شورای وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سیوهفتمین نشست این شورا در تاجیکستان برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه، رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه با اشاره به نزول قرآن کریم در مکه مکرمه و قرائت خوب آن در قاهره و کتابت آن در استانبول، این شهر را شهر قرآن نامید. نخست‌وزیر ترکیه افزود: متأسفانه کشورهای اسلامی درگیر فقر و تروریسم هستند که این مسئله با روح قرآن سازگاری ندارد.

وی در پایان، جهان اسلام را برای کمک به سیلزدگان پاکستانی فراخواند.

آیت‌الله تسخیری دبیرکل مجمع در این مراسم با بیان آیاتی از قرآن کریم درباره شب قدر گفت: قدر با سرنوشت بشریت و امت اسلامی در ارتباط است. وی با تأکید بر اهداف خلق جهان و این که مسیر انسانیت دارای یک مسیر واحدی است، افزود: قرآن آینده حکومت را از آن صالحان و متقیان میدانند. دبیرکل مجمع با بیان حرکت بشریت به سوی حکومت حضرت مهدی (عج) از تمامی مسئولان کشورهای اسلامی خواست تا با آگاهیدادن به توده‌ها و امید به آینده قرآنی، بشریت را زنده نگه دارند.

در ادامه، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی اظهار داشت: با شناخت آموزه‌های قرآن کریم این نکته مشخص می‌شود که این کتاب آسمانی پیشگام و پیشرو در شناخت و احترام به حقوق بشر است. در پایان شرکت‌کنندگان در این مراسم که چندین وزیر از کشورهای فلسطین، ترکیه، بنگلادش، سودان، موریتانی، مفتیان کشورهای اسلامی، نمایندگان اقلیت‌های مسلمان در روسیه، بلغارستان، یونان، مقدونیه، آلبانی و رومانی بودند، بر احیای تعالیم قرآن کریم و توجه به ارزش‌های قرآن تأکید کردند.

بیست و چهارمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی با عنوان

راه‌کارهای اندیشه‌آی و کاربردی تحقق تقریب مذاهب اسلامی

الف: راه‌کارهای اندیشه‌ای

۱- تعمیق آیین «میان‌گرایی» در برداشت از شریعت؛

۲- رعایت فقه اولویت‌ها و شناخت فرجام فقهی احکام و مراعات شرایط عینی - واقعی به هنگام صدور فتوا و احکام عملی؛

۳- رعایت اهداف و آماج‌های قطعی شریعت و ویژگی‌های عمومی اسلام؛

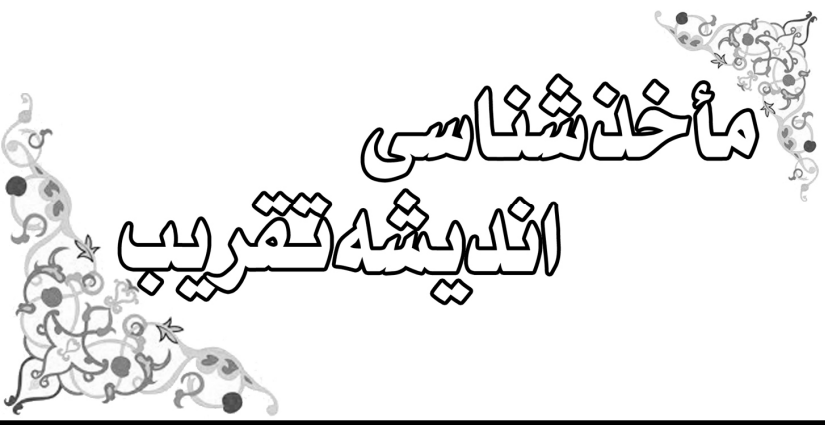
۴- احیای علم مقارن یا علم الخلاف؛

۵- اهتمام به روند اجتهاد گروهی؛
 ۶- توجه به فقه نظریه‌ای همه‌جانبه که با استنباط‌های جزئی تفاوت دارد؛
 ۷- تحکیم مبانی و ارزش‌های تقریب در مطالعات و بررسی‌های مختلف.
 ب: راه‌کارهای کاربردی
 ۱- اشاعه منطق گفت‌وگو بین مسلمانان با معیارهای قرآنی؛
 ۲- آگاه‌سازی نخبگان و توده‌های مردم در ایجاد فرهنگ «تقریب» و اشاعه روحیه الفت و برادری و محبت میان قشرهای امت؛
 ۳- کوشش‌های مشترک و پی‌گیر در جهت اتخاذ مواضع یگانه و متحد در برابر مسایل سرنوشت‌سازی چون:
 الف: اجرای شریعت اسلامی؛
 ب: رویارویی با چالش‌های بزرگ؛
 ج: مقدم دانستن مصلحت و منافع عمومی بر مصلحت‌های خاص.
 ۴- تشویق تأسیس نهادها و مؤسسات «تقریبی» و وحدت‌طلب در همه ابعاد تبلیغی، اجتماعی و تربیتی در همه جا؛
 ۵- تشویق به انجام مطالعات «تقریبی» دانشگاهی از راه گشایش کرسی‌های مختلف دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دانشگاهی مرتبط و گسترش مبادله اطلاعات در حوزه‌های تخصصی؛
 ۶- کنترل روند صدور فتوا و اختصاص آن به مجتهدین بزرگ؛
 ۷- ارجاع موارد اختلافی جزئی و تخصصی به نشست‌های علمی و عدم طرح آنها در رسانه‌های گروهی.
 قابل توجه: مقالات ارسالی خود را در برنامه word و در چارچوب موضوع و محورهای کنفرانس با رعایت اصول علمی - پژوهشی، حداکثر تا تاریخ اول دی‌ماه ۱۳۸۹ به نشانی پست الکترونیکی ذیل ارسال فرمایید: Bainalmelal@yahoo.com
 تلفن: ۸۸۳۲۱۶۱۸ - ۸۸۳۲۴۵۴۱ فاکس: ۸۸۳۲۱۶۱۶ - ۸۸۳۲۴۵۴۱
 دبیرخانه هیأت علمی



مآخذشناسی

النیسه تقریب



مأخذشناسی اندیشه تقرب

سلمان حبیبی

أ آثار منتشر شده توسط مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی

مجتمعنا فی فکر و تراث الشہید السید محمد باقر الصدر
منذر الحکیم، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقرب مذاهب
اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۵۲۴ صفحه، وزیری.

تحقیقی درباره ابعاد مختلف اجتماعی اسلام از دیدگاه شهید سید
محمد باقر صدر به عنوان یکی از متفکران اسلامی طرفدار تقرب بین
مذاهب اسلامی است. در این پژوهش نخست مقدمه‌ای از آیت‌الله
محمدعلی تسخیری درباره شخصیت فکری آیت‌الله سید محمدباقر صدر
و عمق دقت نظر ایشان در مسایل مختلف اسلامی به ویژه مباحث

اجتماعی و تربیتی ارایه شده است. آن‌گاه به مکتب فکری شهید صدر و تأسیس برخی از ابداعات
فکری در عرصه‌های فقهی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توسط وی و شخصیت منحصر به فرد
اخلاقی، عبادی و علمی او پرداخته شده و پس از آن دیدگاه‌های شهید صدر در مورد ابعاد اجتماعی،
آموزه‌های قرآنی و اسلامی منعکس گردیده است. نگارنده نخست برخی از اصطلاحات علمی در
مورد اجتماع و جامعه و مقولات و مؤلفه‌های آن را معنا کرده و سپس نظام اجتماعی و دیدگاه‌های
وی در مورد خصوصیات نظام اجتماعی مطلوب در اسلام را تجزیه و تحلیل نموده است.

در ادامه، نویسنده به مشکلات اجتماعی بشر امروزی و علت به وجود آمدن این مشکلات اشاره
کرده و شروط تأمین مصالح اجتماعی را در ضمن چند پیشنهاد مطرح نموده است. در همین راستا
نگارنده به چگونگی پیدایش جوامع بشری از منظر قرآن کریم و سنت‌های اجتماعی حاکم بر بشر از
این منظر پرداخته و تغییرات اجتماعی و فراز و نشیب‌های جوامع بشری را بررسی نموده است. وی
دیدگاه‌های شهید صدر را در مورد روابط اجتماعی، سنت‌های اجتماعی و ایجاد تحول در جوامع
انسانی مورد کنکاش قرار داده و مبانی علمی تغییرات اجتماعی و سنت‌های حاکم بر جامعه را از

منظر ایشان به بحث گذاشته و تحلیل‌های قرآنی شهید صدر در مورد انحرافات اجتماعی، سنت‌های تاریخی، عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام گذشته و بیان منظومه‌ای از سنت‌های اجتماعی موجود در قرآن، نقش دین در ایجاد تغییرات اجتماعی و حیات دادن به یک امت و ابعاد نظریه اجتماعی قرآن مانند: خلافت الهی انسان، اصول تشریح اسلامی و حکومت جهانی مهدوی تبیین نموده است.

ماضی مرجعیت‌الشیعیة و حاضرها

محمد علی تسخیری، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۲۴۰ صفحه وزیری.

مروری بر وضعیت مرجعیت شیعه امامیه از گذشته تا زمان حاضر است. در این نوشتار ابتدا به بحث درباره مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ که همه امت اسلامی بر آن اتفاق دارند پرداخته شده و مرجعیت علمی ایشان از منظر قرآن و سنت بررسی گردیده است. آن‌گاه منزلت علمی و سیره اهل بیت ﷺ که در مناظره‌ها از خود بروز داده‌اند

به تصویر کشیده شده و دستاوردهای علمی اهل بیت ﷺ و تدبیر آنان برای مصالح امت اسلامی تبیین گردیده است. نگارنده، اهل بیت ﷺ را تربیت‌کننده نفوس انسان‌ها معرفی کرده و روش آنان را در تربیت افراد جهت تبدیل شدن به انسان کامل ترسیم نموده است.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به گوشه‌هایی از حیات علمی امام صادق ﷺ و نقش ایشان در ایجاد مذهب فقه جعفری پرداخته و اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی دوران حیات ایشان را که مسلمانان در اوج انحرافات فکری و عقیدتی به سر می‌بردند بررسی نموده و رویارویی آن امام با این حجم گسترده از انحرافات فکری و تربیت انسان‌های دانشمند در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی را تبیین کرده است. در همین راستا نگارنده به مقابله امام صادق ﷺ و شاگردان وی با ملحدین و مشککین در دین اسلام و نیز تأسیس یک مکتب تربیتی و اخلاقی و گسترش اخلاق و معنویات در جامعه اسلامی توسط ایشان اشاره نموده است.

در بخش مهمی از کتاب، نویسنده به شکل‌گیری مکاتب اجتهادی شیعه که برگرفته از تعالیم اهل بیت ﷺ است پرداخته و ضمن بیان ضرورت اجتهاد و شناسایی آسیب‌های پیش روی آن، گوشه‌هایی از تاریخ اجتهاد و مرجعیت شیعه و ویژگی‌های مکاتب اجتهادی تشیع را بیان کرده است. وی در همین خصوص، دیدگاه‌های مختلف در مورد مرجعیت شیعه، مانند: مسئله فتوا، ولایت، اعلامیت مرجع فقهی، اجتهاد در تقلید، رجوع به اعلم، عدم رجوع مجتهد به غیر خود در امور فقهی و دینی، مرجعیت ولایی، ولایت بر خمس، ولایت فقیه و... را بیان کرده است. در بخش پایانی کتاب، نویسنده به وضعیت کنونی مرجعیت شیعه پرداخته و اوضاع فکری، سیاسی آن را بررسی نموده است.

در همین راستا وی به فرقه‌های شیعه در عصر حاضر به ویژه شیعه امامیه و دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نشاط و تحرکات سیاسی آنان نسبت به سایر فرقه‌های شیعه و نقاط ضعف و قوت آنان اشاره نموده است.

الانموذج الاسلامی للتربية السياسية المعاصرة: تحلیل و مقارنۀ للتربية السياسية عند السنة والشيعة

محمد عبدالکریم حسن العتوم، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۳۵۲ صفحه، وزیری.

رویکردی تطبیقی نسبت به آموزه‌های سیاسی شیعه و اهل سنت است. در این اثر تفکرات سیاسی اهل سنت و شیعه در مورد مسئله خلافت، حکومت و مؤلفه‌های مهم سیاست و نسبت بین دین و دولت بررسی شده و دیدگاه‌های سیاسی آنان با هم مقایسه گردیده است.

نگارنده، نخست به بحث درباره اهمیت مسئله سیاست و حکومت در اسلام و ضرورت تحقیق مقارنه‌ای در این مورد پرداخته و سپس نوع نگاه اهل سنت به مسئله حکومت و چگونگی تعیین حاکم اسلامی و مشروعیت آن را تبیین کرده است. در این راستا وی به مسئله اجماع، شورا، بیعت و نظر اهل حل و عقد در مورد مشخص کردن امام و والی اشاره کرده و اعتقاد علمای اهل سنت مبنی بر اجماع صحابه بر خلیفه پس از پیامبر اکرم ﷺ را بررسی نموده است. وی اجماع، بیعت و شورا برای امامت و خلافت را باعث تقویت حکومت و اعتبار آن و نیز نزدیک‌تر به دموکراسی و مردمسالاری دانسته و بر این باور است که اگر امام و حاکم به غیر این صورت تعیین شود از استبداد و دیکتاتوری سر در خواهد آورد.

وی در همین راستا به وظیفه حکومت در تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز اشاره کرده و نسبت بین مردم و حکومت را از نگاه اهل سنت بررسی نموده است.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به دیدگاه‌های شیعه در مورد حکومت و امامت پرداخته و اصول مذهب تشیع (توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد) را به صورت مختصر شرح نموده و مؤلفه‌های اصلی سیاست نزد شیعه به ویژه مقوله امامت، عصمت، غیبت، مهدویت، ولایت (ولایت فقیه)، دولت، حاکمیت، امت اسلامی و حقوق و آزادی‌های سیاسی نزد سیاسیون شیعه را تبیین کرده است. وی در فصل بعدی کتاب موارد اتفاق و اختلاف در دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت را به صورت جداگانه بررسی نموده و اختلافات آنان در بحث امامت و خلافت و چگونگی تعیین امام و خلافت را ذکر کرده است. بیان برخی از مؤلفه‌ها، اصول و مبانی سیاست اسلامی در عصر کنونی، مانند: امر به معروف و نهی از منکر، شورا، عدل، مساوات، آزادی، دین و دولت، حقوق و وظایف رئیس دولت، امت اسلامی، قومیت‌ها و حقوق اقلیت‌های مذهبی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، تعدد احزاب، جایگاه سیاسی اجتماعی زن در جامعه اسلامی و حقوق بشر در دولت اسلامی از مباحث پایانی کتاب است.

الدفاع عن البلدان الاسلاميه دراسة فقهيه مقارنة

جواد فخار طوسی، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۳۴۸ صفحه، وزیری.

مقایسه‌ای بین دیدگاه‌های فقهی مذاهب مختلف اسلامی درباره ضرورت دفاع از کشورهای اسلامی است. در این اثر سعی شده است دیدگاه‌های مختلف فقهی و سیاسی علمای مسلمان در دفاع از اسلام در صورت وجود خطر مشترک برای کشورهای اسلامی و حفظ وحدت و تعامل مسلمانان در قبال دشمن مشترک و جهانی و نیز وحدت نظر این

علماء در وجوب دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی و جنگیدن در کنار هم در مقابل استکبار جهانی منعکس گردد. نویسنده، نخست به ضرورت دفاع از کیان اسلامی و زندگی مسالمت‌آمیز همه مسلمانان از همه مذاهب در کنار یک‌دیگر پرداخته و عدم وجوب جنگ ابتدایی علیه کفار و وجوب دفاع نظامی از کشور اسلامی و کمک به سایر کشورهای اسلامی برای دفاع از کشور خویش را بررسی نموده و دیدگاه‌های فقهی فقهای مسلمان را در این مورد بیان کرده است. وی تعریفی از دفاع، موضوع دفاع و موجبات آن ارایه نموده و ارکان آن را ذکر کرده است. آن‌گاه به نقش دفاع و تأثیر آن در برنامه‌های نظامی وضع شده توسط شارع مقدس پرداخته و ضرورت جنگ با کفار و اتخاذ سیاست‌های نظامی در برابر آنان را از منظر فقهی بررسی نموده است.

وی هم‌چنین به ضرورت آمادگی دفاعی همیشگی توسط کشورهای اسلامی اشاره نموده و لزوم مراقبت کردن از اوضاع جهان اسلام و کسب اطلاعات از اوضاع کفار و حیل‌ها و سیاست‌های خصمانه آنان نسبت به بلاد اسلامی را از دیدگاه فقه اسلامی تبیین کرده است. احکام و آداب دفاع و وظایف مجاهدان و رزمندگان اسلام از مباحث بعدی کتاب است که نگارنده در این مورد، اذن گرفتن از ولی امر و نقش او در دفاع، اولویت سیاست‌های دفاعی، شرایط پای‌بندی به معاهدات و پیمان‌نامه‌ها، حمله به شهرها و مناطق مسکونی را از نظر فقه اسلامی تشریح کرده است.

رعایت اخلاق اسلامی قبل از جنگ و هنگام جنگ با کفار، مانند: استمداد از قدرت الهی و خالص کردن نیت برای دفاع مقدس از کیان اسلامی، کسب آمادگی و نشاط جنگی برای رویارویی با کفار، رعایت عطفوت با اسرای جنگی، رعایت اصول انسانی در جنگ و داشتن روحیه ترحم در قبال دشمن و رعایت حقوق جنگی و انسانی و سایر امور اخلاقی که باید در جنگ آنها را رعایت نمود از مباحث پایانی کتاب می‌باشد.



ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقوی

عبدالرحمن الكواکبي (السيرة الذاتية)

سعد زغلول الكواکبي، بیروت، بسیان للنشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۹۹۸م، ۲۷۰ صفحه، وزیری.

مروری بر زندگانی، شخصیت و افکار عبدالرحمن کواکبی و دیدگاه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی او می‌باشد. در این اثر ابتدا به گوشه‌هایی از حیات عبدالرحمن کواکبی و تولد او و دوران تحصیل وی در کودکی و نوجوانی اشاره شده، آن‌گاه بخشی از خدمات علمی و فرهنگی و

اجتماعی وی از جمله تأسیس لجنه‌ها و گروه‌های علمی در شهر حلب و ایجاد نشاط علمی در این شهر منعکس گردیده است. نگارنده به اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی عبدالرحمن کواکبی نیز اشاره کرده و او را مردی دارای حلم، روحیه رفیق و مدارا، شجاع، متواضع، مهربان نسبت به فقرا و اهل خانواده و بسیار مزاح کننده معرفی کرده است. آن‌گاه به معرفی خاندان و خانواده عبدالرحمن کواکبی پرداخته و نسبت خاندان او را به شیخ صفی‌الدین اردبیلی مؤسس سلسله صفویه در ایران برگردانده است.

در ادامه، نویسنده فعالیت‌های علمی و اجتماعی عبدالرحمن کواکبی در دوران جوانی را منعکس کرده و نگاشتن مقاله و انتشار روزنامه و مجله و تألیف کتاب‌های متعدد را در این دوران توسط وی به تصویر کشیده است. نویسنده هم‌چنین به فعالیت‌های سیاسی و مناصب حکومتی عبدالرحمن کواکبی اشاره نموده و خدماتی را که وی در طول صدارت و ریاست بر امور مختلف حکومتی کواکبی بیان نموده است. در بخش‌های دیگری از کتاب، نگارنده به سفرهای متعدد عبدالرحمن کواکبی به کشورهای مختلف از جمله مصر و ملاقات‌های وی با علمای معروف زمان خویش اشاره نموده و بحث‌های علمی وی با این علما را منعکس کرده است. در بخش مهمی از کتاب، نویسنده به بررسی مهم‌ترین افکار سیاسی و اجتماعی عبدالرحمن کواکبی پرداخته و روح استبدادستیزی و آزادی‌خواهی و تلاش‌های وی جهت وحدت بین مذاهب و فرقه‌های مختلف اسلامی را برجسته نموده است. در همین راستا وی عقاید عبدالرحمن کواکبی در مورد امت واحده اسلامی تلاش‌های وی در جهت از بین بردن تعصبات قومیتی اعراب و جدا نگاشتن خود از سایر کشورهای اسلامی از جمله دولت عثمانی، فراخواندن سران و

اندیشمندان و دولت‌های اسلامی برای نزدیک شدن به یک‌دیگر و تشکیل جماهیر و دولت واحد اسلامی، تفکرات وی در مورد عدم جدایی دین از دولت و مناظرات وی با برخی از علمای هم‌عصر خویش در این مورد، اعتقاد وی مبنی بر عدم اتکا بر اجنبی غیرمسلمان در عقاید و سایر نیازهای علمی و اقتصادی و دیدگاه‌های وی در مورد مذاهب مختلف اسلامی را منعکس کرده است.

مسئله التقرب بين المذاهب الاسلاميه أسس و منطلقات

جمعی از اندیشمندان از مذاهب مختلف اسلامی، دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه، به کوشش: عبدالله العالیلی، بیروت، دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق، ۲۴۰صفحه، وزیرى. (نحو مجتمع اسلامی موحد)

مجموعه مقالاتی در مورد اصول و مبانی تقرب بین مذاهب اسلامی است که توسط پانزده تن از متفکران مشهور اسلامی از فرقه‌های مختلف نگاشته شده است. ابتدا داستان تقرب و شروع تفکر تقرب بین مذاهب مسلمان از دیدگاه شیخ شلتوت بیان شده، آن‌گاه مقاله‌ای از محمدحسین آل کاشف الغطاء با عنوان «بیان المسلمین» ارایه شده که در آن بر لزوم نزدیکی مسلمانان با یک‌دیگر و رفع اختلاف و تعصب دینی و فرقه‌ای تأکید شده است. «الی جماعه التقرب» عنوان مقاله بعدی است که توسط سید محمدصادق صدر نوشته شده و در آن از مجله «رساله السلام» به جهت طرح مباحث مربوط به وحدت و تقرب بین مذاهب تقدیر و به خاطر طرح برخی مسایل اختلافی نیز انتقاد شده است.

در ادامه مباحث و مقالات نیز موضوعاتی مانند وجوب تقرب و وحدت اسلامی با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام، مسئله تقرب بین مذاهب اسلامی در گذرگاه تاریخ، دیدگاه‌های شیخ الازهر در مورد وحدت بین مسلمانان، لزوم نزدیکی هرچه بیشتر کشورهای اسلامی، راه‌کارهای علمی تقرب بین مذاهب اسلامی، علت پیدایش اختلافات عقیدتی و فقهی بین گروه‌ها و فرقه‌های مختلف مسلمان، مانع نبودن اختلافات فکری و فقهی از رسیدن به وحدت و تقرب بین مذاهب اسلامی، اختلافات شایسته و ناشایسته بین علمای مسلمان، اصول کلی حاکم بر وحدت اسلامی و زندگی برادرانه مسلمانان در کنار یک‌دیگر، ارتباط بین وطن و اسلام و محور بودن اسلام برای کشورهای مسلمان، علم توحید به عنوان بستر مناسبی برای وحدت اسلامی و تقرب بین مذاهب اسلامی و بررسی برخی از نظریه‌ها و راه‌کارهای پیشنهادی برای تقرب بین مسلمانان و نقش جامعه الازهر و شیخ این جامعه در این مورد مطرح شده و اصول کلی و مهم وحدت و تقرب بین مذاهب اسلامی بررسی گردیده است.

الوحدة الاسلامیه ما لها و ما علیها

محمود حمدی زقزوق، بیروت، دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ۲۳۲صفحه، وزیرى. (نحو مجتمع اسلامی موحد)
مجموعه مقالاتی از برخی اندیشمندان اسلامی درباره راه‌کارهای وحدت و تقرب مذاهب اسلامی و موانع پیش روی آن است. در این نوشتار ابتدا مقدمه‌ای درباره امت واحد اسلامی و مبانی قرآنی و اسلامی آن ارایه شده و بر ضرورت وحدت مسلمانان و عدم اختلافات ریشه‌ای آنان با توجه به دستورات قرآن و سنت تأکید گردیده است. آن‌گاه مقالاتی از برخی استادان جامعه الازهر مصر و صاحب‌نظران علمی و دینی برخی

دیگر از کشورهای مسلمان درباره مبانی وحدت اسلامی در آموزه‌های قرآن و سنت ذکر شده که در آنها تبعات اختلاف و تفرقه مسلمانان از جهات مختلف اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی تجزیه و تحلیل گردیده است. از نظر این متفکران، قرآن و سنت به صورت مکرر از اختلافات و تفرقه نهی کرده و مسلمانان را به برادری و مهر و محبت و وحدت فرا خوانده و ریشه تعصبات مذهبی و قومی و قبیلیگی را در جهل و سفاهت افراد دانسته است.

ایشان در قسمت‌هایی از این مقالات، اسلام را دین وحدت و یک‌دلی و مسلمانان را یک واحد دانسته و علت پیدایش اختلاف در عقاید دینی و فروع فقهی را بررسی نموده‌اند. در برخی از مقالات، راه‌های رسیدن به وحدت و تفاهم بین مسلمانان و نزدیک شدن عقاید و قلوب آنان به یک‌دیگر بررسی گردیده و بر وحدت آنها حول محور فرهنگ و تمدن مشترک اسلامی تأکید شده است.

هم‌چنین در این مقالات، امت واحد اسلامی و فرهنگ واحد اسلامی با یک‌دیگر مقایسه شده و قومیت‌گرایی نفی گردیده و همه مسلمانان عضو یک جامعه بزرگ به نام اسلام و جامعه اسلامی خوانده شده‌اند. اخوت و برادری زیر سایه اسلام، مدار و گستره وحدت اسلامی از نظر سیاسی، معرفی دعوت کنندگان به تفرقه و اختلاف بین مسلمانان، تلاش برای رسیدن به وحدت مذاهب، لزوم برخورد عقلانی و نه عاطفی با مسئله وحدت و تقرب مذاهب اسلامی و عناصر تشکیل دهنده وحدت مسلمین از دیگر عناوین و موضوعات مطرح شده در مجموعه مقالات این نوشتار می باشد.

التقرب بين المذاهب الاسلاميه

(الجزء الاول) بحوث الندوة التي عقدتها المنظمه الاسلاميه للتربية والعلوم والثقافة (ايسيسكو) بالرباط في الفترة من ۷ الى ۹ ربيع الاول ۱۴۲۱ ق/ ۱۶ - ۱۸ سبتمبر ۱۹۹۱ م.

محمد توفیق ابوعلی روحی طعمه (تدوین)، بیروت، دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، المنظمه الاسلاميه للتربية والعلوم والثقافة (ايسيسكو)، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ۹۰ صفحه، وزیری.

جلد اول مجموعه مقالاتی درباره وحدت مذاهب اسلامی و راه کارهای تقرب بین آنهاست که در گردهمایی برخی از اندیشمندان شیعه و اهل سنت در سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی (ايسيسكو) در رباط پایتخت مراکش ارایه گردیده است. در این نوشتار که در دو جلد تهیه شده است، نخست آداب تعامل فکری و گردهمایی اندیشمندان مسلمان از فرقه‌های مختلف اسلامی و سپس آثار و تبعات منفی اختلاف و اختلاف مذموم و ممدوح، هم‌چنین اختلافات فرقه‌ای و مذهبی غیرجایز و اختلافات فکری و فقهی جایز برشمرده شده است. آن‌گاه علت اختلاف‌های موجود بین ائمه مذاهب مختلف در فقه، مباحث اعتقادی، اصول تشریح، اجماع و اجتهاد بررسی شده است. در ادامه، مقاله‌ای از آیت الله محمدعلی تسخیری در مورد ضرورت تفاهم حول محور اصول فقه برای رسیدن به تقرب بین مذاهب اسلامی ارایه شده و علت‌های مهم اختلاف بین مسلمانان بررسی گردیده است.

در بخش دیگری از نوشتار حاضر، اهمیت مذاهب فقهی اسلامی و نقش آن در وحدت و تقرب مذاهب در مقاله‌ای از محمد سعید رمضان البوطی مطرح شده که در آن ضمن بیان معنای مذاهب فقهی، به عوامل پیدایش این مذاهب و آفات پیش روی آنها نیز اشاره شده است. اجتهاد نزد زیدیه نیز عنوان مقاله‌ای از القاضی اسماعیل بن علی الاکوع است که در پایان جلد اول این نوشتار ارایه گردیده است.

التقريب بين المذاهب الاسلاميه

(الجزء الثاني) بحوث الندوة التي عقدتها المنظمة الاسلاميه للتربية والعلوم والثقافة (ايسيسكو) بالرباط في الفترة من ۱۲ الى ۱۴ ربيع الثاني ۱۴۲۷ ق / ۲۷ - ۲۹ اغسطس ۱۹۹۶ م.

محمد توفيق ابوعلی روحی طعمه (تدوین)، بیروت، دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، المنظمه الاسلاميه للتربية والعلوم والثقافة (ايسيسكو)، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ۳۰۰ صفحه، وزیری.

جلد دوم مجموعه مقالاتی درباره وحدت مذاهب اسلامی و راه کارهای تقرب بین آنهاست که در گردهمایی برخی از اندیشمندان شیعه و اهل سنت در سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی (ايسيسكو) در رباط پایتخت مراکش ارایه گردیده است. در این جلد مقالات دیگری به شرح ذیل ارایه گردیده است: ابتدا مقاله‌ای درباره ادله اجتهادی مربوط به تقرب بین مذاهب اسلامی آمده

است که در آن مبانی عقلی و نقلی اتحاد مسلمین و ضرورت آن مطرح شده و اصول لفظیه و عملیه مربوط به تقرب بین مذاهب اسلامی تبیین گردیده است، سپس مهم‌ترین ادله فقهی اعم از کتاب، سنت نبوی، سیره اهل بیت و صحابه، اجماع، قیاس، استحسان عقل، مصالح مرسله، سد ذرائع و فتح ذرائع نزد اهل سنت و شیعه امامیه به صورت تطبیقی در ضمن مقاله‌ای بررسی گردیده است. در مقاله بعدی به بحث درباره شرط زنده بودن مجتهد برای تقلید کردن از او از نظر شیعه امامیه و اهل سنت پرداخته شده است.

شرح برخی از اصطلاحات اصول فقه، قواعد تفسیر نصوص شرعی اعم از قرآن و سنت و تأثیر آن در تقرب بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی، احکام مهریه و تشریح آن در مذاهب مختلف شیعه و اهل سنت، تحقیق پیرامون روایت نبوی «ائمه علیهم السلام شیعه دوازده نفر هستند» در کتاب‌های اهل سنت، تعامل ولی امر با اختلافات فقهی، اهمیت کتابت تاریخ اسلامی و نقش آن در تقرب بین مذاهب اسلامی، وحدت سیاق کتاب‌های تاریخ اسلامی از نظر روش بحث، مبانی اساسی فکری و عملی در وحدت مذاهب اسلامی، دیدگاه‌های مختلف در مورد تقرب مذاهب، تأثیر تقرب بین مذاهب فقهی بر اجتماع، فرهنگ، اقتصاد و سیاست اسلامی، وحدت اسلامی از نظریه تا واقعیت و نقش تبلیغات در وحدت بین مذاهب اسلامی از دیگر مقالات مندرج در مجلد دوم از این کتاب است.

على دروب التقريب بين المذاهب الاسلاميه و نائق ندوة كلية الشريعة و الدراسات الاسلاميه (جامعه قطر)

نویسندگان، بیروت، دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ۱۵۶ صفحه، رقی.

مجموعه مقالاتی در مورد راه کارهای تقرب بین مذاهب اسلامی از نظر مباحث فقهی، کلامی و قرآنی است. در این پژوهش چهار مقاله در مورد ضرورت نزدیک شدن مذهب فقهی اسلامی برای رسیدن به وحدت اسلامی، مباحث اعتقادی شیعه و اهل سنت، موضع شیعه امامیه در مورد

قرآن کریم و موضع‌گیری ابن تیمیه درباره شیعه مطرح و دیدگاه‌های شیعه در مورد توحید، امامت و معاد تبیین گردیده و اتهامات وارد شده بر شیعه پاسخ داده شده است، در مقاله اول با عنوان «منهج التقارب بين المذاهب الفقهيه من أجل الوحدة الاسلاميه» تألیف محمد الدسوقي ابتدا به فراز و نشیب‌های مذاهب فقهی اسلامی و سرگذشت علم فقه در بلاد اسلامی پرداخته شده و تغییراتی را که فقه از زمان صحابه و تابعین تا زمان حاضر به خود دیده و مذاهب فقهی گوناگون از آن انشعاب شده است بررسی

گردیده است. آن‌گاه به وجود برخی از تعصبات مذهبی در مسایل فقهی و آثار منفی این قبیل تعصبات بی‌جا در جوامع اسلامی پرداخته شده و از تعصب به عنوان مانع بزرگ آزادی فکری و رشد علمی یاد گردیده است. سپس به مفهوم تقریب بین مذاهب اسلامی و راه‌کارهای تحقق آن بین مذاهب فقهی اسلامی اشاره شده و اختلاف و درگیری عامل ضعف جهان اسلام و عقب‌ماندگی مسلمانان دانسته شده است. در مقاله بعدی با عنوان «التقريب بين المذاهب الاسلاميه الكلامية» تألیف محمد عبدالرحیم السایح درباره راه‌کارهای تقریب بین مذاهب اسلامی در مباحث اصول دین بحث شده و امکان رسیدن به وحدت عقیدتی بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت و عقلانیت تجزیه و تحلیل کلامی گردیده است. «موقف الشیعه الامامیه من کتاب الله» تألیف عائشه یوسف المناعی عنوان مقاله بعدی است که در آن تهمت تحریف قرآن به تشیع مورد نقد قرار گرفته و دلایل عدم تحریف قرآن از منظر قرآنی و روایی و سیره علمای شیعه در مورد عدم قول به تحریف قرآن منعکس شده است. در این مورد نگارنده سخنانی از علمای بزرگ شیعه در مورد سلامت قرآن از تحریف نقل کرده و ادعای تحریف و نسبت دادن آن به شیعه را بی اساس دانسته است.

در مقاله پایانی با عنوان «موقف بن تیمیه من الشیعه دراسة مقارنة» تألیف یوسف محمود محمد الصدیقی دیدگاه‌های افراطی این‌تیمیه در مورد شیعه از منظر صاحب‌نظران شیعه و اهل سنت مقایسه شده و تفسیر شیعه از توحید، امامت و معاد با رویکردی منصفانه منعکس گردیده و اتهامات این‌تیمیه به شیعه در این موارد نقد شده است.

وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

یحیی صفوی؛ گروه محققان: علیرضا فرشچی، محمد حسینی مقدم، مریم صنیع اجلال، مصطفی مهرورزی، سید حمزه صفوی، [به سفارش] مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، تهران، انتشارات شکیب، چاپ اول، ۱۳۸۷، ۴۰۰ صفحه، رقی (مجموعه مطالعات جهان اسلام: ۱)

این کتاب نتیجه تلاشی نظری و تا حدی کاربردی در مورد تحقق آرمان وحدت کشورهای اسلامی است که انگیزه اصلی تألیف آن، فهم، تبیین و تولید محتوا در خصوص وحدت جهان اسلام می‌باشد. کتاب حاضر از چهار فصل تشکیل شده است:

فصل اول به مباحث نظری در مورد وحدت جهان اسلام و انواع آن و نیز ریشه‌یابی و شکل‌گیری اختلافات در جهان اسلام اختصاص یافته است. در فصل دوم قلمرو موضوعی و مفهومی جهان اسلام از

رویکردهای مختلف و نیز عوامل توانمندساز جهان اسلام برای دست‌یابی به وحدت بررسی شده است. در فصل سوم ضمن بررسی مبانی، از مفهوم هم‌گرایی، عوامل مؤثر در هم‌گرایی و واگرایی جهان اسلام بحث شده است و سرانجام در فصل آخر، با اتکا به مطالعات نظری انجام شده در فصل‌های قبلی و نیز دانش آینده‌اندیشی در چارچوب مدل ادراکی پیشنهاد شده، آینده پیش روی جهان اسلام بررسی شده است. ترویج ادبیات هم‌گرایی و انسجام با تأکید بر موضوع وحدت اسلامی از دیگر رویکردهایی است که تلاش شده است در این کتاب تا حد امکان بسط و توسعه یابد.

فهرست و مطالب مندرج در کتاب عبارت است از: مقدمه، فصل اول: مقدمه نظری وحدت جهان اسلام، اهمیت ترسیم چشم‌انداز در اسلام، وحدت جهان اسلام، امت واحده، مبانی مکتبی وحدت، مبانی عقلایی وحدت، وحدت در جهان اسلام، انواع وحدت، ملاک‌های وحدت در نظام بین‌الملل، مبانی وحدت اسلامی، ریشه اختلاف کشورهای اسلامی، پیشینه تاریخی تفرقه در جهان اسلام، علل درونی تفرقه در جهان اسلام، علل بیرونی تفرقه در جهان اسلام، تهاجم سیاسی فرهنگی به منظور فروپاشی قدرت اسلام.

فصل دوم، جهان اسلام: قلمرو موضوعی و مفهومی، رویکرد حقوقی، گونه‌شناسی کشورهای اسلامی بر اساس حقوق اساسی و نظام سیاسی، رویکرد فقهی، مفاهیم دارالاسلام از منظر فقهی، عوامل توانمندساز جهان اسلام برای دست‌یابی به وحدت، موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی، جغرافیای انسانی جهان اسلام، موقعیت ژئوپلیتیکی برتر جهان اسلام، موقعیت ژئواستراتژیکی جهان اسلام، ویژگی‌های جمعیتی جهان اسلام، موقعیت ژئوکالچر جهان اسلام.

فصل سوم: هم‌گرایی در جهان اسلام، هم‌گرایی، تعریف و مفهوم هم‌گرایی، نظریه‌ها و رهیافت‌های هم‌گرایی، هم‌گرایی از دیدگاه فلسفه سیاسی، کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، هم‌گرایی سیاسی، هم‌گرایی اقتصادی، هم‌گرایی اجتماعی، فدرالیسم، فراملی‌گرایی، رهیافت ارتباطات، هم‌گرایی بر مبنای اجتماع امنیتی و هویت مشترک، عوامل مؤثر در ایجاد هم‌گرایی: الف) عوامل دینی و فرهنگی؛ ب) عوامل سیاسی؛ ج) عوامل جغرافیایی؛ د) عوامل اقتصادی؛ ه) عوامل امنیتی دفاعی؛ و) ایجاد سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، عوامل مؤثر در ایجاد واگرایی: الف) اختلافات ارضی و مرزی؛ ب) ناسیونالیسم و نژادگرایی؛ ج) تنوع نظام‌های سیاسی؛ د) بی‌ثباتی سیاسی و رقابت‌های منفی؛ ه) وابستگی برخی کشورهای اسلامی به قدرت‌های بیگانه، عوامل مقوم هم‌گرایی: الف) لزوم وجود یک یا چند رهبر قدرتمند؛ ب) ضرورت وجود یک یا چند دولت قدرتمند؛ ج) لزوم وجود سازمان یا نهاد فراگیر، کانون‌های هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام: الف) هم‌گرایی؛ ب) واگرایی، فصل چهارم: آینده هم‌گرایی جهان اسلام، آینده‌اندیشی به مثابه علم، کشف و پردازش چشم‌انداز آینده، فرایند برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، اهمیت مطالعه آینده در اسلام، چشم‌انداز آینده جهان اسلام، ارائه مدل مفهومی و

ب) سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقوی

راهبردی، آینده هم‌گرایی اقتصادی، چالش‌ها و فرصت‌های فراروی هم‌گرایی اقتصادی، راهبردهای هم‌گرایی اقتصادی، سناریوی مؤثر در هم‌گرایی اقتصادی، آینده هم‌گرایی فرهنگی، راهبردهای هم‌گرایی فرهنگی، آینده هم‌گرایی مذهبی، چالش‌ها و فرصت‌های فراروی هم‌گرایی مذهبی و مذهبی، راهبردهای هم‌گرایی مذهبی، چالش‌های فراروی هم‌گرایی مذهبی، آینده هم‌گرایی سیاسی، چالش‌ها و فرصت‌های هم‌گرایی سیاسی، راهبردهای فراروی هم‌گرایی سیاسی، آینده هم‌گرایی امنیتی. در پایان کتاب، ضمایم شامل: الف) بیانات رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی؛ ب) پیش‌نویس منشور وحدت اسلامی؛ ج) اطلاعات پایه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، فراهم آمده است.



خلاصه المقالات

التوازن بين الخصوصيات الفردية والمحلية وبين المصالح العامة للامة فى الخطاب الاسلامى

آية الله محمد على التسخيرى^١

ان للاسلام اساليب جذابة فى باب الخطاب المنطقى والبناء فى تاريخ الفكر البشرى، وقد استعرض المقال الخطاب الاسلامى الذى يلامس الحوار التبليغى والاعلامى للمفكرين الاسلاميين، ويخاطب فى الوقت نفسه الثقافة الاسلامية والعقل الجمعى، الى جانب بيان المكانة الحضارية للامة الاسلامية، كما تناول بمشرح النقد والتحليل الحركة الاعلامية للمفكرين الاسلاميين بهدف التوصل الى خطاب دينى متوازن وواقعى وعقلى ومتكيف مع الاوضاع الجديدة.

الكلمات الدليلية: الخطاب الاسلامى، الامة الاسلامية، الخطاب الاعلامى و التبليغى، الخطاب الدينى.

١- الامين العام للمجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلامية

المهدى فى الروايات المعتبرة للفريقين

غلام محمد فخر الدين^١

لاشك ان العقيدة المهدوية هى جزء من مسلمات المذاهب الاسلامية، انما الاختلاف فى المصداق فقد تعددت الاقوال عند أهل السنة بشأن روايات الخلفاء الاثنى عشر، الا ان البحث والتنقيب فى روايات الفريقين يسوقنا الى هذه الحقيقة، وهى ان مراد الروايات من الخلفاء الاثنى عشر هم الائمة الاثنى عشر للشيعة. وان المهدى هو سمي رسول الله وابوه هو الامام الحسن العسكرى من اولاد فاطمة ومن ابناء الامام الحسين عليه السلام. وقد يظهر من بعض روايات اهل السنة ان اب المهدى (عج) هو سمي اب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.

الكلمات الدليلية : الامام المهدى(عج)، الصحاح الستة، مصادر الشيعة، الخلفاء الاثنى عشر، الحسن العسكرى عليه السلام، الشيعة، أهل السنة، الفريقين، الروايات.

١-دكتوراه فى التفسير المقارن.

البحث فى جواز بيع المسجد وممتلكاته فى الفقه المقارن

عمر سلطان آذر^١

الوقف عبارة عن حبس عين المال وتسييل المنفعة، ومن الاصول المهمة الحاكمة على الوقف هو أصل عدم نقل ملكية العين الموقوفة، الا انه يرد استثناءات على هذا الاصل حيث جوز الفقهاء بيع الاموال الموقوفة اذا تعذر الاستفادة منها او أدت الى النزاع والشقاق والمخاصمة او تفويت غرض الواقف، اعتقادا منهم ان بيع هذه الاموال او استبدالها بهدف تحقيق غرض الواقف للحيلولة دون تضييعها والاستفادة المثلى منها.

كما يستكشف من عبارات الفقهاء ان اعمال اصالة عدم النقل والانتقال تجرى فى الاوقاف العامة، وبناء على ذلك فقد ذهب جمهور فقهاء المذاهب الاسلامية سوى الحنابلة الى عدم جواز بيع المسجد الذى هو من الاوقاف العامة، وقد جوز بعض الفقهاء بيع الموقوفات للصالح العام الا ان اغلب هؤلاء قد ابدوا نوعا من المرونة حين بيع الاوقاف الخاصة وممتلكات المسجد باعتبارها من الاوقاف العامة، وما يورد من استثناء على اصل عدم بيع الاموال الموقوفة فهو ناظر الى الوقف الخاص.

الكلمات الدليلية : بيع المال الموقوف، الوقف العام، المسجد، ممتلكات المسجد.

١-ماجستير فى الفقه المقارن والحقوق الاسلامية

ابو الفضل كاوندى كاتب^١

ميثم ميرزائى^٢

محمد طاهر اقبالى^١

تعد الوحدة الاسلامية التى تمثل التقارب والانسجام فى عالم الاسلام، من أهم استراتيجيات العودة الى سالف مجد الاسلام وعزته وعظمته وقدرته وشوكته، وقد استحوذت على اهتمام الكثير من المفكرين الاسلاميين لاسيما الشهيد اسماعيل البلخي الذى كان يمتلك رؤية ثاقبة حيال الوحدة، فقد دعا الى احياء الاخوة الدينية فى افغانستان عبر بسط محاورها والياتها والعقبات التى تواجهها ومضاعفاتها.

الكلمات الدليلية: الوحدة الاسلامية، اسماعيل البلخي، القران، العالم الاسلامى، افغانستان.

طرحت العولمة بالحاح مع اضمحلال نظام القطبين وانتهاء الحرب الباردة، وتربعت على مكانة متميزة من بين المباحث المتعلقة بالسياسة والعلاقات الدولية والجيوبوليتيك و علم الاجتماع، هذه الظاهرة بصدد ايجاد عالم يحكمه نظام قطبي أحادى يسوده الفكر الليبرالى الديمقراطى الغربى فى المجالات الاقتصادية والثقافية والسياسية والاجتماعية.

وفى هذا السياق تستعين السلطات بوسائل اعلام مختلفة لنشر العولمة وتاصيلها، ومن اهم هذه الوسائل هى الفضاء المعلوماتى سايبير الذى راح يخترق الحدود الجغرافية وينتشر فى المجتمعات كافة عبر امكانيات اعلامية سريعة ورخيصة وجذابة.

ويعتبر الاسلام - بما يمثله من هوية ثقافية وتاريخية مستقلة - العولمة تحديا مهما من جانب الغرب واخذ يقاوم تأثيراتها ويحد من سراية نفوذها الى المجتمعات الاسلامية، كما اخذ ينشر قيمه من خلال الانتفاع من وسائل العولمة، ومع تزايد عدد مستخدمى الانترنت فى البلدان الاسلامية اصبح فضاء سايبير يمثل تهديدا وفرصة.

وقد اتبع هذا المقال المنهج التحليلى والوصفى مع الاستفادة من المصادر المكتبية لبيان الابعاد المختلفة للعولمة ودور فضاء سايبير فى التأثير على الراى العام فى العالم الاسلامى من الزاوية الجيوبوليتيكية، وفى هذا الاطار طرح هذا السؤال: ما هى التأثيرات التى تركتها العولمة على ثقافة العالم الاسلامى.

الكلمات الدليلية: العولمة، الاسلام، الفضاء المعلوماتى سايبير، الجيوبوليتيكية والثقافة.

١- كاتب و محقق.

٢- كاتب و محقق.

١- ماجستير فى الكلام الاسلامى، وباحث ومحقق

دور الشهيد ماموستا شيخ الاسلام
في التقريب بين المذاهب الاسلامية

رحمان غريبي^١

ظهرت مفردة التقريب في القرن الماضي وحلت محل مفهوم الوحدة بين المذاهب في دنيا الاسلام. وقد شهد التقريب طول التاريخ تقلبات حادة وعانى انحرافا في بعض الاحيان واثبت فاعليته في احيان اخرى.

وكان على الدوام مبعث ياس واحباط اعداء الاسلام الذين بذلوا كل ما في وسعهم من اجل اخماد نداء كل موحد ينشد الحرية اينما علا في هذه المعمورة، هذا وقد اطلق الشهيد الحاج ماموستا شيخ الاسلام نداء التقريب في العصر الحاضر حيث كان ذا بصيرة وفهم عميق حيال قضية التقريب بين المسلمين والتحديات التي تواجهها وكان يحمل هواجس فكرية وعلمية ازائها.

استعرض هذا المقال بنحو موجز مواقف الشهيد حيال التقريب بين المذاهب الاسلامية. والهدف وراء كل ذلك الوقوف على الجهود الدؤوبة التي بذلها الشهيد في هذا السبيل.

والمنهج المتبع في هذا المقال هو منهج وصفى تحليلي من خلال جمع العينات والمشاهدة، وعليه نتطرق اولا الى حقيقة التقريب بين المذاهب والاهداف المرسومة له ونبذة تاريخية عنه والتحديات والفرص، ثم نعرض على الدور المؤثر للشهيد شيخ الاسلام في هذا الصدد.

الكلمات الدليلية: التقريب بين المذاهب، محمد شيخ الاسلام، الوحدة، اهل السنة و كردستان.

١- محقق و كاتب.

١٩٦

اليمن (٣)

من الحاكمة السياسية الى العلاقات مع جمهورية ايران الاسلامية

ع.ر. أمير دهي^١

وردت المباحث التاريخية والجغرافية لليمن في الاعداد الماضية، في هذا المقال سوف نستعرض الوضع الحالي لهذا البلد.

ومن جملة المباحث التي تطرق اليها هذا المقال، مبحث ماهية النظام السياسي الحاكم على اليمن والمشكلات والازمات التي يعانها النظام الحاكم، وعلاقة الايرانيين بأهل اليمن في الماضي السحيق، وعلاقات الجمهورية الاسلامية الايرانية بجمهورية اليمن في العقود الماضية لاسيما في العقود الثلاثة الاخيرة، وايضا افاق الانشطة الثقافية بين البلدين.

الكلمات الدليلية: الهيكل السياسي، جمهورية اليمن، على عبد الله صالح، جمهورية ايران الاسلامية، العلاقات السياسية و الثقافية.

١- محقق و كاتب.

١٩٧

Yemen (3)

Political ruling and relation with Islamic Republic of Iran

By: A.R. Amirdehi¹

Abstract:

History and geography of Yemen were dealt with in the former parts; this paper shortly addresses the current situation of Yemen. The paper briefly assesses such aspects as the basis of the current regime, current problems and crises in the state, relation of Iranians and Yemenis in distance past and during last three decades, as well as the grounds for Iran-Yemen cultural activities.

Keywords: Political structure, Republic of Yemen, Ali Abdullah Salih, Islamic Republic of Iran, cultural-political relation.

¹ - Resercher and Author.

Alameh Shahid Syed Ismail Balkhi and strategy of Islamic Unity

By: Muhammad Tahir Igbali¹

Abstract

The best strategy and most important way of returning Islamic power and greatness is through Islamic unity, cohesion and cooperation in the world of Islam. This issue has constantly attracted attention of several Muslim thinkers. Alameh shahid Syed Ismail Balkhi is one of the thinkers who always endeavored to revive Islamic cohesion in Afghanistan and assessed and clarified the strategies, barriers and outcomes of such cohesion and unity.

Keywords: Islamic unity, Ismail Balkhi, the Quran, World of Islam, Afghanistan.

1- MA in Islamic Theology, researcher and author.

Role of Shahid Mamusta Sheikh Al-Islam in proximity of Islamic religions

By: Rahman Gharibi¹

Abstract

During the last century the phrase “unity” among Muslims and Muslim world has been replaced with “proximity”.

The proximity of religions has faced some challenges; in some occasions it has been deviated and in other times it has functioned well.

Since the notion of proximity has constantly disappointed the enemies, they monitor relevant movements of Muslims continually. They have tried to suppress Muslims’ call for freedom anywhere it occurs in the world. Meanwhile and during the present time, one of the individuals who had an in-depth understanding and wisdom about (disunity of Islam world) and prospective challenges was the Late Shahid Haj Mamusta Muhammad Sheikh Al-Islam who focused his attention and endeavor toward proximity of Islamic creeds.

The present paper intends to briefly assess the role of the great martyr in proximity among Islamic sects. The chief objective of such assessment is to get to know his constant efforts for achieving religious proximity.

The research methodology is analytical-descriptive conducted through desk-based and observation (Taheri, 1380, Sh.), in effect, such aspects as (nature, goals, history, challenges, opportunities) are analyzed and then the effective part of Shahid Sheikh Al-Islam is probed in the research.

Keywords: proximity among religions, Muhammad Sheikh Al-Islam, Unity, tradition, and Kurdistan.

1- Researcher and author.

Assessing the religious decree of selling mosque and its belonging according to Contemporary Jurisprudence

By: Omar Soltani Azar¹

Abstract

Vaqf (religious endowment in Islam), is defined as seizing property and devoting the profit of it. One of the principles applied to Vaqf is the principle of non-transferability of the endowed property; however, the religious authorities give permission for selling the endowed property when such are not usable as they were in the time of endowment or when the property causes dispute or when the purpose of the endowing person is not met. The religious authorities believe that by selling the endowed property or preferably replacing it with something equal, the purpose of the endowing person can be fulfilled, the property will not be wasted and it will be effectively used as well. The principle of non-transferability, as understood from the sayings of religious authorities, is mostly applied to common endowments; accordingly the majority of religious authorities in Islamic creeds except Hanaballe, do not permit selling of mosque which is classified as common endowment; only some of the authorities permit selling of endowed property which are to be used as public utility, but most of them show more flexibility for selling special endowed properties and mosque's belongings as an instance of common endowed property. The religious authorities often permit to apply the exceptions for non-transferability of endowed properties- such as deficiency of endowed property- for common endowments to be applied on special endowments as well.

Keywords: Selling endowed property, common endowment, mosque, mosque's.

1- MA in Contemporary Jurisprudence and Islamic Private Law.

Globalization, Islam and Cyber Environment

By: Abulfadl Kavandi Kateb¹ and Meitham Mirzayee²

Abstract

With collapse of two super powers and end of the so-called 'cold war', globalization appeared seriously and found its special place in such fields as politics, international relationship, geopolitics, and sociology. Globalization intends to create a standardized world ruled by a particular model dominating such fields as economic, cultural, political and social; with western liberal democrat as its theoretical foundation.

Accordingly, the super powers take advantage of different media to promote and expand globalization. One of the major tools among other media is cyber environment. This environment is transposing geographical borders and expanding among different communities with fast, cost-effective and attractive communication capacity. Islam-with its cultural-historical autonomy- considers 'globalization' as a major challenge imposed by west and intends to resist against its effects, prevent its influence in Islamic societies and at the same time disseminate Islamic values in order to globalize them. As the volume of internet users is increasing in Islamic countries, the cyber environment can be both a threat and an opportunity. The present article-with an analytical-descriptive and desk-based and internet approach intends to assess and clarify various dimensions of globalization and the role of cyber environment as a substantial means in terms of its geopolitical impact on the world of Islam. Within this framework the chief question is the influences of globalization on the cultural of Islamic world .

Keywords: globalization, Islam, cyber environment, geopolitics, culture

1- Researcher and Author.

2- Researcher and Author.

Balance between personal, regional and common good of nation in ‘Islamic dialogue’

By: Ayatollah Sheikh Muhammadali Taskhiri ¹

Abstract

In the history of Islam exists interesting methods for establishing a rational and constructive dialogue. This article argues about the kind of Islamic dialogue used by Muslim thinkers as the disseminating medium and addressing Muslims’ culture and intellect clarifying position of Muslim’s civilization among other civilizations. The paper also critiques the relevant thinkers’ disseminating methods for achieving a balanced, rational, flexible and wisdom-based religious dialogue.

Keywords: Islamic dialogue, Islamic nation, dissemination and medium dialogue, religious dialogue

1- Secretary General of the World Assembly for Proximity of Islamic Religions.

Imam Mahdi (a.s) According to Authentic Rewayat of Fariqin (Hadith of Ethna-Ashar and Mahdavi genealogy)

By: Golam Muhammad Fakhr Al-Din¹

Abstract

Believing in Mahdaviat is a definite part of Islamic religions and the existing disagreements concerning the issue are only about its reference. The Sunnis have several Rewayat concerning the twelve caliphs; after assessing the Rewayat of Fariqin and their quotes, we reach the conclusion that the Rewayat mentioning twelve caliphs refer to the twelve Shiite Imams. Some of the Sunni traditions say that the name of Imam Mahdi’s (a.s) father is the same as the Prophet’s (s.a) father name, but after assessing the Fariqin’s Rewaayt, we realize that Imam Mahdi’s (a.s) name is the same as the Prophet’s (s.a) name and his father is Imam Hassan Asgari (a.s) who is one of the grandsons of Hazrat Fateme (s.a) and one of the children of Imam Hussein (a.s).

Keywords: Imam Mahdi, Sahah Sette, Shiite resources, twelve Caliphs, Hassan Asgari, Shiite, Sunni, Fariqin, Rewayat

1- PhD in Comparative Commentary.

ABSTRACT

In The Name Of God